



فصلنامه توسعه و عمران شهری

- ۱ تبیین عوامل مؤثر بر ارتقاء حکمروایی خوب شهری در شهر شیراز
احسان حیدرزاده، مجتبی آراسته، الناز رفیعی
- ۱۷ امکان‌سنجی تحقق پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد TND
(نمونه مطالعاتی: خیابان مدرس شهر کرمانشاه)
مهین نسترن، آرزو جمشیدی شیخی آبادی، مجتبی لرزنگنه
- ۳۷ طراحی کاشت درختان و مسیرپایی برای فضای باز دانشگاهی: نحو فضا به عنوان ابزار ارزیابی طراحی منظر
(نمونه موردی دانشگاه علم و صنعت ایران)
معصومه چاروسایی، محسن فیضی، مهدی خاک زند
- ۵۳ ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی
(مورد پژوهی: شهر ساحلی منجیل)
فرزانه دهقانی گیشی، سوده نورمحمدی، میلاد بابایی الیاسی، نرجس سادات برکباف
- ۷۱ قیاس تطبیقی کیفیت‌های فضایی پیاده‌روهای خیابان تجاری با تأکید بر آسایش زنان
(مورد پژوهی: خیابان مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه)
فائزه طاهری سرمد
- ۱۰۳ بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان
معصومه کرمانشاهی، سیدعلی هاشمیان فر، فریدون وحیدا



- موضوعات نشریه در زمینه پژوهش در معماری، شهرسازی و مطالعات بین رشته‌ای توسعه پایدار شهری می‌باشد.
- مقاله‌های ارسالی نباید قبلاً در هیچ نشریه‌ای به چاپ رسیده و یا همزمان برای نشریه دیگری فرستاده شده باشند.
- مقاله‌ها باید به زبان فارسی و با رعایت اصول و آیین نگارش این زبان باشند.
- تأیید نهایی مقاله‌ها برای چاپ در نشریه، پس از نظرات داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
- مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش محتوای مقاله‌ها آزاد است. مقاله‌های دریافتی بازگردانده نخواهند شد.
- مقاله‌ها باید حاصل کار پژوهشی نویسنده و یا نویسندگان (Research Paper) باشند.
- مقاله باید دارای بخش‌های عنوان، نویسندگان، چکیده، کلمات کلیدی، مقدمه، روش تحقیق، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع باشد.
- صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، عنوان (رتبه علمی)، آدرس، تلفن، نمابر و پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان) باشد. همچنین چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی یا رساله و همکاران نیز در صفحه اول درج گردد. صفحه دوم باید بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه‌های کلیدی باشد.
- عنوان نوشتار باید کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتویات نوشتار باشد.
- واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده و بین ۳ تا ۵ کلمه نوشته شود.
- مقاله‌ها باید دارای چکیده فارسی و انگلیسی باشند. چکیده مقاله باید شامل بیان مسأله، هدف، چگونگی پژوهش، موضوعات مقاله و یافته‌های مهم و نتیجه باشد. این بخش باید به‌تنهایی بیان‌کننده تمام مقاله و به‌ویژه نتایج به‌دست آمده باشد. اندازه چکیده فارسی و چکیده انگلیسی حدود ۲۵۰-۳۰۰ کلمه است.
- جهت تایپ متن مقاله و عنوان قسمت‌های مقاله از قلم (فونت) B Zar و (سایز) ۱۲ استفاده شود.
- در صورت نبودن معادل فراگیر فارسی برای واژه خارجی، آن را به زبان فارسی نوشته و اصل واژه به‌صورت Footnote با قلم Times New Roman با ضخامت ۱۰ آورده شود.
- تعداد صفحات مقاله بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه A4 (با درج شماره صفحه)، فاصله بین خطوط ۱ سانتی‌متر، حاشیه صفحات از بالا ۳ سانتی‌متر، پایین ۲ سانتی‌متر و طرفین ۲/۵ سانتی‌متر باشد.
- روش ارجاع‌دهی و تنظیم منابع برگرفته از شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (APA) است.
- نتیجه نوشتار باید به گونه‌ای منطقی و مفید که روشن‌کننده بحث و ارائه یافته‌های تحقیق باشد، ارائه گردد.
- در بخش تشکر و قدردانی، راهنمایی و کمک‌های دیگران یادآوری شده و به‌طور خلاصه از آن‌ها سپاسگزاری می‌گردد.
- پی‌نوشت‌های مقاله (اصطلاحات و معادل‌های واژه‌ها، توضیحات و غیره) می‌باید در متن به ترتیب شماره گذاری شده و در پایین صفحه مرتبط گنجانده شوند.
- فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در انتهای مقاله می‌آید.
- مقاله‌ها می‌بایست به فراخور شامل شکل و جدول واضح و گویا با (دقت 300dpi و با فرمت jpg)، ذکر منبع و تعیین محل مناسب در مقاله باشند.
- چنانچه مقاله دارای چند نویسنده باشد، تمامی نویسندگان می‌بایست کتباً یک نفر را به عنوان نماینده جهت انجام مکاتبات به دفتر نشریه معرفی نمایند.

توجه

- نویسندگان می‌توانند فایل الگوی نگارش مقاله‌های فصلنامه را با مراجعه به سایت مجله به آدرس usdjournal.daneshpajooan.ac.ir دریافت و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با آدرس الکترونیکی journal@daneshpajooan.ac.ir مکاتبه نمایند.



فصلنامه توسعه پایدار شهری
سال چهارم، شماره ۱۰، بهار ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
مدیر مسئول: دکتر امیر مسعود سامانی مجد
سر دبیر: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر سیدمهدی ابطحی فروشانی، دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان
دکتر سیدسعید اسلامیان، استاد دانشگاه صنعتی اصفهان
دکتر حمیدرضا پورزمانی، استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دکتر امیرمسعود سامانی مجد، دانشیار مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر علیرضا قاری قرآن، دانشیار مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر فاطمه مهدیزاده سراج، استاد دانشگاه علم و صنعت تهران
دکتر رامتین معینی، دانشیار دانشگاه اصفهان
دکتر سیدکمال میرطلایی، استاد مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر مهین نسترن، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

داوران و همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر شیوا ترابی	دکتر ریحانه السادات سجادی
دکتر لیلای جلال آبادی	دکتر شریفه سرگلزایی
دکتر مزده جمشیدی	دکتر سید هادی طیب نیا
دکتر آرزو حسینی	دکتر حسین قانونی
دکتر منصور حقیقتیان	دکتر صفورا مختارزاده
دکتر حمید دهقانی	دکتر هاجر ناصری
دکتر محسن رفیعیان	دکتر مهدی نیلی پور

مدیر داخلی: مهندس مریم طائف نیا

مدیر اجرایی: دکتر نرگس قدسی

صفحه آرا: محبوبه رستگارپناه

گرافیکست: نرگس دیانی دردشتی

مدیر تولید نشر: ماندانا مرادی

ویراستار فارسی: دکتر سیده راضیه انوری

ویراستار انگلیسی: مهندس مریم طائف نیا

نشانی نشریه: اصفهان، بلوار کشاورز، چهارراه مفتاح، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو

تلفن: ۰۳۱-۳۷۷۷۹۹۱۴، داخلی ۳۰۹

نمابر: ۰۳۱-۳۷۷۷۹۹۱۵

وب سایت نشریه: usdjjournal.daneshpajooohan.ac.ir

پست الکترونیکی: journal@daneshpajooohan.ac.ir

- مقالات مندرج لزوماً دیدگاه نشریه توسعه پایدار شهری نبوده و مسئولیت مقالات برعهده نویسندگان محترم می باشد.
- استفاده از مطالب و کلیه تصاویر فصلنامه توسعه پایدار شهری با ذکر منبع، بلامانع است.
- پروانه انتشار این نشریه از سوی اداره کل مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ثبت ۷۴۹۹۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ صادر شده است.
- این شماره به همت عالی هیأت تحریریه، هیأت داوران و کارگروه اجرایی مجله در مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو آماده شده است.
- از همه فرهیختگان، استادان، دانشجویان و صاحب نظران توسعه پایدار شهری دعوت می شود مطالب و نظرات خود را به این مجله ارائه نمایند.

- ۱ تبیین عوامل مؤثر بر ارتقاء حکمروایی خوب شهری در شهر شیراز
احسان حیدرزاده، مجتبی آراسته، الناز رفیعی
- ۱۷ امکان‌سنجی تحقق پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد TND
(نمونه مطالعاتی: خیابان مدرس شهر کرمانشاه)
مهین نسترن، آرزو جمشیدی شیخ‌آبادی، مجتبی لرنزنگه
- ۳۷ طراحی کاشت درختان و مسیریابی برای فضای باز دانشگاهی: نحو فضا به‌عنوان ابزار ارزیابی طراحی
منظر
(نمونه موردی: دانشگاه علم و صنعت ایران)
معصومه چاروسایی، محسن فیضی، مهدی خاک‌زند
- ۵۳ ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی
(مورد پژوهی: شهر ساحلی منجیل)
فرزانه دهقانی‌گیشی، سوده نورمحمدی، میلاد بابایی‌الیاسی، نرجس سادات برکباف
- ۷۱ قیاس تطبیقی کیفیت‌های فضایی پیاده‌روهای خیابان تجاری با تأکید بر آسایش زنان
(مورد پژوهی: خیابان مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه)
فائزه طاهری‌سرمد
- ۱۰۳ بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان
معصومه کرمانشاهی، سید علی هاشمیان‌فر، فریدون وحیدا

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۱۵-۱

تبیین عوامل مؤثر بر ارتقاء حکمروایی خوب شهری در شهر شیراز

احسان حیدرزاده^۱، مجتبی آراسته^{۲*}، الناز رفیعی^۳

چکیده: امروزه اغلب کشورهای مردم سالار با کاربرد حکمروایی خوب شهری، سعی در تحقق توسعه پایدار شهری دارند. از همین رو، پژوهش حاضر تلاش دارد وضعیت مدیریت شهری در ایران را بر مبنای مباحث حکمروایی خوب شهری مورد تحلیل قرار دهد. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و پیمایش میدانی است. شاخص‌های حکمروایی خوب شهری مشتمل بر ۱۹ شاخص از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش استخراج گردیده و از آن‌ها برای طراحی سؤالات پرسشنامه‌ای استفاده شده است. روش تحقیق مورد استفاده به صورت کمی و با استفاده از مدل تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی انجام پذیرفته است. فرایند انتخاب نمونه‌ها در پژوهش به صورت هدفمند و سیستماتیک بوده و جامعه نمونه‌ای از میان مراجعین مستمر به دبیرخانه معاونت معماری و شهرسازی شهرداری شیراز انتخاب شده است. خروجی مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد حکمروایی خوب شهری در گرو ارتقای عوامل «ظرفیت سازی نهادی»، «شفافیت»، «کارایی و اثربخشی»، «مقبولیت عمومی»، «شهروندمداری» و «مشارکت‌جویی» است و مدل رگرسیون خطی به این مسئله اشاره دارد که دو عامل «کارایی و اثربخشی» و «شفافیت» بیشترین نقش را در تحقق حکمروایی خوب شهری ایفا می‌نمایند. همچنین در مورد شهرداری شیراز، بیشترین چالش و فاصله تا حصول به حکمروایی خوب در عامل «شهروندمداری» و «ظرفیت‌سازی نهادی» دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمروایی شهری، شهرداری، تحلیل عاملی، شیراز

^۱ استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

^۲ * استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول: m.arasteh@shirazu.ac.ir

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

حکمروایی را می‌توان یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در فرایند مدیریت شهری نامید که درعین حال تبدیل به جزء کلیدی در مباحث و محافل علمی شهرسازی شده و امروزه نیز به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای توسعه محلی در نظر گرفته می‌شود. تغییر از حکومت به حکمروایی در سال‌های اخیر فرصت‌های جدید قابل‌توجهی برای مشارکت مردم جوامع کمتر برخوردار در تصمیم‌گیری‌هایی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فراهم ساخته است. اصل اساسی حکمروایی شهری «کاهش اقتدار عملکردی دولت مرکزی» با ایجاد یک چارچوب گفتگوی شهری است که مبتنی بر رهبری مشارکتی و مدیریت امور شهری با حضور و مشارکت عادلانه همه ذینفعان است (Swapan, 2016, 197). برخلاف شیوه کلاسیک حکومت، حکمروایی نه یک ساختار سلسله‌مراتبی، بلکه در اصل، روابط افقی بین بخش خصوصی و بازیگران عمومی را شامل می‌شود و مجموعه پیچیده‌ای از روابط بین نهادهای دولتی مختلف، بخش خصوصی، سازمان‌های داوطلبانه و سازمان‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد (Blanco, 2013, 276). بسیاری استدلال کرده‌اند که یک عنصر کلیدی در ارتقای کیفیت حکمروایی شهری، عدم تمرکز است و این به‌وضوح یک عنصر اصلی در بسیاری از راهبردهای توسعه از دهه ۱۹۸۰ می‌باشد.

جهانی‌شدن باعث تجدید ساختار فضای شهری می‌شود و سیاست‌گذاران را مجبور به توسعه انواع جدیدی از حکمروایی شهری می‌کند که انتظار می‌رود نه تنها کارآمدتر باشد، بلکه ایده‌های جدیدی مانند انعطاف‌پذیری مدیریت، توسعه شهری هماهنگ و رقابت جهانی بین شهرها را در نظر گیرد (Yin & Zhu, 2020, 2). اگر شهرها می‌خواهند رقابت خود را افزایش دهند، استقلال از تصمیم‌گیری ملی موردنیاز است. تمرکززدایی باعث می‌شود که ساختار حکمروایی به سمت مردم محوری گرایش یابد و درعین حال موجب پاسخگویی بیشتر مسئولین به مردم شود (Gilbert, 2015, 665). به عبارتی می‌توان حکمروایی شهری را مجموعه‌ای از معانی درهم‌تنیده و متشکل از سه مؤلفه

تمرکززدایی، کارآفرینی در نظام بازار و دموکراتیک‌سازی تعریف کرد (Obeng-Odoom, 2017, 6).

سازمان ملل متحد حکمروایی شهری را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه راه‌های متعددی که افراد و نهادها، بخش دولتی و بخش خصوصی، به‌وسیله آن به برنامه‌ریزی و اداره امور مشترک شهر می‌پردازند». این یک فرآیند مداوم است که از طریق آن می‌توان منافع متفاوت و یا متضاد را باهم سازگار نمود (Muchadenyika & Williams, 2016, 255). این اصطلاح از نظر مفهومی ریشه در منطق پلورالیسم و روایت هابرماسی از فرآیندهای گفتمانی مشورتی دارد. حکمروایی شهری مشارکتی بر فراگیر بودن، همکاری و اجماع‌طلبی تأکید دارد؛ بنابراین مستلزم توانمندسازی و مشارکت ساکنان شهر در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری است. در عمل، این به معنای قدرت بیشتر برای همه ساکنان، به‌ویژه برای فقرا و حاشیه‌نشینان شهر است (Zientara et al., 2020, 1). الزامات حکمروایی شهری متنوع و پیچیده است و شامل مبارزه با فقر و نابرابری شهری، اداره سیستم‌های تغذیه شهر، کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی و دنبال کردن رشد فراگیر می‌شود (Fuseini, 2021, 223). اگرچه معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری کیفیت حکمروایی پیشنهاد شده است، اما به نظر می‌رسد در مواردی همچون فراگیر بودن، مشارکت، شفافیت و پاسخگویی، برابری، پیش‌بینی‌پذیری، پایبندی به حاکمیت قانون و تابعیت از آن اتفاق نظر وجود دارد (Sheng, 2010, 134).

سرآغاز مسئله حکمروایی خوب و دغدغه کاربست صحیح اصول و معیارهای حکمروایی در ایران را می‌توان به جنبش مشروطیت نسبت داد. اولین قانونی که در راستای مشارکت‌خواهی و مشارکت‌جویی انجمن‌ها و شوراها در اداره امور شهرها، ولایات و ایالت‌ها به تصویب رسید، قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. این قانون در دوره نخست مجلس شورای ملی به‌منظور تشکیل انجمن‌های ایالات و ولایات به تاریخ اول خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی در ۱۲۲ ماده به تصویب رسید. در طول یک قرن اخیر نهادهای قانون‌گذاری در ایران به شیوه‌های مختلف تلاش داشته‌اند که

محافظه کارانه، تدافعی و رقابتی در بدترین وضعیت ممکن یعنی موقعیت تدافعی قرار دارد و در این میان، نظر شهروندان در مورد شاخص‌های حکمروایی شهر مثبت نمی‌باشد. مهم‌ترین شاخص‌های این پژوهش عبارت‌اند از: همه‌جانبه بودن، تمرکززدایی و مشارکت شهروندان (سرای و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۳). شریف‌زادگان و قانونی در پژوهشی با عنوان تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی به این نتیجه دست‌یافته‌اند که حکمروایی خوب در مقیاس ملی بر کیفیت زندگی در مقیاس شهری اثر معنادار دارد. در این پژوهش شاخص‌های سنجشگر موضوع عبارت‌اند از: مشارکت مردمی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌محوری، عدالت و برابری و مشروعیت (شریف‌زادگان و قانونی، ۱۳۹۶، ۱۸۵). در مجموع باید گفت شباهت رویکرد مقاله حاضر با مقالات پیشین بهره‌مندی از شاخص‌ها و معیارهایی است که در مقالات پیشین مورد تدقیق و ارزیابی قرار گرفته و در این پژوهش نیز از معیارهای مرتبط و هم‌راستا باهدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما درعین حال رویکرد متفاوت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین، تبیین و تعریف دقیق‌تر از شاخص‌های حکمروایی مطلوب و همچنین بهره‌مندی از روش تحقیق و زمینه ارزیابی متفاوت در راستای سنجش معیارها و مؤلفه‌های در حوزه فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری در شهر شیراز است. در ادامه و پس از مرور مفاهیم و مباحث نظری مرتبط با حکمروایی مطلوب شهری، به تبیین معیارهای منتخب پژوهش پرداخته می‌شود.

در نگرش جدید به مدیریت شهری، ایجاد سازمان‌های محلی، افقی و فرا بخشی به منظور رسیدن به اهداف توسعه پایدار و جامعه مدنی و نیز تقسیم وظایف بین حکومت‌های مرکزی و محلی و صلاحیت‌دار کردن شهروندان از اصول اساسی محسوب می‌شوند که با نظام اداری تمرکزگرا، عمومی و بخشی مغایرت دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ۵). حکمروایی شهری را می‌توان به عنوان فرایند هماهنگی بین منافع بخش دولتی و بخش خصوصی، با تکیه بر ارزش‌ها، مناجارها و شیوه‌های مناسب آن، تعریف کرد (Marti-

الگوهای حکمروایی خوب را در راستای اصول ایدئولوژیک حکومتی پیش ببرند و بر همین اساس، تاکنون قوانین زیادی به تصویب مجلس و اجرای دولت رسیده است.

در همین راستا، این مقاله دو هدف زیر را در راستای ارزیابی کیفیت حکمروایی در شهر شیراز دنبال می‌کند:

- ۱- شناسایی شاخص‌های تبیین‌گر حکمروایی شهری در شیراز
- ۲- تعیین کیفیت حکمروایی شهری در شیراز

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

بررسی پژوهش‌های صورت پذیرفته در حوزه حکمروایی شهری حاکی از وجود مبانی نظری و تجربی فراوان درباره موضوع است. به طور مثال، استیوارت در مقاله‌ای با عنوان طراحی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری، به ارزیابی شاخص‌های آن در ونکوور پرداخته است. وی پنج مؤلفه مهم حکمروایی خوب شهری را کارایی و اثربخشی، مساوات و برابری، مشارکت، پاسخگویی و امنیت معرفی کرده و برای هر مؤلفه شاخص‌هایی را معرفی می‌کند (Stewart, 2006, 196). مارتیکاستا و توماس در مقاله‌ای به تبیین سیر تحول حکمروایی شهری در اسپانیا پرداخته‌اند و دوره‌های حکمروایی را بر مبنای سه عامل «تکامل اقتصادی سیاسی»، «تکامل دولت رفاه» و «نقش جنبش‌های اجتماعی» تحلیل نموده‌اند (Marti-Costa & Tomas, 2017, 2107).

میر و آریکامب در مقاله خود به تحلیل اهمیت حکمروایی شهری در آفریقا بر مبنای تحلیل اسناد پرداخته‌اند و در نهایت حکمروایی خوب شهری را به مثابه پیش‌نیازی برای تحقق توسعه پایدار معرفی کرده‌اند (Meyer & Auriacombe, 2019, 5514). در پژوهش دیگری، بیسواس و همکاران با مقایسه‌ای میان ۲۲ چارچوب حکمروایی در سراسر جهان تلاش نموده‌اند به چارچوبی یکپارچه از حکمروایی خوب شهری دست یابند. بر این اساس، ۱۳ معیار اصلی و ۷۴ زیرمعیار در سنجش حکمروایی شهری ایفای نقش می‌نمایند (Biswas et al., 2019, 225).

سرای و همکاران در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که موقعیت شهر خرم‌آباد از میان چهار حالت تهاجمی،

Costa & Tomas, 2017, 2108). حکمروایی خوب شهری بر این اصل مهم تأکید دارد که همه شهروندان از جمله فقرا و سایر گروه‌های حاشیه‌نشین، حق دارند مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و معیشت آن‌ها تأثیر می‌گذارد، داشته باشند و در منافع حاصل از توسعه شهری، از جمله مزایایی مانند دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات اولیه و زمین برای مسکن، سهمی باشند (Sheng, 2010, 135).

مطالعات حکمروایی شهری نشان داده است که تا چه حد همکاری نزدیک دولت ملی، مقامات محلی، بازرگانان، افراد داوطلب و فعالان اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای در کشورهای مختلف رایج شده است. به‌عنوان مثال در هلند، شهرداری‌های محلی، شرکت‌های مسکن خصوصی و دولت ملی در امور حکومتی ادغام شده‌اند (Koster, 2015, 214). به‌منظور تصمیم‌گیری در سطوح مختلف، اعمال مشارکت عمومی به‌عنوان یک اصل مهم در نظر گرفته می‌شود. این اصل به این موضوع اشاره دارد که مردم حق دارند در مورد تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، نظر بدهند (Cheyne, 2015, 417). مشارکت ابزاری رایج است که به‌طور فزاینده‌ای برای حکمروایی محلی در سرتاسر جهان استفاده می‌شود و با برنامه‌های متنوعی از جمله توسعه پایدار و حکومت دموکراتیک، مرتبط است. ارتباط مشارکت با دموکراسی به‌عنوان یک پروژه مشترک، متضمن حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی، سیاسی و انتخابات آزاد بر اساس وظیفه مشترک شهروندی است (Lombard, 2013, 135).

مفهوم حکمروایی بستگی به زمینه، مقیاس حکمروایی، اهداف و رهیافت موردنظر آن دارد. اجزای حکمروایی عبارت‌اند از حکومت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و اجتماع محلی. تفسیر حکمروایی به‌عنوان فرآیند تصمیم‌سازی و اجرا، متمرکز بر کارایی حکومت در قرار دادن درست فرآیندها و ساختارهایی است که در راستای بسیج منابع اقتصادی و اجتماعی یک جامعه برای خدمت به منافع عمومی استفاده می‌شوند؛ بنابراین در یک مفهوم وسیع، حکمروایی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن گروه‌های مختلف مردم،

سازمان‌ها (عمومی، خصوصی و جامعه مدنی) سطوح دولت‌ها (ملی و فراملی) و آژانس‌های جهانی و بین‌المللی (چندجانبه و چندملیتی) بر فرایند حکمرانی تأثیر می‌گذارد. منظور از حکمروایی شهری مجموع روش‌هایی است که افراد و نهادها (اعم از دولتی و خصوصی) امور مشترک شهر را برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند. این شامل مدیریت مناسب مناطق شهری و ارائه خدمات ضروری بر اساس چارچوب مؤثر نهادی برای ارائه خدمات کارآمد، بسیج منابع، امنیت، شفافیت و پاسخگویی و همچنین ارتقای شهری همه‌شمول از طریق مشارکت مدنی و سایر موارد است (Daramola & Olowoporoku, 2017, 26).

کشورهای جهان سیاست‌های متنوعی را برای پیاده‌سازی حکمروایی خوب در پیش گرفته‌اند. شورای اروپا دوازده اصل را برای تمرین دموکراتیک در سطح محلی، همچون برگزاری منصفانه انتخابات، نمایندگی و مشارکت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، باز بودن و شفافیت، عمل به‌حکم قانون، رفتار اخلاقی، شایستگی و ظرفیت، نوآوری و گشودگی به تغییر، پایداری و جهت‌گیری بلندمدت، مدیریت صحیح مالی، حقوق بشر، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را تبیین نمود. هلند نیز یک دستورالعمل حکمروایی خوب مشتمل بر هفت ویژگی گشودگی و صداقت، ارائه خدمات خوب، مشارکت، هدف‌گرایی و کارایی، مشروعیت و عدالت، خود اصلاحی و مسئولیت‌پذیری را تعریف نمود (Hendriks, 2014, 564).

اغلب مطالعات تغییرات حکمروایی شهری در سال‌های اخیر بر تغییر از نهادها و رویه‌های رسمی حکومت به فرآیند گسترده‌تر حکمروایی متمرکز بوده است؛ اما همواره این دغدغه وجود دارد که مشارکت طیفی از ذینفعان که از طریق مشارکت و شبکه‌ها در سطوح مختلف عمل می‌کنند، عملکرد دموکراتیک محلی را تحت تأثیر قرار داده و نگرانی‌های اساسی مربوط به نمایندگی، پاسخگویی و مشروعیت را به‌ویژه در رابطه با جمعیت‌های اقلیت قومی - که اغلب به حاشیه رانده شده‌اند - برانگیخته است (Syrett & Sepulveda, 2012, 239). علاوه بر این، تحقق حکمروایی

کد	شاخص	پژوهشگران برجسته
C4	میزان پاسخگویی شهرداری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ بزی، ۱۳۹۵؛ و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف- علاءالدینی نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی، ۱۳۹۵
C5	مسئولیت- پذیری شهرداری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Aina et al., 2019; بزی، ۱۳۹۵؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰
C6	اجماع محوری شهرداری و مردم	Meyer & Auriacombe, 2019; بزی، ۱۳۹۵؛ علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷
C7	میزان عدالت و برابری شهرداری	Aina et al., 2019; علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷
C8	میزان اثربخشی و کارآمدی شهرداری	Biswas et al., 2019; معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷
C9	میزان نظارت شهرداری در امور شهری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸
C10	میزان تخصص- گرایی شهرداری	Biswas et al., 2019; Aina et al., 2019; براری و همکاران، ۱۳۹۸
C11	میزان آگاهی شهروندی در امور شهری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; بزی، ۱۳۹۵؛ علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰
C12	میزان اعتماد اجتماعی مردم به شهرداری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰
C13	حساسیت در برابر فقر	Stewart, 2006; قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷
C14	فراگیری تصمیم ها و	Meyer & Auriacombe, 2019; هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛

خوب شهری با چالش هایی نیز همراه است که از آن جمله می توان به دشواری مشارکت دادن شهروندان در تصمیم گیری، کاستی های کنونی نهادی، ضعف توانمندی دولت، دشواری مشارکت دادن سازمان های جامعه مدنی در تصمیم گیری، مسائل مراتب کاری در سطوح دولتی (هماهنگی عمودی)، مرزهای حقوقی قضایی، ضرورت اصلاح ساختار حاکمیت، محدودیت های بودجه عمومی، محدودیت های تعامل سیاسی با رأی دهندگان، ناتوانی ساختارهای حکمروایی برای سازگاری با شرایط متغیر، کمبود اطلاعات و مهارت برای تعامل با شهروندان اشاره کرد (Da Cruz et al., 2019, 3).

با توجه به توضیحات مطرح شده پیرامون ویژگی ها و معیارهای حکمروایی و مدیریت مطلوب شهری، در ادامه به ۱۹ شاخص که بیشترین تأکید و تکرار در حوزه مقالات مرتبط در زمینه داشته اند شناسایی و در قالب (جدول شماره ۱) به صورت مستند، ارائه شده و از این شاخص ها به عنوان چارچوب نظری پژوهش در طراحی سؤالات پرسشنامه استفاده شده است.

۱. شاخص های تحلیل حکمروایی خوب شهری

کد	شاخص	پژوهشگران برجسته
C1	میزان مشارکت مردم با شهرداری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; هاشمی و بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ علاءالدینی پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی، ۱۳۹۵
C2	میزان قانونمندی شهرداری	هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی، ۱۳۹۵
C3	میزان شفافیت حکومت محلی	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف نژاد و خواجوی نیا، ۱۳۹۹؛ تقی پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی، ۱۳۹۵

برابر تعداد شاخص‌ها باشد و از سوی دیگر جامعه آماری با ۲۰۰ نمونه به نتایجی عادلانه و منطقی می‌رسد (MacCallum et al., 1999, 84) لذا در این پژوهش نیز حجم چارچوب نمونه‌گیری ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. فرایند انتخاب نمونه‌ها در پژوهش به صورت هدفمند بوده و جامعه نمونه‌ای از میان ۲۰۰ ارباب رجوعی که در طول سال ۱۴۰۱ بیشترین مراجعه به دبیرخانه معاونت معماری و شهرسازی شهرداری شیراز داشته و به طور مکرر و مستمر، درخواست‌ها و نامه‌های خود را در آنجا ثبت می‌نموده‌اند و درعین حال داوطلب پاسخگویی به سؤالات نیز بوده‌اند، انتخاب شده‌اند.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

پس از شناسایی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (جدول ۱)، در ادامه شاخص‌های به دست آمده به صورت سؤالات ۵ گزینه‌ای (طیف لیکرت) تنظیم شده و در قالب پرسشنامه در میان پاسخگویان توزیع شده است. با تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها در نرم‌افزار SPSS وارد شده و ماتریس اولیه اطلاعات تهیه شده است. این ماتریس شامل ۲۰۰ ردیف و ۱۹ ستون (هر ستون به ازای یک شاخص) است. پیش از دریافت نتایج تحلیل عاملی، ضروری است چند آزمون برای اعتبارسنجی داده‌ها انجام پذیرد. مطابق (جدول شماره ۲)، آزمون‌های اولیه، مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی را تأیید می‌کند.

جدول ۲. مقادیر آزمون‌های اعتبارسنجی داده‌ها

آزمون	مقدار به دست آمده	بازه قابل قبول
آلفای کرونباخ	۰/۸۳۹	> 0.7
آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر می‌یر	۰/۸۵۴	> 0.7
آزمون کرویت بارتلت	کای اسکوتر	-
	درجه آزادی	-
	سطح معناداری	< 0.05

کد	شاخص	پژوهشگران برجسته
	برنامه‌ریزی حکومت محلی	و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ علاءالدینی کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰
C15	میزان احساس امنیت مردم	Stewart, 2006; بزی، ۱۳۹۵؛ معروف‌نژاد و خواجوی‌نیا، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸
C16	بینش راهبردی	Biswas et al., 2019; هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ علاءالدینی حسینی، ۱۳۹۵
C17	میزان مشروعیت حکومت محلی	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Aina et al., 2019 کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۷
C18	جهت‌گیری توافقی بین مردم و شهرداری	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷؛ معروف‌نژاد و خواجوی‌نیا، ۱۳۹۹؛ تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ براری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسینی، ۱۳۹۵
C19	میزان تمرکززدایی دولت محلی	Stewart, 2006; Biswas et al., 2019; Meyer & Auriacombe, 2019; Aina et al., 2019; هاشمی بیستونی و شمس، ۱۳۹۸؛ بزی، ۱۳۹۵؛ تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹

۳- روش تحقیق

بنیان فلسفی روش پژوهش پیش‌رو، واقع‌گرا و زیر بنیان فلسفی آن مبتنی بر الگوی اثبات‌گرایی است. راهبرد استدلالی پژوهشی مبتنی بر راهبرد قیاسی و رویکرد پژوهش، اکتشافی است. بر همین مبنا روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش به صورت کمی و بر اساس تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام شده است. با استفاده از ۱۹ شاخص منتخب در بخش چارچوب نظری پژوهش، ۱۹ سؤال در پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی شده‌اند. روایی پرسش‌نامه با روش روایی محتوا (صوری) و با دریافت نظر ۵ کارشناس متخصص در زمینه مدیریت شهری و حکمروایی کنترل گردیده است. پایایی پرسش‌نامه نیز با توجه به مقدار آزمون آلفای کرونباخ برای ۳۰ پرسشنامه آزمایشی (۰/۸۲۱) مورد تأیید قرار گرفته است. بنا به توصیه آماردان‌ها به منظور برآورد حجم نمونه در روش تحلیل عاملی، بهتر است از یک سو حجم نمونه تا ۱۰

شاخص	۱	۲	۳	۴	۵	۶
C4		۰/۷۱				
C6		۰/۶۴				
C15		۰/۶۳				
C3		۰/۴۲				
C10			۰/۸۸			
C9			۰/۷۶			
C12				۰/۴۳		
C8				۰/۵۶		
C16				۰/۴۳		
C5				۰/۴۰		
C11					۰/۷۱	
C7					۰/۴۲	
C1						۸۳/

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۶ شاخص با عامل اول، ۴ شاخص با عامل دوم، ۲ شاخص با عامل سوم، ۴ شاخص با عامل چهارم، ۲ شاخص با عامل پنجم و ۱ شاخص با عامل ششم بیشترین ارتباط را داشته‌اند. لذا این عوامل ۶ گانه با توجه و تلفیق با مفهومی که در شاخص‌های زیرمجموعه-شان وجود دارد نام‌گذاری شده‌اند. در حقیقت با تلفیق و ترکیب مفهومی شاخص‌های تحت پوشش عامل اول (شامل «جهت‌گیری توافقی بین مردم و شهرداری»، «میزان تمرکززدایی دولت محلی»، «فراگیری و شمولیت تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی حکومت محلی»، «حساسیت در برابر فقر»، «میزان قانونمندی شهرداری» و «میزان مشروعیت حکومت محلی») این عامل را می‌توان «ظرفیت‌سازی نهادی» نامید. با تلفیق و ترکیب مفهومی شاخص‌های تحت پوشش عامل دوم (شامل «میزان پاسخگویی شهرداری»، «اجماع‌محوری شهرداری و مردم»، «میزان احساس امنیت مردم» و «میزان شفافیت حکومت محلی») این عامل را می‌توان «حساب‌پذیری» نامید. با امتزاج و پیوند مفهومی دو شاخص تحت پوشش عامل سوم (شامل «میزان تخصص‌گرایی شهرداری» و «میزان نظارت شهرداری در امور شهری») این عامل را می‌توان «کارایی و اثربخشی» نامید. با تلفیق و ترکیب مفهومی شاخص‌های تحت پوشش عامل چهارم (شامل «میزان اعتماد اجتماعی مردم به شهرداری»، «میزان اثربخشی شهرداری»، «بینش راهبردی» و

در ادامه ماتریس مقدماتی که نشان‌دهنده واریانس هر عامل است، استخراج شده است. این ماتریس تعداد و وزن عوامل نهایی حاصل از خلاصه‌سازی شاخص‌ها را مشخص می‌کند. (جدول شماره ۳) شاخص‌های تبیین‌کننده موضوع را در قالب ۶ عامل نشان می‌دهد. مقدار ویژه همه عوامل بیشتر از ۱ است که بیانگر اعتبار عوامل استخراجی است. به دلیل اینکه مجموع واریانس تجمعی عوامل ۶ گانه برابر با ۵۵/۳۴ است، می‌توان گفت در حدود ۵۵ درصد از کارآمدی شاخص‌ها در تبیین حکمروایی شهری تأیید می‌شود که آماره قابل قبول است.

جدول ۳. مجموع واریانس تبیین‌شده عوامل حکمروایی شهری

عوامل	مجموع ضرایب عاملی چرخش داده شده		
	مقدار ویژه	درصد از واریانس	درصد از واریانس تجمعی
۱	۲/۴۸۲	۱۳/۰۶۳	۱۳/۰۶۳
۲	۲/۱۶۹	۱۱/۴۱۵	۲۴/۴۷۸
۳	۱/۸۹۰	۹/۹۴۹	۳۴/۴۲۷
۴	۱/۵۳۳	۸/۰۶۹	۴۲/۴۹۷
۵	۱/۲۸۰	۶/۷۳۵	۴۹/۲۳۲
۶	۱/۱۶۰	۶/۱۰۴	۵۵/۳۳۵

پس از تعیین تعداد عوامل، به کمک ماتریس عاملی دوران‌یافته مشخص می‌شود هر یک از شاخص‌های ۱۹ گانه با کدام یک از عوامل دارای بیشترین ارتباط است. مشخص شدن جایگاه شاخص‌ها، شرایط را برای نام‌گذاری عوامل تبیین‌کننده حکمروایی خوب شهری در شهر شیراز تسهیل می‌کند (جدول شماره ۴).

جدول ۴. بارهای عاملی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

شاخص	۱	۲	۳	۴	۵	۶
C18	۰/۷۱					
C19	۰/۶۹					
C14	۰/۵۷					
C13	۰/۵۳					
C2	۰/۵۰					
C17	۰/۴۱					

«مسئولیت پذیری شهرداری») این عامل را می توان «مقبولیت عمومی» نامید. با امتزاج و پیوند مفهومی دو شاخص تحت پوشش عامل پنجم (شامل «میزان آگاهی شهروندی در امور شهری» و «میزان عدالت و برابری شهرداری») این عامل را می توان «شهروندمداری» نامید؛ و درنهایت با تعبیر و تفسیر متفاوتی از شاخص «میزان مشارکت مردم با شهرداری»، می-توان عامل ششم را «مشارکت جویی» نامید. در ادامه میانگین نظرات شهروندان در خصوص هر یک از شاخص ها نیز محاسبه شده است. اولین نکته ای که از امتیازات شهروندان به شاخص های مورد سؤال برداشت می شود این است که امتیاز تمامی شاخص های ۱۹ گانه از حد متوسط (مقدار ۳) کمتر است. در این میان، شاخص هایی چون «میزان قانونمداری شهرداری»، «میزان شفافیت حکومت محلی» و «حساسیت در برابر فقرا» دارای کمترین امتیاز هستند و در مقابل، شاخص-هایی چون «میزان نظارت شهرداری در امور شهری»، «میزان احساس امنیت مردم» و «میزان تخصص گرایی شهرداری» در وضعیت بهتری نسبت به سایر شاخص ها قرار دارند.

همچنین به منظور ارزیابی وضعیت عوامل، نخست مقدار عددی حاصل از ضرب «میانگین نارضایتی نسبت به هر شاخص» در «وزن شاخص» (که در اینجا وزن شاخص برابر با بار عامل شاخص است) محاسبه شده تا «امتیاز وزن دار نارضایتی هر شاخص» به دست آید. در ادامه مجموع اعداد به دست آمده بر مجموع بارهای عاملی شاخص های زیرمجموعه هر عامل تقسیم شده است. نتیجه این محاسبات، به عنوان «امتیاز استاندارد شده نارضایتی عوامل» قابل تعریف است (جدول شماره ۵).

جدول ۵. امتیاز نارضایتی شهروندان از عوامل تبیین کننده حکمروایی در شهر شیراز

عامل اول (ظرفیت سازی نهادی)	عامل دوم (حساب پذیری)	عامل سوم (کارایی و اثربخشی)
۳/۷۲	۳/۶۶	۳/۴۴
عامل چهارم (مقبولیت عمومی)	عامل پنجم (شهروندمداری)	عامل ششم (مشارکت جویی)
۳/۶۴	۳/۷۹	۳/۶۶

همان گونه که پیداست مطابق یافته های مطرح شده در جدول ۵، بیشترین چالش حکمروایی شهر شیراز مربوط به عامل پنجم (شهروندمداری) و عامل اول (ظرفیت سازی نهادی) است. اگرچه تاکنون عوامل دارای ضعف شناسایی شده اند اما این سؤال مطرح می شود که از میان این عوامل، کدام یک تأثیر و نقش پررنگ تری در تحقق حکمروایی شهری دارند. لذا در ادامه به کمک مدل رگرسیون خطی چندمتغیره، ارتباط میان عوامل ۶ گانه (شاخص های مستقل) و سؤال نهایی پرسشنامه (شاخص وابسته) - که در آن وضعیت کلی حکمروایی در شهر شیراز مورد پرسش قرار گرفته است - مورد بررسی قرار گرفته است (جدول شماره ۶).

جدول ۶- ضرایب عوامل شش گانه در مدل رگرسیونی

	R: ۰/۵۲۱ R Square: ۰/۲۷۲ Durbin-Watson: ۱/۶۶۷				
	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
Constant	۲/۴۶۵	۰/۰۶۲	-	۳۹/۵۶۸	۰/۰۰۰
عامل ۱	۰/۱۳۲	۰/۰۶۲	۰/۱۲۹	۲/۱۰۸	۰/۰۳۶
عامل ۲	۰/۲۶۵	۰/۰۶۲	۰/۲۶۰	۴/۲۳۸	۰/۰۰۰
عامل ۳	۰/۳۵۶	۰/۰۶۲	۰/۳۵۰	۵/۶۹۵	۰/۰۰۰
عامل ۴	۰/۱۸۶	۰/۰۶۲	۰/۱۸۳	۲/۹۷۲	۰/۰۰۳
عامل ۵	۰/۱۶۷	۰/۰۶۲	۰/۱۶۴	۲/۶۶۷	۰/۰۰۸
عامل ۶	۰/۰۷۱	۰/۰۶۲	۰/۰۷۰	۱/۱۳۳	۰/۲۵۸

مهم ترین نکاتی که می توان از جدول ۶ استنباط نمود به شرح زیر است:

۱- عامل «مشارکت جویی» فاقد معناداری کافی در مدل رگرسیونی است. دو فرضیه را برای این مسئله می توان مطرح نمود: نخست آنکه حجم داده ها برای رسیدن به معناداری کافی نبوده است و لذا این احتمال وجود دارد که در صورت استفاده از حجم نمونه (پرسشنامه) بیشتر، معناداری این عامل نیز محقق شود که می تواند در پژوهش های آتی دنبال شود. فرض دوم را نیز می توان به عدم وجود نگرش و ذهنیت مردم در خصوص جایگاه مشارکت در امور شهری نسبت داد. به عبارت دیگر، هنوز جامعه و شهروندان، درک درست و

تعریف شده‌اند. همان گونه که پیداست عوامل مستخرج از این پژوهش شباهت زیادی با عوامل مورد بررسی در این پژوهش دارند. در پژوهش دیگری که توسط شریف‌زادگان و قانونی انجام شده (شریف زادگان و قانونی، ۱۳۹۶) شاخص‌هایی همچون مشارکت مردمی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌محوری، عدالت و برابری و مشروعیت به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت حکمروایی خوب در حکومت محلی و ملی تبیین شده‌اند.

مارتیکاستا و توماس نیز در پژوهش خود (Marti- Costa & Tomas, 2017) تأکید داشتند که برای ارتقای حکمروایی خوب شهری تحقق سه عامل تکامل ساختار اقتصادی سیاسی دولت، تکامل دولت رفاه و همچنین مشروعیت بخشی به حزب‌ها، تحرکات و جنبش‌های اجتماعی مؤثر است. در حقیقت این دو پژوهشگر برای اثربخشی بیشتر حکمروایی شهری پا را از تحلیل شرایط در مقیاس محلی فراتر گذاشته و معتقدند با اصلاح و تکامل ساختار اقتصادی - سیاسی دولت منطقه‌ای و ملی، دولت محلی نیز تبعاً خود را با شرایط جدید وفق خواهد داد و زمینه‌های ارتقا مشارکت شهروندان و تثبیت سایر معیارهای حکمروایی خوب شهری در جامعه شکل خواهد گرفت.

بر اساس مطالعاتی که توسط بیسواس و همکارانش (Biswas et al, 2019) در شهر بمبئی هندوستان صورت گرفته، تلاش شده شاخص‌های سنجش حکمروایی خوب تبیین شود. شاخص‌های منتخب این پژوهش نیز مشابه سایر پژوهش‌های مشابه بوده و شامل پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، اثربخشی، برابری، پایداری، ترسیم چشم‌انداز و برنامه‌ریزی، مشروعیت و بوروکراسی، ظرفیت مدنی، ارائه خدمات مطلوب، اقتصاد کارآمد، فساد زدایی و تضمین امنیت اجتماعی است. گستره متنوع این شاخص‌ها نشان می‌دهد پیاده‌سازی الگوی مناسبی از حکمروایی خوب بخصوص در شهرهای کشورهای در حال توسعه، امری غامض و در عین حال تحقیق‌یافتنی است.

گیلبرت در پژوهش خود در بوگوتای کلمبیا (Gilbert, 2015) بر وضعیت رو به تنزل کیفیت حکمروایی

کاملی نسبت به مشارکت خود در تصمیمات مدیریت شهری ندارند.

۲- عامل «کارایی و اثربخشی» دارای بیشترین وزن در معادله رگرسیونی است. با توجه به دو شاخص زیرمجموعه این عامل یعنی تخصص‌گرایی و نظارت بر امور، به نظر می‌رسد وزن بالای این عامل قابل توجیه است. در تفسیر این مسئله می‌توان گفت تحقق حکمروایی خوب شهری بدون آمادگی مسئولین و مدیران شهرداری ممکن نیست. به عبارت دیگر تا زمانی که مسئولین یک شهر نسبت به جایگزینی سیاست «حکمروایی خوب» به جای «حاکمیت مقتدرانه» نگاهی مثبت نداشته باشند، این امر محقق نمی‌شود که هموار شدن این راه جز از طریق استقرار متخصصین رشته‌های مرتبط با امور شهری در ارگان‌های مرتبط به‌ویژه شهرداری‌ها ممکن نخواهد بود.

۳- عامل «حساب‌پذیری» در مرتبه دوم اثربخشی حکمروایی خوب شهری قرار دارد. از آنجا که توجه به «جامعه/ شهروندان» جزو ارکان اصلی حکمروایی محسوب می‌شود. لذا هرچه مدیریت شهری ارتباط نزدیک‌تری با مردم داشته باشد، به‌طور نسبی و محتمل، حکمروایی خوب در دسترس‌تر قرار می‌گیرد. این مهم جز با پاسخگویی به انتقادات مردم، ارائه گزارش از فعالیت‌ها و هزینه‌کرد بودجه به مردم و دیگر اقدامات مشابه، میسر نمی‌شود.

۴- سه عامل دیگر شامل «ظرفیت‌سازی نهادی»، «مقبولیت عمومی» و «شهروندمداری» از وزن (تأثیر) نسبتاً یکسانی در معادله رگرسیونی برخوردارند و لذا در سیاست‌گذاری‌ها می‌توانند هم‌تراز در نظر گرفته شوند.

با مقایسه نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های مشابه و پیشینه تحقیق می‌توان هم‌زمان به هم‌راستایی و تفاوت میان این پژوهش‌ها پی برد. به‌عنوان مثال در پژوهشی که توسط استیوارت (Stewart, 2006) انجام شده و یکی از پر استنادترین مقالات این حوزه است، عواملی مثل کارایی و اثربخشی، مساوات و برابری، مشارکت، پاسخگویی و امنیت به‌عنوان عوامل مؤثر بر ارتقا حکمروایی شهری

میسر نیست اما درعین حال بسیاری از شورایاری‌ها در شهر تهران در مسیر تحقق حکمروایی خوب شهری گام برداشته‌اند.

چنانچه پیداست بخش قابل توجهی از یافته‌ها، نتایج و شاخص‌های منتخب پژوهشگران حوزه حکمروایی خوب شهری، شباهت قابل توجهی با همدیگر دارد. درعین حال یکی از تفاوت‌هایی که در این پژوهش با پژوهش‌های مشابه دیده می‌شود، توجه و تأکید این پژوهش بر عامل مهمی تحت عنوان «ظرفیت‌سازی نهادی» به‌منظور کاربست مفاهیم و معیارهای حکمروایی خوب شهری در ساختار حکومت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی است. نهادها، ساختارها و سازوکارهای نظم و همکاری هستند که رفتار گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کنند. نهادها، از طریق اهداف، پایداری اجتماعی، زندگی‌ها و مقاصد افراد انسانی بازشناسی می‌شوند و با ساختن و تقویت قواعد، رفتار افراد را در مناسبات اجتماعی هدایت می‌کنند. با نهادسازی اجتماعی - سیاسی هدفمند در جوامع محلی، امکان پر شدن خلأ میان مدیران شهری و مردم کمتر شده و زمینه برای بیان حل مسائل و مشکلات متنوع جاری در شهر، بدون ترس، وقفه و درنگ، مهیا می‌شود. در حقیقت با ایجاد ظرفیت نهادی در جامعه و قدرت گرفتن سازمان‌های مردم‌نهاد، پیوند دوسویه میان مردم و مسئولان که دو رکن اصلی مدیریت محلی و توسعه شهری هستند، شتاب یافته و زمینه برای پیاده‌سازی سایر عوامل حکمروایی مثل شفافیت، کارایی و اثربخشی، مقبولیت و مشروعیت عمومی، شهروندمداری و مشارکت‌جویی مهیا می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش نشان داد که اغلب پژوهش‌هایی که در داخل و خارج کشور به موضوع حکمروایی شهری پرداخته‌اند تأکید بر تمرکززدایی مدیریتی و هماهنگی بین سازمانی، قانون-مداری سازمان‌ها، جلوگیری از دخالت گروه‌های غیررسمی در مدیریت شهری، افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان شهری داشته‌اند. همچنین مشخص شد که اغلب پژوهش‌ها، حکمروایی خوب شهری را در گرو تغییر نقش

در این شهر تأکید می‌کند. این پژوهشگر با تأکید بر شکننده بودن ساختارهای حکمروایی در کشورهای درحال توسعه، به تبیین عوامل تقویت‌کننده حکمروایی همچون تمرکززدایی از ساختار حکمرانی، شایسته‌سالاری در رده مدیران میانی و محلی، عمل نمودن به وعده‌های انتخاباتی احزاب، فساد زدایی از ساختار مدیریت شهری و درنهایت احترام به افکار، آرا و قضاوت‌های عمومی شهروندان در جوانب مختلف مدیریت شهری است.

عیناً و همکارانش نیز در پژوهشی مشابه، به تحولات و تغییرات حکمروایی شهری در عربستان پرداخته‌اند (Aina et al., 2019). این پژوهشگران تأکید دارند که با توجه به ساختار متمرکز نظام اداری - سیاسی عربستان سعودی از یک‌سو و از سوی دیگر، تحولات جهان عرب همچون بهار عربی و کاهش قیمت نفت، ضرورت سیاسی رسیدگی به مشکلات و اصلاح ساختار حکمروایی در این کشور بیش‌ازپیش احساس شده است. به همین دلیل اولویت تحول در حکمرانی شهری، تمرکززدایی از ساختار حکومتی و تأکید بر الگوی حکمرانی از پایین به بالا است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌های حکمروایی در عربستان، وابستگی مالی شهرداری‌ها به حکومت مرکزی است که این موضوع می‌تواند پایه‌های حکمروایی را در این کشور ضعیف کند.

علاءالدینی و پورمیرغفاری با شناسایی شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر حکمروایی خوب شهری، عملکرد مدیریت محلی و شورایاری‌ها را در یکی از محله‌های شهر تهران مورد ارزیابی قرار داده است (علاءالدینی و پورمیرغفاری، ۱۳۹۷). این پژوهشگران به شاخص‌های مهم و مؤثر بر ارتقای حکمروایی همچون تمرکززدایی، تسهیل مشارکت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، کارایی، اثربخشی، رعایت انصاف و عدالت، اجماع‌گرایی، قانون‌گرایی و حاکمیت قانون، توانمندسازی و ارتقای ظرفیت اجتماعی شهروندان اشاره دارند. پژوهشگران مذکور بر این موضوع تأکید دارند که در شرایط فعلی ساختار سلسله‌مراتبی مدیریتی و الگوی بالا به پایین حکمرانی در ایران، دستیابی به شاخص‌های مورد اشاره و رسیدن به آرمان‌های حکمروایی خوب به‌راحتی

- برگزاری جلسات عمومی در محله‌ها برای ارائه گزارش عملکرد و تشویق شهروندان برای شرکت در بحث‌های عمومی مربوط به محله و بحث‌های موردعلاقه آن‌ها

- پیگیری چگونگی تحقق طرح‌های شهری توسط شورای شهر و اعلام عمومی و گسترده نتایج

- آموزش‌های شهروندی و آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروندی، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان از طریق برگزاری دوره‌های متفاوت حضوری و آنلاین و تولید محتوا در شبکه‌های مجازی

- افزایش حس تعلق از طریق مشارکت شهروندان در تصمیمات شهری و در صورت امکان همکاری آن‌ها در برخی اقدامات مربوط به محیط بلافاصله زندگی خود

۶- منابع

• برای، احسان. کاظمیان، غلامرضا. شریف‌زاده، فتاح. قربانی زاده، وجه اله. (۱۳۹۸). فرایندها و راهکارهای استقرار حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای کشور مورد مطالعه: مشهد، مدیریت شهری، ۱۸(۵۶)، ۵۴-۳۵.

<http://ijurm.imo.org.ir/article-۱-۲۶۶۲-fa.html>

• بزی، خدارحم. (۱۳۹۵). اهمیت‌سنجی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری از دیدگاه زنان مطالعه موردی: شهر زابل. پژوهش‌نامه زنان، ۷(۱۵)، ۷۲-۵۱.

https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_1944.html

• تقی‌پور، علی‌اکبر. مشایخی، ابوالفضل. جعفری، قاسم. (۱۳۹۷). تحلیل سرمایه‌های اجتماعی در بهبود شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (نمونه مطالعاتی: شهر سمنان). فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۳(۶)، ۱۶۸-۱۴۵.

<https://doi.org/10.22054/urdp.2020.48511.1167>

• حسینی، سید هادی. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران؛ مطالعه موردی: شهر تربت‌حیدریه. مطالعات شهری، ۵(۲۰)، ۵۲-۴۳.

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_40907.html

سازمان‌های مدیریتی و دولت‌ها از یک نقش تصدی‌گر به نظارتی و هماهنگ‌کننده امور دانسته‌اند. با این وجود، عمده پژوهش‌ها به ارائه راه‌حل‌های کلی اکتفا نموده‌اند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که حکمروایی خوب شهری در گرو ۶ عامل «ظرفیت‌سازی نهادی»، «حساب‌پذیری»، «کارایی و اثربخشی»، «مقبولیت عمومی»، «شهروندمداری» و «مشارکت‌جویی» است که از میان آن‌ها عوامل «کارایی و اثربخشی» و «حساب‌پذیری» بیشترین نقش را در تحقق حکمروایی خوب شهری ایفا می‌نمایند. همچنین در مورد شهرداری شیراز که اصلی‌ترین ارگان در مدیریت این شهر قلمداد می‌شود، می‌توان ادعا نمود که بیشترین چالش و فاصله تا حصول به حکمروایی خوب در دو عامل «شهروندمداری» و «ظرفیت‌سازی نهادی» دیده می‌شود. با نگاهی به شاخص‌های زیرمجموعه این دو عامل مشاهده می‌شود پیرنگ‌تر نمودن نقش جامعه در حکمروایی و نگاه از پایین به بالا در نظام مدیریت شهری را می‌توان جزء اقدامات دارای اولویت قلمداد نمود. لذا در پایان به برخی از راهبردهای پیشنهادی در چارچوب تحقق حکمروایی خوب شهری در شیراز اشاره می‌شود:

- آمادگی مدیریت شهری برای مواجهه با چالش‌ها و

تحولات جدید اقتصادی، اجتماعی، فناوری و ...

- ایجاد سازوکاری برای همکاری سه بخش دولتی،

جامعه مدنی و بخش خصوصی در مراحل مختلف فرایند مدیریت شهری

- بازتعریف جایگاه دولت و شهرداری به عنوان تسهیل‌

کننده و انتظام‌بخش فعالیت‌های عمومی شهر

- ارتقای سرمایه اجتماعی باهدف ایجاد حس تعلق و

تعهد در شهروندان برای مشارکت در امور شهر

- تغییر نگرش نسبت به مدیریت شهر به عنوان فرایندی

پویا، مستمر و نیازمند همسویی منافع گروه‌های مختلف

- تسهیل حضور و مشارکت مردم در امور شهر و ارتباط

با مدیران

- معروف نژاد، عباس، خواجوی نیا، لاله. (۱۳۹۹). ارزیابی و رتبه‌بندی برخی از مؤلفه‌های حکمروایی در مناطق شهری شرق کلان‌شهر اهواز از دیدگاه شهروندان و کارشناسان با استفاده از تکنیک MABAC. *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۳۴(۹)، ۸۹-۱۰۶.

https://ges.iaun.iau.ir/article_677679.html?lang=en

- هاشمی یستونی، محمودرضا، شمس، مجید. (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری و تأثیر آن بر متغیر توسعه گردشگری در شهر یستون. *فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری*، ۳۳(۹)، ۳۷-۱۷.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.22518827.1398.9.33.2.5>

- Aina, Y., Wafer, A., Ahmed, F., Alshuwaikhat, H. (2019). Top-down sustainable urban development? Urban governance transformation in Saudi Arabia, *Cities*, 90, 272-281.

<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.03.003>

- Biswas, R., Jana, A., Arya, K., & Ramamritham, K. (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225-236.

<https://doi.org/10.1016/j.jum.2018.12.009>

- Blanco, I. (2013). Analysing urban governance networks: bringing regime theory back in, *Environment and Planning C: Government and Policy*, 31, 276-291.

<https://doi.org/10.1068/c11174>

- Cheyne, C. (2015). Changing urban governance in New Zealand: Public participation and democratic legitimacy in local authority planning and decision-making 1989-2014. *Urban Policy and Research*, 33(4), 416-432.

<https://doi.org/10.1080/08111146.2014.994740>

- Da Cruz, N. F., Rode, P., & McQuarrie, M. (2019). New urban governance: A review of current themes and future priorities. *Journal of Urban Affairs*, 41(1), 1-19.

<https://doi.org/10.1080/07352166.2018.1499416>

6

- زیاری، کرامت‌الله. یدالله نیا، هاجر. یداله نیا، حسین. (۱۳۹۹). تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان (مورد مطالعه: شهر ساری). *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۱(۴۰)، ۱-۱۶.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1399.1.40.1.8>

- سرائی، محمدحسین. شاه کرمی، نعمت. انیز، حجت. کمانداری، محسن. (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۱(۱)، ۴۳-۶۱.

<https://doi.org/10.22103/juas.2015.1771>

- شریف زادگان، محمدحسین. قانونی، حسین. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها. *رفاه اجتماعی*، ۱۷(۶۶)، ۱۸۵-۲۲۱.

<http://refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۳۰۲۷-fa.html>

- علاءالدینی، پویا، پورمیرغفاری، مریم سادات. (۱۳۹۷). مدیریت محله و شورایی در تهران: ارزیابی حکمروایی شهری در حسن‌آباد زرگنده. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۷(۱)، ۲۵-۵۲.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2018.207350.356>

- قادرمزی، حامد. احمدی، حسین. احمدی، عاطفه. جوان، فرهاد. (۱۳۹۷). تحلیلی بر تأثیر حکمروایی خوب در بهبود کیفیت زندگی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان دهگلان). *جغرافیا*، ۱۶(۵۸)، ۱۹۰-۱۵۷.

https://mag.iga.ir/article_253451.html?lang=fa

- کاظمیان، غلامرضا. براری، احسان. شریف‌زاده، فتاح. قربانی زاده، وجه‌اله. (۱۴۰۰). مدل متناسب حکمروایی خوب شهری برای کلان‌شهرهای کشور و تحلیل یکپارچه وضعیت فعلی (مورد مطالعه: مشهد). *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۲(۴۴)، ۵۵-۷۴.

<https://doi.org/10.30495/jupm.2020.3969>

<https://doi.org/10.1177/0042098016669452>

- Meyer, N., & Auriacombe, C. (2019). Good urban governance and city resilience: An afrocentric approach to sustainable development. *Sustainability*, 11(19), 5514.

<https://doi.org/10.3390/su11195514>

- Muchadenyika, D., J. Williams, J. (2016). Social Change: Urban Governance and Urbanization in Zimbabwe, *Urban Forum*, 27, 253-274.

<https://doi.org/10.1007/s12132-016-9278-8>

- Obeng - Odoom, F. (2017). Urban Governance in Africa Today: Reframing, Experiences, and Lessons, *Growth and Change*, 48(1), 4-21.

<https://doi.org/10.1111/grow.12164>

- Parés, M., Boada, J., Canal, R., Hernando, E., & Martínez, R. (2017). Challenging collaborative urban governance under austerity: How local governments and social organizations deal with housing policy in Catalonia (Spain). *Journal of Urban Affairs*, 39(8), 1066-1084.

<https://doi.org/10.1080/07352166.2017.1310531>

- Romańczyk, K. M. (2015). Towards urban governance: Twenty years of neighbourhood contracts in the Brussels-Capital Region. *Cities*, 44, 1-8.

<https://doi.org/10.1016/j.cities.2014.12.002>

- Sheng, Y. K. (2010). Good urban governance in Southeast Asia. *Environment and Urbanization Asia*, 1(2), 131-147.

<https://doi.org/10.1177/097542531000100203>

- Sheng, L., & Wan, P. Y. K. (2017). Explaining urban governance in the midst of political transformation: the city of Macao. *Asia Pacific Viewpoint*, 58(3), 289-300.

<https://doi.org/10.1111/apv.12167>

- Stewart, K. (2006). Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver. *Cities*, 23(3), 196-204.

<https://doi.org/10.1016/j.cities.2006.03.003>

- Daramola, O., Olowoporoku, O. (2017). Plurality of urban governance in Nigeria and its implications on delivery of environmental services, *Advances in Environmental Research*, 6(1), 25-33.

<https://doi.org/10.12989/aer.2017.6.1.025>

- Fuseini, I. (2021). Decentralisation, entrepreneurialism and democratization processes in urban governance in Tamale, Ghana. *Area Development and Policy*, 6(2), 223-242.

<https://doi.org/10.1080/23792949.2020.1750303>

- Gilbert, A. (2015). Urban governance in the South: How did Bogota' lose its shine? *Urban Studies*, 52(4), 665-684.

<https://doi.org/10.1177/0042098014527484>

- Hendriks, F. (2014). Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values, *Urban Affairs Review*, 50(4), 553-576.

<https://doi.org/10.1177/1078087413511782>

- Koster, M. (2015). Citizenship agendas, urban governance and social housing in the Netherlands: An assemblage approach. *Citizenship Studies*, 19(2), 214-228.

<https://doi.org/10.1080/13621025.2015.1005951>

- Lombard, M. (2013). Citizen Participation in Urban Governance in the Context of Democratization: Evidence from Low-Income Neighbourhoods in Mexico, *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(1), 135-150.

<https://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2012.01175.x>

- MacCallum, R. C., Widaman, K. F., Zhang, S., & Hong, S. (1999). Sample size in factor analysis. *Psychological methods*, 4(1), 84-99.

<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/1082-989X.4.1.84>

- Martí-Costa, M., & Tomàs, M. (2017). Urban governance in Spain: From democratic transition to austerity policies. *Urban Studies*, 54(9), 2107-2122.

- Yin, Z., Zhu, S. (2020). Consistencies and inconsistencies in urban governance and development, *Cities*, 106, 1-12.

<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102930>

- Zientara, P., Zamojska, A., T. Cirella, G. (2020). Participatory urban governance: Multilevel study, *Plos One*, 15(2), 1-23.

<https://doi.org/10.1371/journal.pone.0229095>

- Swapan, M. (2016). Participatory Urban Governance in Bangladesh: A Study of the Gap between Promise and Realities, *Environment and Urbanization Asia*, 7(2), 196-213.

<https://doi.org/10.1177/0975425316652548>

- Syrett, S., Sepulveda, L. (2012). Urban governance and economic development in the diverse city, *European Urban and Regional Studies*, 19(3), 238-253.

<https://doi.org/10.1177/0969776411430287>

نحوه ارجاع به مقاله:

حیدرزاده، احسان. آراسته، مجتبی. و رفیعی، الناز. (۱۴۰۲). تبیین عوامل مؤثر بر ارتقاء حکمروایی خوب شهری در شهر شیراز. توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۱-۱۵.



DOI: 10.22034/USD.2023.2000134.1036



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.1.4

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_705307.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



OPEN ACCESS

Received: 14/04/2023

Accepted: 03/06/2023

Explanation of Good Governance Factors in Shiraz

Ehsan Heidarzadeh¹, Mojtaba Arasteh^{2*}, Elnaz Rafiee³

Abstract: Recently the terms "governance" and "good governance" are being increasingly used in development literature. The concept of "governance" is not new. It is as old as human civilization. Simply put "governance" means: the process of decision-making and the process by which decisions are implemented (or not implemented). Nowadays, countries claiming democracy are trying to achieve sustainable urban development by applying a new approach called good urban governance. Good governance relates to the political and institutional processes and outcomes that are necessary to achieve the goals of development. The true test of 'good' governance is the degree to which it delivers on the promise of human rights: civil, cultural, economic, political and social rights. The present study tries to analyze the situation of urban management in Iran (Shiraz) based on the issues of good urban governance. The research method is descriptive-analytical and based on documentary studies and field survey. The variables of good urban governance (consisting of 19 variables) were extracted from previous articles and they were used to design questionnaire questions. In this research quantitative and analytical model are used include exploratory factor analysis and multivariate linear regression. The process of selecting samples is purposeful and systematic, and the sample community was selected from among the regular visitors to the secretariat of the architecture and urban planning department of Shiraz municipality. Based on statistical principles and concepts, the number of samples is considered equal to 200 people. In the following, the data obtained from the questionnaires have been entered into the SPSS software. The output of the factor analysis model of good governance in Shiraz shows that it depends on improving the factors of "institutional capacity of organization", "transparency", "efficiency and effectiveness", "public acceptance", "citizenship" and "participation". Findings of this study show a considerable part of good urban governance factors and indicators have significant similarities with each other. But one of the differences that can be seen in this research with similar researches is the emphasis of this research on an important factor under the title of "institutional capacity of organization" in order to apply the concepts and criteria of good urban governance in the structure of local, regional and national governments. This factor emphasizes the important point that with the creation of institutional capacity in the society and the strengthening of non-governmental organizations, the two-way connection between the people and officials, which are the two main pillars of local management and urban development, has been accelerated other Governance factors. The main output of this study indicates that the two factors of "efficiency and effectiveness" and "transparency" play the most important role in achieving good urban governance. Also, in the case of Shiraz Municipality as the main body in the management of this city, the greatest challenge and distance to achieve good governance can be seen in the factor of "citizenship" and "institutional capacity of organization". In the following, some prominent suggestions are presented in order to promote good governance in the city of Shiraz: Changing the attitude of local managers towards city management as a dynamic, continuous process that requires the alignment of the interests of different groups; Facilitating people's presence and participation in city affairs and communication with managers; Increasing the sense of place and belonging through citizen participation in activities such as beautifying the environment; Citizenship education and familiarizing citizens with the concept of citizenship rights.

Keywords: Urban Governance, Municipality, Factor Analysis, Shiraz.

¹Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

^{2*}Assistant Professor, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran; Corresponding Author, [Email: M.arasteh@Shirazu.ac.ir](mailto:M.arasteh@Shirazu.ac.ir)

³M.Sc in Urban Planning, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۱۷-۳۶

امکان‌سنجی تحقق پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد TND

(نمونه مطالعاتی: خیابان مدرس شهر کرمانشاه)

مهین نسترن^۱، آرزو جمشیدی شیخی آبادی^۲، مجتبی لرنزنگنه^۳

چکیده: شهرها در گذشته از قابلیت پیاده‌مداری بالایی برخوردار بودند به گونه‌ای که پیاده‌روی به علت دسترسی آسان و هزینه کم اصلی‌ترین روش جابجایی مردم در فضاها برای کلیه افراد جامعه به‌شمار می‌رفت. این امر با ورود اتومبیل و انقلاب صنعتی دست‌خوش تغییر شد؛ بدین معنا که موضوع عابر پیاده به دست فراموشی سپرده شد. توجه به حمل‌ونقل موتوری شهرها را با مسائل جدیدی همچون معضلات زیست‌محیطی، افزایش جاقی مفرط افراد، بی‌هویتی و فقدان معنا روبه‌رو ساخت. رهیافت‌های بسیاری جهت پاسخ به این معضلات در جهان رقم خورده است. یکی از رهیافت‌های جدید برنامه‌ریزی و طراحی شهری که تأکید ویژه بر پیاده‌مداری و محور پیاده دارد رویکرد توسعه محلات سنتی (TND) است که بسیاری از ابعاد و شاخص‌های آن ارتباط وثیقی با دیدگاه و رویکرد پیاده‌مداری دارد؛ بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا قابلیت پیاده‌مداری در خیابان مدرس واقع در منطقه سه شهرداری کرمانشاه را با رویکرد TND مورد ارزیابی قرار دهد. این خیابان به طول ۱۸۴۰ متر و عرض تقریبی ۱۷ متر - در بخش میانی این مقدار افزایش می‌یابد - نقشی تجاری و خدماتی دارد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعه کتب و اسناد کتابخانه‌ای، مشاهده میدانی و ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش تمام شهروندان کرمانشاه است که جمعیت تقریبی یک میلیون نفری را شامل می‌شود. همچنین، با قرار دادن این مقدار در فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده و نمونه‌گیری به‌طور تصادفی ساده صورت پذیرفته است. علاوه بر آن، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیلی SPSS در قالب آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره و تی‌تک متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که تمامی مؤلفه‌های رویکرد TND بر پیاده‌مداری مؤثرند. البته میزان همبستگی هر شاخص رویکرد TND با پیاده‌مداری متفاوت است. به‌طوری که هشت عامل «وجود کاربری‌های جذاب»، «اختلاط کاربری»، «خوانایی مسیر»، «تنوع در ساختمان‌ها»، «امنیت از جرائم»، «کیفیت زندگی اجتماعی»، «جذابیت و سرزندگی» و «درنهایت «غناي حسی» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با پیاده‌مداری در خیابان مدرس دارند؛ بدین ترتیب، در ارتقا و پیاده‌مدار سازی آن تأثیرگذارترند. نتایج دیگر بیانگر آن است که تمام شاخص‌های مؤلفه معناشناختی بر سرزندگی و هویت‌مندی خیابان مدرس مؤثرند. چراکه علاوه بر مؤلفه‌های عینی مؤلفه‌های ذهنی عابران را نیز پوشش می‌دهند.

واژگان کلیدی: رویکرد TND، پیاده‌مداری، خیابان شهری، خیابان مدرس، کرمانشاه

^۱ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور، دزفول، ایران؛ نویسنده مسئول:

arezojamshidi7886@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

رشد و گسترش کالبدی شهرها امروزه منجر به وابستگی افراد به وسایل نقلیه موتوری برای جابه‌جایی راحت‌تر در سطح شهر جهت تأمین نیازهایشان شده است. این امر در شهرهای بزرگ که تخصصی شدن حوزه‌های شهری در عرضه کالا و خدمات آن‌ها آشکار است موجب اجتناب‌ناپذیری مردم در استفاده از وسایل نقلیه و جدایی‌گزینی کاربری‌ها گشته است. این موضوع علاوه بر مشکلات محیط‌زیستی، باعث افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی، افزایش هزینه‌های مدیریتی، آسیب‌های جانی و مالی، اثر منفی بر کیفیت زندگی شهروندان می‌گردد (کازرونی و مهدوی، ۱۳۹۶، ۲). غفلت از ساماندهی و برنامه‌ریزی برای پیاده‌مداری و توجه صرف به حرکت سواره باعث حذف افراد پیاده از شهر می‌شود. این عدم حضور افراد پیاده در خیابان و محله، کاهش ایمنی و امنیت، بی‌عدالتی، مشکلات زیست‌محیطی، بی‌هویتی و فرسودگی تدریجی را در پی خواهد داشت (رهنما و بازرگان، ۱۳۹۹، ۲).

^۱TND رویکردی است در پاسخ به چنین موضوعاتی که باهدف کاهش حمل‌ونقل موتوری، ترویج پیاده‌مداری و اختلاط کاربری توسط گروهی از طراحان و برنامه‌ریزان شهری مطرح شده است. این رویکرد به جای دیدگاه خودرو-گرا^۲ که امروزه در شهرها حاکم است نگرشی انسان‌گرا را پیشنهاد می‌دهد (Cambra & Moura, 2020, 3). هدف TND حذف خودرو از زندگی روزانه نیست، بلکه تلاش می‌کند اشخاص پیاده باوجود اتومبیل در سطح شهر، احساس آسایش و ایمنی، رضایت‌مندی و راحتی نمایند. در این رویکرد برخورد و تعاملات اجتماعی موردتوجه است (Milakis & Van Wee, 2018, 115). پیاده‌مداری یکی از اصلی‌ترین معیارهای ارتقای کیفیت کالبدی، بهبود سلامت جسمی و کاهش چاقی، انسانی کردن فضا و مانند آن به حساب می‌آید. از سوی دیگر، توجه به پیاده‌مداری در کنار

تبعات فردی، تبعات اجتماعی را نیز در بر دارد. بدین معنا که ارتقای حیات اجتماعی و مدنی جامعه را موجب و در ایجاد سرزندگی و جلوگیری از افول شهری امری حیاتی قلمداد می‌گردد. با عنایت به این مطلب، هدف تحقیق حاضر ارزیابی و ارتقای پیاده‌مداری خیابان مدرس با تأکید بر رویکرد TND است.

انتخاب این خیابان به علت موقعیت خاص این محور از لحاظ دسترسی‌های شهری و ظرفیت بالقوه آن در به عهده گرفتن عملکردهای خاص به‌عنوان جاذبه‌های جمعیتی آن و درنهایت جایگاه این خیابان در پروژه‌های شهری (طرح عریض شدن خیابان و پروژه قطار سبک شهری)^۳ است. مسئله اساسی دیگر آنکه این خیابان در ادامه شاه‌راه حیاتی ارتباطی شمالی- جنوبی شهر کرمانشاه است. بدین ترتیب، این پژوهش درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. کدام یک از اصول TND بر ارتقای پیاده‌مداری خیابان مدرس مؤثرند؟

۲. مؤلفه‌های معناساختی چگونه خیابان مدرس را به پیاده‌راهی هویت‌مند و سرزنده تبدیل می‌کنند؟

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

یکی از دغدغه‌های اندیشمندان در حوزه شهرسازی (کیفیت محیط و کیفیت زندگی) بوده است. گذار از شرایط متأثر از جنگ جهانی، انقلاب صنعتی و رکودهای اقتصادی منجر به پذیرش جبریت مسائل اجتماعی و اثر آن بر محیط و مکان شده است. همچنین، ارتباط بین افراد و محیط را می‌توان مشاهده کرد که اکثر نظریه‌پردازهای متأخر، تلاش در ملاحظه تأثیر دوسویه این دو داشته و بر مبنای آن فرضیاتی جهت بهبود زندگی افراد مطرح نموده‌اند. در این میان می‌توان به کوین لینچ^۴، ایلارد^۵، یان گل^۶، تیبالدز^۷ و مانند آن اشاره داشت. آن‌ها جهت ارتقای کیفیت محیط به عملکرد و جنبه‌های اجتماعی فضاهای عمومی توجه داشته‌اند و یکی از

^۴Donald Appleyard

^۵Jan Gehl

^۷Tibbalds, Francis

^۱ Traditlonl neighborhood development

^۲ Car-Centric

^۳ L.R.T

^۴Kevin Lynch

جهان تبدیل شد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت این موضوع مطالعات بسیاری در خصوص پیاده مداری و پیاده راهواری در ایران مطرح شده است که می‌توان در (جدول شماره ۱) به برخی از آن‌ها اشاره داشت.

موضوعات مورد توجه‌شان پیاده مداری بوده است چراکه آن‌ها حضور افراد در فضا را مهم‌ترین نشانه کیفیت تمدن دانسته‌اند (تیبالدز، ۱۳۸۳، ۷۴ به نقل از بوچان، ۱۹۶۳). این نظریه در مباحثی همچون رشد هوشمند، توسعه پایدار و نوشهر گرایی نیز مطرح گردید و به ایده‌ای کارآمد در سراسر

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسنده	عنوان پژوهش	نتیجه و یافته‌ها
تاجیک و پرتوی (۱۳۹۳)	«مدل مفهومی و چهارچوب تحلیلی پیاده مداری با تأکید بر رویکرد نوشهر سازی مطالعه موردی: فاز چهار مهرشهر کرج»	به بررسی معیار و مؤلفه‌های مؤثر بر پیاده مداری و سنجش آن در محدوده مورد بررسی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که نقش مؤلفه‌هایی مانند ایمنی و امنیت، کیفیت محیط و مدیریت کارآمد با اقتضائات نمونه موردی با سایر مخلفه‌ها بر پیاده مداری پُررنگ‌تر است و باید راهبردهای اجرایی برای این مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گیرد.
ابراهیم‌زاده و اسفندیاری مهنی (۱۳۹۷)	«نقش پیاده راه‌های شهری در توسعه گردشگری پایدار مطالعه موردی: خیابان ۱۵ خرداد شهر تهران»	به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش خدمات و امکانات موجود خیابان هم از نظر اقتصادی و هم فرهنگی - اجتماعی موجب گسترش گردشگری شهری و توسعه می‌شود.
هاشمی و کشکولی (۱۳۹۹)	«بررسی الگوی رفتاری عابران پیاده در یک فضای شهری نمونه موردی: میدان شهدا در تهران»	نتیجه این پژوهش تأثیر بسیار بالای کیفیت کالبد، مبلمان موجود در فضا، تنوع کاربری‌های جاذب و... را بر الگوی رفتاری عابران پیاده نشان می‌دهد.
کازرونی و مهدوی (۱۳۹۶)	«امکان‌سنجی تحقق پیاده راه با رویکرد توسعه پایدار نمونه موردی: محور هزارویک‌شب کرمان»	به نقش پیاده مداری به‌عنوان الگوی پاک در نمونه مطالعاتی خود پرداخته است. نتایج نشان داد محور هزارویک‌شب با شاخص‌های یک مسیر پیاده مدار همخوانی دارد و با از میان برداشتن مشکلات موجود می‌توان این محور را به خیابانی پیاده مدار جهت رسیدن به توسعه پایدار تبدیل کرد.
خادم فسقندیس و همکاران (۱۳۹۹)	«بررسی جایگاه پیاده راه در مورفولوژی شهری از دیدگاه تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: پیاده راه تربیت و پیاده راه ولیعصر تبریز)»	به دنبال ارزیابی میزان تعاملات اجتماعی در دو پیاده راه تربیت و ولیعصر تبریز بوده‌اند. درنهایت به بررسی نرمال بودن زیرشاخص‌های ابعاد معناشناختی (خوانایی، عناصر انسان‌ساخت، پاکیزگی، عناصر طبیعی، بهره‌گیری از حواس) و تعاملات اجتماعی (توقعات عام، توقعات خاص، عملکردی، کالبدی، عینی، ذهنی، فضای شهری) پرداخته‌شده است و با آزمون‌های آماری به تأیید فرضیات پژوهش انجامیده است.
فرر و روبز ^۱ (۲۰۱۸)	«اثرات محیط انسان‌ساخت در تصمیم به پیاده‌روی در سفرهای کوتاه، دو شهر والنسیا و گرانا»	یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که به دلیل بلوک‌های کوچک و محدودیت استفاده از ماشین در مرکز شهر گرانا، ساکنان آن بیشتر به پیاده‌روی پرداخته‌اند. ناامنی ناشی از فضاهای خالی، روشنایی نامناسب معابر از مهم‌ترین موانع پیاده‌روی است. علاوه بر این‌ها شیب تند خیابان‌ها منجر به گرایش به انواع سفرهای دیگر شده است.
ثکور و بیسواس ^۲ (۲۰۱۹)	«ارزیابی تعامل عابر پیاده و وسیله نقلیه در مسیرهای شهری؛ یک بررسی انتقادی»	این مقاله مروری بر ادبیات مفصلی در مورد ارزیابی تعامل عابر پیاده و وسیله نقلیه در مسیرهای شهری تمرکز دارد. یافته‌های مقاله رفتار عابر پیاده و وسایل نقلیه را در حین اشتراک در یک فضای جاده‌ای تحلیل می‌کند.
پارک و گارسیا ^۳ (۲۰۱۹)	«درک ایمنی عابر پیاده و تنظیمات خیابان شهری»	نتایج نشان می‌دهد که روشنایی مناسب خیابان عامل اصلی افزایش احساس ایمنی در خیابان‌ها است. همچنین، ایمنی توسط انواع مختلف کسب‌وکار، غذاخوری در فضای باز، هنرمندان خیابانی و سایر فعالیت‌های پیاده‌روی شکل می‌گیرد. به‌غیر از محیط کالبدی، این مطالعه نشان داد که سن و جنسیت بر سطح اضطراب عابران پیاده تأثیر می‌گذارد.

^۱Park and Garcia

^۲Ferrer and Ruiz

^۳Thakur and Biswas

۲-۱- رویکرد توسعه محله سنتی (TND)

این الگو یکی از ریشه‌های اصلی نوشهرگرایی است و در سال‌های ۱۹۹۰ در آمریکا توسط جیکوبز، کریر و زیبرک مطرح گردیده است. این رویکرد به فضاهای خودکفا و چند عملکردی تأکید داشت. این دیدگاه، جهت‌دستیابی به مقیاس انسانی، الگوهای سنتی متنوع، ایجاد فضاهای پیاده، فضاهای فشرده، دسترسی به فضای عمومی، زیبایی و هماهنگی و دسترسی شطرنجی تدوین شده است (Alexander and Wydemen, 2020, 1-5). طراحی واحدهای سنتی بر عواملی همچون: ۱. چندعملکردی بودن واحدهای همسایگی ۲. تعریف منطقه با عملکرد تخصصی ۳. کریدورها به عنوان فضای ارتباطی برای دسترسی تعریف می‌گردند، استوار است. با این تعاریف محله در بستری از فضای سبز قرار می‌گیرد که روستا شهر نامیده می‌شود. این الگو واکنشی در برابر پراکندگی مرسوم در حومه شهرهاست. این الگو با عدم پراکندگی منجر به انسجام اجتماعی گشته است و کیفیت فضاها را بهبود می‌بخشد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۲، ۹-۷). به‌طورکلی، TND مزایای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به همراه دارد؛ زیرا منجر به افزایش ایمنی و امنیت، بهبود سلامتی با پیاده‌روی، کاهش هزینه رفت‌وآمد، کاهش آلودگی، افزایش فضای سبز و درنهایت کاهش وابستگی به اتومبیل می‌گردد (Garde, 2020, 450-456). با توجه به آنکه این رویکرد یکی از ریشه‌های نوشهرگرایی است و در مقیاس‌های مختلف (همچون خیابان، بلوک شهری، محله و شهر) کاربرد دارد پس می‌توان از آن در برنامه‌ریزی و طراحی خیابان به مثابه فضای شهری نیز استفاده کرد.

۲-۲- پیاده راه

فضایی شهری است که در آن حرکت پیاده در اولویت و حرکت سواره در بخشی یا تمام ساعات شبانه‌روز حذف

می‌شود. این فضا علاوه بر دسترسی، فضای با کاربری متنوع، سرزنده، راحت و ایمن برای اقشار مختلف اجتماعی و تعامل آنان ایجاد می‌نماید (تاجیک و پرتوی، ۱۳۹۲، ۸۳). پیاده راه معبری با بیشترین نقش اجتماعی است که در آن از وسایل نقلیه جهت سرویس دهی به زندگی کنونی استفاده می‌شود و در آن تسلط با عابر پیاده است. پیاده راه ابزاری جهت فعالیت جمعی به خصوص در ارتباط اقتصادی شهر، سلامت اجتماعی و کیفیت محیطی است (کازرونی و مهدوی، ۱۳۹۶، ۳).

۲-۳- پیاده مداری

به معنی میزان قابلیت یک مکان در پیاده‌روی است. مکان پیاده مدار، فضایی جذاب و مطلوب برای اشخاص پیاده است که حس راحتی، آسایش و امنیت را فراهم می‌کند (راهنما و بازرگان، ۱۳۹۹، ۱۸۳). پیاده مداری میزان مطلوبیت محیط مصنوع برای حضور مردم، ملاقات، گذران اوقات فراغت، زندگی و خرید و لذت بردن از آن در یک پهنه است (Liao, et al, 2020, 38). از بهترین روش‌های سنجش پیاده مداری یک بلوک، خیابان یا محله شمارش تعداد افرادی است که در فضا مکث و احساس لذت می‌کنند. تنوع افراد و حضور اقشار مختلف همچون سالمندان، کودکان و افراد ناتوان بیانگر سالم و بی‌خطر بودن و کیفیت خاص یک فضای پیاده مدار است (Nasol, 2009, 7). در فضاهای پیاده مدار امکان مشاهده مکان و فعالیت‌ها، تحرک و پویایی، اکتشاف ارزش‌ها و جاذبه‌های محیط برای شهروندان فراهم گردد. این رویکرد از نظر ادراک هویت فضا، احساس مکان و درک زیبایی اهمیت بسیار دارد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۲۷۱).

در ادامه در (جدول شماره ۲) ابتدا به اصول طراحی و برنامه‌ریزی رویکرد TND و سپس در (جدول شماره ۳) به اصول و شاخص‌های پیاده‌مداری از دیدگاه نظریه‌پردازان و محققان شهری پرداخته می‌شود.

جدول ۲. اصول طراحی و برنامه‌ریزی رویکرد TND؛ منبع: نویسندگان با اقتباس از (ارنت، ۱۳۸۷ و CNU & HUD, 2000)

اصول	شرح
پیاده‌مداری	مهم‌ترین اصل توجه به حرکت پیاده در بافت موجود و پیاده‌سازی معبرهای شهری است. آن‌ها عقیده دارند میدان‌ها و خیابان برای پیاده‌روی بایستی مکانی ایمن و جذاب باشند؛ یعنی به‌گونه‌ای باشند که ساکنین در آن احساس آسایش کنند و به پیاده‌روی بیشتر تشویق شوند.
اتصال و پیوستگی	توجه به سلسله‌مراتب دسترسی به کارکردهای شهری و خیابان‌ها، نفوذپذیری، پیوستگی شبکه معابر و تعریف کوچه، خیابان‌ها جهت پیاده‌روی و کاهش ترافیک.
کاربری مختلط	بهره‌گیری از اختلاط و تنوع در کاربری‌ها و فضاهای کار و زندگی. اختلاط کاربری می‌تواند در یک بلوک، خیابان، محله، در یک ساختمان با تنوع در فرهنگ، سطح درآمد، نژاد باشد. اختلاط می‌تواند سبب امنیت، کاهش سفر روزانه، فعال شدن بافت، افزایش تعاملات اجتماعی و درنهایت آرام شدن ترافیک و جلوگیری از رشد افقی شهر گردد.
تراکم در بافت	این اصل سبب می‌شود در بافت موجود شهر استفاده بهینه از زمین به عمل آید. افزایش تراکم منجر به نزدیکی خدمات و فروشگاه‌ها به یکدیگر می‌شود، فاصله کمتر شده و از توسعه افقی شهر اجتناب می‌شود و اجتماعی فشرده، محیطی مطبوع و مناسب برای پیاده‌روی و زندگی شهروندان ایجاد می‌کند.
تقویت و حفظ ساختارهای سنتی	در این اصل سعی می‌شود ساختارها در بافت شناخته شوند و با تمهیداتی منجر به ارتقای عرصه عمومی، فضای باز، حفظ مرکز و لبه و درنهایت تقویت آن‌ها شود.
بهبود کیفیت طراحی و معماری	تأکید نوشهرگرایی بر آسایش و زیباشناسی و ایجاد حس مکان، معماری با مقیاس انسانی، تغذیه روح بشری با زیبایی محیط، حفظ ارزش تاریخی بناهای عمومی موجود در بافت است. همچنین، سعی دارد به‌وسیله نوسازی بنا حفاظت از مناظر و میراث مصنوع شهری را ممکن سازد و حیات را در جامعه تداوم بخشد.
تقویت فضای عمومی و باز	فضاهای باز و عمومی مانند فضای سبز یا پارک‌ها می‌توانند باعث ایجاد فضای جذاب و خلق مفهومی مهم از فضای شهری شوند. تقویت این‌گونه فضاها مانند ساختمان‌های عمومی، پیاده‌راه‌ها و میدان‌ها مکانی برای ملاقات و تماس اجتماعی افراد با یکدیگر است و باعث ایجاد فضای زنده و پویا در محیط می‌شود.
حمل‌ونقل عمومی	وجود شبکه‌ای از حمل‌ونقل عمومی که ارتباط با شهرها و محلات را برقرار می‌کند می‌تواند منجر به کاهش رفت‌وآمد و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پاک‌ی هوا گردد. استفاده از اتوبوس و دوچرخه و مسیرهای پیاده برای تشویق عبور و مرور مردم به زندگی سالم امری مهم تلقی می‌شود.
ابزارهای طراحی جهت امنیت در محله	به عقیده نوشهرگرایان یک فضا باید به نحوی ساماندهی شود که ساختمان‌ها و بناهای آن به‌گونه‌ای طراحی شوند که امنیت موردنیاز را تأمین کنند. چراکه طراحی مطلوب بر امنیت محله تأثیر مثبت دارد.

جدول ۳. اصول و شاخص‌های پیاده‌مداری از دیدگاه نظریه‌پردازان و محققان شهری

نظریه‌پرداز	شاخص‌ها	منبع
لینچ ^۱ (۱۹۸۱)	مقیاس انسانی، دسترسی، حس مکان، سرزندگی، فعالیت، امنیت، انطباق، ارتقای کیفیت زندگی، حضور	(لینچ، ۱۳۸۱، ۲۲۱-۲۱۹)
جیکوبز ^۲	فضای عمومی، مقیاس انسانی، انعطاف‌پذیری، تنوع فعالیت، تعاملات اجتماعی، نفوذپذیری، تنوع، سرزندگی، مبلمان شهری، فضای سبز، انعطاف‌پذیری، حس مکان، حمل‌ونقل عمومی	(جیکوبز، ۱۳۸۶، ۱۰۰-۲۵)
راب کریر ^۳	امنیت، خوانایی، حس مکان، اختلاط کاربری، مقیاس انسانی	(راهنما و بازرگان، ۱۳۹۹، ۱۱۶)
تیبالدز ^۴ (۱۹۹۲)	آسایش پیاده، اختلاط کاربری، کیفیت زندگی، مقیاس انسانی، حس مکان، تنوع اجتماعی، لذت بصری، خوانایی، آزادی عمل در گردش و قدم‌زدن	(تیبالدز، ۱۳۸۴، ۹۶-۸۲)

^۱ Ernett^۲ Lynch^۳ Jacobs^۴ Rab Karier^۵ Tibbalds

منبع	شاخص‌ها	نظریه پرداز
(Calthrope associates, 2011, 5-10)	اختلاط کاربری، حمل‌ونقل عمومی، دسترسی، حس مکان، فضای عمومی، مقیاس انسانی، تنوع	کالتورپ ^۱
(Aurbach, 2005, 2-3)	فضاهای عمومی، وجود مسیرهای مختلف، تنوع، خوانایی، ارتباط پذیری، مقیاس انسانی، اختلاط کاربری	دوانی و پلاترزیبرک ^۲
(گل، ۱۳۹۴، ۴۷)	مطلوبیت، لذت بردن، راحتی، امنیت، مبلمان شهری، فضاهای همگانی، آرام‌سازی مسیر، سرزندگی و جذابیت، تنوع، کیفیت محیط	یان گل ^۳ (۱۹۸۷)
(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲، ۵-۲۰)	غنای حسی و رنگ تعلق، تناسب بصری، انعطاف‌پذیری، خوانایی، تنوع، نفوذپذیری	ایان بنتلی ^۴ و همکاران
(کرمونا، ۱۳۹۶، ۵۵-۳۰)	خوانایی، جذابیت، سبزی‌نگی، پاکیزگی، سرزندگی، راحتی و آسایش، امنیت و ایمنی	کرمونا ^۵ و همکاران (۱۳۹۶)
(پاکزاد، ۱۳۸۹، ۱۵۸-۱۵۶)	قابل زندگی بودن، ایمنی، سلامتی، دسترسی به تسهیلات تفریحی، تنوع اجتماعی، اصالت و معنی، تأمین آسایش عابران، اختصاص فضا به پیاده، محدود کردن حرکت سواره	اپلیارد ^۶
(پاکزاد، ۱۳۸۵، ۲۱۸-۲۲۹)	ایمنی، انعطاف‌پذیری، پوشش گیاهی، نورپردازی، نفوذپذیری و تنوع، سرزندگی	پاکزاد (۱۳۸۵)
(تاجیک و پرتوی، ۱۳۹۲، ۸۴)	ارتقای کیفیت محیط، دسترسی، مسیرهای خاص حرکت و فضای مکث، شرایط تعاملات اجتماعی، کالبدی مناسب، ارتقای کیفیت محیط	رفیعیان و همکاران (۱۳۹۰)

۴-۲- خیابان شهری

می‌دهد که به همه ساکنان شهر مربوط می‌شود و افراد با حضور خود به سرزندگی و دل‌پذیری این فضای عمومی کمک می‌کنند. خیابان‌ها از عناصر مهم فضایی شهری محسوب می‌شود و متضمن رفت‌وآمد با ایمنی و راحتی بوده و تردد نقش اصلی آن است (ملکی، ۱۳۹۸، ۱۶).

در ادامه این بخش در (جدول شماره ۴) به شاخص‌های ارزیابی میزان قابلیت پیاده‌مداری با رویکرد TND پرداخته می‌شود.

خیابان دسته‌ای از فضاها است که هم‌زمان با در اختیار قرار دادن طیف گسترده‌ای از فرصت‌ها (پرسه زدن، گردش و تعاملات اجتماعی، جابجایی، دسترسی)، یکی از مهم‌ترین بسترهای شهر جهت تمرکز تسهیلات اجتماعی شهرهاست. از این تسهیلات می‌توان به ایجاد فرصت رویارویی شهروندان مختلف در خیابان و ایجاد امکان بروز فعالیت و رفتارهای فردی تا اجتماعی و دوستانه اشاره کرد (یوسفی، ۱۳۹۹، ۲۱). به عبارت دیگر، خیابان بخشی از فضای عمومی را شکل

جدول ۴. شاخص‌های ارزیابی میزان قابلیت پیاده‌مداری با رویکرد TND: منبع: نویسندگان با اقتباس از (ربانی ابوالفضل و همکاران،

۱۳۹۶، ۸-۹، رهنما و بازرگان، ۱۳۹۹، ۸، محمدآقایی و سهیلی، ۱۳۹۴، ۶-۱۰)

شاخص‌های پیاده‌مداری	اصول TND	
وجود کاربری‌های جذاب اختلاط کاربری (وجود کاربری‌های تجاری، مسکونی) تناسبات بصری	اختلاط کاربری	کالبد
توجه به پیشینه تاریخی مقیاس انسانی	ساختارهای سنتی	
تسهیلات اقشار مختلف (معول و نابینایان)	نورپردازی	پیاده‌روی

^۱ Calthorpe

^۲ Duany and Plater-Zyberk

^۳ Jan Gehl

^۴ Ian Bentley

^۵ Carmona

^۶ Donald Appleyard

اصول TND		شاخص‌های پیاده‌مداری	
فعالیت (عملکرد)	اتصال و پیوستگی	عرض پیاده‌روی	سرویس بهداشتی
		مبلمان شهری	کیفیت کف‌سازی
	حمل‌ونقل هوشمند	خوانایی مسیر پیوستگی در طول مسیر نفوذپذیری	
		آرام‌سازی مسیر	
		ایمنی ترافیکی	تفکیک مسیرهای حرکتی سوار و پیاده
اجتماعی (معنا)	تنوع	تنوع در ساختمان‌ها تنوع در بدنه وجود خرده‌فروشی فعال و گوناگون	
		امنیت از جرائم امنیت زنان و کودکان	
	پایداری زیست‌محیطی	محافظت عابر پیاده در برابر آب‌وهوا آلودگی زیست‌محیطی وجود فضای سبز حاشیه	
		کیفیت زندگی اجتماعی	حس مکان
	کیفیت معماری و طراحی شهری	جذابیت و سرزندگی فضا	
		غناي حسی	

۳۸۴ نفر برآورد شده و نمونه‌گیری به‌طور تصادفی ساده صورت پذیرفته است.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر ماهیتی توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. با توجه به هدف، پژوهش حاضر در دو بخش مطرح می‌گردد؛ ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، گزارش‌ها و طرح‌های توسعه شهری و غیره) مبانی نظری مرتبط با رویکرد TND و پیاده‌مداری، اصول و شاخص‌ها استخراج می‌شوند. در گام بعدی، شاخص‌ها در نمونه موردی مورد بررسی قرار می‌گیرند. به گونه‌ای که ابتدا وضع موجود خیابان مدرس در بافت مرکزی شهر کرمانشاه مورد مشاهده و بازدید میدانی قرار می‌گیرد؛ و در گام بعدی، پرسشنامه‌ای با ۳۱ شاخص پیاده‌مداری در قالب ۶۴ سؤال و ۹ سؤال جهت نظرخواهی از عابران جهت بهره‌گیری از اصول TND در طیف لیکرت^۱ طراحی و جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش مدون می‌گردد.

جامعه آماری این پژوهش تمام شهروندان شهر کرمانشاه است که جمعیت تقریبی یک میلیون نفری را شامل می‌شود. با قرار دادن این مقدار در فرمول کوکران حجم نمونه

جدول ۵. پایایی پرسشنامه

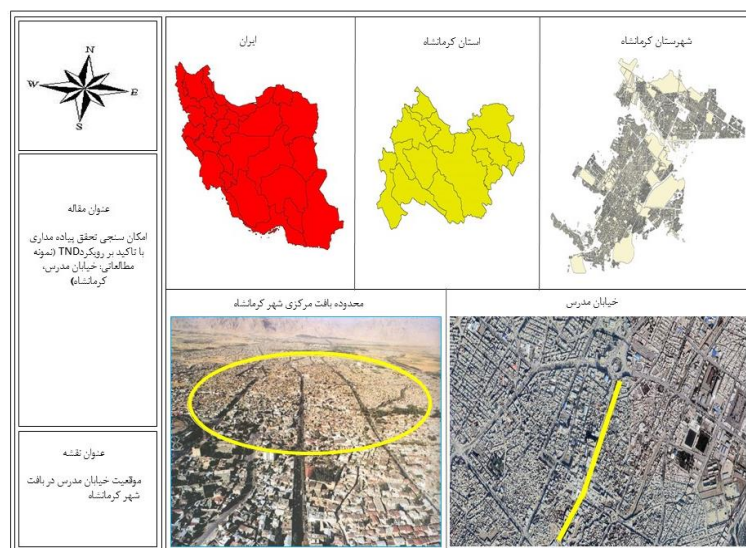
Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
۰/۸۱۱	۷۳

^۱Rensis Likert

۳-۱- محدوده مورد مطالعه

خیابان مدرس یکی از خیابان‌های اصلی تجاری-گردشگری در بافت قدیم شهر کرمانشاه است. این محور دارای ۱۸۴۰ متر طول و ۲۰ متر عرض و کشیدگی شمال شرقی به جنوب غربی است. این خیابان با نام سپه پیشین از میدان آزادی (گاراژ) شروع و تا میدان انقلاب اسلامی (شهرداری سابق) امتداد می‌یابد. خیابان مدرس در زمان پهلوی و با ورود اتومبیل در سال (۱۳۱۴) جهت دسترسی به درون محلات چنانی، فیض‌آباد و برزهدماغ ساخته شد. خیابانی که با ساخته شدنش بازار شهر را که طولانی‌ترین بازار خاورمیانه در آن زمان بود را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم و منجر به قطع گذرهای درون بافت و خیابان با عبور از مقابل سبزه میدان و مسجد جامع سبب ازین‌بردن این فضاهای شهری (مکان تجمعات، مراسم مذهبی در زمان قاجار) راسته‌های اصلی بازار را قطع کرد (برومند سرخابی، ۱۳۸۸، ۲۶۶). اولین ساختمان‌های مدرن در شهر کرمانشاه مانند سینما، بانک‌ها و پاساژها در این خیابان ساخته شد. در آن زمان درختان افرا و چنار دو طرف خیابان که امروزه تعدادی از آن‌ها باقی‌مانده است کاشته شد که خیابان را به مرکز اقتصادی تبدیل کرد. جذابیت مغازه‌ها در خیابان، بازار را کم‌رونق کرد و بازاریان را به جداره خیابان کشاند (معدی، ۱۳۸۴، ۸۱). طرح تعریض این خیابان در سال ۱۳۴۰ توسط شهرداری وقت ارائه شد. اگرچه عملیات اجرایی

این طرح از ۱۳۴۸ آغاز و تاکنون به پایان نرسیده است. تأخیر در این امر به علت ارزش تاریخی برخی از بناها و جداره‌ها مانند بازار سنتی قدیم است. تخریب بازار سنتی به‌منظور تعریض، نگرانی‌هایی را برای میراث فرهنگی در پی داشته است. هرچند فعالیت این طرح از ۱۳۸۶ با شتاب بیشتری با ساخت چهار مجتمع تجاری از سر گرفته شد که در این زمان پروژه به‌عنوان قسمتی از طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر مطرح و ۵۶ پروژه برای آن در نظر گرفته شد که همه کاربری تجاری دارند. این طرح تعریض در سال‌های مختلف مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته است؛ زیرا با اجرای برخی از این طرح‌ها بسیاری از آجرکاری و نماهای باارزش جداره از بین رفت و این انتقاد را مطرح ساخت که این طرح هویت معماری خیابان مدرس و توانایی جذب گردشگر را از بین برده است (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۶، ۱۰۷-۱۰۶). باین‌حال این خیابان یکی از پرتددترین خیابان‌ها و اصلی‌ترین مسیر حمل‌ونقل شهر است که در خود بناهای مهمی مانند؛ مسجد جامع، تکیه بیگلریگی، بازار اسلامی، بازار زرگرها و مانند آن را دارد؛ که به علت ترافیک زیاد یک‌طرفه شده و در محدوده طرح ترافیک است و در سال‌های آتی به‌جای تعریض خیابان طرح پیاده‌راه‌سازی این خیابان مورد توجه متولیان امر توسعه بوده است که در حال حاضر بلا تکلیف باقی‌مانده است. (شکل شماره ۱) موقعیت خیابان مدرس در شهر کرمانشاه را نشان می‌دهد.



شکل ۱. خیابان مدرس در بافت قدیم شهر کرمانشاه، (منبع: نویسندگان با استفاده از Google earth، نوامبر، ۲۰۲۲)

علاوه بر این، میزان آشنایی با خیابان نشانگر آن است که ۵۶/۵ درصد از عابران به میزان زیاد با خیابان آشنا هستند. نتایج دیگر حاکی از آن است بیشترین میزان رفت و آمد در ماه یک یا دو بار با ۴۶/۸ درصد و کمترین میزان چهار تا پنج ماه یکبار با ۱۲/۳ درصد است. مضاف بر آن، مطابق نتایج آماری و پاسخ پرسش شوندگان از (جدول شماره ۶)، چنین استنباط می‌گردد: از نظر اختلاط کاربری، به استثناء وجود کاربری‌های فعال ۲۴ ساعته با میانگین ۳/۷۵ در سطح سنجش متوسط و مخالف است مابقی گویه‌ها در سطح سنجش متوسط و موافق ارزیابی می‌شوند. همچنین، از نظر ساختارهای سنتی، شاخص‌های هویت‌مندی خیابان و مقیاس انسانی با میانگین ۲/۰۰ و ۲/۱۰ در سطح سنجش موافق‌اند.

جدول ۶ تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						سنجش پیاده‌مداری با شاخص‌های کالبدی رویکرد TND	
میانگین	کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم		
۲/۵۴	۴/۱	۸/۲	۳۱/۳	۳۷/۰	۱۹/۴	کاربری‌های جذاب	اختلاط کاربری
۲/۳۴	۴/۰	۷/۵	۲۳/۹	۳۹/۲	۲۵/۴	جذابیت بصری خیابان	
۲/۶۰	۳/۳	۹/۸	۳۹/۴	۳۳/۶	۱۳/۹	اختلاط کاربری	
۳/۷۵	۵/۹	۳۰/۶	۴۱/۵	۱۰/۴	۱۱/۶	وجود کاربری‌های فعال ۲۴ ساعته	
۲/۷۸	۳/۸	۹/۷	۳۰/۴	۳۴/۹	۲/۲۱	سازگاری کاربری‌ها با یکدیگر و با نیاز ساکنین	
۲/۹۵	۵/۵	۸/۳	۳۸/۳	۲۹/۲	۱۸/۷	پیروی عناصر کالبدی خیابان از سنت‌های ملی- منطقه‌ای	
۲/۳۰	۶/۵	۵/۶	۲۸/۹	۴۲/۷	۱۶/۳	وجود مکان دیدنی، آثار هنری یا ویژگی‌های خوانایی	
۲/۶۰	۲/۰	۱۸/۲	۲۹/۸	۴۰/۱	۹/۹	وضوح نام ساختمان‌ها، کوچه‌ها و خیابان	
۲/۲۵	۳/۹	۶/۶	۳۲/۲	۴۲/۵	۱۴/۸	خط آسمان و خط بام هماهنگ و متناسب	ساختارهای سنتی
۲/۰۰	۳/۱	۲/۳	۳۳/۴	۴۰/۷	۲۰/۵	هویت‌مندی خیابان مدرس	
۲/۱۰	۱/۳	۲/۱	۲۰/۰	۴۸/۵	۲۸/۱	مقیاس انسانی (محصولیت مناسب فضا)	

سنجش مخالف‌اند. از سوی دیگر، از نظر اتصال و پیوستگی؛ میزان خوانایی خیابان، پیوستگی پیاده‌روها با یکدیگر، پیوستگی خیابان با پیاده‌روهای آن، پیوستگی و همخوانی بین ساختمان‌ها در خیابان، نفوذپذیری مناسب خیابان به ترتیب با میانگین ۲/۷۶، ۳/۰۰، ۳/۱۱، ۳/۰۰، ۳/۵۰ در سطح سنجش متوسط قرار دارند. علاوه بر این، از نظر حمل و نقل هوشمند؛ به جز شاخص‌های ترافیک زیاد خیابان با میانگین ۲/۵۰ و

۴- بحث و یافته‌های تحقیق: تحلیل شاخص‌های ارزیابی میزان قابلیت پیاده‌مداری با رویکرد TND (برداشت‌های پرسشنامه)

۴-۱- ارزیابی و تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی

در این پژوهش مطابق توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنسیت از حجم نمونه ۳۸۴ نفر، ۳۸/۷ درصد را مردان و ۶۱/۳ درصد را زنان به خود اختصاص داده‌اند. از این حجم ۵۳/۲ درصد مجرد و ۴۶/۸ درصد متأهل‌اند. از نظر سن بیشترین رده سنی مربوط به افراد (۲۰-۳۰) سال با ۴۳/۴ درصد و کمترین رده مربوط به گروه سنی (زیر ۲۰ سال) با ۷/۱ درصد است. همچنین، سطح تحصیلات لیسانس با ۴۹/۲ درصد بالاترین میزان باسوادی و دکتری با ۵/۱ درصد کمترین میزان است.

و از نظر شاخص‌های پیاده‌روی در (جدول شماره ۷) به جز گویه‌های نورپردازی مناسب در شب با میانگین ۲/۹۵، عرض مناسب پیاده‌روها برای رفت و آمد افراد با میانگین ۳/۴۶ و جذابیت خیابان با میانگین ۳/۰۰ و وجود افراد با سنین مختلف در فضای خیابان با میانگین ۳/۱۴ در سطح سنجش متوسط و گویه وجود سرویس بهداشتی با میانگین ۴/۷۵ در سطح سنجش کاملاً مخالف است. مابقی گویه‌ها در سطح

دسترسی به حمل‌ونقل عمومی با میانگین ۳/۱۴ و دسترسی به فضاهای باز و عمومی با پای پیاده با میانگین ۳/۲۵ و راحتی عبور از عرض خیابان‌ها و دسترسی خیابان با میانگین ۳/۳۷ در سطح سنجش متوسط‌اند. مابقی گویه‌ها در سطح سنجش مخالف‌اند. از نظر شاخص تنوع؛ به‌جز گویه تنوع زیاد در جنس مصالح بکار گرفته‌شده در جداره مغازه‌ها با میانگین ۳/۴۵ در سطح سنجش متوسط تا مخالف است. دیگر گویه‌ها در سطح سنجش متوسط‌اند. مضاف بر آن، از نظر ابزارهای طراحی جهت امنیت؛ تمامی گویه‌های موردسنجش در سطح سنجش متوسط هستند. از نظر پایداری زیست‌محیطی؛ به‌جز وجود دود و آلودگی در فضا با میانگین ۳/۲۰ در سطح متوسط و وجود فضاهای سبز و عمومی کافی در خیابان با میانگین ۴/۷۵ در

سطح سنجش کاملاً مخالف، مابقی گویه‌ها مخالف ارزیابی شده‌اند. همچنین، از نظر کیفیت معماری و طراحی شهری؛ گویه‌های وجود فضای عمومی پرجنب‌وجوش و دوستانه، وجود فضاهای عمومی باکیفیت برای تفریح، ملاقات و فعالیت اجتماعی، وجود مکان‌هایی جهت سرگرمی و گذران اوقات فراغت به ترتیب با میانگین ۳/۶۵، ۴/۳۵، ۴/۰۰ در سطح سنجش مخالف ارزیابی می‌شوند. همچنین، مهم بودن اتفاقات خیابان، تحریک حس شنوایی افراد، تحریک حس بویایی افراد، دعوت‌کنندگی افراد با عقب‌نشینی در فضاها، تحریک حواس حرکتی افراد به ترتیب با میانگین ۲/۵۰، ۲/۲۱۱، ۲/۰۱، ۲/۰۰، ۲/۰۰ در سطح سنجش موافق و دیگر مؤلفه‌ها در سطح سنجش متوسط‌اند.

جدول ۷. تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						سنجش پیاده‌مداری با شاخص‌های فعالیت و بعد اجتماعی رویکرد TND	
میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق	پیاده‌روی	نورپردازی مناسبی در شب عرض مناسب پیاده‌روها برای رفت‌وآمد افراد وجود فضای کافی برای پیاده‌روی جاذبیت خیابان وجود نیمکت و سطل زباله در طول خیابان فضاهایی در طول مسیر برای استراحت و نشستن توجه به اقشار خاص حرکتی (معلولان و نابینایان) وجود افراد با سنین مختلف در فضای خیابان وجود سرویس بهداشتی
۲/۹۵	۸/۴	۱۶/۲	۳۲/۴	۲۹/۹	۱۳/۱		
۳/۴۶	۱۲/۰	۳۵/۳	۳۳/۳	۱۰/۱	۹/۳		
۳/۹۵	۱۶/۱	۳۰/۴	۳۸/۵	۹/۴	۵/۶		
۳/۰۰	۲/۹	۱۹/۸	۳۹/۱	۲۶/۰	۱۲/۲		
۴/۱۰	۱۷/۴	۴۷/۱	۲۸/۹	۳/۳	۳/۳		
۴/۲۵	۲۶/۸	۴۴/۷	۱۸/۹	۶/۰	۳/۶		
۴/۳۳	۱۶/۲	۵۰/۷	۲۸/۱	۳/۹	۱/۱		
۳/۱۴	۸/۱	۱۰/۱	۴۱/۰	۲۲/۶	۱۸/۲		
۴/۷۵	۳۹/۰	۴۰/۳	۱۶/۴	۳/۲	۱/۱		
۴/۰۰	۲۳/۵	۴۳/۱	۲۶/۱	۴/۱	۳/۲	اتصال و پیوستگی	کف‌پوشی متناسب با اقلیم کوهستانی پیاده‌روها کیفیت پیاده‌روهای خیابان مدرس برای پیاده‌روی میزان خوانایی خیابان پیوستگی پیاده‌روها با یکدیگر پیوستگی خیابان با و پیاده‌روهای آن پیوستگی خوبی بین ساختمان‌ها در خیابان نفوذپذیری مناسب خیابان
۴/۱۰	۲۵/۵	۴۱/۱	۲۸/۸	۵/۳	۳/۳		
۲/۷۶	۶/۳	۱۱/۳	۳۴/۱	۳۶/۱	۱۲/۲		
۳/۰۰	۱۴/۷	۱۵/۲	۴۴/۳	۲۱/۲	۴/۶		
۳/۱۱	۴/۴	۶/۷	۵۶/۷	۲۳/۳	۸/۹		
۳/۰۰	۲/۹	۱۱/۱	۵۰/۸	۲۵/۵	۹/۷	حمل‌ونقل هوشمند	آرام‌سازی برای ایمنی افراد پیاده در طول خیابان ترافیک زیاد خیابان دسترسی به فضاهای باز و عمومی با پای پیاده راحتی عبور از عرض خیابان‌ها و دسترسی خیابان دسترسی به حمل‌ونقل عمومی پیشرفت تکنولوژی حمل‌ونقل مترو، اتوبوس
۲/۵۰	۳/۵	۲/۴	۲۸/۲	۴۳/۳	۲۲/۶		
۳/۹۰	۲۲/۷	۴۰/۹	۲۵/۴	۶/۷	۴/۳		
۲/۵۰	۳/۳	۴/۵	۳۰/۳	۳۹/۷	۲۲/۲		
۳/۲۵	۹/۵	۱۵/۵	۴۹/۴	۱۸/۱	۷/۵		
۳/۳۷	۱۹/۶	۲۵/۲	۴۱/۶	۹/۹	۳/۷	تنوع	تنوع در جنس مصالح بکار گرفته‌شده در جداره‌ها کاربری‌های متنوع تجاری، اجتماعی، در خیابان
۳/۱۴	۵/۶	۸/۶	۴۵/۵	۲۹/۱	۱۱/۲		
۳/۳۰	۱۶/۳	۲۱/۱	۴۶/۷	۹/۸	۶/۱		
۳/۴۵	۱۱/۲	۲۵/۳	۴۶/۸	۹/۵	۷/۲		
۳/۲۵	۷/۷	۱۹/۵	۴۸/۹	۱۸/۴	۵/۵		

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						سنجش پیاده‌مداری با شاخص‌های فعالیت و بعد اجتماعی رویکرد TND	
میانگین	کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم		
۳/۰۰	۲/۷	۲۲/۶	۳۶/۱	۲۸/۴	۱۰/۲	خرده‌فروشی‌های گوناگون و فعال در سطح خیابان	ابزارهای طراحی جهت امنیت
۲/۹۵	۷/۷	۹/۲	۳۷/۲	۳۶/۱	۹/۸	نظارت پلیس به‌طور مستقیم بر خیابان	
۳/۳۴	۶/۳	۳۳/۴	۳۸/۹	۱۳/۳	۸/۱	عدم وجود فضاهای خالی و متروکه جرم‌خیز	
۳/۰۰	۱۰/۴	۱۲/۴	۵۰/۲	۲۲/۶	۴/۴	عدم درگیری‌های خیابانی و سرقت در خیابان	
۲/۹۰	۵/۱	۵/۵	۳۶/۲	۳۷/۱	۱۶/۱	امنیت خیابان، زنان و کودکان	پایداری زیست‌محیطی
۳/۹۵	۱۲/۷	۳۳/۶	۳۸/۵	۱۱/۹	۳/۳	محافظت عابران پیاده در برابر تابش آفتاب، بارندگی	
۳/۹۰	۱۲/۷	۴۲/۶	۳۳/۴	۷/۱	۴/۲	فضای خیابان به لحاظ زیست‌محیطی	
۴/۰۰	۱۷/۵	۲۹/۱	۳۵/۸	۱۱/۷	۵/۹	استفاده از حمل‌ونقل همگانی	
۳/۲۰	۱۱/۶	۱۸/۸	۳۵/۵	۲۱/۹	۱۲/۲	وجود دود و آلودگی در فضا	کیفیت معماری و طراحی شهری
۴/۷۵	۳۶/۲	۴۵/۶	۱۱/۸	۳/۲	۳/۲	وجود فضاهای سبز و عمومی کافی در خیابان	
۳/۲۷	۱۲/۲	۲۹/۷	۲۴/۸	۲۳/۱	۱۰/۲	فضاهای مناسب تعاملات و ارتباطات اجتماعی	
۳/۶۵	۲۳/۷	۲۲/۹	۲۹/۱	۲۳/۲	۱/۱	وجود فضای عمومی پرجنب‌وجوش و دوستانه	
۴/۳۵	۲۶/۵	۵۶/۳	۱۱/۸	۲/۲	۳/۲	فضاهای عمومی باکیفیت برای تفریح و...	کیفیت معماری و طراحی شهری
۴/۰۰	۲۶/۴	۵۰/۹	۱۷/۱	۴/۵	۱/۱	مکان‌هایی جهت سرگرمی و گذران اوقات فراغت	
۲/۹۸	۸/۷	۱۸/۴	۴۰/۳	۲۹/۵	۳/۱	وجود مکان‌های خاطره‌انگیز در خیابان	
۳/۰۴	۷/۳	۱۲/۱	۴۶/۸	۲۴/۵	۹/۳	ساختمان‌های با معماری زیبا و جذاب در خیابان	
۳/۱۰	۹/۱	۱۱/۳	۵۲/۲	۲۱/۱	۶/۳	رفاه و آسایش کافی عابران	
۳/۳۰	۱۱/۰	۱۸/۸	۵۲/۱	۱۱/۹	۶/۲	زیبایی تابلوهای مغازه‌ها و نورپردازی مناسب در شب	
۲/۷۵	۱/۲	۱/۲	۴۴/۲	۳۶/۱	۱۷/۳	سرزندگی فضای خیابان با وجود دست‌فروشان	
۲/۶۶	۸/۱	۱۵/۶	۳۰/۹	۳۶/۲	۹/۲	سازمان‌دهی کارها در خیابان مدرس	
۲/۸۵	۷/۷	۱۱/۳	۳۶/۱	۳۳/۸	۱۱/۱	بهترین مکان برای من	
۲/۹۷	۸/۸	۱۵/۶	۳۵/۶	۲۸/۹	۱۱/۱	تمایل به سپری زمان خود در فضای خیابان	
۲/۵۰	۳/۹	۹/۳	۳۰/۵	۳۴/۲	۲۲/۱	مهم بودن اتفاقات خیابان	
۲/۱۰	۲/۹	۷/۲	۱۹/۴	۵۰/۱	۲۰/۴	تقویت حس بینایی افراد	
۲/۱۱	۶/۸	۱۲/۳	۱۹/۱	۴۴/۲	۱۷/۶	تحریک حس شنوایی افراد	
۲/۰۱	۶/۱	۹/۶	۱۸/۲	۳۶/۸	۲۹/۳	تحریک حس بویایی افراد	
۲/۹۲	۱۴/۱	۱۴/۱	۳۵/۹	۲۶/۱	۹/۸	تحریک حس لامسه افراد	
۲/۰۰	۲/۱	۵/۱	۲۳/۴	۴۹/۳	۲۰/۱	دعوت‌کنندگی افراد با عقب‌نشینی در فضاها	
۲/۰۰	۵/۱	۵/۷	۱۸/۲	۴۱/۴	۲۹/۶	تحریک حواس حرکتی افراد	

توجه به کیفیت معماری و طراحی شهری به ترتیب با میانگین ۲/۸۸ و ۲/۵۰ که در سطح سنجش متوسط قرار دارند مابقی گویه‌ها در سطح سنجش موافق و کاملاً موافق‌اند.

علاوه بر این مطابق (جدول شماره ۸)، از مردم در خصوص پیاده‌سازی اصول نوشهر گرایی در خیابان مدرس نظرخواهی شده است و از نتایج چنین استنباط می‌شود: به- جز گویه‌های پیوستگی و اتصال پیاده راه و خیابان به هم و

جدول ۸. تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

شاخص‌های پیاده‌مداری	میزان همبستگی با رویکرد TND	معناداری	شاخص‌های پیاده‌مداری	میزان همبستگی با رویکرد TND	معناداری
وجود کاربری‌های جذاب	۰/۶۶۶	۰/۰۱	تفکیک مسیرهای حرکتی سوار و پیاده	۰/۲۸۸	۰/۰۳

شاخص‌های پیاده‌مداری	میزان همبستگی با رویکرد TND	معناداری	شاخص‌های پیاده‌مداری	میزان همبستگی با رویکرد TND	معناداری
اختلاط کاربری	۰/۵۹۰	۰/۰۱	کوتاهی مسیر پیاده	۰/۴۰۱	۰/۰۱
تناسبات بصری	۰/۳۱۲	۰/۰۳	تقاطع سواره و پیاده	۰/۲۹۰	۰/۰۳
توجه به پیشینه تاریخی	۰/۴۰۳	۰/۰۱	تنوع در ساختمان‌ها	۰/۶۰۹	۰/۰۰
مقیاس انسانی	۰/۴۸۵	۰/۰۱	تنوع در بدنه	۰/۴۷۴	۰/۰۲
نورپردازی	۰/۳۵۵	۰/۰۳	وجود خرده‌فروشی فعال و گوناگون	۰/۳۱۸	۰/۰۲
تسهیلات اқشار مختلف	۰/۲۷۶	۰/۰۳	امنیت از جرائم	۰/۶۳۱	۰/۰۱
عرض پیاده‌روی	۰/۴۰۲	۰/۰۱	امنیت زنان و کودکان	۰/۴۶۳	۰/۰۱
سرویس بهداشتی	۰/۲۶۰	۰/۰۳	محافظت عابر پیاده در برابر آب‌وهوا	۰/۳۳۳	۰/۰۳
مبلمان شهری	۰/۴۴۵	۰/۰۴	آلودگی زیست‌محیطی	۰/۲۶۴	۰/۰۳
کیفیت کف‌سازی	۰/۴۳۰	۰/۰۲	وجود فضای سبز حاشیه	۰/۴۸۹	۰/۰۱
خوانایی مسیر	۰/۶۱۲	۰/۰۲	کیفیت زندگی اجتماعی	۰/۶۰۲	۰/۰۰
پیوستگی در طول مسیر	۰/۴۵۸	۰/۰۱	حس مکان	۰/۴۲۳	۰/۰۱
نفوذپذیری	۰/۳۹۶	۰/۰۳	جذابیت و سرزندگی فضا	۰/۶۴۵	۰/۰۱
آرام‌سازی مسیر	۰/۳۰۰	۰/۰۳	غنای حسی	۰/۶۰۳	۰/۰۱
ایمنی ترافیکی	۰/۳۱۰	۰/۰۴			

۲-۴- ارزیابی و تحلیل داده‌ها با آمار استنباطی

در این بخش از پژوهش، با توجه به داده‌های حاصل از پرسشنامه توزیع‌شده در قالب آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به سؤال اول پژوهش؛ کدام‌یک از اصول TND بر ارتقای پیاده‌مداری خیابان مدرس مؤثرند؟ پاسخ داده می‌شود. ابتدا همبستگی میان متغیرهای وابسته «پیاده‌مداری» و متغیرهای مستقل «رویکرد TND» موردسجش قرار می‌گیرد. آنچه در آزمون همبستگی مدنظر است میزان سطح معناداری متغیره‌است به گونه‌ای که اگر سطح معناداری کمتر و مساوی ۰/۰۵ باشد دربردارنده این مفهوم است که میان دو متغیر همبستگی وجود دارد؛ بنابراین، جهت سنجش تأثیر شاخص‌های رویکرد TND بر پیاده‌مداری خیابان مدرس همان‌طور که ذکر شد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. نتایج (جدول شماره

۹) نشانگر آن است میان تمامی شاخص‌های TND با پیاده‌مداری رابطه معناداری وجود دارد. البته میزان همبستگی هر شاخص رویکرد TND با پیاده‌مداری متفاوت است. بدین معنا، هشت عامل وجود کاربری‌های جذاب، اختلاط کاربری، خوانایی مسیر، تنوع در ساختمان‌ها، امنیت از جرائم، کیفیت زندگی اجتماعی، جذابیت سرزندگی و درنهایت غنای حسی نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با پیاده‌مداری در خیابان مدرس شهر کرمانشاه دارند. بدین ترتیب، در ارتقا و پیاده‌مدارسازی آن تأثیرگذارترند. همچنین، مؤلفه‌های وجود کاربری‌های جذاب با میزان همبستگی ۰/۶۶۶، خوانایی مسیر با میزان ۰/۶۱۲ و جذابیت و سرزندگی فضا با میزان ۰/۶۴۵ و امنیت از جرائم با میزان ۰/۶۳۱ نسبت به دیگر مؤلفه‌ها معناداری مثبت‌تری دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی پیرسون شاخص‌های پیاده‌مداری و رویکرد TND خیابان مدرس

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						در پیاده TND نظرسنجی از افراد در به‌کارگیری رویکرد مداری خیابان مدرس
میانگین	کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم	
۲/۱۶	۱/۵	۱/۲	۲۳/۱	۴۰/۸	۳۳/۴	حفظ و تقویت کاربری مختلط در سطح خیابان مدرس
۲/۱۰	۱/۴	۲/۱	۱۱/۸	۴۶/۱	۳۸/۶	حفظ و تقویت ساختارهای سنتی
۱/۹۵	۵/۴	۵/۴	۱۹/۱	۳۳/۶	۳۶/۵	مسیرهای پیاده‌رو

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						در پیاده TND نظرسنجی از افراد در به کارگیری رویکرد مداری خیابان مدرس
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی	مخالقم	کاملاً مخالفم	میانگین	
۱۵/۲	۳۶/۷	۳۰/۱	۱۰/۵	۷/۵	۲/۸۸	پیوستگی و اتصال پیاده راه و خیابان به هم
۳۰/۱	۴۰/۱	۱۸/۶	۶/۱	۵/۱	۲/۰۵	بهره‌گیری از حمل‌ونقل عمومی
۴۴/۲	۳۳/۶	۱۷/۷	۲/۲	۲/۳	۱/۹۵	تنوع در کاربری‌ها و در بدنه ساختمان‌ها
۴۰/۱	۳۹/۳	۱۴/۲	۳/۳	۳/۱	۲/۰۹	استفاده از ابزارهای طراحی جهت امنیت
۵۵/۲	۳۴/۱	۸/۵	۱/۱	۱/۱	۱/۸۰	تقویت فضاهای سبز و عمومی
۲۹/۴	۲۵/۵	۳۰/۶	۹/۳	۵/۲	۲/۵۰	توجه به کیفیت معماری و طراحی شهری

۰/۷۸۲ در سطح بالایی ارزیابی شده است. همچنین، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰/۶۱۱ درصد از تغییرات پیاده مداری با شاخص TND قابل پیش‌بینی است. به بیانی دیگر ۰/۶۱۱ درصد از تغییرات پیاده مداری خیابان مدرس توسط رویکرد (TND) پیش‌بینی می‌شود.

معناداری و تأیید مدل رگرسیون خطی استفاده شد؛ که نتایج آن در (جدول شماره ۱۱) بیانگر آن است که سطح معناداری با توجه به مقدار آن ۰/۰۱ است که نشانگر تأیید مدل خطی رگرسیون است؛ بنابراین، استوار بر این نتایج می‌توان بیان داشت شاخص‌های رویکرد TND بر پیاده مداری خیابان مدرس مؤثر است.

جدول ۱۱. آزمون ANOVA جهت تعیین سطح معنی‌داری

مدل	مجموعه مجزورات	درجه آزادی	جذر میانگین	سطح معناداری
رگرسیون	۲۶۹/۰۷۸	۶	۴۴/۸۴	۰/۰۱
باقی‌مانده	۱۷۱/۳۸۴	۳۸۵	۰/۴۷۹	
کل	۴۴۰/۴۶۲	۳۶۴		

از دیدگاه صاحب‌نظران برای خیابانی سرزنده و هویت‌مند تعریف می‌گردند.

بدین‌سان، عطف به آنچه ذکر شد، شاخص‌های معناشناختی به‌طور کامل در خیابان مدرس مورد تحلیل قرار گرفتند (جدول‌های ۷-۱). نتایج توصیفی نشانگر آن است هرچند که این خیابان در مرکز شهر قرار دارد و دارای هویتی تاریخی است اما بیشتر شاخص‌ها در سطح سنجش متوسط ارزیابی شده است. به بیانی دیگر، در سطح متوسط و ضعیفی

علاوه بر آزمون همبستگی با آزمون رگرسیون چندمتغیره خطی میزان رابطه میان متغیرهای پیاده مداری با رویکرد TND مشخص می‌گردد. نتایج بیانگر آن است که متغیرهای رویکرد TND چقدر قادر به پیش‌بینی تغییرات ایجادشده در متغیر پیاده مداری هستند. میزان همبستگی میان متغیرهای TND و پیاده مداری مطابق (جدول شماره ۱۰)، جدول ۱۰. خلاصه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین

همبستگی R	ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورده
۰/۷۸۲	۰/۶۱۱	۰/۶۰۴	۰/۶۹۱۹۰

و درنهایت از آزمون ANOVA برای تعیین سطح

از همین رو با تکیه بر آنچه در مبانی نظری ذکر آن رفت مؤلفه‌های معناشناختی شامل شاخص‌هایی همچون تنوع در بدنه و ساختمان‌ها، وجود خرده‌فروشی‌های فعال و گوناگون، امنیت از جرائم، امنیت زنان و کودکان، محافظت عابر پیاده در برابر آب‌وهوا، آلودگی زیست‌محیطی، وجود فضای سبز حاشیه، کیفیت زندگی اجتماعی، حس مکان، جذابیت، سرزندگی و غنای حسی (تنوع، ابزارهای جهت طراحی امنیت، پایداری زیست‌محیطی، کیفیت معماری و طراحی شهری) است. این شاخص‌ها دقیقاً همان مؤلفه‌هایی هستند که

قرار دارند. به‌طوری‌که نتایج توصیفی حاصل از آزمون تی تک متغیره نیز بیانگر همین موضوع است.

در همین راستا با تقویت و ارتقا شاخص‌های معناشناختی مطابق (جدول شماره ۱۲) می‌توان علاوه بر سرزندگی، هویت‌مندی خیابان را ارتقا داد. چراکه شاخص‌های این مؤلفه علاوه بر مؤلفه‌های عینی همچون تنوع

دید، امنیت، ملاحظات زیست‌محیطی و زندگی اجتماعی مؤلفه‌های ذهنی مانند حس مکان و غنای حسی را نیز پوشش می‌دهند. این گزاره دقیقاً تعریف هویت‌مندی است. به عبارتی، یک مکان زمانی دارای شخصیت هویت‌مند است که مانند شخصیت انسان دارای دو بعد عینی و ذهنی باشد چنانچه این صفات برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند.

جدول ۱۲. عوامل مؤثر بر سرزندگی از دیدگاه صاحب‌نظران مأخذ: نویسندگان با اقتباس از (پزشکی و علیجانی، ۱۳۹۹، ۴۲؛ طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹، ۴؛ نیک‌پور و یاراحمدی، ۱۳۹۹، ۴۷؛ فروتن و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۸-۶۶).

صاحب‌نظر	شاخص‌ها
جیکوبز ^۱ (۱۹۶۰)	تنوع، کاربری‌های مختلط، عوامل اجتماعی و فرهنگی، طراحی شهری جذاب
لینچ ^۲ (۱۹۸۱)	خاطره جمعی و ادراک شهروندان، خوانایی، امنیت، انجام مراسم‌های ملی و منطقه‌ای، حفظ طولانی مردم در محیط
چارلز لندری ^۳ (۱۹۹۴)	تنوع، اختلاط کاربری، ایمنی، امنیت، هویت، دسترسی، خلاقیت، تمایز
راپاپورت ^۴ (۱۹۹۴)	فرهنگ‌های مختلف، سن و جنس مختلف
جان مونتگومری ^۵ (۱۹۹۸)	ساختمان‌های متنوع، جداره‌های فعال، بازار موقت، فعالیت تجاری، اختلاط کاربری
وایت ^۶ (۲۰۰۰)	نفوذپذیری کالبدی و بصری، امکان نشستن دسته‌جمعی، زیبایی فضا، شکل و اندازه فضا
یان گل ^۷ (۲۰۰۲)	مقیاس انسانی، مسیرهای کوتاه منطقی، تراکم، اختلاط کالبدی، ریتم عمودی ساختمان‌ها، لبه نرم، ریتم و مقیاس
کرمونا ^۸ (۲۰۰۳)	امنیت، تعاملات اجتماعی، حضور افراد در هر زمان
پامیر ^۹ (۲۰۰۴)	توازن فعالیت‌ها، سهولت دسترسی، هویت، پیوند عملکردی
پاکزاد (۲۰۰۷)	تنوع در کالبد و عملکرد، بهره‌گیری از عناصر طبیعی، امنیت، دعوت‌کنندگی
بنتلی ^۱ (۱۳۹۰)	نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، کارایی، پاکیزگی، غنای حسی
گلکار	خوانایی، غنای حسی، رنگ تعلق، نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کالبدی، همه‌شمولی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت
ژو ^۱ (۲۰۱۹)	پوشش گیاهی، مبلمان شهری، مسیر عبور پیاده و دوچرخه
گروین ^۱ (۲۰۱۶)	راحتی فضا، ایمن بودن فضا، دسترسی، شناسایی و ادراک

از همین رو با تکیه بر آنچه در مبانی نظری ذکر آن رفت مؤلفه‌های معناشناختی شامل شاخص‌هایی همچون تنوع در بدنه و ساختمان‌ها، وجود خرده‌فروشی‌های فعال و گوناگون، امنیت از جرائم، امنیت زنان و کودکان، محافظت عابر پیاده در برابر آب‌وهوا، آلودگی زیست‌محیطی، وجود فضای سبز حاشیه، کیفیت زندگی اجتماعی، حس مکان، جذابیت،

سرزندگی و غنای حسی (تنوع، ابزارهای جهت طراحی امنیت، پایداری زیست‌محیطی، کیفیت معماری و طراحی شهری) است. این شاخص‌ها دقیقاً همان مؤلفه‌هایی هستند که از دیدگاه صاحب‌نظران برای خیابانی سرزنده و هویت‌مند تعریف می‌گردند.

¹ Jacobs
² Lynch
³ Landry
⁴ Rapaport
⁵ Montgomery
⁶ White
⁷ Jan Gehl
⁸ Carmona
⁹ Paumier
¹ Bentley 0
¹ Zhou 1
¹ Gervin 2

در همین راستا با تقویت و ارتقا شاخص‌های معناشناختی می‌توان علاوه بر سرزندگی، هویت‌مندی خیابان را ارتقا داد. چراکه شاخص‌های این مؤلفه علاوه بر مؤلفه‌های عینی همچون تنوع دید، امنیت، ملاحظات زیست‌محیطی و زندگی اجتماعی مؤلفه‌های ذهنی مانند حس مکان و غنای حسی را نیز پوشش می‌دهند. این گزاره دقیقاً تعریف هویت‌مندی است. به عبارتی، یک مکان زمانی دارای شخصیت هویت‌مند است که مانند شخصیت انسان دارای دو بعد عینی و ذهنی باشد چنانچه این صفات برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند.

جدول ۱۳. خلاصه جدول آزمون تی تک متغیره

شاخص‌های معناشناختی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
تنوع	۰/۳۶/۳	۳۹/۷۲۹	۰/۰۰	۲/۸۷	۳/۲۰
ابزارهای طراحی جهت امنیت	۳۸/۶۰۸	۳۷/۹۵۶	۰/۰۰	۳/۴۲	۳/۸۰
پایداری زیست‌محیطی	۳/۶۷۵	۳۵/۹۳۴	۰/۰۰	۳/۴۷	۳/۸۸
کیفیت معماری و طراحی شهری	۳/۲۲۹	۳۳/۷۱۰	۰/۰۰	۳/۰۴	۳/۴۲

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج تحلیل آماری رگرسیون نشان داد تمامی مؤلفه‌های رویکرد TND بر پیاده‌مداری تأثیر گذارند. اگرچه میزان همبستگی هر شاخص رویکرد TND با پیاده‌مداری متفاوت است. به‌طوری‌که هشت عامل وجود کاربری‌های جذاب، اختلاط کاربری، خوانایی مسیر، تنوع در بدنه، امنیت از جراثیم، کیفیت زندگی اجتماعی، جذابیت و سرزندگی و در نهایت غنای حسی نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با پیاده‌مداری خیابان مدرس شهر کرمانشاه دارند و می‌توان امکان‌سنجی پیاده‌راه‌سازی این محور را مثبت ارزیابی کرد.

از سوی دیگر، نتایج آزمون تی تک متغیره بیانگر آن است که تمام شاخص‌های مؤلفه معناشناختی بر سرزندگی و هویت‌مندی خیابان مؤثرند. چراکه علاوه بر مؤلفه‌های عینی، مؤلفه‌های ذهنی عابران را نیز پوشش می‌دهند.

به‌منظور ارتقای دیگر کیفیات (علی‌الخصوص معیارهایی که متوسط ارزیابی شده‌اند) جهت پیاده‌راه‌سازی برخی پیشنهادات عملی پیشنهاد می‌شود:

بدین‌سان، عطف به آنچه ذکر شد، شاخص‌های معناشناختی به‌طور کامل در خیابان مدرس مورد تحلیل قرار گرفتند (جدول شماره ۷). نتایج توصیفی نشانگر آن است هرچند که این خیابان در مرکز شهر قرار دارد و دارای هویتی تاریخی است اما بیشتر شاخص‌ها در سطح سنجش متوسط ارزیابی شده است. به بیانی دیگر، در سطح متوسط و ضعیفی قرار دارند. به‌طوری‌که نتایج توصیفی حاصل از آزمون تی تک متغیره در (جدول شماره ۱۳) نیز بیانگر همین موضوع است.

در حال حاضر، رویکردهای مسلط و برتر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در جهان، حرکت برنامه‌ریزی‌های از بالا به پایین و شهرسازی تکنوکراتیک (فن‌سالارانه) به سمت برنامه‌ریزی و شهرسازی انسان‌گرا، شهرسازی مشارکتی، رشد هوشمند، محله‌مبنایی و مانند آن بوده است که در همه رویکردها، محوریت عمده به نقش انسان و تعاملات اجتماعی به‌جای خودرو و محوری معطوف شده است. در این بین افزایش قابلیت پیاده‌مداری شهرها و فضاهای شهری نقش و اهمیت غیرقابل‌انکاری را به خود اختصاص داده است. یکی از رهیافت‌های جدید برنامه‌ریزی و طراحی شهری که تأکید ویژه بر پیاده‌مداری و محور پیاده دارد رویکرد TND است که بسیاری از ابعاد و شاخص‌های آن همبستگی و قربت قابل توجهی با دیدگاه و رویکرد پیاده‌مداری دارد.

در پژوهش حاضر با تکیه بر مبانی نظری تعداد ۳۱ شاخص پیاده‌مداری با رویکرد TND استخراج گردید که با استفاده از آن‌ها اقدام به ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری خیابان مدرس در شهر کرمانشاه شد.

در مقایسه پیاده راه استقلال، استانبول ترکیه و خیابان پیاده محور سی تیر تهران ایران. هویت محیط. ۱(۲)، ۵۷-۴۰.

[DOI: 10.22034/jrupa-ei.2020.114145](https://doi.org/10.22034/jrupa-ei.2020.114145)

• پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. وزارت مسکن و شهرسازی، دبیرخانه شورای عالی و شهرسازی و معماری ایران، معاونت شهرسازی و معماری. تهران: انتشارات شهیدی.

• پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۲ از کمیت تا کیفیت. تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

• تاجیک، آرزو. پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). مدل مفهومی و چهارچوب تحلیلی پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد نوشهرسازی (مطالعه موردی: فاز چهار مهرشهر کرج). مطالعات شهری، ۳(۹)، ۹۶-۸۱.

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_7888.html

• تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا (مترجم محمد احمدی‌نژاد). اصفهان: خاک.

• جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (ترجمه، حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطون). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• حسین‌پور، محمد. سلطانی، علی. زارعیان جهرمی، شهیدیه. (۱۳۹۲). استفاده از رویکرد نوشهرگرایی در راستای ایجاد محیط پایدار شهری (مطالعه موردی: ورودی شیراز - بندرعباس). پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس.

<https://civilica.com/doc/208005>

• خادم فسقندیس، فرحناز. درسخوان، رسول. سینگری، مریم. فرامرزی اصل، مهسا. صباغ دهخوارقانی، صمد. (۱۳۹۹). بررسی جایگاه پیاده‌راه در مورفولوژی شهری از دیدگاه تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: پیاده راه تربیت و پیاده راه ولیعصر تبریز). جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۱۲(۴۵)، ۶۶-۴۵.

— توجه به تقاطع سواره و پیاده در محور مدرس؛ بدین‌صورت که حرکت سواره در این خیابان کاهش یابد و بار ترافیکی آن به دیگر معابر هم‌جوار انتقال پیدا کند.

— توجه به نورپردازی خیابان به‌ویژه در شب

— استفاده از گیاهان و فضاها سبز به‌منظور کاهش آلودگی زیست‌محیطی و ارتقای غنای حسی و سرزندگی در محیط

— افزایش کیفیت کف‌سازی در خیابان جهت عبور و مرور مطلوب و ایمن عابران پیاده و سواره‌ها

— ایجاد مبلمان مناسب شهری، سرویس بهداشتی و دیگر تسهیلات شهری در طول محور مدرس

— افزایش خوانایی محیط با ارتقا نشانه‌های موجود

۶- منابع

• ابراهیم‌زاده، عیسی. اسفندیاری مهنی، حمیده. (۱۳۹۷). بررسی نقش پیاده راه‌های شهری در توسعه گردشگری پایدار (مطالعه موردی: خیابان ۱۵ خرداد تهران). گردشگری شهری، ۵(۳)، ۱۴۲-۱۳۱.

[DOI:10.22059/jut.2018.233368.314](https://doi.org/10.22059/jut.2018.233368.314)

• آرنت، رندال (۱۳۸۷). منشور نوشهرگرایی (ترجمه علیرضا دانش و رضا بصیری مژده‌ای). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

• برومند سرخابی، هدایت الله. (۱۳۸۸). در جست‌وجوی هویت شهری کرمانشاه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری.

• بنتلی، ای.ین. الکک، آلن. مورین، پال. سو مک گلین. اسمیت، گراهام. (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخده (ترجمه مصطفی بهزاد فر). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

• پزشکی، بهنام. علیجانی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی شاخص‌های سرزندگی پیاده راه و خیابان‌های پیاده محور،

- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معبدی، رضا. (۱۳۸۴). مصرف و بیگانگی: زندگی روزمره در فضاهای مصرف (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه رازی، ایران.

- محمدآقای، طاهره. سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۴). بازیابی الگوی مناسب در طراحی پیاده راه های شهری با رویکرد پاسخگویی به نیازهای سالمندان (مطالعه موردی: منطقه جهان شهر کرج). کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم کشاورزی و محیط زیست (کوالامپور- مالزی).

<https://sid.ir/paper/861826/fa>

- ملکی، پریسا. (۱۳۹۸). سنجش قابلیت پیاده مداری ذهنی و عینی محلات شهری شهر تهران و ارائه راهکارهای بهبود آن (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی). دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی دانشگاه مازندران، ایران.

- مهندسان مشاور تدبیر شهر. (۱۳۸۶). گزارش طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه (وضع موجود)، سازمان بهسازی و نوسازی شهر کرمانشاه.

- نیک پور، عامر. یاراحمدی، منصوره. (۱۳۹۹). بازشناسی مؤلفه های شکل دهنده سرزندگی خیابان به مثابه ارتقا کیفیت زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک مطالعه موردی: خیابان شهید چمران شیراز. شهر پایدار، (۱)۳، ۴۱-۵۴.

[DOI:10.22034/JSC.2020.186810.1016](https://zagros.borujerd.iau.ir/article_673926.html)

- هاشمی، یوسف. کشکولی، زکيه. (۱۳۹۹). بررسی الگوی رفتاری عابران پیاده در یک فضای شهری نمونه موردی: میدان شهدا در تهران. جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ۱۲(۴۳)، ۷۱-۵۳.

https://zagros.borujerd.iau.ir/article_673926.html

https://zagros.borujerd.iau.ir/article_685772.html

- رهنما، محمدرحیم. بازرگان، مهدی. (۱۳۹۹). شناسایی محورهای دارای قابلیت پیاده مداری در کلان شهر مشهد با استفاده از روش SAD و رهیافت نوشهر گرایی. اطلاعات جغرافیایی سپهر، ۲(۱۱۶)، ۱۸۱-۲۰۳.

[DOI: 10.22131/sepehr.2021.242868](https://doi.org/10.22131/sepehr.2021.242868)

- ربانی ابوالفضل، غزاله. رهنما، محمدرحیم. خاکپور، براتعلی. (۱۳۹۶). ارزیابی قابلیت پیاده مداری با تأکید بر رویکرد نوشهر گرایی در بلوار سجاد مشهد. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۴(۲)، ۱-۲۴.

[DOI:10.22067/gusd.v4i2.26025](https://doi.org/10.22067/gusd.v4i2.26025)

- طهماسبی، فرح. نظم فر، حسین. قنبری، ابوالفضل. رضایی نیا، حسن. (۱۳۹۹). ارزیابی و تحلیل ترجیحات معیارهای سرزندگی شهری در خیابان ولیعصر تهران. شهر پایدار، ۳(۱)، ۱۸-۱.

[DOI:10.22034/JSC.2020.225505.1223](https://doi.org/10.22034/JSC.2020.225505.1223)

- فروتن، منوچهر. صنعتگر کاخکی، مریم. رضایی، محمد کاظم. (۱۳۹۲). روش ارزیابی سرزندگی محیطی در مجتمع های تجاری و مراکز خرید. پژوهش های شهری هفت حصار، ۲(۶)، ۶۵-۷۶.

<http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-۱-۳۷۳-fa.html>

- کازرونی، گلناز. مهدوی، افسون. (۱۳۹۶). امکان سنجی تحقق پیاده راه با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: محور هزارویک شب کرمان). سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، شیراز.

<https://sid.ir/paper/895374/fa>

- کرمونا، متیو. دی ماگالانس، کلودی. هاموند، لئو. (۱۳۹۶). فضای عمومی: ابعاد مدیریتی (ترجمه ایرج اسدی). تهران: انتشارات سمت.

- گل، یان. (۱۳۹۴). شهر انسانی (ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری). تهران: انتشارات علم معمار.

planning and public policy, university of California at Irine, 453-463.

- Liao, B. & van den Berg, P. E. W. & van Wesemael, P. J. V. & Arentze, T. A. (2020). Empirical analysis of walkability using data from the Netherlands. *Transportation Research. Part D: Transport and Environment*, 85.

[DOI: 10.1016/j.trd.2020.102390](https://doi.org/10.1016/j.trd.2020.102390)

Milakis, D. & Van Wee, B. (2018). Exploring the Acceptable travel time concept in the US and European Contexts: Results from Berkeley, CA and Delft, The Netherlands, *Transport Policy*, 64, 113- 122.

[DOI: 10.1016/j.tranpol.2018.02.001](https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2018.02.001)

- Nosal, B. (2009). Creating walkable and transit –supportive communities in halton. region halton department of halton university.

<https://dokumen.tips>

- Aurbach, L. (2005). Theories are to be distusted and continually tested against whether or not they lead to generally desired outcomes (paraphrasing Edmund Burke), TND Design Rating Standards. version2.2.

<https://19-january2017sapshot.epa.gov>

- Thakur. S. & Biswas, S. (2019). Assessment of pedestrian-vehicle interaction on urban roads: a critical review, *Archives of Transport*, 51(3), 49-63.

<http://yadda.icm.edu.pl/baztech/element/bwm/eta1.element.baztech-dff368a3-229a-4797-b322-ea03f68ec7c3>

- Park, Y. & Garcia, M. (2020). Pedestrian safety perception and urban street settings, *International Journal of Sustainable Transportation*, 14(11), 860-871.

[DOI: 10.1080/15568318.2019.1641577](https://doi.org/10.1080/15568318.2019.1641577)

- یوسفی، زینب. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل قابلیت پیاده‌مداری در معابر شهری با تأکید بر دیدگاه کارشناسان و شهروندان (نمونه موردی منطقه ۱۲ شهرداری مشهد) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه حکیم سبزواری، ایران.

- Alexander, D. & Wydeman, B. (2020). The Intersection and divergence new urbanism and environmental psychology: an exploration, *Journal of Frantiers in Built Environment*, 6(61), 1-7.

[DOI: 10.3389/fbuil.2020.00061](https://doi.org/10.3389/fbuil.2020.00061)

- CNU (The Congress for the New Urbanism) and HUD (Department of Housing and Urban). (2000). *Principles for Inner City Neighborhood Design*, Publisher: U.S. Department of Housing and Urban Development.

- Cambra, P. & Moura, F. (2020). how does walkability change relate to walking behavior change? Effects of a street improvement in pedestrian volumes and walking experience, *Journal of Transport & Health*. 16, 1-18.

[DOI: 10.1016/j.jth.2019.100797](https://doi.org/10.1016/j.jth.2019.100797)

- Calthorpe Associates. (2011). Transit-Oriented Development Design Guidelines. Sacramento County planning & community development department.

- Ferrer, S. & Ruiz, T. (2018). The impact of the built environment on the decision to walk for short trips: Evidence from two Spanish cities. *Transport Policy*, 67,111-120.

[DOI: 10.1016/j.tranpol.2017.04.009](https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2017.04.009)

- Garde, A. (2020). New urbanism: past, present, and future, department of urban

نحوه ارجاع به مقاله:

نسترن، مهین. جمشیدی شیخی آبادی، آرزو. و لرزنگنه، مجتبی. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی تحقق پیاده‌مداری با تأکید بر رویکرد TND (نمونه مطالعاتی: خیابان مدرس شهر کرمانشاه). توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۳۶-۱۷.



DOI: 10.22034/USD.2023.705308



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.2.5

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_705308.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Received: 08/03/2023
Accepted: 17/05/2023

Feasibility Study and Implementation of Pedestrian Walkway with an Emphasis on TND Approach (Case Study: Modares Street at Kermanshah)

Mahin Nastaran,¹ Arezou Jamshidi Sheikhabadi^{2*}, Mojtaba Lorzangeneh

Abstract: In the past, cities had a high pedestrian capability, so that walking was considered the main way of moving people around due to its easy access and low cost for all members of the society. This changed with the arrival of the automobile and the industrial revolution; This means that the pedestrian issue was forgotten. Paying attention to motorized transportation made cities face new issues such as environmental problems, increasing obesity of people, anonymity and lack of meaning. There have been many approaches to answer these dilemmas in the world. One of the new approaches to urban planning and design that has a special emphasis on pedestrian orientation and the pedestrian axis is the Traditional Neighborhood Development (TND) approach, many of its dimensions and indicators are closely related to the pedestrian orientation approach. Therefore, the current research aims to evaluate the pedestrianization capability of Modares Street located in the three municipalities of Kermanshah with the TND approach. This street has a length of 1840 meters and a width of approximately 17 meters, with an increase in width in the middle. Furthermore, Modares Street serves a commercial and service function in district three of Kermanshah. The current study uses a descriptive-analytical research methodology. The statistical population of this research is all the citizens of Kermanshah, which includes a population of about one million people. Also, by putting this value in Cochran's formula, the sample size is estimated to be 384 people, and simple random sampling has been done. Also, for data analysis, SPSS analytical software was used in the form of Pearson correlation statistical tests and multivariate regression, and univariate T-test. As a result of the current research, all variables of the TND approach are effective at enhancing walkability. Nevertheless, the degree of correlation between each variable of the TND approach and walkability varies. It is, therefore, evident that eight variables, such as "presence of attractive land use", "mixed land uses", "diversity of the facade", "variety of buildings", "security from crime", "quality of social life", "attractiveness and vitality" and "sensory richness", are more closely related to pedestrianization on Modares Street than other indicators. Due to this, they are more effective at promoting and pedestrianizing Modares Street. Moreover, all variables of the semantic index have a positive effect on the vitality and identity of Modares Street. Due to the fact that they also include the mental index of pedestrians.

Keywords: TND Approach, Walkability, Urban Street, Modares Street, Kermanshah.

¹ Associate Professor, Department of Urban planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

^{2*} Master Student, Department of Urban planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundishapur University of Technology, Dezful, Iran; Corresponding Author, Email: arezoujamshidi7886@gmail.com

³ Ph.D. Candidate, Department of Urban planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۵۱-۳۷

طراحی کاشت درختان و مسیریابی برای فضای باز دانشگاهی: نحو فضا به عنوان ابزار ارزیابی طراحی منظر (نمونه موردی دانشگاه علم و صنعت ایران)

معصومه چاروسائی^۱، محسن فیضی^{۲*}، مهدی خاک زند^۴

چکیده: درختان یکی از عوامل اصلی در تعریف کیفیت فضایی فضاهای بیرونی هستند. با استفاده از تئوری نحو فضا، این مطالعه بررسی می کند که چگونه آرایش فضایی ایجاد شده توسط طرح پیشنهادی کاشت درختان و مسیریابی بر میدان های بصری محوطه دانشگاه تأثیر می گذارد؛ بنابراین، این پژوهش، در پی پاسخگویی به این سؤال صورت گرفته است: که چگونه می توان بر پایه تجزیه و تحلیل دید و نحو فضا، یک روش طراحی کاشت و مسیریابی را توسعه داد؟ تصور می شود که این روش ها در تعیین سازمان فضایی پیشنهادی و ارزیابی گزینه های طراحی مفید باشند. یک مطالعه تجربی با استفاده از سه طرح پیشنهادی مختلف کاشت و مسیریابی برای یک محوطه دانشگاهی انجام شده است. اولین پیشنهاد از آرایه موازی و منظم درختان و مسیرهای مورب و متقارن پیروی می کند. پیشنهاد دوم از یک الگوی شبکه ۵ نقطه ای درختان و مسیرهای مستقیم و متقارن تشکیل شده است و پیشنهاد سوم الگوی شبکه تصادفی درختان و مسیرهای شعاعی را اعمال کرده است. داده ها با استفاده از تکنیک های نحوی فضا تجزیه و تحلیل می شوند. بدین منظور از نرم افزار دپس مپ برای شبیه سازی و تحلیل مناظر در محوطه دانشگاه استفاده شده است. نتایج نشان دهنده تأثیر قابل توجه بیکربندی های کاشت و مسیریابی بر اقدامات نحوی در هر سه پیشنهاد است. بالاترین سطوح حرکت را می توان در طرح کاشت ۵ نقطه ای با مسیرهای مستقیم مشاهده کرد، اگرچه آرایش شعاعی و منحنی مسیرها و کاشت تصادفی درختان نیز محیط های یکپارچه و متصل را ایجاد می کند؛ بنابراین، این مطالعه نشان می دهد که تکنیک های نحو فضا ممکن است ارزش قابل توجهی در ارزیابی طرح کاشت شماتیک، به ویژه در سطح حرکت کاربر داشته باشد.

واژه های کلیدی: طراحی منظر، فضای باز دانشگاهی، نحو فضا، طراحی کاشت، مسیریابی، دانشگاه علم و صنعت ایران

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «تجزیه و تحلیل دید و تجربه بصری در فضای باز دانشگاهی بر پایه رویکرد ادراک بصری» با راهنمایی دکتر محسن فیضی و دکتر مهدی خاک زند می باشد که در دانشگاه علم و صنعت ایران انجام شده است.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

^۳ استاد، گروه معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول: mfaizi@iust.ac.ir

^۴ دانشیار، گروه معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

تجارب بصری و تکنیک‌های شبیه‌سازی، برای کمک به طراحان در فرآیند طراحی استفاده می‌شود. این تکنیک‌ها به تجسم مفاهیم طراحی و بررسی نحوه عملکرد طرح‌های پیشنهادی در واقعیت کمک می‌کنند. این مطالعه استفاده از شناسایی ویژگی‌های بصری پیکربندی‌های فضایی را با طرح‌های کاشت و مسیریابی در یک فضای باز دانشگاهی، بررسی می‌کند. منطقه مورد مطالعه در این پژوهش، بخشی از محوطه دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد؛ که با توجه به اهمیت فضای باز دانشگاه در سال‌های اخیر، طراحی آن‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده است.

آموزش، فرآیند تسهیل یادگیری است. برای انجام آموزش، فضای یادگیری چه در فضای داخلی و چه در فضای باز باید برای توانمندسازی دانشجویان برای رسیدن به آن هدف مناسب باشد (El-Darwish, 2022,1). پردیس دانشگاهی به عنوان یک فضای آموزشی باید توانایی پاسخگویی به ابعاد مختلف نیازهای کاربران را داشته و فرصت شکوفایی را برای دانشجویان فراهم نماید. همچنین دانشگاه‌ها باید فضای بیرونی بیشتری را برای تشویق تعامل اجتماعی ایجاد کنند. تعامل اجتماعی در پردیس‌های دانشگاهی می‌تواند حس تعلق را تقویت کرده و رفاه را افزایش دهد. ویژگی‌های طراحی‌شده و همچنین فضاها و مسیرهای طراحی‌شده مناسب، می‌تواند تعامل اجتماعی را در یک فضا افزایش دهد (El-Darwish, 2022,1). طراحی کاشت در چشم‌انداز دانشگاه می‌تواند نقش مهمی در مسیریابی کاربران داشته باشد. کاربران سطوح مختلفی از درک محیطی و توانایی جهت‌یابی دارند و به همین دلیل است که راه‌یابی به یک چالش تبدیل شده است. از آنجاکه دانشگاه‌ها به عنوان محیطی که بسیاری از کاربران برای اولین بار به آن مراجعه می‌کنند، باید دسترسی به مسیرها آسان شود تا از سردرگمی کاربران جلوگیری کند؛ بنابراین بررسی و تحقیق در مورد طراحی فضای سبز منظر دانشگاه موضوع مهمی است که کمتر به آن پرداخته شده است. تکنیک‌های شبیه‌سازی کامپیوتری همیشه ابزاری حمایتی برای طراحان

بوده است. مفهوم نحو فضا یکی از این تکنیک‌هاست که به طراحان کمک می‌کند تا پیکربندی طراحی را تجزیه و تحلیل کنند تا بدانند طراحی چگونه کار می‌کند و رفتارهای کاربران را پیش‌بینی می‌کند (Haq & Zimring, 2003,133). بر اساس بحث فوق، پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر طراحی کاشت در بخشی از منظر دانشگاه علم و صنعت بر مسیریابی کاربران بر اساس مدل نحوی فضا انجام شده است. ارزیابی طرح کاشت بر اساس این روش می‌تواند در مرحله طراحی منظر بسیار ارزشمند باشد. مطالعه حاضر فرض می‌کند که چیدمان فضای سبز دانشگاه بر عملکرد مسیریابی کاربران و دسترسی به ساختمان‌ها تأثیر می‌گذارد. بدین منظور از نرم‌افزار Depthmap برای شبیه‌سازی و تحلیل مناظر در محوطه دانشگاه استفاده شده است.

این پژوهش، در پی پاسخگویی به این سؤال صورت گرفته است: که چگونه می‌توان بر پایه تجزیه و تحلیل دید و نحو فضا، یک روش طراحی کاشت و مسیریابی را توسعه داد؟

روش تحقیق این پژوهش، تجربی، با اقدامات شبیه‌سازی هست. نحوه گردآوری این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. در این زمینه، ضمن گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، از تحلیل داده‌های بصری با استفاده از تکنیک نحو فضا از تجزیه و تحلیل نمودار دید (VGA) نیز استفاده گردیده است. این تکنیک قرار است به پیش‌بینی دید و دسترسی به طرح‌های کاشت و مسیریابی یک فضای باز دانشگاهی کمک کند. این روش ممکن است ارزش گسترده‌ای در فرآیند ارزیابی در فرآیند طراحی داشته باشد.

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- طراحی کاشت

حجم فزاینده‌ای از ادبیات نشان می‌دهد که گیاهان و باغ‌ها می‌توانند استرس را کاهش دهند (Nightingale, 1860; Ulrich, 2002,3). ویژگی‌های گیاهی می‌تواند توجه بینندگان را به خود جلب کند. اغلب مناظر از خواص گیاهان مختلف با طراحی مناسب بر اساس دستورالعمل‌های اصولی

کنند. در این راستا، پژوهش حاضر نیز با تمرکز بر درختان کوچک بالغ (۵-۱۰ متر) و متوسط (۱۰-۲۰ متر) که مانع بصری و فیزیکی ایجاد می‌کنند، فرآیند راه‌یابی و چیدمان درختان را در بخشی از پردیس دانشگاه علم و صنعت ایران بررسی می‌کند.

۲-۲- مسیریابی در محوطه دانشگاه

راه‌یابی فرآیند جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری در جهت‌دهی و حرکت از مکانی به مکان دیگر است. مسیریابی ارتباط تنگاتنگی با خوانایی فضایی دارد (Hapsari et al., 2022,36). مطالعات انجام‌شده بر روی فضاهای عمومی مختلف به این نتیجه رسیده است که رابطه مستقیمی بین حرکت عابر پیاده و یکپارچگی، هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی وجود دارد (Abubakar & Aina, 2006; Hillier et al., 1993; Hillier & Vaughan, 2007; Toker et al., 2005). بر اساس متون، در محوطه دانشگاه، راه‌یابی فرآیند حرکت جهت‌گیری از یک نقطه به نقطه دیگر است (Hapsari et al., 2022,36). مشکلات مسیریابی تقریباً در تمام فضاهای عمومی رخ می‌دهد، به‌ویژه فضاهایی با مکان‌هایی پیچیده مانند محوطه دانشگاه (Azzali & Abdel Sabour, 2018,1). محیط‌های پیچیده دارای اطلاعات کمی از راه‌یابی بصری هستند که موقعیت سختی را برای بازدیدکنندگان جدید ایجاد می‌کند. پردیس‌های دانشگاهی با ساختارهای چندطبقه و چیدمان فضایی پیچیده، خوانایی محیطی ضعیفی دارند. دانشجویان بین‌المللی و بازدیدکنندگان با پیشینه‌های فرهنگی متنوع در طول مسیریابی در این محیط‌ها احساس سردرگمی می‌کنند (Iftikhar et al., 2020,1).

در میان تحقیقات انجام‌شده در مورد راه‌یابی در فضاهای آموزشی، مطالعات کمی به راه‌یابی در چشم‌انداز پردیس دانشگاه با استفاده از تکنیک نحو فضا پرداخته است، درحالی‌که استفاده از این تکنیک می‌تواند رفتارهای آینده کاربران را تا حد زیادی پیش‌بینی کند و از ایرادات طراحی جلوگیری کند.

تشکیل شده است. با این حال، مطالعه در مورد ترکیب کاشت نادیده گرفته شده است (Akhir et al., 2018,783). در تحقیقات منظر، یک گیاه عامل قدرتمندی است که بر ادراک بینندگان تأثیر می‌گذارد. پوشش گیاهی عمدتاً به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری کیفیت بصری کشف شده است. اخیراً، بیشتر مقالات به بررسی روابط بین گیاهان و ارزیابی بصری می‌پردازند (Kuper, 2017; Wang et al., 2016). گیاهان به عنوان یک جزء ضروری در تعیین ترجیحات بصری شناسایی می‌شوند (Akhir et al., 2018,783).

فضاهای سبز پردیس دانشگاهی اخیراً جایگاهی ویژه به دست آورده‌اند و بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند. در محوطه دانشگاه، منظر پردیس، نقش مهمی در ایجاد کیفیت محیط دارد و می‌تواند به وضوح کیفیت خوبی از آن را فراتر از جنبه آموزشی ارائه دهد (Gumprecht, 2007,74). این اثر را می‌توان با ایجاد فضای سبز در محوطه دانشگاه تقویت کرد.

رایسون نشان داد که اندازه گیاه نسبت به ابعاد بدن انسان، هنگام طراحی فضا، برای افراد حیاتی است. یک مرحله مهم طراحی، تمایز نواحی در یک پلان با استفاده از ارتفاع تاج پوشش است، زیرا ارتفاع گیاه بخش زیادی از چارچوب فضایی را ایجاد می‌کند و دید، حرکت و تجربه فیزیکی را کنترل می‌کند (Mahmoud & Omar, 2015,2). قرار دادن درختان نیز یک عنصر کلیدی در طراحی معماری منظر شهری است. درختان یکی از ابزارهای مهم تعریف فضای باز هستند. آن‌ها شکل و پیکربندی محیط‌های فضایی را ارائه می‌دهند (Wu et al., 2008,66). همچنین، آرایش فضایی درختان بر میدان بصری یک فضا تأثیر می‌گذارد.

در طراحی پردیس دانشگاه، اگرچه تحقیقات ثابت کرده است که استفاده از گیاهان و درختان بسیار مهم است، اما چیدمان این درختان نیز به همان اندازه اهمیت دارد. در بسیاری از پردیس‌ها، ساختمان‌ها دور از یکدیگر قرار می‌گیرند و استفاده‌کنندگان برای رسیدن به هر یک از ساختمان‌ها باید از فضای سبز عبور کنند؛ بنابراین، برای کاربران مهم است که مسیر خود را در یک محیط شناسایی

۳-۲- شبیه‌سازی میدان‌های بصری در طراحی محیطی

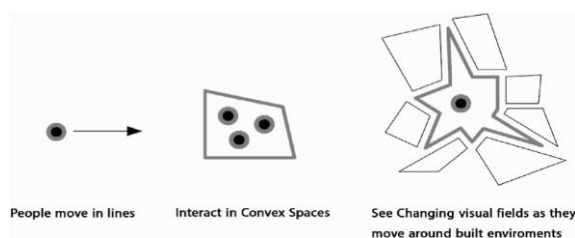
دید و ادراک بصری به‌طور قابل توجهی بر نحوه رفتار و تجربه افراد از محیط تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در طراحی فضاهای منظر عمل کنند. تا به امروز نویسندگان مختلف از تجزیه و تحلیل نمودار دید برای مطالعه فضای معماری استفاده کرده‌اند (Turner et al., 2001; Desyllas & Duxbury, 2001; Turner & Penn, 1999). شواهد تجربی نشان می‌دهد که آیزوویست‌ها^۱ ویژگی‌های محیطی فضا را که برای رفتار و تجربه فضایی مرتبط است، درک می‌کنند (Benedikt, 1979, 47). آیزوویست‌ها با نشان دادن ناحیه مرئی از یک نقطه مشاهده، ویژگی‌های فضایی را به تصویر می‌کشند. چندین توصیف‌کننده کمی که ویژگی‌های فیزیکی فضای مربوطه را توصیف می‌کنند را می‌توان از این چندضلعی‌های دید مشتق کرد. نمونه‌هایی از این توصیف‌گرها عبارت‌اند از مساحت، طول محیط، تعداد رئوس و طول مرزهای باز یا بسته (Franz & Wiener, 2008, 575). نقص روش بندیکت^۲ این است که فقط ویژگی‌های محلی فضا را در نظر می‌گیرد و رابطه بصری بین مکان فعلی و کل محیط فضایی را نادیده می‌گیرد (Turner et al., 2001, 103). ترنر و همکاران (۲۰۰۱) VGA را به‌عنوان تکنیکی توسعه داد که امکان تجزیه و تحلیل یکپارچه چندین موقعیت در داخل یک محیط را با محاسبه قابل مشاهده بودن موقعیت‌هایی که به‌طور منظم در کل محیط توزیع می‌شوند را فراهم می‌کند. کانروی^۳ (۲۰۰۱) با گسترش کار روی ایزوویست‌ها، ویژگی‌های بصری رسمی مسیرهایی را که افراد در آزمایش‌های کنترل‌شده در محیط‌های VR طی می‌کنند، بررسی کرد. ترنر و همکاران از تجزیه و تحلیل نمودار دید، برای بررسی راه‌یابی استفاده می‌کنند (Turner et al., 2001). همچنین، ترنر و پن (1999)، دیسیلاس و داکسبری (2001) رابطه VGA را با حرکت عابر پیاده مطالعه کردند. باتی (2001) مطالعه VGA را بر اساس نظریه نحو فضا ایجاد کردند و مبانی محاسباتی نمودارهایید را

به‌عنوان روشی برای ثبت تنظیمات و روابط فضایی پیشنهاد کردند. یوهانس و یاتمو^۴ با گنجاندن تجزیه و تحلیل دید در طراحی علائم مسیریابی در مرحله تحلیل اولیه، ارزش تحلیل دید در مناطق سرپایی بیمارستان را برای بهبود عملکرد مسیریابی نشان دادند (Johanes & Yatmo, 2018, 1). تحقیقی در مورد اینکه چگونه آرایش فضایی بصری شهری بر سطوح استرس افراد مسن تأثیر می‌گذارد توسط تورکو و همکاران انجام شد. آن‌ها از تحلیل فضایی برای مشخص کردن تعاملات استرس‌زا بین افراد و محیط اطرافشان استفاده کردند و کشف کردند که حداقل دید، انسداد و مساحت دید، متغیرهای مهمی هستند که بر استرس فیزیولوژیکی افراد مسن تأثیر می‌گذارند. این مطالعه همچنین نشان داد که افراد مسن مکان‌های شهری را انتخاب می‌کنند که ممکن است به‌راحتی دیده شوند (Torku et al., 2021, 14).

مطالعه حاضر این بحث را گسترش می‌دهد که تحلیل دید طرح‌های کاشت پیشنهادی می‌تواند اثرات خاص ویژگی‌های فضایی ناشی از ترتیبات کاشت مختلف در طراحی منظر را تشخیص دهد.

۴-۲- نظریه نحو فضا

چیدمان فضاها بر نحوه استفاده ما از آن‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، پیکربندی فضایی نیاز به درک و تحلیل دارد. فضا را می‌توان به سه روش مختلف توصیف کرد. افراد به‌صورت خطی حرکت می‌کنند، می‌توانند در درون آن تعامل داشته باشند (محدب) یا فضا از هر نقطه‌ای به‌عنوان یک‌شکل متغیر (آیزوویست) دیده می‌شود (شکل شماره ۱).



شکل ۱. پیکربندی فضا (Hillier, 1996)

³ conroy

⁴ Johanes & Yatmo

¹ ISOVIST

² Benedikt

در تحلیل کمی ساختمان‌ها، مناظر و فضاهای شهری استفاده کرد. در این مطالعه از سه معیار اتصال، یکپارچگی و عامل محور استفاده شده است:

۲-۴-۱- اتصال

اتصال یک گره را می‌توان به عنوان تعداد گره‌های دیگر که مستقیماً به آن متصل هستند تعریف کرد (Klarqvist, 2015,11). برخی از مطالعات اشاره کرده‌اند که یکپارچگی ارتباط نزدیکی با رفتار فضایی انسان دارد. یک رابطه ثابت بین معیار یکپارچگی فضایی یک فضای شهری و حرکت انسان مشاهده شده است (Hillier et al., 1993,33). نرخ حرکت عابر پیاده در یک فضای باز را می‌توان با سایر نتایج نحوی از تجزیه و تحلیل نحو فضا پیش‌بینی کرد. مطالعات متعددی برای مقایسه اندازه‌گیری نرخ حرکت عابر پیاده و یکپارچگی فضایی انجام شده است (Hillier, 1996; Dawson, 2003). شواهد نشان می‌دهد که روش‌های نحوی فضا برای نمایش و اندازه‌گیری پیکربندی فضایی فضاهای بیرونی می‌تواند در مطالعات طراحی کاشت مفید باشد زیرا بر الگوهای حرکتی عابران پیاده تأثیر می‌گذارد.

۲-۴-۳ یکپارچگی

یکپارچه‌سازی نشان می‌دهد که یک فضا چقدر نزدیک به فضاهای دیگر است. هر چه ادغام یک فضا بیشتر اندازه‌گیری شود، دسترسی به آن فضا آسان‌تر است. به عبارت دیگر، در دسترس‌تر است (Li et al., 2019,2909). «یکپارچگی» فضا تابعی از میانگین تعداد خطوط و تغییرات جهت مورد نیاز برای رفتن از آن فضا به تمام فضاهای دیگر در سیستم فضایی است. بر این اساس، یکپارچگی در مورد دسترسی «نحوی» و نه «متری» است و از عبارت «عمق» به جای «فاصله» برای نشان دادن فاصله یک فضای معین از فضای دیگر استفاده می‌شود. همه خطوط در یک طرح فضایی دارای مقادیر عمق مشخصی از هر خط دیگر هستند (Mahmoud & Omar, 2015,3). به گفته اورتگا و همکاران، یک فضا زمانی «یکپارچه» می‌شود که سایر فضاها نسبت به آن سطحی نسبی داشته و یک فضا زمانی «تفکیک» می‌شود که سایر فضاها نسبت به آن عمق نسبی داشته باشند (Ortega et al., 2005,14).

در تئوری نحو فضا، «فضاها و مسیرها را می‌توان از یکپارچه‌ترین به جداترین بر اساس تجزیه و تحلیل یکپارچه رتبه‌بندی کرد» (Negm et al., 2020,855). هرچه «فضا یا مسیر یکپارچه‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که مکان مقصد باشد، زیرا دسترسی به آن آسان‌تر است» (Hillier, 1996,25). نحو فضا بر اساس دو ایده شناخته شده ساخته شده است. ایده اول این است که ما باید فضا را نه به عنوان پس‌زمینه فعالیت‌های انسانی، بلکه به عنوان جنبه‌ای ضروری از هر کاری که انسان به معنای حرکت در فضا انجام می‌دهد، در نظر بگیریم (Benedikt, 1979,49). ایده دوم که «پیکربندی فضا» نامیده می‌شود، نشان می‌دهد که فضای انسانی نه تنها به ویژگی‌های فضاهای فردی مربوط می‌شود، بلکه در مورد روابط متقابل بین بسیاری از فضاهایی است که چیدمان فضایی یک ساختمان یا یک شهر را تشکیل می‌دهند (Mahmoud & Omar, 2015,3).

تکنیک‌های نحوی فضایی اخیراً برای به تصویر کشیدن تعیین‌کننده‌های محیطی تصمیم‌های مسیریابی افراد مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Peponis et al., 1990; Haq & Zimring, 2003). مطالعات تجربی با استفاده از نحو فضا نشان می‌دهد که عملکرد مسیریابی و تصمیم‌های راه‌یابی انسان تا حد زیادی تحت تأثیر قابل‌فهم بودن طراحی و چیدمان ساختمان‌ها، مناظر و تنظیمات شهری است. متغیرهای نحوی نقش مهمی در پیشنهاد اینکه کدام فضا با کاوش و یافتن بازدیدکنندگان بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد بازی می‌کند (Haq & Luo, 2012,106).

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر پیکربندی فضایی درختان و مسیریابی بر توسعه طرح‌های پیشنهادی برای فضای باز دانشگاهی با استفاده از نظریه نحو فضا می‌پردازد. نتایج این کار می‌تواند برای ایجاد یک چارچوب طراحی استراتژیک بر اساس تجزیه و تحلیل دقیق پیکربندی فضایی مورد استفاده قرار گیرد.

به‌طور کلی، رابطه بین فضاها، در نحو فضا، می‌تواند از طریق چندین معیار نحوی فضا (اتصال، یکپارچگی، عامل محور، انتخاب، عمق و ...) انجام شود. از این معیارها می‌توان

۲-۴-۳- عامل محور

مدل مبتنی بر عامل یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های نحو فضایی است که برای شبیه‌سازی حرکت عابر پیاده در یک محیط استفاده می‌شود. این ابزار توسط ترنر و همکاران^۱ (2003) توسعه یافته است. ترنر و پن (2002) تعداد بازدیدکنندگانی را که در یک فضای معماری سرپوشیده حرکت می‌کنند با تعداد «عواملی» که از طریق مدل مبتنی بر عامل از همان محیط پیشرفت می‌کنند، مقایسه کردند. اهمیت روش تحلیلی ترنر (2003) این است که مدل مبتنی بر عامل پیشنهاد می‌کند که بر توپولوژی قابل دسترس انسان، تمرکز کند و بر این اساس ابزارهایی را که یک معمار یا طراح محیطی برای ارزیابی نیاز دارد، ساده می‌کند. مطالعه حاضر تلاش می‌کند تا این فرض را به زمینه طراحی منظر با ارزیابی تأثیر طرح کاشت پیشنهادی و مسیریابی در فضا و بازخورد آن در طرح‌های پیشنهادی گسترش دهد.

۳- روش تحقیق

۳-۱- منطقه مطالعه

دانشگاه علم و صنعت ایران یک دانشگاه دولتی است که در شمال شرقی تهران واقع شده است (شکل شماره ۲). منطقه‌ای که با یک الگو دایره‌ای برجسته شده است، منطقه خاص مطالعه است. این منطقه از پردیس دانشگاه، مملو از درختان و در نزدیکی ساختمان خدماتی سلف اساتید هست. همچنین، شبیهی که مانع بصری ایجاد کند؛ در این فضا وجود ندارد و این منطقه مسطح هست. تراکم پوشش گیاهی و فعالیت کاربران در این بخش از پردیس، کاربرد عملی نظریه نحو فضا در طراحی منظر را ملزم کرده است. سه طرح کاشت و مسیریابی مختلف به عنوان موضوعات این مطالعه پیشنهاد شده است. تجزیه و تحلیل دقیق الگوی استفاده از فضا و تجزیه و تحلیل کمی از هر طرح پیشنهادی برای پردیس دانشگاه با استفاده از تکنیک VGA انجام شده است (شکل شماره ۳).



شکل ۲. پلان دانشگاه علم و صنعت ایران و موقعیت منطقه مورد مطالعه

۳-۲- اقدامات و تکنیک‌ها

تکنیک تحلیل فضایی به کاررفته در این مطالعه مبتنی بر تجزیه و تحلیل چندضلعی‌های دید ترسیم شده از هر شبکه است که تمام مناطق قابل دسترسی را پوشش می‌دهد. معیارهای، «یکپارچگی بصری»^۲، «اتصال بصری»^۳ و «مدل مبتنی بر عامل»^۴ برای بررسی یک بخش از پردیس دانشگاه علم و صنعت ایران، استفاده می‌شود. این مطالعه روشی را برای تعیین اینکه چگونه طراحی کاشت درختان می‌تواند بر مناظر بصری از طریق سه طرح پیشنهادی طراحی کاشت یک فضای باز دانشگاهی با استفاده از تکنیک‌های نحوی فضا تأثیر بگذارد، توصیف می‌کند. پیشنهادات با استفاده از سه رویکرد مختلف توسعه داده شد. این پیشنهادات برگرفته از پژوهش محمود و عمر^۵ (2015) می‌باشد که در بخشی از یک پارک شهری، پیشنهاد کاشت درختان (موازی و تصادفی) و مسیریابی (مستقیم و منحنی) را ارائه دادند. در این مطالعه اولین پیشنهاد از آرایه موازی و منظم درختان و مسیرهای مورب و متقارن پیروی می‌کند. پیشنهاد دوم از یک الگوی شبکه ۵ نقطه‌ای درختان و مسیرهای مستقیم و متقارن تشکیل شده است. پیشنهاد سوم الگوی شبکه تصادفی درختان و مسیرهای شعاعی و یک فضای دایره‌ای در مسیر را اعمال کرده است. این پیشنهاد مطابق با گفته بل^۶ (2004) که «گره» می‌تواند تعادل و اینرسی بصری فضای منظر را افزایش دهد،

⁴ Gate Counts

⁵ Mahmoud & Omar

⁶ Bell

¹ Turner et al

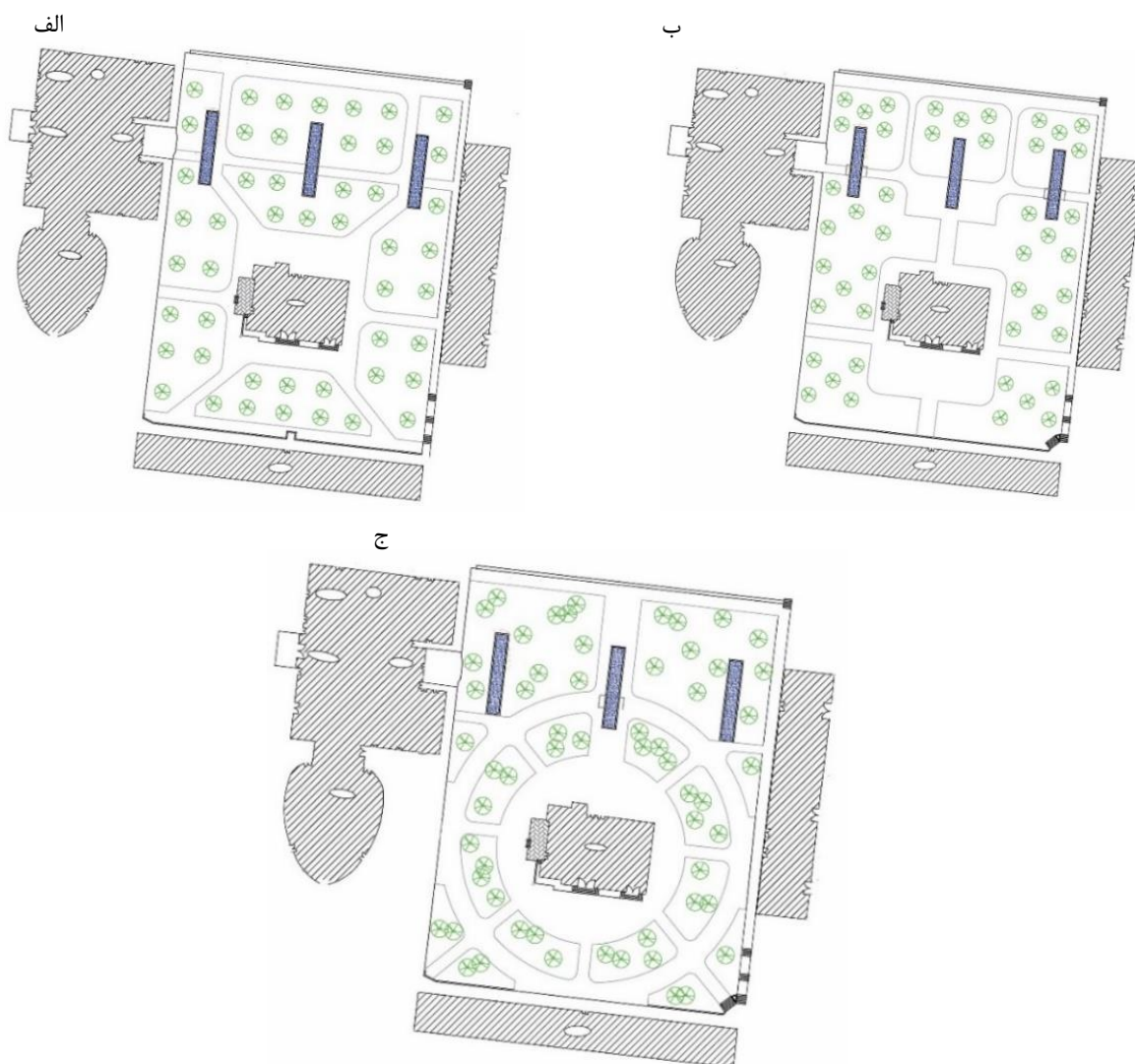
² Visual Integration(HH)

³ Connectivity

چیدمان فضای سبز در بخشی از پردیس دانشگاه علم و صنعت ایران پرداخته است.

اعمال شد. نتیجه تجزیه و تحلیل در نقشه‌ها با طیف رنگ نشان داده می‌شود.

رفتارهای راه‌یابی با همبستگی بین یکپارچگی و اتصال یافت می‌شود (Emo, 2014,176). بر این اساس، مطالعه حاضر به بررسی یکپارچگی، اتصال و عامل محور و خوانایی



شکل ۳. الف) طرح پیشنهادی ۱ (خطوط مورب، کاشت منظم و متقارن) ب) طرح پیشنهادی ۲ (خطوط مستقیم، کاشت ۵ نقطه‌ای) ج) طرح پیشنهادی ۳ (خطوط شعاعی، کاشت تصادفی)

متری ساخته شد که مناطق قابل مشاهده و قابل دسترسی را پوشش می‌دهد. یک ایزویست سطح - میدان دید یا دسترسی - از هر نقطه شبکه برای ایجاد شبکه‌ای از تمام اتصالات مستقیم بین گره‌ها ایجاد شده است. سپس یک نمودار دید استخراج شد و برای به دست آوردن الگوهای

۳-۳-۳ VGA منطقه مورد مطالعه

نمودار دید از فضاهای حرکتی عابر پیاده در منطقه مورد مطالعه با استفاده از Depthmap ۰/۹ برای شناسایی معیارهای نحوی فضا ایجاد شد. نمودار دید برای همه مکان‌ها (گره‌ها) مشخص شده بر روی شبکه‌ای با فاصله یکنواخت ۰/۵

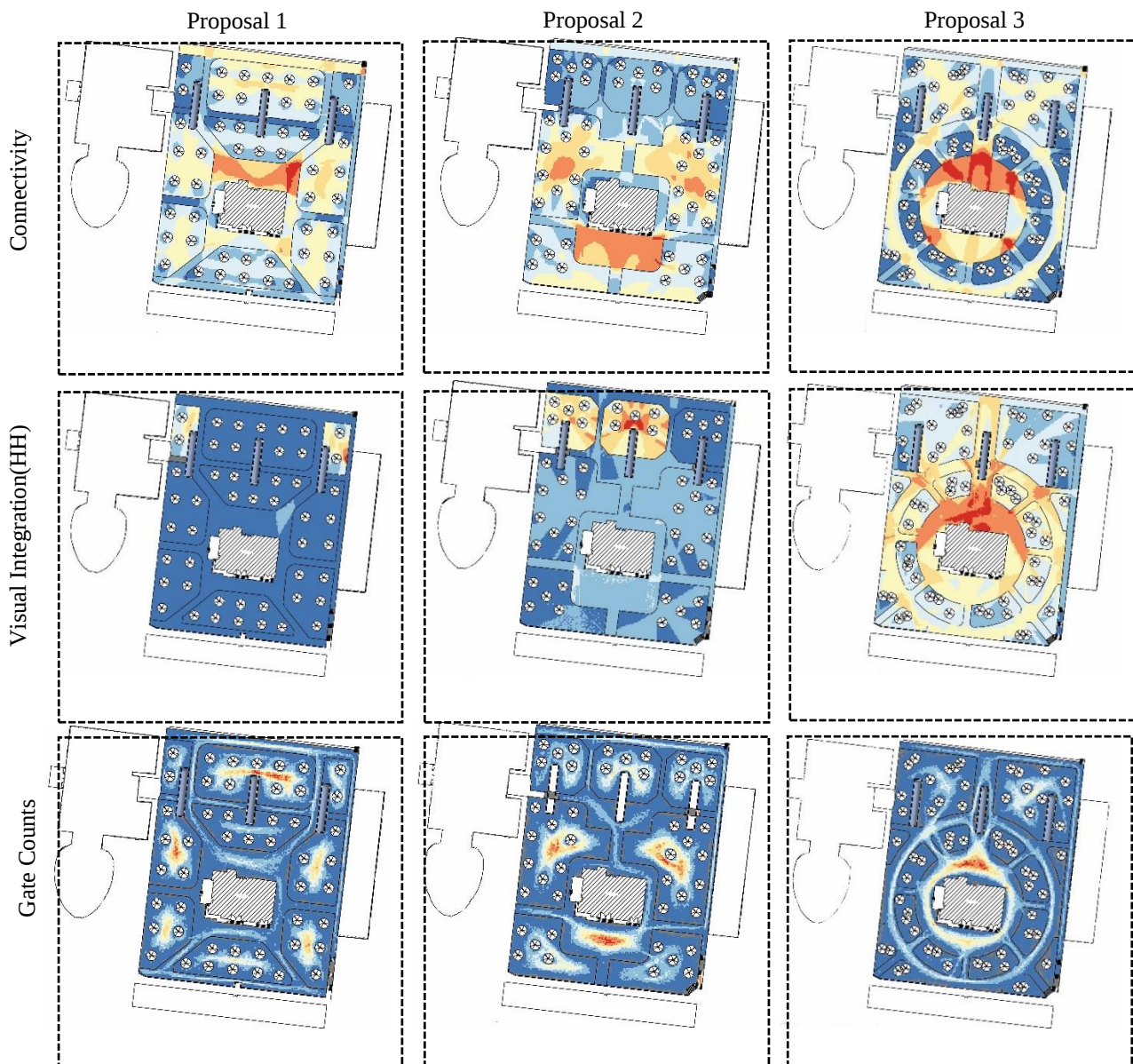
ویژگی‌های پیکربندی و بصری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مقیاس رنگ، یکپارچه‌ترین و عمیق‌ترین گره‌ها به‌طور متوسط به رنگ قرمز نشان داده شده‌اند و کمترین یکپارچگی و کم عمق‌ترین گره‌ها به‌طور متوسط آبی نشان داده شده است.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

۴-۱- تجزیه و تحلیل داده‌ها

روابط بین طراحی کاشت، ویژگی‌های فضایی و حرکت عابر پیاده بر اساس نتایج حاصل از VGA و داده‌های مربوط به منطقه مورد مطالعه تجزیه و تحلیل شد. (شکل شماره ۴) مقایسه

گرافیکی طرح‌های کاشت پیشنهادی را بر اساس نتایج تحلیل نحو فضا نشان می‌دهد. با توجه به نتایج VGA، پیشنهاد سوم بالاترین ارزش اتصال و میزان یکپارچگی را نشان می‌دهد که به‌صورت مسیرهای شعاعی و کاشت تصادفی نشان داده شده است که در مرکز فضا، رو به روی ساختمان سلف اساتید به اوج خود می‌رسد. هر دو پیشنهاد اول و دوم ارزش‌های تقریباً برابری از یکپارچگی جهانی و اتصال بصری را نشان داده‌اند. همچنین، بالاترین سطوح حرکت در پیشنهاد دوم که مسیرها به‌صورت منظم و متقارن و کاشت ۵ نقطه‌ای در نظر گرفته شده است؛ دیده می‌شود.

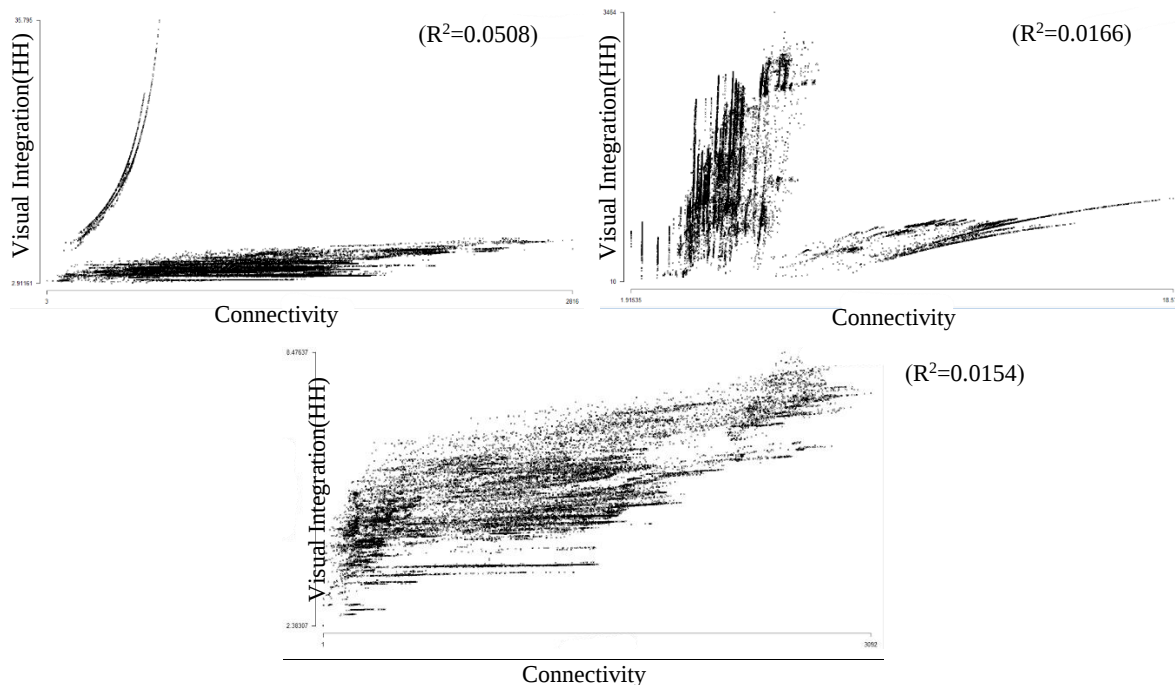


شکل ۴. نمایش گرافیکی VGA از سه طرح پیشنهادی

(شکل شماره ۵) نتایج تحلیل قابل فهم (همبستگی بین اتصال و یکپارچگی بصری) را نشان می‌دهد. جهت بررسی شاخص خوانایی فضا، همبستگی بین یکپارچگی و اتصال مورد بررسی قرار داده شده است. یک فضا دارای وضوح خوبی است که فضاهای آن ضمن این که به خوبی باهم اتصال دارند، از یکپارچگی خوبی نیز برخوردار هستند. در مقابل، فضا نامفهوم و ناواضح فضایی است که فضاهای آن با میزان اتصال خوب، دارای یکپارچگی مناسبی نیستند. نتایج تحلیل قابل فهم (همبستگی بین اتصال و یکپارچگی بصری) نشان می‌دهد؛ که با مقایسه ضرایب تعیین (R^2)، پیشنهاد سوم بالاترین ($R^2=0.0508$) همبستگی دارد که کاشت تصادفی درختان را با مسیرهای شعاعی نشان می‌دهد و همبستگی ضعیفی بین پیشنهاد دوم ($R^2=0.0166$) و پیشنهاد اول ($R^2=0.0154$) مشاهده می‌شود.

اندازه‌گیری عمق میانگین در VGA با اتصال و یکپارچگی بصری همبستگی ضعیفی دارد. قدرت همبستگی بین عمق میانگین و یکپارچگی بصری متفاوت است. همبستگی در پیشنهاد سوم ($R^2=0.1766$) نسبت به پیشنهاد اول و دوم بهتر بود. در مقابل، همبستگی در پیشنهاد اول ($R^2=0.0002$) و دوم ($R^2=0.0064$) ضعیف بود. اندازه‌گیری میانگین عمق نیز به شدت با اتصال بصری در سه پیشنهاد همبستگی متفاوتی داشته است. همبستگی در پیشنهاد سوم ($R^2=0.1378$) نسبت به پیشنهاد دوم ($R^2=0.0305$) و پیشنهاد اول ($R^2=0.0786$) بهتر بود.

قابل فهم بودن همبستگی بین مقادیر اتصال و یکپارچگی همه فضاها در چیدمان است (Haq & Luo, 2012, 167). قابل فهم بودن یک کیفیت فضایی است. اگر فضا تداوم بالایی داشته، به همان میزان یکپارچگی فضایی افزایش می‌یابد و فضا از درک بالایی برخوردار می‌شود (Safizadeh, 2023, 10).



شکل ۵. (الف) ارتباط بین یکپارچگی بصری و معیارهای اتصال اولین پیشنهاد. (ب) همبستگی بین یکپارچگی بصری و معیارهای اتصال پیشنهاد دوم. (ج) همبستگی بین یکپارچگی بصری و معیارهای اتصال

۴-۲- بحث

مطالعه حاضر یکی از پیشگامان استفاده از تکنیک‌های نحو فضا در معماری منظر فضاهای آموزشی از نظر طراحی کاشت و راه‌یابی است؛ که در بخشی از پردیس دانشگاه علم و صنعت با سه راهکار پیشنهادی انجام شد. با توجه به تحلیل داده‌ها در پاسخ به این سال که آیا می‌توان ساختار فضا و طرح کاشت را با استفاده از تکنیک‌های نحوی فضا پیش‌بینی کرد؟ به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت باشد. پیشنهاد اول، با مسیر خطی مورب، تغییرات قابل‌توجهی در تجزیه و تحلیل یکپارچگی بصری از طریق Depthmap نشان نداد. به نظر می‌رسد؛ خطوط مستقیم و چیدمان موازی درختان، زمینه‌های بصری متنوعی ایجاد نمی‌کند. در پیشنهاد دوم، با مسیرهای مستقیم و منظم و کاشت ۵ نقطه‌ای، تجزیه و تحلیل یکپارچگی بصری یکرنگ گرم را به عنوان یک نقطه شبیه به یک گره اصلی، متصل به سمت ضلع غربی مسیر نشان داده است. در پیشنهاد سوم، تجزیه و تحلیل یکپارچگی بصری، یک گره اصلی را در امتداد مسیر رسیدن به ساختمان خدماتی سلف اساتید و مسیر دایره‌ای شکل حول آن را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این شبکه فضایی دارای ساختار و یکپارچگی قوی‌تری باشد. این یافته با یافته‌های بل (2004) مطابقت دارد، زیرا آرایش دایره‌ای مسیرها درجه‌ای از محفظه را ایجاد می‌کند که فضا را مشخص می‌کند. این شرایط می‌تواند طراح را تشویق کند تا یک عنصر بصری، به عنوان مثال، یک آب‌نما در زیر سطح چشم اضافه کند تا این یکپارچگی بصری را به حداکثر برساند و بر آن تأکید کند.

میانگین یکپارچگی و چیدمان فضایی طرح کاشت در پیشنهاد سوم می‌تواند زمینه حضور بیشتر کاربران را فراهم کند. پیشنهاد اول کمترین سطح یکپارچگی را دارد. چیدمان مناسب و ایجاد مسیرهای جدید متصل به فضاهای یکپارچه بالاتر می‌تواند یکپارچگی فضاهای سبز در این پیشنهاد را بهبود بخشد. همچنین پیشنهاد سوم بالاترین میانگین اتصال نسبت به دو پیشنهاد دیگر را نشان داد که حاکی از تعداد گره‌های بیشتر در این فضا است؛ بنابراین به دلیل اتصال

فضایی بیشتر در این پیشنهاد، فضاهای جمعی بیشتر و تسهیل در راه رفتن بین فضاها، امکان‌پذیرتر است.

نتایج نشان داد پیشنهاد سوم که یک الگوی کاشت تصادفی را با فضای منحنی مرکزی ادغام می‌کند؛ همبستگی قوی‌تری بین اتصال بصری و یکپارچگی در مقایسه با پیشنهاد اول و دوم که شامل یک آرایه منظم درختان است، ارائه می‌دهد؛ که با یافته‌های محمود و عمر در طراحی پارک‌های شهری مطابقت دارد که به این نتیجه رسید که آرایش آزاد منحنی درختان و تا حدودی گره فضایی مرکزی درختان، فضاهای نسبتاً یکپارچه و متصل را در طراحی پارک ایجاد می‌کند (Mahmoud & Omar, 2015,10). این نتیجه ممکن است طراحان را در استفاده از این مزیت و افزودن برخی از عناصر طراحی در این زمینه برای افزایش زیبایی طراحی راهنمایی کند. علاوه بر این، پیشنهاد سوم یک سیستم فضایی با پتانسیل برای حضور و تعامل در فضای مرکزی را به نسبت دو پیشنهاد دیگر ایجاد کرده است.

بنابراین اگرچه درختان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ترجیح منظر هستند، پیکربندی فضایی آن‌ها بر میدان‌های بصری و طراحی مسیر تأثیر می‌گذارد. معماران منظر نباید طرح‌های کاشت و مسیریابی را به چیدمان‌های متقارن محدود کنند زیرا چیدمان‌های منحنی و آزاد ممکن است تجارب بصری و اجتماعی را در یک فضا افزایش دهند.

تحلیل عاملی فضای باز که برای شبیه‌سازی حرکت عابر پیاده در یک محیط استفاده می‌شود نشان می‌دهد؛ بیشترین سطوح حرکت در پیشنهاد دوم، در مسیر حرکت بین درختان و رو به روی ساختمان سلف، رخ داده است؛ بنابراین امکان کاوش بیشتر در منظر دانشگاه را فراهم کرده است. در پیشنهاد اول، بیشترین تراکم و حرکت به سمت فضای خالی مابین درختان مشاهده شده است؛ و بیشترین سطوح حرکت در پیشنهاد سوم، در مرکز فضا، حول ساختمان دیده می‌شود؛ و در نتیجه بر نقطه کانونی در فضای مرکزی تأکید می‌کند. این

نشان داد که آرایش شعاعی و منحنی مسیرها و کاشت تصادفی درختان، فضاهای نسبتاً یکپارچه و متصل را در طراحی فضای باز ایجاد می‌کند؛ اما بیشترین سطوح حرکت در طرح کاشت ۵ نقطه‌ای با مسیرهایی مستقیم دیده شد. تکنیک‌های نحو فضایی مورد استفاده در این مطالعه می‌تواند برای بهبود طرح‌های پیشنهادی مورد استفاده قرار گیرند. مطالعه دقیق زمینه‌های بصری تعبیه‌شده در طرح‌های پیشنهادی می‌تواند به پیش‌بینی حرکت عابر پیاده و ساختار فضایی طرح‌های پیشنهادی کمک کند. نتایج چنین مطالعه‌ای می‌تواند به طراحان منظر در درک چگونگی کارکرد طرح‌هایشان کمک کند. در این زمینه، رویکرد نحو فضا را می‌توان در تحقیقات آینده برای بررسی سایر پارامترهای فضایی، از جمله رنگ، بافت و فرم استفاده کرد. علاوه بر این، از آنجایی که در این مطالعه اقدامات نحوی برای تجزیه و تحلیل فرآیند راه‌یابی و طرح کاشت در منظر پردیس دانشگاهی در نظر گرفته شد، می‌توان پرسشنامه‌ای را نیز در مطالعات آتی طراحی کرد تا از نظرات دانشجویان و کارکنان برای به دست آوردن نتایج دقیق‌تر جویا شد. همچنین از آنجاکه در این پژوهش، طول و عرض تاج، شکل برگ‌ها، خزان پذیر بودن یا همیشه‌سبز بودن آن‌ها که در تحلیل‌های بصری بسیار مهم است؛ لحاظ نشده است؛ می‌تواند در تحقیقات آتی در نظر گرفته‌شده تا به نتایج بهتر و معتبرتری دست‌یافت. به این ترتیب، فرآیند ارتقای طراحی بر اساس پیش‌بینی ساختار فضا به یک راه‌حل بهینه می‌رسد.

۶- منابع

- Abubakar, I. and Aina, A. (2006). GIS and space syntax: An analysis of accessibility to urban green areas in doha district of dammam metropolitan area: Saudi Arabia, *In Proceedings of Map Middle East Conference*, 1-8.
- <http://www.environment.gen.tr/environment-and-architecture/116-gis-and-space-syntax-an-analysis-of-accessibility-to-urban-green-areas-in-doha-district-of-dammam-metropolitan-area.pdf>

یافته‌ها، مطابق با یافته‌های ذیبهی و همکارانش^۱ است که باهدف بررسی تأثیر طراحی کاشت در مناظر بیمارستان‌های کرمان بر مسیریابی کاربران با استفاده از تکنیک‌های نحو فضایی، به این نتایج دست‌یافت که پیکربندی‌های کاشت در چشم‌انداز بیمارستان می‌تواند بر مسیریابی افراد تأثیر بگذارد. طراحی یکپارچه و منظم کاشت علاوه بر تلفیق سطح کاشت با ساختمان بیمارستان می‌تواند راه را برای فضای قابل فهم و مسیریابی آسان‌تر هموار کند (Zabihi et al., 2021).

در نهایت نتیجه می‌گیریم که بالاترین امتیاز از نظر یکپارچگی و اتصال، مربوط به الگوی سوم و بیشترین سطوح حرکت مربوط به پیشنهاد دوم است. از سوی دیگر، مشخص می‌شود که نوع طرح کاشت، در سازمان‌دهی و راه‌یابی فضا نقش بسزایی دارد؛ الگوی آزاد درختان و مسیرهای شعاعی، یکپارچگی و اتصال بیشتر و کاشت ۵ نقطه‌ای و مسیرهای مستقیم عامل حرکت بیشتر در فضا را فراهم می‌کنند. یافته‌های چنین مطالعه‌ای می‌تواند به طراحان پردیس دانشگاه در درک چگونگی کارکرد طرح‌هایشان کمک کند. طراحان منظر دانشگاه نیز باید بیشتر بر روند راه‌یابی و دسترسی به موازات زیبایی‌شناختی و سایر مسائل کاربردی تمرکز کنند. مدیران ترجیح می‌دهند اطمینان حاصل کنند که معماران و طراحان از جدیدترین فناوری‌ها برای پیش‌بینی مفاهیم طراحی خود آگاه هستند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با گسترش فضاهای دانشگاه و تکامل نظریه‌های علمی باگذشت زمان، طرح‌ها و رویکردهای جدیدی پدیدار خواهد شد؛ بنابراین نقش معماران، تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزانی که در این زمینه کار می‌کنند اهمیت بیشتری در این زمینه پیدا می‌کند. این مطالعه، تأثیر پیکربندی فضایی تولیدشده توسط طرح درختکاری و مسیریابی پیشنهادی را بر روی میدان‌های بصری فضای باز دانشگاهی با استفاده از نظریه نحو فضا بررسی کرد. مشخص شد که طرح درختکاری و مسیریابی فضا باز بر پردیس‌های دانشگاهی تأثیر بسزایی دارد. نتایج

^۱ Zabihi et al

• Emo, B. (2014). Seeing the Axial Line: Evidence from Wayfinding Experiments, *Behavioral Sciences*, 4(3), 167-180.

<https://doi.org/10.3390/bs4030167>

• Franz, G., & Wiener, J. M. (2008). From space syntax to space semantics: a behaviorally and perceptually oriented methodology for the efficient description of the geometry and topology of environments. *Environment and planning b: planning and design*, 35(4), 574-592.

<https://doi.org/10.1068/b33050>

• Gumprecht, B. (2007). The campus as a public space in the American college town. *Journal of Historical Geography*, 33(1), 72-103.

<https://doi.org/10.1016/j.jhg.2005.12.001>

• Hapsari, T. D., Setijanti, P., & Dinapradipta, A. (2022). Landmark-to-Landmark: Exploring Wayfinding Aspect Criteria for the Campus. *International Journal of Multidisciplinary Research and Publications*, 5(2), 36-40.

<http://ijmrmap.com/wp-content/uploads/2022/07/IJMRAP-V5N1P174Y22.pdf>

• Haq, S. and Luo, Y. (2012). Space syntax in healthcare facilities research: a review, *HERD: Health Environments Research and Design Journal*, 5 (4), 98-117.

<https://doi.org/10.1177/193758671200500409>

• Haq, S. and Zimring, C. (2003). Just down the road a piece: the development of topological knowledge of building layouts. *Environment and Behavior*, 35 (1). 132-160.

<https://doi.org/10.1177/0013916502238868>

• Hillier, B. (1996). *Space is the Machine*. Cambridge University Press, Cambridge.

• Hillier, B. and Vaughan, L. (2007). The city as one thing. *Progress in planning*, 67(3), 205-230.

<https://doi.org/10.1016/j.progress.2007.03.001>

• Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T. and Xu, J. (1993). Natural

• Akhir, N. M., Sakip, S. R. M., Abbas, M. Y., & Othman, N. (2018). Literature survey on how planting composition influence visual preferences: a campus landscape setting. *The Journal of Social Sciences Research*, 783-790.

<https://doi.org/10.21834/e-bpj.v2i6.987>

• Azzali, S., & Abdel Sabour, E. (2018). The Way-Finding in Educational Modular Buildings: The Case of the Male Engineering Building at Qatar University. *Advances in Civil Engineering*.

<https://doi.org/10.1155/2018/6076021>

• Batty, M. (2001). Exploring isovist fields: space and shape in architectural and urban morphology. *Environment and planning B: Planning and Design*, 28(1), 123-150.

<https://doi.org/10.1068/b2725>

• Bell, S., (2004). *Elements of Visual Design in the Landscape*. London: Spon Press.

• Benedikt, M. L. (1979). To take hold of space: isovists and isovist fields. *Environment and Planning B: Planning and design*, 6(1), 47-65,

<https://doi.org/10.1068/b060047>

• Dawson, P. C. (2003). Analysing the effects of spatial configuration on human movement and social interaction in Canadian Arctic communities. In *4th International Space Syntax Symposium*, 1, 1-37.

https://www.academia.edu/download/35251317/Dawson_Peter-Pub_24.pdf

• Desyllas, J., & Duxbury, E. (2001). Axial maps and visibility graph analysis. In *Proceedings, 3rd International Space Syntax Symposium*, Georgia Institute of Technology Atlanta, 27, 21-13.

<https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=f2dbe1f98781bcd0074e1339ac04e8256850366>

• El-Darwish, I. I. (2022). Enhancing outdoor campus design by utilizing space syntax theory for social interaction locations. *Ain Shams Engineering Journal*, 13(1), 101524.

<https://doi.org/10.1016/j.asej.2021.06.010>

- Nightingale, F. (1860). Notes On Nursing: What It Is, And What It Is Not, First American ed., Appleton and Company, New York, NY.

- Ortega-Andeane, P., Jiménez-Rosas, E., Mercado-Doménech, S., & Estrada-Rodríguez, C. (2007). Space syntax as a determinant of spatial orientation perception. *International Journal of Psychology*, 40(1), 11-18.

<https://doi.org/10.1080/00207590444000096>

- Peponis, J., Zimring, C. and Choi, Y.K. (1990). Finding the building in wayfinding, *Environment and Behavior*, 22 (5), 555-590.

<https://doi.org/10.1177/0013916590225001>

- Safizadeh, M. (2023). Simulation of the circulation complexity in student residence buildings using space syntax analyses (Case studies: Highland hall, Rita Atkinson, Rutgers University and Tooker Residences, USA). *Architectural Engineering and Design Management*, 1-20.

<https://doi.org/10.1080/17452007.2023.2203372>

- Torku, A., Chan, A. P., Yung, E. H., & Seo, J. (2021). The influence of urban visuospatial configuration on older adults' stress: A wearable physiological-perceived stress sensing and data mining based-approach. *Building and Environment*, 206, 108298.

<https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2021.108298>

- Toker, U., Baran, P. and Mull, M. (2005). Sub-urban evolution: A cross-temporal analysis of spatial configuration in an American town (1989-2002). in *5th International Space Syntax Symposium*, ed. A. Van Nes, Purdue University Press, USA, 13-17.

- Turner, A., (2003). Analysing the Visual Dynamics of Spatial Morphology. *Environ and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 30(5), 657-676.

<https://doi.org/10.1068/b12962>

- Turner, A. and Penn. A. (1999). Making isovists syntactic: isovist integration analysis. in *2nd International Symposium on Space Syntax, Brasilia*.

movement: or, configuration and attraction in urban pedestrian movement, *Environment and Planning B: planning and Design*, 20 (1), 29-66.

<https://doi.org/10.1068/b200029>

- Iftikhar, H., Asghar, S. and Luximon, Y. (2020). The efficacy of campus wayfinding signage: a comparative study from Hong Kong and Pakistan, *Facilities*, 38(11/12), 871-892.

<https://doi.org/10.1108/F-04-2020-0035>

- Johanes, M., & Yatmo, Y. A. (2018). Application of visibility analysis and visualisation in hospital wayfinding sign design. *DIMENSI (Journal of Architecture and Built Environment)*, 45 (1), 1-8.

<https://doi.org/10.9744/dimensi.45.1.1-8>

- Klarqvist, B. (2015). A space syntax Glossary, NA, 6 (2).

- Kuper, R. (2017). Evaluations of landscape preference, complexity, and coherence for designed digital landscape models. *Landscape and Urban Planning*, 157, 407-421.

<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.09.002>

- Li, S., Peng, Z., Huang, Z. and Qin, J. (2019). Plants spatial planning method of urban ecological landscape environment, *Ekoloji Dergisi*, 28(107), 2905-2916.

<http://ekolojidergisi.com/download/plants-spatial-planning-method-of-urban-ecological-landscape-environment-5925.pdf>

- Mahmoud, A. H., & Omar, R. H. (2015). Planting design for urban parks: Space syntax as a landscape design assessment tool. *Frontiers of Architectural Research*, 4(1), 35-45.

<https://doi.org/10.1016/j.foar.2014.09.001>

- Negm, H., Taha, D. S., & Saadallah, D. M. (2020). The Effect of the Physical Environment on Social Interaction: The Case of Educational Campuses. *Liveable City Regions for the 21st Century*. Aachen, Germany: REAL CORP, 848-857.

https://corp.at/archive/CORP2020_67.pdf

- Zabihi, A., Safizadeh, M. and Hedayati Marzbali, M. (2021). Wayfinding in hospital landscape: syntactical analysis of planting design in hospitals in Kerman, Iran. *Journal of Facilities Management*, 19 (3), 393-411.

<https://doi.org/10.1108/JFM-12-2020-0089>

https://www.researchgate.net/profile/Alan-Penn2/publication/242075155_Making_isovists_syntactic_isovist_integration_analysis/links/0046352bbef92ce31e000000/Making-isovists-syntactic-isovist-integration-analysis.pdf

- Turner, A., Doxa, M., O'sullivan, D., & Penn, A. (2001). From isovists to visibility graphs: a methodology for the analysis of architectural space. *Environment and Planning B: Planning and design*, 28 (1), 103-121.

<https://doi.org/10.1068/b2684>

- Ulrich, R.S. (2002). Health benefits of gardens in hospitals, In Paper for Conference, Plants for People International Exhibition Floriade, 17, 2010.

https://jardiannessanadores.cl/wp-content/uploads/2019/09/Health_Benefits_of_Gardens_in_Hospitals.pdf

- Wang, R., Zhao, J., & Liu, Z. (2016). Consensus in visual preferences: The effects of aesthetic quality and landscape types. *Urban Forestry & Urban Greening*, 20, 210-217.

<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2016.09.005>

- Wu, C., Xiao, Q., & McPherson, E. G. (2008). A method for locating potential tree-planting sites in urban areas: A case study of Los Angeles, USA. *Urban Forestry & Urban Greening*, 7(2), 65-76.

<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2008.01.002>

نحوه ارجاع به مقاله:

چاروسایی، معصومه. فیضی، محسن. و خاک‌زند، مهدی. (۱۴۰۲). طراحی کاشت و مسیریابی برای فضای باز دانشگاهی: نحو فضا به عنوان ابزار ارزیابی طراحی منظر (نمونه موردی: دانشگاه علم و صنعت ایران). *توسعه پایدار شهری*, ۴(۱۰), ۵۱-۳۷.



DOI: 10.22034/USD.2023.705568



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.3.6

URL: https://usdjjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_705568.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Received: 07/05/2023

Accepted: 27/05/2023

Planting Design and Wayfinding for University Campus: Space Syntax as a Landscape Design Assessment Tool

Masoomeh Charousaei ¹, Mohsen Faizi ^{2*}, Mehdi Khakzand ³

Abstract: The spatial characteristics of outdoor places are significantly influenced by trees. Using space syntax theory, this study examines how the spatial arrangement created by the suggested trees planting design and wayfinding affects the visual fields of a university campus. These methods are thought to be helpful in determining the proposed space's spatial organization and evaluating design options. An experimental study using three different planting and wayfinding design proposals for a university campus is conducted. The first proposal follows a regular, parallel array of trees and diagonal, symmetrical paths. The second proposal consists of a 5-point pattern of trees and straight and symmetrical paths, and the third proposal applies a random grid pattern of trees and radial paths. Data are analyzed using space syntax techniques. Results reveal a significant effect of planting configurations and wayfinding on syntactic measures across the three proposals. The highest levels of movement can be observed in the 5-point planting plan with straight paths, although radial and curved arrangements of paths and random planting of trees also generate comparably integrated and connected environments. Therefore, this study suggests that space syntax techniques may have a significant value in the assessment of schematic planting design, especially at the user's movement level.

Keywords: Landscape Architecture, Open University, Space syntax, Planting, Wayfinding

¹ M.Sc in Landscape architecture, Department of Landscape Architecture, Faculty of Architecture & Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Landscape Architecture, Faculty of Architecture & Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran; Corresponding Author, [Email:mfaizi@iust.ac.ir](mailto:mfaizi@iust.ac.ir)

³ Associate Professor, Department of Landscape Architecture, Faculty of Architecture & Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۵۳-۶۹

ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی (مورد پژوهی: شهر ساحلی منجیل)

فرزانه دهقانی گیشی^۱، سوده نور محمدی^۲، میلاد بابایی الیاسی^۳، نرجس سادات برکباف^{۴*}

چکیده: هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل و ارائه راهکارهایی به منظور توسعه صنعت گردشگری در این منطقه می باشد. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و متدولوژی پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. به منظور جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز از روش کتابخانه ای و میدانی بهره گرفته شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر را اساتید و دانشجویان دکتری رشته های جغرافیا، برنامه ریزی شهری و شهرسازی، کارشناسان و متخصصین حوزه گردشگری استان گیلان و شهر منجیل تشکیل داده اند که اطلاع کافی از گردشگری و شهر منجیل داشته اند. همچنین حجم نمونه بر مبنای نرم افزار Sample Power، تعداد ۳۰ نفر که در دسترس بودند انتخاب شدند. به منظور جمع آوری داده های میدانی از ابزار پرسش نامه استفاده شد که روایی آن از نظر محتوایی و ظاهری به تأیید خبرگان رسید. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و رتبه بندی فریدمن در محیط نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد از میان عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل به جز مؤلفه های اجتماعی - رفتاری با مدیریتی - نهادی و همچنین اجتماعی - رفتاری با زیست محیطی که رابطه معناداری ضعیفی بین آنها وجود دارد در سایر مؤلفه ها رابطه مثبت و معنادار می باشد. به عبارتی بیشترین میزان همبستگی بین مؤلفه های اقتصادی با مدیریتی - نهادی (۰/۷۲۶) و کمترین میزان همبستگی بین مؤلفه های اجتماعی - فرهنگی با مدیریتی - نهادی (۰/۲۵۶) می باشد. همچنین با استفاده از آزمون فریدمن مشخص گردید مؤلفه اقتصادی با مجموع میانگین ۲/۲۰۶ نسبت به دیگر مؤلفه های پژوهش در بدترین وضعیت قرار دارد که لازم است مدیران و مسئولین شهر منجیل در راستای بهبود این شاخص تلاش بیشتری داشته باشند.

واژگان کلیدی: گردشگری، توسعه گردشگری ساحلی، شهر منجیل.

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

^{۴*} دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد.

ایران؛ نویسنده مسئول: narjes.s.barakbaf@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه صنعت گردشگری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنایع در جهان شمرده می‌شود به طوری که منبع اصلی درآمد ارزی، اشتغال، ایجاد عدالت اجتماعی، رشد فرهنگی، افزایش رفاه و زمینه‌ای برای رشد بخش خصوصی و ابزاری برای توسعه زیرساخت‌ها است (Ata. G et al., 2016,1). در دو دهه اخیر رشد و توسعه صنعت گردشگری و اتخاذ آن به عنوان یکی از فعالیت‌های عمده اقتصادی، برنامه ریزان را بر آن داشته تا برای افزایش درآمدهای حاصله از فعالیت‌های گردشگری به دو مقوله مهم توجه کنند: اول افزایش رضایت گردشگران و ارتقاء لذت و کیفیت تجربه گردشگری و دوم تلاش برای حفظ منافع جوامع میزبان؛ به همین دلیل اغلب کشورها گردشگری را یک ضرورت می‌دانند و از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات خود جهت کسب منافع و مزایای موردنظر استفاده می‌کنند (اربابی سبزواری، ۱۳۹۸، ۲). به طور کلی گردشگری را می‌توان اساساً فعالیتی اقتصادی دانست که برای لذت بردن و احساس آرامش، فرار از گرفتاری‌های شهری و ارضای حس لذت-جویی و کنجکاوی انجام می‌شود (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ۲)؛ بنابراین با توجه به تأثیر شگرف گردشگری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع امروزی، باید با نظری بلند و مدیریتی عاملانه، آگاهانه و با برنامه‌ریزی درست، در جهت گسترش آن تلاش کرد و آثار منفی آن را به حداقل رسانید (Milano et al., 2019). این در حالی است که گسترش صنعت گردشگری در هر نقطه از جهان، نیازمند شرایط و امکانات ویژه‌ای چون آب‌وهوا، آثار تاریخی و فرهنگی، جاذبه‌های طبیعی، آداب و سنن، زیرساخت‌ها و امکانات و تجهیزات می‌باشد که باید در برنامه‌ریزی‌ها موردتوجه قرار گیرد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲، ۲). بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان جهانی گردشگری، تعداد گردشگران در سطح بین‌المللی تا ۲۰ سال دیگر با میانگین رشد ۴۳ میلیون گردشگر در سال، نزدیک به ۲ میلیارد نفر می‌رسد. طبق این گزارش، رشد توریسم

بین‌المللی به گونه‌ای مستمر طی دو دهه آینده با گام‌هایی ملایم‌تر از دهه گذشته ادامه خواهد یافت و تا سال ۲۰۳۰ این تعداد به ۱/۸ میلیارد نفر می‌رسد (World Tourism Organization, 2013). این در حالی است که طبق آمار و گزارش‌های ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)^۱ در سال ۲۰۱۹ میلادی، کشور ایران در زمینه جذب توریست در صنعت توریسم جهانی در بین ۱۴۰ کشور جهان، رتبه ۸۹ را به خود اختصاص داده است (World Tourism Organization, 2019). آنچه مسلم است کشور ایران در زمینه گردشگری با وجود داشتن جاذبه‌های طبیعی بسیاری، در زمره شگفت‌انگیزترین ممالک جهان به شمار می‌آید اما متأسفانه هنوز نتوانسته است به جایگاه و اعتبار واقعی خود در این زمینه دست یابد. بنابراین گردشگری ایران نیازمند برنامه‌ریزی جامع و مناسب در هر منطقه و ناحیه جغرافیایی است (برومند و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۶).

تاکنون صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی با توجه به معیارهای مختلف، دسته‌بندی‌های متعددی از گردشگری ارائه کرده‌اند. گردشگری فرهنگی، گردشگری شهری، گردشگری روستایی، گردشگری ورزشی، گردشگری ماجراجویانه، گردشگری سلامت و غیره انواعی از دسته‌بندی‌های گردشگری هستند (وحیدزادگان و زنگی‌آبادی، ۱۳۹۹، ۴۵۶). در این میان گردشگری ساحلی این روزها به عنوان یکی از انواع گردشگری بسیار موردتوجه بوده و در دهه‌های اخیر بیشترین روند رشد را داشته که قاعدتاً نیاز به مطالعه و پژوهش بیشتر دارد (Orams & Lueck, 2016,1). چراکه محدوده‌های ساحلی تلفیقی زیبا از دریا، ساحل و محیطی آرام‌بخش را به وجود آورده‌اند از این رو مردم از دیرباز به مناطق ساحلی توجه ویژه‌ای داشته‌اند (درویشی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۱۲). در این راستا شهر منجیل به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای گردشگر پذیر استان گیلان و شهرستان رودبار و یکی از مستعدترین مناطق گردشگری، هر ساله تعداد زیادی گردشگر را به خود جذب

¹ World Tourism Organization

اقطار عالم به منظور شناخت آورده شده است (نظریان، ۱۳۹۵، ۱۷). با این حال آنچه مشخص است گردشگری مفهومی فراگیر و گسترده دارد که به دلیل چندوجهی و میان‌رشته‌ای بودن از دیدگاه‌های مختلف تعریف می‌شود. به همین دلیل در مورد مفاهیم گردشگر و گردشگری، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که توسط محققان، رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، دولتی و غیردولتی مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد (Karadimitriou & Pappas, 2019, 2). این صنعت در عصر حاضر، به عنوان صنعت بدون دود، طرفداران بسیاری دارد (مروتی شریف‌آبادی، ۱۳۹۵، ۱۳۳). در واقع گردشگری فعالیتی پاک است که در حفظ طبیعت برای نسل‌های آینده مؤثر است و به کشورهای در حال توسعه در حل مشکلاتی نظیر بیکاری و فقر با تحرک بخشی به پتانسیل‌های این کشورها کمک می‌کند (غلامی و خلجی، ۱۳۹۶، ۲۰). همچنین توسعه این صنعت، اثرات مثبت مختلف دیگری بر جامعه میزبان از جمله تنظیم و بهینه‌سازی زیرساخت‌های صنعتی، ایجاد فرصت‌های اشتغال، توسعه اقتصاد منطقه‌ای و گسترش تجارت بین‌المللی می‌گذارد. در این راستا، کشورهای مختلف در تلاش هستند تا با مهیاسازی و ارزشمند نمودن جاذبه‌های گردشگری در مناطق دارای پتانسیل، فرصت بهره‌مندی از ابعاد مثبت این صنعت را فراهم سازند (معصومی، ۱۴۰۰، ۱۱).

به‌طور کلی گردشگری شامل شاخه‌های متفاوتی است که یکی از این شاخه‌ها گردشگری ساحلی است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵) که ریشه آن را باید در دوران روم باستان، هنگامی که اولین خانه‌های رومی در پنسیلوانیا ساخته شد، جست‌وجو کرد (UNEP, 2009, 10)؛ اما به سیاق امروزی، گردشگری ساحلی از اواخر قرن ۱۹ میلادی مورد توجه قرار گرفت (Danonport & Davenport, 2006, 28). به‌طوری‌که امروزه گردشگری ساحلی، سریع‌ترین نوع در حال رشد انواع گردشگری محسوب می‌شود و طیف کاملی از گردشگری، فراغت و فعالیت‌های تفریحی در نواحی ساحلی را در برمی‌گیرد که باتدبیر و اندیشه علمی و همراه با برنامه‌ریزی می‌توان از پتانسیل‌های ناشناخته این

می‌کند. استقرار در مسیر اصلی شاهراه ارتباطی مرکز به شمال کشور و استان گیلان، برخورداری از فاصله مناسب با سایر شهرهای استان نظیر لاهیجان، رشت، انزلی و دیگر شهرها و داشتن جاذبه‌های طبیعی بی‌شماری از جمله دریاچه و سد سفیدرود از مهم‌ترین ویژگی‌های منطقه مذکور بوده و از نظر توسعه گردشگری موقعیت مناسبی را برای آن فراهم نموده است. اهمیت سد سفیدرود (سد منجیل)، طبیعت آرام منطقه و آب‌وهوای مناسب آن از جمله مواردی می‌باشند که ارزش‌های توریستی منطقه را باعث گردیده است. لذا با وجود داشتن پتانسیل بالا و شرایط مناسب محیطی؛ به نظر می‌رسد که گردشگری ساحلی در این شهر به رشد و توسعه مناسب دست نیافته است؛ بنابراین پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر نیز می‌باشد:

۱- تا چه میزان بین مؤلفه‌های پژوهش رابطه معنادار و همبستگی وجود دارد؟

۲- عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل کدام‌اند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

صنعت گردشگری یکی از پویاترین بخش‌های در حال توسعه اقتصاد جهان و عامل مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق و کشورها است (Kozhokulov et al., 2019, 1). این صنعت مفهومی فراگیر و گسترده دارد که تاریخچه آن به سال ۱۸۸۱ میلادی و یا پیش از آن بازمی‌گردد و تعریف آن همچنان دست‌خوش تغییر و دگرگونی است (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۹). به‌طور کلی توریسم واژه‌ای فرانسوی که از ریشه تور گرفته شده است. تور در زبان فرانسه به معنای حرکت دورانی، عمل پیمودن و طی کردن، سیر کردن و گردش نمودن می‌باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ۷۴). در فرهنگ لغت لانگمن (۱۹۸۸) گردشگری به معنای مسافرت و تفریح برای سرگرمی؛ در فرهنگ لاروس (۱۹۹۱) به معنای مسافرت برای تفریح (لذت یا رضایت)؛ در فرهنگ لغت وبستر مسافرتی که به منظور تجارت، لذت و یادگیری صورت گیرد و در نهایت در فرهنگ دهخدا، گردشگری به معنای سفر به

بررسی پیش‌روی تحقیق حاضر قرار دهد. بر همین اساس به جدیدترین مطالعات صورت گرفته اشاره می‌گردد.

عنابستانی و معصومی (۱۴۰۰)، در پژوهشی به «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری دریاچه‌ای در استان فارس» پرداختند. بر اساس نتایج حاصل از مقایسه زوجی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری دریاچه‌ای که با استفاده از روش‌های AHP فازی و ANP از نظر کارشناسان گردشگری انجام گرفت مشخص گردید معیار وجود جاذبه‌ها با وزن ۰/۲۴۷ در مدل AHP و ۰/۲۴۶ در مدل ANP و معیار عوامل زیرساختی با وزن ۰/۲۲۹ در مدل AHP و ۰/۲۳۴ در مدل ANP دارای بیشترین تأثیرگذاری بر توسعه گردشگری دریاچه‌ای استان فارس داشته است.

حکمت‌نیا (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری شهر میبد» به این نتیجه رسید که ۳۰ نماگر در قالب ۵ عامل در منطقه مورد مطالعه مؤثر بر توسعه گردشگری تاریخی - فرهنگی بوده است که از میان عامل‌های بارگذاری شده، عامل موقعیت نسبی و تاریخی شهر میبد با ۵ نماگر و مقدار ویژه ۷/۶۵۲ درصد واریانس ۲۵/۵۰۸ مهم‌ترین عامل و عامل طبیعی و اقلیمی با ۳ نماگر و مقدار ویژه ۱/۹۳۱ و درصد واریانس ۱۰/۴۳۵ کم‌اهمیت‌ترین عامل مؤثر بر توسعه گردشگری تاریخی - فرهنگی شهر میبد بوده است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به «ارزیابی عناصر مؤثر بر توسعه گردشگری شهر ارومیه» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد وضعیت جاذبه‌های طبیعی به دلیل آب‌وهوای مطبوع و طبیعت بکر مناسب ارزیابی شده است ولی وضعیت خدمات و امکانات ارائه‌شده گردشگری شهری این شهر آن‌چنان‌که باید توجه نشده است.

مروتی شریف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای به «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه صنعت گردشگری یزد» پرداختند. آن‌ها دریافتند عواملی چون وجود مدیریت توانا و منسجم، جاذبه‌های طبیعی، سیستم دفع زباله، به‌کارگیری الگوهای مناسب جهت اطلاع‌رسانی و ایجاد

صنعت در توسعه پایدار نواحی استفاده نمود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۵). درعین حال گردشگری ساحلی باهدف فراهم ساختن زمینه‌هایی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در بعضی از مناطق، می‌تواند باعث درآمد ساکنان نواحی ساحلی و همچنین تأمین‌کننده منافع اجتماعی و محیط زیستی باشد (شیری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۸). بر اساس تعریف ارائه‌شده از کمیسیون اروپا، گردشگری ساحلی عبارت است از گردشگری در مناطق ساحلی در ارتباط با فعالیت‌های تفریحی مانند شنا و آفتاب گرفتن و همچنین طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های دیگر مانند پیاده‌روی‌های ساحلی، دوومیدانی و مشاهده حیوانات وحشی تعریف می‌شود و مهم‌ترین مزیت آن نزدیکی به ساحل است (EC, 2014). اکنون آمار و ارقام سازمان جهانی گردشگری بیشترین مسافران جهان را مربوط به بخش گردشگری ساحلی می‌داند (Noronha, 2002, 42). بر اساس متون واکاوی شده، گردشگران از گذشته مناطق ساحلی را مورد توجه قرار می‌دادند، چراکه این سواحل به‌طور پیوسته پتانسیل‌های بالقوه اکو توریستی هر منطقه به حساب می‌آمدند. به عبارت دیگر، مناطق ساحلی ترکیبی زیبا از دریا و ساحل و محیطی آرام‌بخش خلق کرده‌اند که قدرت جذب گردشگران را از مناطق دور و نزدیک دارند. بر این مبناء، در سده‌های گذشته گردشگری ساحلی توسعه قابل توجهی داشته و مزیت‌های اقتصادی زیادی برای جوامع میزبان به همراه آورده است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۷۳)؛ اما نباید از این موضوع غافل شد که رشد گردشگری با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۴، ۳۲)؛ که از این رو می‌توان به مشکلاتی چون اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیرساختی - خدماتی، مدیریتی، تبلیغاتی و ورزشی به عنوان مشکلات حاضر در گردشگری ساحلی اشاره کرد (راستای، ۱۳۹۸).

در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه گردشگری علی‌الخصوص گردشگری ساحلی در سطوح داخلی و خارجی پرداخته می‌شود تا ضمن آشنایی با آخرین دستاوردهای آن‌ها، چارچوب مناسبی جهت تحلیل و

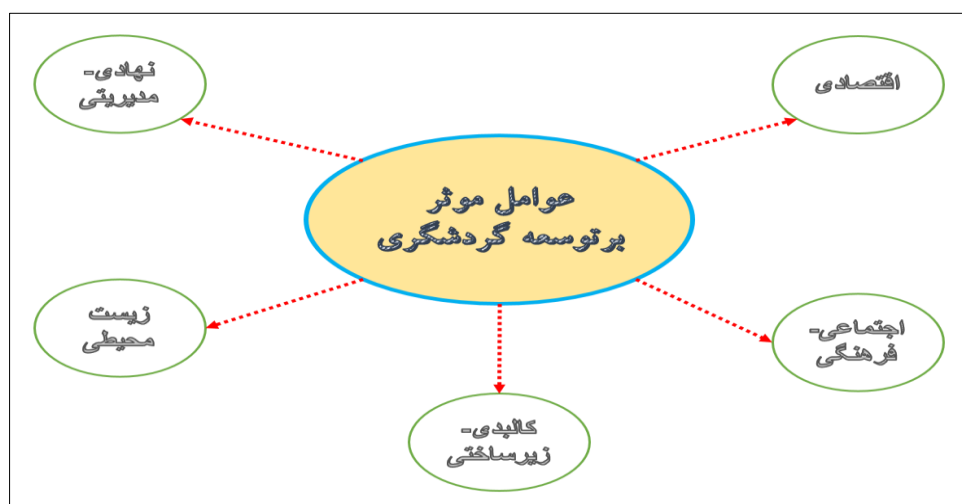
استیکر و هارتمن^۳ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به «ارزیابی پایداری گردشگری در شهر دوبرونیک» پرداختند که در این تحقیق ۲۹ معیار و ۵۹ شاخص وضعیت پایداری گردشگری شهر دوبرونیک را مورد بررسی قرارداد. نتایج بیانگر آن بود که شاخص‌های پژوهش در این تحقیق وضعیت پایداری گردشگری شهر دوبرونیک را پایدار ارزیابی نکردند.

آنچه از بررسی مطالب و مطالعات صورت گرفته برمی‌آید نشان می‌دهد تحقیقات متعددی در زمینه توسعه گردشگری و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است اما در رابطه با گردشگری ساحلی مطالعات کم‌تری انجام شده و بیشتر به جنبه کلی گردشگری پرداخته شده است. از این رو پژوهش حاضر نیز در صدد است تا ضمن بررسی این موضوع، به تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل و ارائه راهکارهایی جهت رونق و افزایش گردشگر در این منطقه بپردازد. لذا طبق آنچه گفته شد، جنبه نوآوری پژوهش را می‌توان در عنوان و محدوده مورد مطالعه به عنوان یک شهر کوچک اندام با قابلیت توسعه گردشگری جستجو کرد که برای اولین بار در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. در (شکل شماره ۱) مدل مفهومی پژوهش نمایش داده شده است.

تأسیسات زیربنایی شامل شبکه‌ی جاده‌ای، آب، مخابرات، انرژی و برق، هتل‌ها و رستوران‌ها بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری را بر توسعه صنعت گردشگری یزد از دیدگاه پرسش‌شوندگان به خود اختصاص داده‌اند.

گوین و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان «عوامل کلیدی مؤثر بر گردشگری پایدار در منطقه جنوب ساحل مرکزی ویتنام» به این نتیجه رسیدند که ۱۱ عامل بر توسعه گردشگری پایدار در جنوب ساحل مرکزی تأثیر دارند که عامل‌هایی چون نهادها و سیاست‌های توسعه گردشگری، زیرساخت‌ها، منابع گردشگری و جامعه محلی، به شدت بر توسعه گردشگری پایدار در منطقه جنوب ساحل مرکزی ویتنام تأثیرگذار بوده است.

کووال و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تأثیر عوامل محیطی بر توسعه گردشگری» که سه منطقه تفریحی در ساحل دریای سیاه در قلمرو سه کشور مختلف را مورد بررسی قرار دادند نتیجه گرفتند که آلودگی محیطی کل دریاچه سیاه را تحت تأثیر خود قرار داده و این موضوع باعث کاهش جذابیت برای توسعه تفریحی - استراحتگاهی است. آن‌ها دریافتند که نوسازی و بازسازی عامل زیرساخت‌های گردشگری می‌تواند در جذب و افزایش حضور گردشگران تأثیر بگذارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

^۳. Stecker and Hartman

^۱. Nguyen et al

^۲. Koval et al

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی بوده و از حیث ماهیت و روش انجام کار توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد که برای بررسی چهارچوب نظری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای (کتاب، پایان‌نامه‌ها، تحقیقات و مقاله‌ها) و جهت بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل از مطالعات میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده گردیده است. ضمن آنکه گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌ای با پنج متغیر (اقتصادی،

اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-زیرساختی، زیست‌محیطی، مدیریتی-نهادی) و ۲۶ گویه از طریق پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع مورد مطالعه و همچنین با توجه به محدوده مورد مطالعه، استخراج گردید (جدول شماره ۱). بدین منظور جهت مطمئن شدن روایی پرسش‌نامه و همچنین شاخص‌ها و گویه‌های انتخاب‌شده، در اختیار ۶ نفر از اساتید و پژوهشگران شهرسازی و جغرافیای شهری قرار گرفت و پس از اعمال نظرات آن‌ها، در نهایت پرسش‌نامه اصلاح و تأیید شد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	منابع
اقتصادی	وجود انگیزه و رغبت برای سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت جهت حضور پذیری سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولتی، نقش گردشگری ساحلی در بالا بردن درآمد شهروندان، خلق فرصت‌های شغلی جدید، مقرون به صرفه بودن هزینه‌ها.	شرکا و همکاران، ۱۳۷، ۱۴۰۱
اجتماعی - فرهنگی	مهمان‌نوازی، خدمات ایمنی و امنیت، مشارکت شهروندان، فراهم‌سازی زمینه جهت مشارکت مردم، رعایت شدن حقوق گردشگران.	بنیادی و همکاران، ۳۱، ۱۴۰۱ عنابستانی و معصومی، ۲۰۱، ۱۴۰۰ ایمانی و پیروز، ۱۱۲، ۱۴۰۰
کالبدی - زیرساختی	مهیا بودن امکانات رفاهی و تفریحی، مهیا بودن امکانات و خدمات اقامتی، کیفیت زیرساخت‌ها و مسیرهای پیاده‌روی، کیفیت امکانات بهداشتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، وجود چشم‌انداز طبیعی و کیفیت مناظر طبیعی سواحل.	نصیری هنده خاله و همکاران، ۳۳۵، ۱۴۰۰ یوسف جمالی و همکاران، ۵۴، ۱۴۰۰
زیست‌محیطی	وجود فضای سبز و باغ گل، شفافیت و پایداری مقررات زیست‌محیطی، توجه مردم محلی به توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، تأثیرات اقلیم و آب‌وهوا بر توسعه گردشگری، نظافت و پاکیزگی.	حق زاد و همکاران، ۱۸۳، ۱۳۹۹ عابدینی و همکاران، ۱۱۴، ۱۳۹۹
نهادی - مدیریتی	جوابگویی صریح و سریع مسئولان و مدیران شهری، میزان توجه دولت به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری ساحلی، نحوه برخورد مسئولین محلی و متولیان گردشگری، حمایت سازمان‌های غیردولتی و بنیادهای مربوطه از توسعه گردشگری ساحلی، میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده.	حکمت نیا، ۷۸، ۱۳۹۹

اما جامعه آماری پژوهش را اساتید و دانشجویان دکتری رشته‌های جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی، کارشناسان و متخصصین حوزه گردشگری استان گیلان و شهر منجیل تشکیل داده‌اند که اطلاع کافی از گردشگری و

شهر منجیل داشته‌اند. همچنین حجم نمونه بر مبنای نرم‌افزار Sample Power، تعداد ۳۰ نفر که در دسترس بودند انتخاب شدند. در قسمت بعدی، داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها به‌صورت کمی وارد نرم‌افزار SPSS شده تا

شماره ۲). در گام بعدی به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و پاسخگویی به سؤالات پژوهش از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رتبه بندی فریدمن استفاده شده است.

صحت پرسش نامه طراحی شده و مقدار آلفای کرونباخ آن مورد بررسی و تأیید قرار بگیرد، لذا آلفای کرونباخ این پرسش نامه مقدار ۰/۹۱۶ را نشان می دهد که نشانگر اعتبار درونی قابل قبول سؤالات پرسش نامه بوده است (**جدول**

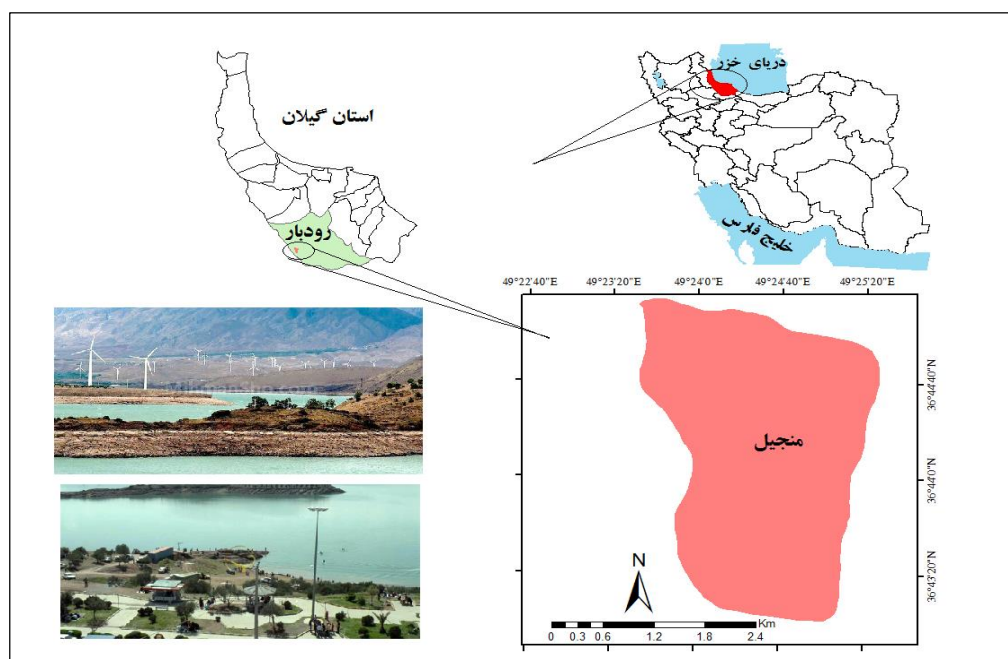
جدول ۲. نتایج پایایی شاخص های پژوهش

ردیف	شاخص های پژوهش	مقدار آلفای کرونباخ
۱	اقتصادی	۰/۹۲
۲	اجتماعی-فرهنگی	۰/۸۴
۳	کالبدی-زیرساختی	۰/۹۱
۴	زیست محیطی	۰/۷۹
۵	مدیریتی-نهادی	۰/۸۷
	جمع کل	۰/۹۱۶

کیلومتر فاصله دارد. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر منجیل دارای ۱۵۶۳۰ نفر جمعیت و ۴۹۵۰ خانوار می باشد که به لحاظ سلسله مراتب جمعیتی در رتبه اول از شهرهای شهرستان رودبار قرار دارد. این شهر در ۴۹ درجه و ۲۴ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۲۴ دقیقه عرض جغرافیایی قرار گرفته است. در (**شکل شماره ۲**) موقعیت محدوده مورد مطالعه نشان داده شده است.

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

منجیل شهری است که در شمال ایران و در استان گیلان واقع شده است. شهر منجیل در مجاورت سه استان زنجان، قزوین و گیلان و یکی از شهرهای هفت گانه شهرستان رودبار و مرکز تجاری این شهرستان محسوب می شود. این شهر در ۶ کیلومتری رودبار بر سر راه رشت به قزوین قرار دارد و تا مرکز استان یعنی رشت ۷۵ کیلومتر و تا تهران حدود ۲۴۸



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۵- بحث و یافته‌های پژوهش

پرسش‌نامه به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان و بخش دوم یک سری سؤالات در قالب طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد (بسیار ضعیف = ۱ - ضعیف = ۲ - متوسط = ۳ - خوب = ۴ - بسیار خوب = ۵) است که مربوط به سنجش متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد.

۵-۱- یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی حاصل شده از پرسش‌نامه، ۷۷ درصد مرد و ۲۳ درصد زن هستند که بیشترین گروه سنی را

گروه ۳۱ تا ۴۰ سال با ۴۴ درصد تشکیل می‌دهند و کم‌ترین گروه سنی مربوط به ۶۱ سال و بیشتر با ۳ درصد است همچنین ۷۷ درصد از پرسش‌شوندگان متأهل و ۲۳ درصد نیز مجرد هستند. همچنین ۵۰ درصد از پرسش‌شوندگان دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس، ۳۰ درصد دکتری و ۲۰ درصد لیسانس بودند که از این تعداد ۷۷ درصد دارای شغل اداری-دولتی (متخصصین و کارشناسان) و ۲۳ درصد دانشگاهی (اساتید و دانشجویان) بودند. در زمینه‌ی مدت زمان سکونت ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان از بومی‌های شهر منجیل بودند که به‌طور کلی در (جدول شماره ۳) توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری آورده شده است:

جدول ۳. مشخصات توصیفی جامعه آماری

جنسیت	مرد	زن	وضعیت تاهل	متاهل	مجرد
	۷۷٪	۲۳٪		۷۷٪	۲۳٪
سن	تا ۳۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال	۴۱ تا ۵۰ سال	۵۱ تا ۶۰ سال	۶۱ سال و بیشتر
	۱۳٪	۴۴٪	۲۷٪	۱۳٪	۳٪
تحصیلات	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	شغل	
	۲۰٪	۵۰٪			
وضعیت سکونت	بومی منجیل	بومی شهرستان رودبار	بومی استان گیلان	اداری-دولتی	دانشگاهی
	۵۳٪	۳۰٪	۱۷٪	۷۳٪	۲۷٪

۵-۲- یافته‌های استنباطی و تحلیلی

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی و بررسی اینکه کدام یک از شاخص‌های تحقیق در شهر ساحلی منجیل از وضعیت بدتری برخوردار است از آزمون رتبه‌بندی فریدمن و برای همبستگی بین مؤلفه‌های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۵-۲-۱- رابطه بین متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

مؤلفه‌ها		مدیریتی - نهادی	زیست محیطی	کالبدی - زیرساختی	اجتماعی - فرهنگی
زیست محیطی	ضریب همبستگی	۰/۳۷۶			
	سطح معناداری	۰/۰۴۰			
کالبدی - زیرساختی	ضریب همبستگی	۰/۵۴۱	۰/۴۷۶		
	سطح معناداری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸		

جهت آزمون معناداری بین مؤلفه‌های توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که (جدول شماره ۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد.

همچنین مقدار معناداری بین عوامل با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون باید کوچک‌تر ۰/۰۵ باشد تا بتوان رابطه بین عامل‌ها را مثبت و معنادار توصیف کرد.

مؤلفه‌ها		مدیریتی - نهادی	زیست‌محیطی	کالبدی - زیرساختی	اجتماعی - فرهنگی
اجتماعی - فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۲۵۶	۰/۳۴۳	۰/۴۸۰	
	سطح معناداری	۰/۱۷۳	۰/۰۶۳	۰/۰۰۷	
اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۷۲۶	۰/۴۲۷	۰/۵۰۸	۰/۳۷۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۰/۰۴۰
تعداد نمونه		۳۰ نفر			
معناداری در سطح		۱ درصد			

مدیریتی - نهادی (۰/۷۲۶) و کم‌ترین میزان همبستگی بین مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی با مدیریتی - نهادی (۰/۲۵۶) می‌باشد.

۵-۲-۲- رتبه‌بندی شاخص‌ها و معیارهای پژوهش با استفاده از آزمون فریدمن

به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل در پنج حوزه (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-زیرساختی، زیست‌محیطی و مدیریتی-نهادی) از ۲۶ گویه استفاده شد که جامعه آماری با استفاده از طیف ۵ تایی به پرسش‌ها پاسخ دادند؛ بنابراین با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن اهمیت اولویت مؤلفه‌ها موردسنجش قرار گرفت که نتایج آن در (جدول شماره ۵) آورده شده است.

اطلاعات مندرج در (جدول شماره ۴) در ارتباط با مؤلفه‌های تحقیق نشان می‌دهد به‌جز مؤلفه‌های اجتماعی - رفتاری با مدیریتی - نهادی و همچنین اجتماعی - رفتاری با زیست‌محیطی که رابطه معناداری ضعیفی بین آن‌ها وجود دارد در سایر مؤلفه‌ها رابطه مثبت و معنادار می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر میان عوامل زیست‌محیطی با مدیریتی - نهادی (۰/۳۷۶)، کالبدی - زیرساختی با مدیریتی - نهادی (۰/۵۴۱)، کالبدی - زیرساختی با زیست‌محیطی (۰/۴۷۶)، اجتماعی - فرهنگی با کالبدی - زیرساختی (۰/۴۸۰) و عامل اقتصادی با عامل‌های مدیریتی - نهادی (۰/۷۲۶)، زیست‌محیطی (۰/۴۲۷)، کالبدی - زیرساختی (۰/۵۰۸) و اجتماعی - فرهنگی (۰/۳۷۷)، ارتباطی مثبت و معنادار وجود دارد. ازاین‌رو بیشترین میزان همبستگی بین مؤلفه‌های اقتصادی با

جدول ۵. نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های پژوهش با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه مؤلفه‌ها	میانگین کل	میانگین	گویه‌ها (معیارها)	مؤلفه‌ها (شاخص‌ها)
۱	۲/۲۰۶	۲/۲	وجود انگیزه و رغبت برای سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری ساحلی	اقتصادی
		۱/۸۳	ایجاد فرصت جهت حضور پذیری سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولتی جهت رونق گردشگری	
		۲/۴	نقش گردشگری ساحلی در بالا بردن درآمد شهروندان	
		۱/۹۶	خلق فرصت‌های شغلی جدید و ایجاد کسب‌وکار از طریق برخی عملکردهای ورزشی و تفریحی	
		۲/۶۳	مقرون‌به‌صرفه بودن هزینه‌های استفاده از مراکز تفریحی، رفاهی و اقامتی	
۵	۳/۲۹۳	۳/۷	مهمان‌نوازی و خون گرمی مردم منطقه	اجتماعی - فرهنگی
		۳/۰۳	بالا بودن میزان امنیت منطقه	
		۳/۶	علاقه‌مندی و مشارکت مردم به توسعه گردشگری ساحلی	
		۲/۴۳	فراهم‌سازی زمینه جهت مشارکت مردم در امر توسعه گردشگری ساحلی توسط مسئولین	
		۳/۷	رعایت شدن حقوق گردشگران توسط اهالی منطقه	
۴	۳/۲۷۲	۲/۴۳	مهیا بودن امکانات رفاهی و تفریحی (قایق‌رانی، ماهیگیری و سایر سرگرمی‌ها)	
		۳/۵	مهیا بودن امکانات و خدمات اقامتی	

رتبه مؤلفه‌ها	میانگین کل	میانگین	گویه‌ها (معیارها)	مؤلفه‌ها (شاخص‌ها)
		۳/۶	کیفیت زیرساخت‌ها و مسیرهای پیاده‌روی کنار ساحل	کالبدی - زیرساختی
		۳/۵	کیفیت امکانات بهداشتی مانند سرویس‌های بهداشتی در کناره ساحل	
		۳/۱۳	دسترسی به آب آشامیدنی سالم	
		۴/۴۶	وجود چشم‌انداز طبیعی و کیفیت مناظر طبیعی سواحل	
۳	۳/۲۲۰	۳/۶۳	وجود فضاهای سبز و باغ گل در محدوده ساحل	زیست‌محیطی
		۲/۷۶	شفافیت و پایداری مقررات زیست‌محیطی	
		۳/۳۶	توجه مردم محلی به توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی	
		۳/۲	تأثیرات اقلیم و آب‌وهوا بر توسعه گردشگری	
		۳/۱۳	نظافت و پاکیزگی در محدوده ساحل	
۲	۲/۹۸۶	۲/۹۶	جوابگویی صریح و سریع مسئولان و مدیران شهری و گردشگری در صورت بحران و بروز اتفاق خاص	مدیریتی - نهادی
		۲/۷۳	میزان توجه دولت به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری ساحلی	
		۳/۴	نحوه برخورد مسئولین محلی و متولیان گردشگری با شهروندان و ارباب‌رجوع	
		۲/۸۳	حمایت سازمان‌های غیردولتی و بنیادهای مربوطه از توسعه گردشگری ساحلی	
		۳	میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در ارتباط با توسعه گردشگری ساحلی	

بر اساس نتایج (جدول شماره ۵)، مؤلفه اقتصادی با مجموع میانگین (۲/۲۰۶) نسبت به دیگر مؤلفه‌های پژوهش در وضعیت بدی قرار دارد که لازم است مدیران و مسئولین شهر منجیل در راستای بهبود این شاخص تلاش بیشتری داشته باشند. در این مؤلفه تمامی معیارهای آن از میانگین متوسط (۳) پایین‌تر هستند و دو معیار ایجاد فرصت جهت حضور پذیری سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولتی و معیار خلق فرصت‌های شغلی جدید و ایجاد کسب و کار از طریق برخی عملکردهای ورزشی و تفریحی به ترتیب با میانگین (۱/۸۳) و (۱/۹۶) از پایین‌ترین امتیاز برخوردار بودند که لزوم توجه ویژه به این شاخص الزامی است. همچنین مؤلفه مدیریتی - نهادی با مجموع میانگین (۲/۹۸۶) بعد از مؤلفه اقتصادی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد که در آن دو معیار میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در ارتباط با توسعه گردشگری ساحلی و معیار جوابگویی صریح و سریع مسئولان و مدیران شهری و گردشگری در صورت بحران و بروز اتفاق خاص به ترتیب با میانگین متوسط (۳) و (۲/۹۶) قرار دارند و مابقی معیارها از امتیاز کمتری برخوردار هستند. سه مؤلفه دیگر این پژوهش با امتیاز تقریباً یکسانی بالاتر از میانگین متوسط (۳)

قرار دارند؛ به این صورت که در رتبه سوم اهمیت مؤلفه زیست‌محیطی قرار دارد که در آن معیار شفافیت و پایداری مقررات زیست‌محیطی با میانگین (۲/۷۶) از پایین‌ترین امتیاز برخوردار است و دیگر معیارهای آن بالاتر از میانگین متوسط (۳) قرار دارند. مؤلفه کالبدی - زیرساختی نیز با مجموع میانگین (۳/۲۷۲) در رتبه چهارم قرار گرفته است که معیار مهیا بودن امکانات رفاهی و تفریحی (قایق‌رانی، ماهیگیری و سایر سرگرمی‌ها) با میانگین (۲/۴۳) از پایین‌ترین امتیاز و معیار وجود چشم‌انداز طبیعی و کیفیت مناظر طبیعی سواحل با میانگین (۴/۴۶) از بالاترین امتیاز در بین تمامی معیارهای این پژوهش برخوردار است؛ و در رتبه آخر (پنجم) مؤلفه اجتماعی - فرهنگی با مجموع میانگین (۳/۲۹۳) قرار دارد که در آن به جز معیار فراهم‌سازی زمینه جهت مشارکت مردم در امر توسعه گردشگری ساحلی توسط مسئولین با میانگین (۲/۴۳) که از امتیاز پایینی برخوردار است دیگر معیارهای آن بالاتر از میانگین متوسط (۳) قرار دارند. به این ترتیب در (شکل شماره ۳) رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش با استفاده از آزمون فریدمن قابل مشاهده است.



شکل ۳. نمودار رتبه بندی شاخص های تحقیق

(جدول شماره ۶) مقدار آماره کی دو (χ^2)، درجه آزادی (df) و معنی داری آماری (sig) را نشان می دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی

تعداد جامعه نمونه	سطح خطا	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (مقدار P-value)
۳۰ نفر	۵۰/۳۲۵	۴	۰/۰۰۰

قاعده مستثنا نبوده و باوجود داشتن جاذبه های طبیعی و چشم اندازهای زیبا و استعدادهای بالقوه برای جذب گردشگر همچون وجود سد سفیدرود، هنوز نتوانسته است به آنچه شایسته آن است دست یابد. لذا می توان با یک برنامه ریزی منطقی در حوزه مدیریت گردشگری، این شهر را به یکی از مهم ترین قطب های گردشگری در سطوح منطقه ای و حتی ملی تبدیل کرد. با توجه به آنچه گفته شد هدف از نگارش مقاله حاضر ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل و ارائه راهکارهایی به منظور توسعه صنعت گردشگری در این منطقه می باشد. در این راستا شاخص هایی از مبانی نظری و پیشینه تحقیق برای عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-زیرساختی، زیست محیطی، مدیریتی-نهادی) استخراج گردید و با استفاده از نظرات گروه خبرگان که در سنجش متغیرها مشارکت داشتند مورد ارزیابی قرار گرفتند. بعد از شناسایی شاخص ها و تدوین پرسشنامه با استفاده از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و رتبه بندی فریدمن در

با توجه به (جدول شماره ۶)، سطح درجه معناداری آزمون برابر با ۰/۰۰۰ حاصل شده که از ضریب خطا (۰/۰۵) کوچک تر است. از این رو بین سؤالات پرسش نامه به لحاظ اهمیت، تفاوت معنی دار وجود دارد؛ بنابراین می توان بیان نمود از دیدگاه جامعه آماری این پژوهش، مؤلفه های توسعه گردشگری ساحلی از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند (به این معنی که ادعای یکسان بودن اولویت مؤلفه ها پذیرفته نمی شود).

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

امروزه مناطق ساحلی در زمره زیباترین جاذبه های گردشگری به شمار می آیند که مسافران زیادی را باهدف استراحت و گشت و گذارهای تفریحی به سمت خود جلب می نماید. در کشور ما ایران که به عنوان سرزمین چهار فصل شناخته می شود و یکی از برترین کشورهای جهان به جهت داشتن آثار و جاذبه های گردشگری است اما متأسفانه توجه چندانی به صنعت گردشگری نمی شود. شهر ساحلی منجیل نیز از این

محیط نرم افزار SPSS به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شد. از این رو جهت آزمون معناداری بین مؤلفه های توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج پژوهش نشان داد از میان عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی این شهر به جز مؤلفه های اجتماعی - رفتاری با مدیریتی - نهادی و همچنین اجتماعی - رفتاری با زیست محیطی که رابطه معناداری ضعیفی بین آنها وجود دارد در سایر مؤلفه ها رابطه مثبت و معنادار می باشد. به عبارت دیگر میان عوامل زیست محیطی با مدیریتی - نهادی (۰/۳۷۶)، کالبدی - زیرساختی با مدیریتی - نهادی (۰/۵۴۱)، کالبدی - زیرساختی با زیست محیطی (۰/۴۷۶)، اجتماعی - فرهنگی با کالبدی - زیرساختی (۰/۴۸۰) و عامل اقتصادی با عامل های مدیریتی - نهادی (۰/۷۲۶)، زیست محیطی (۰/۴۲۷)، کالبدی - زیرساختی (۰/۵۰۸) و اجتماعی - فرهنگی (۰/۳۷۷)، ارتباطی مثبت و معنادار وجود دارد. از این رو بیشترین میزان همبستگی بین مؤلفه های اقتصادی با مدیریتی - نهادی (۰/۷۲۶) و کمترین میزان همبستگی بین مؤلفه های اجتماعی - فرهنگی با مدیریتی - نهادی (۰/۲۵۶) می باشد.

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل از آزمون رتبه بندی فریدمن استفاده گردید. نتایج نشان داد مؤلفه اقتصادی با مجموع میانگین (۲/۲۰۶) نسبت به دیگر مؤلفه های پژوهش در وضعیت بدی قرار دارد که لازم است مدیران و مسئولین شهر منجیل در راستای بهبود این شاخص تلاش بیشتری داشته باشند. همچنین مؤلفه مدیریتی - نهادی با مجموع میانگین (۲/۹۸۶) بعد از مؤلفه اقتصادی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. سه مؤلفه دیگر این پژوهش با امتیاز تقریباً یکسانی بالاتر از میانگین متوسط (۳) قرار دارند؛ به این صورت که در رتبه سوم اهمیت مؤلفه زیست محیطی قرار دارد که در آن معیار شفافیت و پایداری مقررات زیست محیطی با میانگین (۲/۷۶) از پایین ترین امتیاز برخوردار است و دیگر معیارهای آن بالاتر از میانگین متوسط (۳) قرار دارند. مؤلفه کالبدی - زیرساختی نیز با مجموع میانگین (۳/۲۷۲) در رتبه چهارم قرار گرفته است که در آن

معیار وجود چشم انداز طبیعی و کیفیت مناظر طبیعی سواحل با میانگین (۴/۴۶) از بالاترین امتیاز در بین تمامی معیارهای این پژوهش برخوردار است؛ و در رتبه آخر (پنجم) مؤلفه اجتماعی - فرهنگی با مجموع میانگین (۳/۲۹۳) قرار دارد که در آن به جز معیار فراهم سازی زمینه جهت مشارکت مردم در امر توسعه گردشگری ساحلی توسط مسئولین با میانگین (۲/۴۳) که از امتیاز پایینی برخوردار است دیگر معیارهای آن بالاتر از میانگین متوسط (۳) قرار دارند؛ بنابراین می توان اذعان نمود مؤلفه های اقتصادی، مدیریتی - نهادی، زیست محیطی، کالبدی - زیرساختی و در نهایت اجتماعی - رفتاری به ترتیب بیشترین نقش را در توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل داشته است. با توجه به نتایجی که بر اساس رتبه بندی فریدمن صورت گرفت می بایست در این پژوهش عوامل مهم تر مورد تأکید قرار گیرند ولی نباید این گونه تلقی شود که سایر عوامل که در رتبه های پایین تر این پژوهش قرار گرفتند فاقد اهمیت بوده و می توان آنها را نادیده گرفت. به عبارت دیگر برای موفقیت در هر فعالیتی از جمله گردشگری ساحلی می بایست همه آن عوامل و شاخص ها مورد توجه قرار گیرند و اگر شاخصی در آن اهمیت داده نشود به رشد و توسعه قابل قبول دست نخواهد یافت. بنابراین برحسب نتایج هر چند شهر منجیل از نظر جغرافیایی در یک منطقه ایده آل از نظر توسعه گردشگری قرار دارد، اما آن گونه که باید در این شهر به صنعت گردشگری توجهی نشده است. لذا با برنامه ریزی و سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در کنار بهبود زیرساخت ها، امکانات و خدمات شهری در سایه یک نظام مدیریتی و نهادی قوی می تواند منجر به توسعه صنعت گردشگری علی الخصوص گردشگری ساحلی شهر منجیل گردد. بنابراین پیشنهاد می گردد برنامه - ریزان و مدیران شهر منجیل به این مسئله توجه نمایند و ضمن ایجاد نظام مدیریتی کارآمد، مسئول و تصمیم گیر، از طریق جذب سرمایه دولتی و تشویق سرمایه گذاران خصوصی در راستای توسعه گردشگری ساحلی قدم بردارند. در کل نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های عنابستانی و معصومی (۱۴۰۰) که به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری

- بهبود کیفیت امکانات بهداشتی مانند سرویس‌های بهداشتی در نزدیکی ساحل؛

۷- منابع

- اربابی سبزواری، آزاده. علیزاده، محمد. زمانی، حمید. و رحیمی، محمد. (۱۳۹۸). کاربرد ماتریس لئوپولد ایرانی در تبیین اثرات اجتماعی - اقتصادی فیزیکی پروژه گردشگری هزاره و یک شهر (مطالعه موردی: پروژه هزاره و یک شهر منطقه ۲۲ تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۹ (۳۰)، ۲۱۸-۱۸۵.

https://urb.dehaghan.iau.ir/article_665674.html

- ایمانی، بهرام. و پیروز، سجاد. (۱۴۰۰). عوامل کیفیت بخش محیط گردشگری روستاهای ساحلی شهرستان تالش. *مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی*، ۲ (۳)، ۱۲۰-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22124/GSCAJ.2021.20548.1099>

- برومند، بابک. کاظمی، علی. و رنجبران، بهرام. (۱۳۹۷). توسعه مدل بومی سنجش رقابت‌پذیری گردشگری مقاصد گردشگری ایران. *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۱۵ (۸)، ۱۲۲-۱۰۵.

<https://doi.org/10.22108/nmrj.2018.105465.1339>

- بنیادی، طیه. طیب‌نیا، سیده‌ادی. و حمیدیان‌پور، محسن. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل موانع توسعه گردشگری در دریای عمان (مطالعه موردی: سواحل استان سیستان و بلوچستان). *مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی*، ۳ (۲)، ۲۷-۴۷.

<https://doi.org/10.22124/GSCAJ.2022.20612.1104>

- پوراحمد، احمد. حسینی، علی. خروجی، حسن. و علیزاده، محمد. (۱۳۹۲). اولویت‌سنجی راهبردهای توسعه گردشگری فرهنگی منطقه الموت قزوین. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۵ (۳)، ۱۷-۱.

<https://doi.org/10.22059/JHGR.2013.35242>

دریاچه‌ای در استان فارس پرداخته بودند و همچنین گوین و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی که به عوامل کلیدی مؤثر بر گردشگری پایدار در منطقه جنوب ساحل مرکزی ویتنام پرداخته بودند مطابقت داشته و تأییدکننده نتایج تحقیق حاضر است.

در ادامه جهت دستیابی به اهداف پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

- تهیه چشم‌انداز و برنامه‌های کوتاه‌مدت برای توسعه بخش گردشگری ساحلی از سوی مدیریت شهری شهر منجیل؛
- پاسخ‌گو بودن مسئولین و مدیران شهری در صورت بحران و بروز اتفاق خاص؛
- افزایش میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در ارتباط با توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل؛
- تقویت و اهمیت دادن به مشارکت شهروندان در امر گردشگری ازجمله گردشگری ساحلی در شهر منجیل؛
- تشکیل ستادی تحت عنوان ستاد توسعه گردشگری ساحلی در این شهر؛
- الگوبرداری و بومی‌سازی تجربیات موفق سایر شهرها و کشورها برای توسعه گردشگری ساحلی شهر منجیل؛
- خلق فرصت‌های شغلی جدید و ایجاد کسب‌وکار از طریق برخی عملکردهای ورزشی و تفریحی در محدوده ساحل سد سفیدرود منجیل؛
- اختصاص بودجه کافی از مسئولین برای توسعه گردشگری ساحلی این شهر؛
- فراهم آوردن زمینه حضور بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری به‌خصوص گردشگری ساحلی شهر منجیل؛
- تقویت و ایجاد فضاهای اقامتی، رفاهی و خدماتی برای اسکان گردشگران، ازجمله ایجاد سوئیت‌ها و مکان‌های اقامت در نزدیکی ساحل؛
- تهیه نقشه جامع گردشگری ساحلی شهر منجیل و توزیع آن در بین مسافران؛

• سجادی، ژایلا. رضویان، محمدتقی. حیدری، جهانگیر. و جمالی، حسین. (۱۳۹۷). نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری ساحلی از دیدگاه جامعه میزبان (مطالعه موردی: شهر بوشهر). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۳۳)، ۱-۱۶.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.33.1.0>

• سجادی، ژایلا. سالاری سردری، فرضعلی. بیرانوند زاده، مریم. و بوچانی، محمدحسین. (۱۳۹۲). ظرفیت سنجی گردشگری ساحلی پایدار (مطالعه موردی، شهرستان کنگان). کاوش‌های جغرافیای مناطق بیابانی، ۱ (۲)، ۱۲۳-۱۴۶.

[DOR:20.1001.1.2345332.1392.1.2.7.5](https://doi.org/10.22059/JUT.2022.340958.1025)

• شرکا، سعید. علیزاده، کتایون. و جعفری، حمید. (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری (نمونه موردی: شهر بجنورد). گردشگری شهری، ۹ (۲)، ۱۲۸-۱۴۶.

[http://doi.org/10.22059/JUT.2022.340958.1025](https://doi.org/10.22059/JUT.2022.340958.1025)

• شبیری، محمد. میبودی، حسین. و حاجی حسینی، افسانه. (۱۳۹۲). پیامدهای محیط زیستی گردشگران بر نواحی ساحلی دریای مازندران از دیدگاه مردم و مسئولین. برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۵ (۲)، ۱۴۴-۱۲۸.

https://tourismpd.journals.umz.ac.ir/article_542.html

• طولابی‌نژاد، مهرشاد. بودینه، محمدرضا. و طولابی‌نژاد، میثم. (۱۳۹۹). گردشگری روستایی (مدیریت و بازاریابی). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

• عابدینی، اصغر. ساکت حسلوئی. و اظهري، علی. (۱۳۹۹). توسعه گردشگری طبیعی (ساحلی) با رهیافت تقویت پایداری منظر طبیعی (مطالعه موردی: محدوده سد حسلو نقه). برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، ۹ (۳۲)، ۱۰۷-۱۲۲.

<https://doi.org/10.22080/JTPD.2020.17967.3207>

• حسینی، سیده زهرا. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌ها و موانع توسعه گردشگری شهری ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی توریسم، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام. ایلام، ایران.

• حق زاد، آمنه. عظیمی یوشانلوئی، ایرج. رضانی پور، مهرداد. و بزرگمهر، کیا. (۱۳۹۹). پیامدهای منفی توسعه گردشگری شهری در منطقه ۲۲ تهران، از دیدگاه شهروندان و کارشناسان. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۴ (۲)، ۱۷۱-۱۹۹.

<http://hsmasp.modares.ac.ir/article-۲۱-۳۹۳۹۱-fa.html>

• حکمت نیا، حسن. (۱۳۹۹). ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری شهر میبد. گردشگری شهری، ۷ (۲)، ۸۴-۷۱.

<https://doi.org/10.22059/JUT.2020.284076.675>

• درویشی، رضا. رضایی، محمدرضا. و شمس‌الدینی، علی. (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری ساحلی در توسعه اقتصادی از نظر شهروندان (مطالعه موردی: بندر دیلم). جغرافیا، ۸ (۳۲)، ۴۲۶-۴۱۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286462.1397.8.4.24.7>

• راستای، عبدالقادر. (۱۳۹۸). ارزیابی اثرات گردشگری بر ابعاد مختلف جامعه میزبان (مطالعه موردی: روستای تمین، شهرستان میرجاوه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

• رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. رمضان نژاد، یاسر. و پور طاهری، مهدی. (۱۳۹۶). سنجش رضایت گردشگران از مقاصد گردشگری ساحلی مناطق روستایی استان گیلان. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹ (۳)، ۵۷۱-۵۸۵.

<https://doi.org/10.22059/JHGR.2016.56925>

• نصیری هنده خاله، اسماعیل. افتخاری، الهام. و طراوتی، نگار. (۱۴۰۰). تأثیر کیفیت محیطی در جذب گردشگر به مقاصد گردشگری در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهر کلور). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۱(۴۴)، ۳۲۷-۳۴۰.

<https://doi.org/10.30495/jzpm.2022.4250>

• نظریان، شیرین. (۱۳۹۵). تحلیل اثرات محیط‌های تأثیرگذار بر توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، اصفهان.

• وحیدزادگان، فریبا. و زنگی‌آبادی، علی. (۱۳۹۹). سنجش میزان شناخت تصویری گردشگران از منظر شهری به‌منظور تبیین برند مقصد گردشگری (موردپژوهشی: کلان‌شهر اصفهان). *محیط‌شناسی*، ۴۶(۳)، ۴۷۲-۴۵۵.

<https://doi.org/10.22059/JES.2021.315896.1008102>

• یوسف جمالی، سوزان. متولی، صدرالدین. ملک‌شاهی، غلامرضا. و رجبی، آریتا. (۱۴۰۰). تحلیلی بر نقش گردشگری ساحلی در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهرهای ساحلی بابلسر، نور و رویان). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۵(۴)، ۷۰-۴۵.

<http://hsm.spm.modares.ac.ir/article-۲۱-۵۶۸۴۴-fa.html>

• Ata, G. G; Parvin, D; Maryam, G. (2017). Ranking Tourism Attractions Based on Potential to Attract Tourists by Using Numerical Taxonomy Model (Case: City of Khoy), *Urban Economics and Management*, 5(4), 119- 132.

<https://doi.org/10.29252/iueam.5.20.113>

• Davenport, J; Davenport, J.L. (2006). The impact of tourism and personal leisure transport on coastal environment: A review. *Estuarine, Coastal and Shelf Science*, 67(1), 280-292.

<https://doi.org/10.1016/j.ecss.2005.11.026>

• European Commission (EC). (2014). A European Strategy for more Growth and

• عنابستانی، علی‌اکبر. و معصومی، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری دریاچه‌ای در ایران (مطالعه موردی: دریاچه‌های استان فارس). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۳)، ۱۹۳-۲۱۶.

<http://dx.doi.org/10.52547/jgs.21.63.193>

• غلامی، یونس. و خلجی، نسترن. (۱۳۹۶). تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه گردشگری با رویکرد پایداری (مطالعه موردی: شهر کاشان). *گردشگری شهری*، ۴(۲)، ۱۷-۳۰.

<https://doi.org/10.22059/jut.2017.137382.147>

• مروتی شریف‌آبادی، علی. ابوهاشم‌آبادی، فرزانه. و اسدی‌ان اردکانی، فائزه. (۱۳۹۵). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه صنعت گردشگری یزد با رویکرد VIKOR فازی. *گردشگری و توسعه*، ۵(۷)، ۱۴۷-۱۲۹.

<https://doi.org/10.22059/JUT.2017.137382.147>

• معصومی، مهدی. عنابستانی، علی‌اکبر. فاضل‌نیا، غریب. و خوارزمی، امیدعلی. (۱۴۰۰). تحلیل پیشران‌های کلیدی اثرگذاری شاخص‌های گردشگری تجاری بر پایداری سکونت‌گاه‌های روستایی با رهیافت آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: منطقه تجاری دهشیر - سیگار استان فارس). *برنامه‌ریزی و توسعه شهری*، ۱۰(۳۷)، ۳۷-۷.

<https://doi.org/10.22080/JTPD.2021.20385.3422>

• مهدی‌زاده، احمد. محمدزاده، رحمت. و بیگ‌بابایی، بشیر. (۱۳۹۹). تحلیل متغیرهای مؤثر بر توسعه صنعت گردشگری در منطقه ارسباران (نمونه موردی: شهرستان هوراند). *جغرافیای سرزمین*، ۱۷(۶۸)، ۵۸-۳۶.

https://sarzamin.srbiau.ac.ir/article_17331.html

• موسوی، میرنجف. کهکی، فاطمه سادات. و جلالیان، سیداسحاق. (۱۳۹۸). ارزیابی عناصر مؤثر بر توسعه گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه). *گردشگری شهری*، ۶(۲)، ۷۷-۶۱.

<https://doi.org/10.22059/JUT.2019.240063.371>

• Noronha, L. (2002). Coastal Tourism, Environment, and Sustainable Local Development. London: TER.

• Orams, M; Lueck, M. (2016). Marine Tourism. *Journal of Encyclopedia of Tourism*, Springer Int. Pub., 585-586.

https://doi.org/10.1007/978-3-319-01669-6_414-1

• Stecker, B; Hartmann, R. (2019). Case Study: Balancing the Sustainability of Tourism in City Destinations - the Case of Dubrovnik. Corporate Sustainability and Responsibility in Tourism, 373-382.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-15624-4_22

• UNEP (United Nations Environment Programme). (2009). Sustainable Coastal Tourism, Regional Activity Centre (PAP/RAC).

• Koval, V; Mykhno, Y; Antonova, L; Plekhanov, D; Bondar, V. (2019). Analysis of environmental factors effect on the development of tourism. *Journal of Geology and Geoecology*, 28(3), 445-456.

<http://dx.doi.org/10.15421/111941>

• World Tourism Organization. (2013). UNWTO Annual Report 2012, UNWTO, Madrid.

• World Tourism Organization. (2019). Why tourism? Retrieved on 2 October 2019.

Jobs in Coastal and Maritime Tourism. Retrieved from.

• Karadimitriou, C; Pappas, N. (2019). *Virtual Reality and Nature Tourism*. In: Tourism Naturally Conference, 4-6 June, Buxton, United Kingdom.

<http://sure.sunderland.ac.uk/id/eprint/11225>

• Kozhokulov, S; Chen, X; Yang, D; Issanova, G; Samarkhanov, K; Aliyeva, S. (2019). Assessment of Tourism Impact on the Socio-Economic Spheres of the Issyk-Kul Region (Kyrgyzstan), *Journal of Sustainability*, 17(11), 1-14.

<https://doi.org/10.3390/su11143886>

• Milano, C; Novelli, M; Cheer, J. M. (2019). Overtourism and tourismphobia: A journey through four decades of tourism development, planning and local concerns. *Tourism planning & Development*, 16(4), 353-357.

<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/21568316.2019.1599604>

• NGUYEN, C.D; NGO, T.L; Do, N.M; NGUYEN, N.T. (2020). Key Factors Affecting Sustainable Tourism in the Region of South-central Coast of Vietnam, *Journal of Asian Finance Economics and Business*, 7(12), 977-993.

<https://doi.org/10.13106/jafeb.2020.vol7.no12.977>

نحوه ارجاع به مقاله:

دهقانی گیشی، فرزانه. نورمحمدی، سوده. بابایی الباسی، میلاد. و برکباف، نرجس سادات. (۱۴۰۲). ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ساحلی (مورد پژوهی: شهر ساحلی منجیل)، توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۵۳-۶۹.



DOI: 10.22034/USD.2023.705537



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.4.7

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_705537.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



OPEN ACCESS

Received: 27/04/2023

Accepted: 28/05/2023

Evaluation and Analysis of Factors Affecting the Development of Coastal Tourism (Study Case: Manjil Coastal City)

Farzaneh Dehghani Gishi¹, Soude Noormohammadi², Milad Babayi Elyasi³, Narjes Sadat Barakbaf^{4*}

Abstract: The purpose of this research is to evaluate and analyze the factors affecting the development of coastal tourism in Manjil city and to provide solutions for the development of the tourism industry in this region. The research method is applied in terms of purpose and research methodology is descriptive-analytical. In order to collect the required information and data, library and field methods were used. The statistical community in the current research was formed by professors and doctoral students of geography, urban planning and urban planning, experts and specialists in the field of tourism in Gilan province and Manjil city, who had sufficient knowledge of tourism and Manjil city. Also, the sample size based on Sample Power software, 30 people who were available were selected. In order to collect field data, a questionnaire tool was used, the validity of which was confirmed by experts in terms of content and appearance. In this research, in order to analyze the data, Pearson's correlation coefficient and Friedman's ranking tests were used in the SPSS software environment. The results of the research showed that among the factors affecting the development of coastal tourism in Manjil city, except for the social-behavioral and managerial-institutional components, as well as the social-behavioral and environmental components, which have a weak significant relationship between them, there is a positive and significant relationship in other components. In other words, the highest degree of correlation between economic and managerial-institutional components is (0.726) and the lowest degree of correlation is between social-cultural and managerial-institutional components (0.256). Also, by using Friedman's test, it was determined that the economic component with a total average of 2.206 is in the worst situation compared to other components of the research, and it is necessary for the managers and officials of Manjil city to make more efforts to improve this index.

Keywords: Tourism, Coastal tourism development, Manjil city.

¹ M.Sc in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

² M.Sc in Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Technology, Tehran, Iran.

³ M.Sc in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Guilan University, Rasht, Iran.

⁴ M.Sc in Geography and Urban Planning, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran; Corresponding Author: [Email: narjes.s.barakbaf@gmail.com](mailto:narjes.s.barakbaf@gmail.com)

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۷۱-۱۰۱

قیاس تطبیقی کیفیت‌های فضایی پیاده‌روهای خیابان تجاری با تأکید بر آسایش زنان

(مورد پژوهی: خیابان مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه)

فانزه طاهری سرمد^{۱*}

چکیده: زنان، بخش قابل توجهی از مخاطبان خیابان‌های تجاری هستند که نیازهای آنان برای حضور در این فضاها کمتر از سایر گروه‌ها مورد توجه قرار گرفته است و بطوریکه ممکن است بارها از زنان شنیده باشیم که تجربه حضور و عبور از این گذرها برای این گروه جنسی راحت نیست؛ چرا که حس ناراحتی و ناامنی را در آنان ایجاد می‌کند. مسیرهای پیاده‌رو خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار در شهر کرمانشاه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آنچه از بررسی و تحلیل وضعیت عملکردی و تجربه حضور زنان به ویژه در ساعات پر رفت‌وآمد در این دو خیابان برآید، نشان از عدم توجه به معیارهای آسایش زنان اعم از آسایش محیطی و روانی در طراحی این فضاها دارد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر کاربردی و در پی بررسی و تحلیل وضعیت آسایش (محیطی و روانی زنان) براساس امکانات موجود در پیاده‌روهای مذکور و نیز تحلیل و ارزیابی کیفیت محیط براساس شاخص‌های کیفیت محیط است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که وضعیت آسایش زنان در پیاده‌روهای خیابان تجاری شهر کرمانشاه چگونه است و برای تحقق آن چه باید کرد؟ این پژوهش از نظر ماهیت کاربردی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ابتدا به شناخت عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو، شاخص‌های کیفیت فضا و مؤلفه‌های آسایش زنان با استفاده از مطالعات اسنادی و منابع کتابخانه‌ای می‌پردازد، سپس براساس مفاهیم مستخرج از بخش نظری و رابطه نیاز آسایش زنان با شاخص‌های کیفیت فضای پیاده‌رو، معیارهای ارزیابی آسایش زنان براساس استانداردهای جهانی تدوین می‌گردد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مشاهده میدانی و پرسشنامه (طیف لیکرت) و مصاحبه می‌باشد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و برای هر نمونه ۲۰۰ نفر و توزیع پرسشنامه به صورت تصادفی در میان زنان حاضر در خیابان‌های تجاری بوده است. سنجش داده‌ها با استفاده از سنجش رابج آماری (درصد) و ارزیابی پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل نظام‌مند داده‌ها حاکی از آن است که وضعیت تأمین آسایش زنان در هر دو پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار ضعیف ارزیابی می‌شود، بطوریکه آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی) زنان نامطلوب و بیشترین میانگین در حوزه عبور و حوزه سواره‌رو می‌باشد. از نظر معیارهای آسایش روانی نیز هر دو خیابان در حوزه لبه‌دارای وضعیت نسبتاً مطلوبی می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از بررسی و ارزیابی کیفیت فضایی نشان می‌دهد پیاده‌رو خیابان نوبهار دارای کیفیت مطلوب‌تری نسبت به خیابان مصدق است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت فضایی، پیاده‌رو تجاری، آسایش زنان، کرمانشاه.

^{۱*} استادیار، گروه معماری، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران؛ نویسنده مسئول: Faezhtaheri85@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

فضاهای عمومی شهری به‌ویژه خیابان‌های تجاری باهدف ایجاد ارتباطات متقابل، تبادل و تعامل اجتماعی و فرهنگی و همچنین بهبود رفاه و شادی مردم تعریف می‌شوند که توجه به نیازهای اولیه انسان در طراحی این فضاها امری ضروری است. این نیازها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی تعیین و باید متناسب با نیاز تمام گروه‌های سنی، جنسی و قومی استفاده‌کننده از این فضاها، طراحی شوند تا کارایی و پویایی لازم را برای شهروندان فراهم آورند؛ اما به نظر می‌رسد که نیازهای زنان در طراحی فضاهای عمومی شهری کم‌تر از سایر گروه‌ها موردتوجه قرار گرفته است.

زنان به‌عنوان مخاطب اصلی خیابان‌های تجاری همواره در تعامل با این فضاها با محدودیت‌هایی روبرو هستند. درواقع پیاده‌روهای خیابان تجاری به دلیل تراکم بیشتر عابر پیاده از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و به دلیل تنوع کاربری موجود در این مسیرها باید آزادی عمل برای توقف، مکث، تغییر جهت و تماس مستقیم با دیگران را برای عابرین پیاده فراهم آورند، اما زنان معمولاً از این فضاها گلایه دارند. عرض کم، طول ناصاف، سد شدن پیاده‌رو توسط مصالح ساختمانی و نظایر آن ازجمله مشکلاتی است که باعث می‌شود زنان هر مکان و هر زمان را برای حضور در پیاده‌رو انتخاب نمی‌کنند و حضور آن‌ها مستلزم احساس آرامش و آسایش در این فضا است. درواقع زنان با توجه به نیازها، روحیات و ویژگی‌های متفاوتشان، فضا را به شیوه متفاوتی از مردان تجربه می‌کنند که فراموش کردن تفاوت‌ها و محدود شدن به مشابهنه‌ها، نه تنها نادرست بلکه دارای پیامدهای منفی نیز هست.

لذا این مقاله باهدف بررسی و ارزیابی آسایش محیطی (فیزیکی، فیزیولوژیکی) و روانی زنان بر اساس کیفیت فضایی و عناصر تشکیل‌دهنده در پیاده‌روهای خیابان تجاری

شهر کرمانشاه انجام گرفته است و به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست که وضعیت آسایش زنان در پیاده‌روهای خیابان تجاری این شهر چگونه است و برای تحقق آنچه باید کرد؟ بدین ترتیب پس از بررسی پیشینه پژوهش، به بیان بخش نظری که شامل شناخت کیفیت فضایی، عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌روهای خیابان تجاری و شناخت مؤلفه‌های آسایش زنان است می‌پردازد. سپس رابطه بین مؤلفه‌های آسایش با مؤلفه‌های کیفیت فضا و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌روهای خیابان تجاری برای ارزیابی دقیق آسایش زنان بر اساس استانداردهای جهانی مشخص می‌شود. سپس بر اساس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از رابطه آسایش زنان با کیفیت فضا و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو، شاخص‌های ارزیابی بر اساس وضع موجود و وضع مطلوب پیاده‌رو خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه استخراج و موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه و مبانی نظری تحقیق

در زمینه پیاده‌روهای شهری پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که از این میان، نگارنده به پژوهش‌هایی که مرتبط با موضوع و توصیف‌گر مسئله پژوهش است، می‌پردازد. از جمله این پژوهش‌ها، میتو بابیانو^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «مدیریت فضای پیاده‌روی به‌عنوان راهبردی در دستیابی به جابه‌جایی پایدار» عوامل مختلفی را که برای عابران پیاده در فضاهای شهری اهمیت دارند، شناسایی کرده است. وی مهم‌ترین نیازهای عابران پیاده را در قالب حرکت، حفاظت، آسودگی، لذت و هویت معرفی می‌کند. سپوی و سعید^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «طراحی ویژگی‌های فیزیکی برای پیاده‌روی در محلات شهری» معیارهای دسترسی، ایمنی، راحتی و لذت‌بخشی را در ساختار فیزیکی محلات لازم می‌دانند. کات متیواتی^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل خدمات پیاده‌رو برای

^۱Mateo-Babiano

^۲Sapawi & Said

^۳Cut Mutiwati

عابران پیاده است. بهزادفر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی عوامل تبیین کننده میزان پیاده‌مداری محلی» پس از بررسی اصول و مؤلفه‌های پیاده‌مداری و تجارب داخلی و خارجی در این زمینه، شاخص‌های نهایی سنجش پیاده‌مداری را به ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، حرکت و دسترسی، زیبایی و منظر دسته‌بندی می‌کند. پایاب و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «رتبه‌بندی کیفی و تحلیل فضاهای پیاده شهری با رویکرد عدالت فضایی» مؤلفه‌های فرم، فضا، کاربری، اجتماع، زیست محیط و ترافیک را در پنج مسیر پرتردد شهر همدان مورد بررسی قرار می‌دهد.

در زمینه پیاده‌روهای خیابان‌های تجاری نیز، سجاذزاده و حقی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مقایسه تطبیقی کیفیت محیطی پیاده‌راه‌های تجاری و بازارهای سنتی، نمونه موردی: پیاده‌راه پانزده خرداد و بازار قدیم تهران» که کیفیت محیطی پیاده‌راه‌های تجاری و بازارهای سنتی را بر اساس مؤلفه‌های فعالیت و عملکرد، قابلیت دسترسی، اجتماع‌پذیری و سیما و منظر مورد مقایسه قرار می‌دهند. اسدی و بشارت (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ارتقاء سرزندگی پیاده‌راه‌های شهری به کمک رویکرد مکان‌سازی نمونه پژوهش خیابان سپهسالار تهران» که عوامل مؤثر بر کیفیات معنایی مکان را در خیابان سپهسالار بررسی می‌کند.

در زمینه زنان نیز، حاجی احمدی همدانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی معیارهای تأثیرگذار برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری» مؤلفه‌های شرایط کالبدی و محیطی، امنیت و ایمنی، معاشرت‌پذیری، زمان فعالیت، ترس و هراس، مکان فعالیت، دسترسی و تحریک‌پذیری را از معیارهای مؤثر بر فعالیت‌های زنان در فضاهای شهری دانسته است. حبیبی و علی‌پورشجاعی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان» معیارهای کالبدی، اجتماعی،

عابرین پیاده» کیفیت خدمات پیاده‌رو را از حیث ایمنی و فعالیت عابرین پیاده موردبررسی قرار می‌دهد. بودی درماوان^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل رضایت از پیاده‌رو یا مسیر عابر پیاده مطالعه موردی: خیابان کازابلانکا» سطح رضایت عابرین و عملکرد مسیرهای عابر پیاده را موردبررسی قرار می‌دهد و مؤلفه‌های مربوط به عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو را ارزیابی می‌کند. اوجوال و باندیپادیا^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه چارچوب ارزیابی کیفیت خدمات جامع برای پیاده‌روها با در نظر گرفتن شرایط مطلوب و وضع موجود» به ارزیابی وضعیت کلی پیاده‌روها بر اساس شرایط مدل PLOS برای وضع موجود و وضع مطلوب می‌پردازد و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهش‌های عباس‌زاده و تمری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی» به این نتایج دست‌یافته‌اند که مؤلفه‌های سرزندگی، خوانایی، ایمنی و امنیت و نفوذپذیری که از مؤلفه‌های اصلی کیفیت فضاهای شهری محسوب می‌شوند، ارتباط معنی‌دار با سطح تعاملات اجتماعی و میزان حضور شهروندان در فضاهای شهری پیاده محور کلان‌شهر تبریز دارند. سیف‌الهی‌فخر و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تعیین شاخص‌های مؤثر در خلق مکان‌های امن پیاده‌مدار جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی» که در این پژوهش ۱۳ معیار طراحی پیاده‌راه امن جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی تعیین شده که به سه گروه عملکرد، فرم و معنا دسته‌بندی می‌شوند سپس معیارها در خیابان بهار آزادی محله خاک سفید تهران موردسنجش قرار گرفته است. صادقی و اردکانی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی احداث پیاده‌راه به عنوان یک کاتالیزور به منظور ارتقای کیفیت فضای شهری» به این نتایج دست‌یافته‌اند که چهار گروه عوامل شامل سرزندگی، امنیت، انعطاف‌پذیری و دسترسی و ترافیک بر احداث یک پیاده‌راه شهری مطلوب هستند که در این میان عامل ایمنی دارای بیشترین تأثیر از نظر

^۱Ujjwal & Bandyopayaya^۲Budi Dermawan

فعالیتی و معنایی را سازگار با نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری معرفی می‌کند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. بررسی مدل‌ها و عوامل استفاده‌شده در برخی پژوهش‌های پیشین

زمینه مطالعات	پژوهشگر	روش - مدل	عوامل مورد بررسی	وجه اشتراک
کیفیت فضایی پیاده‌رو و خیابان تجاری	میتو بابیانو (۲۰۰۳)	تحلیل کیفی	حرکت، حفاظت، آسودگی، لذت و هویت	معیارهای ارزیابی پیاده‌روها: *مؤلفه‌های کیفیت فضا *عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو
	سپوی و سعید (۲۰۱۲)	تحلیل کیفی	دسترسی، ایمنی، راحتی و لذت‌بخشی	
	کات متیواتی و همکاران (۲۰۲۰)	روش IPA	عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو از نظر ایمنی و فعالیت عابرین پیاده	
	بودی درماوان و همکاران (۲۰۲۱)	روش IPA	عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	اوجوال و باندیادیا (۲۰۲۲)	مدل PLOS	عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو بر اساس مدل PLOS	
	عباس‌زاده و تمری (۱۳۹۱)	رگرسیون خطی	مؤلفه‌های سرزندگی، خوانایی، ایمنی و امنیت و نفوذپذیری (کیفیت فضا)	
	سیف الهی فخر و همکاران (۱۳۹۲)	سلسله‌مراتب فازی	عملکرد، فرم و معنا	
	صادقی و اردکانی (۱۳۹۲)	تحلیل کیفی	سرزندگی، امنیت، انعطاف‌پذیری و دسترسی و ترافیک	
	سجادزاده و حقی (۱۳۹۳)	تحلیل عاملی	مؤلفه‌های فعالیت و عملکرد، قابلیت دسترسی، اجتماع‌پذیری و سیما و منظر	
	اسدی و بشارت (۱۳۹۴)	تحلیل کیفی	عوامل مؤثر بر کیفیات معنایی مکان	
	بهزادفر و همکاران (۱۳۹۹)	تحلیل عاملی	ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، حرکت و دسترسی، زیبایی و منظر	
زنان در فضاهای عمومی	پایاب و همکاران (۱۳۹۹)	مدل ویکور	مؤلفه‌های فرم، فضا، کاربری، اجتماع، زیست محیط و ترافیک	معیار آسایش به‌عنوان زیر مؤلفه نیازهای اساسی زنان برای حضور در فضاهای عمومی شهری
	حاجی احمدی همدانی و همکاران (۱۳۹۴)	تحلیل کیفی	مؤلفه‌های شرایط کالبدی و محیطی، امنیت و ایمنی، معاشرت-پذیری، زمان فعالیت، ترس و هراس، مکان فعالیت، دسترسی و تحرک‌پذیری	
	حبیبی و علی‌پورشجاعی (۱۳۹۴)	تحلیل کیفی	معیارهای کالبدی، اجتماعی، فعالیتی و معنایی	

در پژوهش‌های انجام گرفته هریک از معیارهای کیفیت فضا، عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو و نیازهای زنان به‌صورت کلی و جداگانه بررسی شده است. این در حالی است که برای ارزیابی دقیق و فراهم آوردن نیازهای زنان باید ارتباط نیازها با معیارهای ارزیابی پیاده‌رو (کیفیت فضا و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو) مشخص گردد و تأمین نیازها را باید از

طریق این مؤلفه‌ها جستجو نمود که این امر تاکنون مورد توجه نبوده و همچنین پژوهشی در مورد آسایش زنان در خیابان‌های تجاری نیز انجام نگرفته است. بنابراین هدف پژوهش دوجانبه و به دنبال ارزیابی آسایش زنان بر اساس ارتباط مؤلفه‌های آسایش باکیفیت فضا و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌روهای خیابان‌های تجاری است.

۲-۱- مفهوم خیابان شهری

از دیدگاه عملکردگرایان، خیابان فضایی ارتباطی است که جهت‌دهنده، تقسیم‌کننده و تقویت‌کننده ساختار شهر است (لینچ، ۱۳۹۵). دونالد اپلیارد^۷ در مقاله «خیابان‌ها می‌توانند باعث مرگ شهرها شوند»، خیابان را این چنین تعریف کرده است، «خیابان‌ها ابزار اصلی برای ایجاد دسترسی هستند که به شهر هویت و معنی می‌بخشد و به کل جمعیت شهر خدمات می‌رساند» (Appleyard, 1983). از دیدگاه جین جیکوبز^۸ خیابان و پیاده‌راه‌هایشان عمده‌ترین مکان‌های عمومی یک شهر و اصلی‌ترین ارگان‌های حیاتی آن هستند که تعاملات اجتماعی و جنب‌وجوش شهری در آن‌ها جریان دارد، احساس تعلق را در شهروندان بالابرد و ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات جمعی می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۳۲).

۲-۱-۱- خیابان‌های تجاری و نیاز انسان

انسان با توجه به نیازهای فردی و گروهی، اولیه و ثانویه، ضروری (اجباری) و اختیاری خود در فضا حضور می‌یابد. در دنیای امروز نیز، از جمله این نیازها می‌توان به نیازهای روحی و روانی اشاره کرد و امری چون خریدن. بر همین اساس خیابان‌ها و مراکز تجاری به‌عنوان موقعیت‌های تفریحی و فراغت یکی از موضوعات مطالعاتی مهم در حوزه علوم اجتماعی هستند (کاظمی، ۱۴۰۱، ۷۸). خیابان‌های تجاری، به‌عنوان فضای اصلی شهرها و نمادی از فضای عمومی بزرگ‌مقیاس از یک شهر هستند که حجم زیادی از جریان مردم و وسایل نقلیه را از نقاط مختلف به خود جذب می‌کنند (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۴۷). درواقع خیابان‌های تجاری و مراکز خرید، مکانی را برای قدم زدن انسان‌ها فراهم می‌کند تا بدون آنکه ضرورتاً به خرید کالایی پردازند، در آن سیاحت کنند (موسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲، ۶). زنان نیز بخش مهمی از مخاطبان خیابان‌های تجاری هستند که علاوه بر خرید، برای ارتباط با جامعه و بودن در میان مردم از این فضاها استفاده می‌کنند. بر این اساس توجه به پیاده‌روهای خیابان تجاری و نیازهای عابرین پیاده (به‌ویژه زنان) امری ضروری است.

۲-۲- مفهوم پیاده‌رو

جین جیکوبز (۱۹۹۳) پیاده‌رو را به‌عنوان فضای عمومی اصلی شهر و نیز حیاتی‌ترین عضو آن برمی‌شمرد (به نقل از نصیری، ۱۳۹۰، ۱). مقیاس حرکت پیاده به نحوی است که امکان مکاشفه در محیط را برای انسان مهیا می‌سازد و هیچ نوع حرکتی به لحاظ هماهنگی با احساس و ادراک انسان به پای حرکت پیاده نمی‌رسد (غفاریان شعاعی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶). درواقع پهنه پیاده مکانی است که عابران آن با هر سن و توانایی می‌توانند امنیت و راحتی، تناسب و جذابیت در پیاده‌روی را، نه تنها در هنگام فراغت بلکه در استفاده از تجهیزات و آمدوشد نیز احساس کنند (انجمن شهرسازی آمریکا، ۱۳۸۷، ۱۸۹).

۲-۲-۱- عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو

به‌طورکلی وقتی یک پیاده‌رو دارای پهنای کافی باشد، می‌تواند چهار حوزه کلی فرضی متمایز را تأمین نماید:

۱. «حوزه لبه» که معبر سواره را از پیاده‌رو تفکیک می‌نماید.
۲. «حوزه مبلمان» که فضای لازم برای مبله کردن و محوطه‌آرایی فراهم می‌کند.
۳. «حوزه عبور» که حداقل پهنای چهار فوت (معادل ۱/۲ متر) را برای دسترسی تأمین کند.
۴. «حوزه جداره یا برساختمان» که فاصله بین حوزه عبور و جداره بنا / خط ساختمان را مشخص می‌نماید (بصری مؤدھی، ۱۳۸۸، ۸۵) (تصویر شماره ۱) (جدول شماره ۲).



تصویر ۱. عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو (آیین‌نامه طراحی معابر شهری، ۱۳۹۹، ۱۴)

^۸Jane Jacobs

^۷Donald Appleyard

جدول ۲. حوزه‌بندی خیابان و عناصر طراحی پیاده‌رو (به تفکیک عناصر سخت و نرم) مأخذ: نگارنده (با استناد به Christopher, 2011)
و غفاریان شعاعی و همکاران، ۱۳۹۳

عناصر سخت (Hardware)	حوزه‌بندی خیابان		عناصر طراحی محیط
	پیاده‌رو	حوزه عبور (مسیر عبور)	۱. پیاده‌رو ۲. زیرساخت‌های دسترسی معلولین
		حوزه مبلمان	صندلی و نیمکت (نشیمن‌گاه)، دستگاه‌های خودکار، سرویس بهداشتی، ایستگاه‌های حمل‌ونقل همگانی (مترو-توبوس-تاکسی)، سطل‌های آتش‌نشانی با ماسه، سطل زباله، شبکه‌های آهنی پوشش‌دهنده، علائم و تابلوهای راهنمایی، کیوسک اطلاعات، صندوق پستی، صندوق صدقه، باجه تلفن، کیوسک روزنامه‌فروشی، شیرهای آب آتش‌نشانی، آبخوری‌ها، چراغ راهنمایی (سواره و پیاده)، سایبان مغازه‌ها، پست برق، پست تلفن، رواق، مجسمه‌ها، میز بازی شطرنج، آسانسورهای زیرگذر و روگذر، پوشش گیاهی
		حوزه لبه	۱. درختان و باغچه‌های حاشیه‌ای ۲. جدول کنار خیابان
عناصر نرم (Software)	سواره‌رو	حوزه جداره (نما)	۱. منظر خیابان ۲. تابلوها ۳. فعالیت‌های خیابانی (دست‌فروش‌ها)
		حوزه سواره‌رو	۱. لاین دوچرخه ۲. لاین پارکینگ ۳. تسهیلات مدیریت جریانات آب‌های سطحی
		رنگ مصالح، کاربری‌های حاشیه، دست‌فروشان، بساطی‌های موقت، خطوط بازی روی سطح زمین، کاشی‌های طرح دار برای بازی، روشنایی خیابان و پیاده‌رو، نورافکن‌ها، روشنایی‌های تزئینی، علائم چراغانی شده، نورپردازی درختان، علائم روشنایی در کف، آب‌نماها، نقاشی‌های دیوار و کف (2D&3D)، صدای محیط، نشانه‌های لمسی بافت‌دار، کیفیت هوای محیط، صوتی و ارتعاشی، بوی محیط، نام‌گذاری معابر و منشعب از پیاده‌رو.	

۲-۲-۲- کیفیت فضایی محیط پیاده‌رو

اشپرای رگن^۱ (۱۹۶۵، ۶۱) با تأکید بر دیدگاه ترافیکی، از پیاده‌روی به‌عنوان معیار مقیاس مناسب در طراحی شهری نام می‌برد. گوردو کالن^۲ (۱۹۶۱، ۶۹) با رویکرد زیبایی‌شناختی، همواره بر اهمیت سکوت و آرامش در می‌کند و حضور مردم در فضاهای شهری ازجمله پیاده‌روها را مایه سرزندگی می‌داند. آلفونزو^۳ (۲۰۰۵، ۸۱۹) معتقد است که در نیازهای موجود برای پیاده‌روی سلسله‌مراتب وجود دارد. در مدلی که توسط او ارائه‌شده است، سلسله‌مراتب نیازها برای پیاده‌روی پنج سطح (امکان‌پذیری، در دسترس بودن، ایمنی و امنیت، لذت‌بخش بودن و راحتی) را در مورد نیازهای مختلف فرد در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد پیاده‌روی در خود جای داده است. راپپورت^۴ (۱۳۸۴، ۵۶) نیز حرکت و رفتار عابر پیاده

را متأثر از عوامل کالبدی محیط و عوامل فرهنگی/اجتماعی/روانی می‌داند.

بر اساس جایگاه پیاده‌رو که در تقسیم‌بندی فضاهای عمومی شهری قرار می‌گیرد و برای دستیابی به ابعاد کیفیت فضاهای شهری، در ابتدا باید به بررسی مؤلفه‌های فضای شهری نگریسته شود که عبارت‌اند از کالبد و عملکرد و معنا. پس از آن، به‌اختصار معیارهای کیفی محیط شهری از دیدگاه نظریه‌پردازان بررسی شود (جدول شماره ۳). سپس بر اساس ویژگی‌های فیزیکی عناصر پیاده‌رو که به‌عنوان شاخص‌های عملکردی برای تجزیه و تحلیل، شناخت مشکلات و ابزار مهمی برای شناسایی پیاده‌روها هستند، مؤلفه‌های کیفیت فضایی مؤثر پیاده‌رو استخراج می‌شود (جدول شماره ۴).

^۱Alfonzo

^۲Rapoport

^۳Speiregen

^۴Gordon Cullen

جدول ۳. کیفیت فضای شهری پیادرو

منبع کیفیت	مؤلفه‌های فضای شهری	ابعاد کیفیت محیطی	معیارهای کیفیت فضای شهری	اندیشمندان صاحب‌نظر
عینی	کالبدی	کالبدی	جذابیت و زیبایی	(تیبالدز، ۱۳۸۷)، (گلکار، ۱۳۹۰)، (Shaftoe, 2008)
			خوانایی	(لینچ، ۱۳۹۵)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (تیبالدز، ۱۳۸۷)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			دسترسی و تناسبات بصری	(لینچ، ۱۳۹۵)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (تیبالدز، ۱۳۸۷)، (Shaftoe, 2008)
			تنوع بصری	(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (Shaftoe, 2008)
	زیست‌محیطی	زیست‌محیطی	آسایش	(تیبالدز، ۱۳۸۷)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			سازگاری	(لینچ، ۱۳۹۵)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			پاکیزگی	(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (گلکار، ۱۳۹۰)
	عملکردی	عملکردی	رعایت سلسله‌مراتب	(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)
			نفوذپذیری و دسترسی	(جیکوبز، ۱۳۸۶)، (لینچ، ۱۳۹۵)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			انعطاف‌پذیری	(جیکوبز، ۱۳۸۶)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (تیبالدز، ۱۳۸۷)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			تنوع فعالیت	(جیکوبز، ۱۳۸۶)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			کاربری مختلط	(جیکوبز، ۱۳۸۶)، (تیبالدز، ۱۳۸۷)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			ایمنی	(گلکار، ۱۳۹۰)
ذهنی	معنایی	ادراکی - معنایی	مقیاس انسانی	(تیبالدز، ۱۳۸۷)
			حس مکان	(لینچ، ۱۳۹۵)، (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			غناي حسی	(بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، (Shaftoe, 2008)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			احساس امنیت	(جیکوبز، ۱۳۸۶)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			سرزندگی و پویایی	(لینچ، ۱۳۹۵)، (گلکار، ۱۳۹۰)
			خاطره‌انگیزی	(لینچ، ۱۳۹۵)

جدول ۴. ویژگی‌های فیزیکی عنصر طراحی پیاده‌رو به تفکیک مؤلفه‌های مؤثر کیفیت فضایی. مأخذ: نگارنده (با استناد آیین‌نامه معابر شهری، ۱۳۹۹)

حوزه‌بندی خیابان	ویژگی‌های فیزیکی عناصر طراحی پیاده‌رو	مؤلفه‌های مستخرج کیفیت فضای پیاده‌رو
حوزه پیاده‌رو	حوزه عبور	عرض پیاده‌رو، شیب مسیر، هموار نبودن مسیر، تجاوز به مسیر پیاده، توجه به فضای مناسب برای افراد معلول
	حوزه مبلمان	جذابیت و تنوع عناصر مبلمان خیابانی، نوع و سطح روشنایی چراغ‌ها، خوانایی چراغ-های راهنمایی و رانندگی، توجه به سایه‌اندازی و نگهداری درختان
	حوزه لبه	عرض مطلوب حاشیه سبز، میزان پیش‌آمدگی جدول (افزایش خط دید عابران و رانندگان)
	حوزه جداره (نما)	توجه به موقعیت و خوانایی، جذابیت و تنوع نما و تابلوها و ارتباط آن‌ها با کیفیت بصری و زیبایی‌شناختی خیابان، عرض مناسب پیاده‌رو در صورت وجود دست‌فروش‌ها
		دسترسی و تحرک، نفوذپذیری، غنای بصری، تنوع بصری، خوانایی، تنوع بصری، تناسبات بصری، غنای بصری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تناسبات بصری

حوزه‌بندی خیابان	ویژگی‌های فیزیکی عناصر طراحی پیاده‌رو	مؤلفه‌های مستخرج کیفیت فضای پیاده‌رو
حوزه سواره‌رو حوزه سواره-رو	عرض و موقعیت مسیر	دسترسی و تناسب بصری، نفوذپذیری

۲-۳- نیاز آسایش زنان

جنسیت ساختی اجتماعی است که به مفاهیم مردانگی و زنانگی در جریان اجتماعی شدن افراد بازمی‌گردد (Cuthbert, 2008, 128). فضا هم در کنار جنسیت در جریان زندگی مردم شکل پیدا می‌کند و این پژوهش به‌طور خاص به لایه‌ای از فضا (فضای تجاری) که در جریان زندگی روزمره زنان به تجربه درمی‌آید، سروکار دارد. طبق دیدگاه اسمیت، فضای ذهنی متخصصین و هم‌چنین فضایی که در عمل مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد در خیلی از مواقع ممکن است با فضایی که زنان در زندگی روزمره به تجربه می‌آورند،

انطباق نداشته باشد (Smith, 1987, 124) و علی‌رغم همه تفاوت‌هایی که میان زنان هست، آن‌ها به‌واسطه جنسیت مشترکشان که ایشان را حول فعالیت‌های خاصی سامان می‌دهد، دارای طیفی از تجارب مشترک هستند (Smith, 1991, 159) و هدف از شناسایی نیازهای زنان (عابرین پیاده) که بخش بزرگی از مخاطبین خیابان‌های تجاری هستند، فراهم آوردن زمینه مناسب برای تعیین الزامات طراحی پیاده‌روهای خیابان تجاری است. براین اساس محدودیت‌ها و معیارهای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری در (جدول شماره ۵ و ۶) بیان می‌شود.

جدول ۵. محدودیت‌های حضور زنان در فضای عمومی. (حبیبی و علی‌پورشجاعی، ۱۳۹۴، ۲۲)

عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای عمومی	
عوامل محیطی	عوامل روانی
نبود امنیت و ایمنی	ترس و خطر
مسئولیت‌های بازدارنده (مراقبت از فرزندان، انجام کارهای خانه و...)	استرس و تنش
دسترسی نامناسب و محدودشده به فضاهای شهری	عدم تنوع
هنجارهای محدودکننده اجتماعی و تحمیل نقش وابستگی به زنان	
خشونت جنسی	

جدول ۶. نیازها و معیارهای زنان برای حضور در فضاهای عمومی شهری بر اساس نظریه اندیشمندان. (حاجی احمدی همدانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۱)

اندیشمندان							معیارهای موردنظر اندیشمندان
ولنتاین	کریستین دی	جهانشاه پاکزاد	فرانک و پاکسون	کار و همکاران	ویل	کرمونا	
*		*			*		شرایط کالبدی و محیطی
	*					*	امنیت و ایمنی
		*				*	معاشرت‌پذیری
		*	*			*	زمان فعالیت
	*				*		ترس و هراس
*		*			*		مکان فعالیت
		*		*		*	دسترسی

		*		*			تحریک پذیری
--	--	---	--	---	--	--	-------------

مهم‌ترین نیازهای زنان و مؤلفه‌های آن‌ها در سه سطح آسایش که شامل آسایش فیزیولوژیکی، فیزیکی و روانی دسته‌بندی و تعریف هریک از مؤلفه‌های آسایش به‌عنوان نیازهای اساسی زنان سنجیده می‌شود (جدول شماره ۷).

بنابراین با توجه به محدودیت‌ها و معیارهای حضور زنان در فضاهای عمومی، می‌توان اساسی‌ترین نیازهای زنان در پیاده‌روها را تحرک، دسترسی، ایمنی و سلامتی دانست و می‌توان با مؤلفه‌های پیوستگی، راحتی، سهولت، خوانایی و دلپذیری آن‌ها را بیان نمود (Gardner, 1996). برای این اساس

جدول ۷. بررسی عناصر آسایش عابرین پیاده. مأخذ: نگارنده (با استناد به پورناصری و همکاران، ۱۳۹۹) و (NZ TRANSPORT AGENCY,2009)

مؤلفه‌های دستیابی به آسایش عابرین پیاده		تعریف	آسایش جامع انسان
تداوم در مسیر عابر پیاده بدون هیچ‌گونه موانع فیزیکی	پیوستگی	آسایشی که در حین راه‌رفتن، ایستادن، نشستن، انجام فعالیت، دیدن و شنیدن احساس می‌شود.	آسایش فیزیولوژیکی
میزان انطباق راحتی راه رفتن با توقعات عابران پیاده	راحتی		
پیاده‌روی بدون صدمه و خطر فیزیکی و جلوگیری از تعرض وسایل نقلیه به پیاده‌رو	ایمنی	آسایش حاصل از تأثیرات خارجی مانند حفاظت در برابر آب‌وهوا، حوادث ترافیکی، موانع مسیر پیاده‌روی هستند.	آسایش فیزیکی
ایجاد فعالیت‌های سرپوشیده یا محافظت‌شده در برابر شرایط اقلیمی	حفاظت		
میزان امکان و توانایی پیاده‌روی در رقابت با سایر روش‌های حمل‌ونقل از نظر کارایی	سهولت		
میزان دعوت‌کنندگی مسیرهای پیاده‌روی برای عابرین پیاده	خوانایی	آسایش ذهنی و عاطفی حاصل از تجربیات حسی مانند حس مکان، احساس تعلق، آرامش و تعامل فعال و غیرفعال.	آسایش روانی

پایده آژانس حمل و نقل نیوزلند و راهنمای کاربران تسهیلات
پایده تعیین شده است (NZ Transprt Agency, 2009 & Zegeer et al, 2002)
(جدول شماره ۸ و ۹) (نمودار شماره ۱).

۲-۴- ارتباط مؤلفه‌های آسایش زنان با شاخص‌های عملکردی طراحی پیاده‌رو

جدول ۸. رابطه مؤلفه‌های آسایش زنان با کیفیت فضایی محیط پیااده‌رو

تعداد معیارها	آسایش فیزیولوژیکی		آسایش فیزیکی			آسایش روانی			مؤلفه‌های مستخرج کیفیت فضایی پیاپاده‌رو
	راحتی	پیوستگی	ایمنی	حفاظت	سهولت	دلپذیری	خوانایی	جذابیت	
۴									دسترسی و تحرک
۴									نفوذپذیری
۳									تنوع بصری
۳									انعطاف‌پذیری
۳									خوانایی
۲									تناسبات بصری
۳									جذابیت (غنا) (بصری)

جدول ۹. رابطه مؤلفه‌های آسایش زنان با عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو

تعداد معیارها	مؤلفه‌های آسایش عابر پیاده								حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	آسایش فیزیولوژیکی		آسایش فیزیکی			آسایش روانی				
	راحتی	پیوستگی	ایمنی	حفاظت	سهولت	دلپذیری	خوانایی	جذابیت		
۱									عرض مسیر پیاده‌رو	حوزه عبور
۱									طول مسیر پیاده‌رو	
۲									سطح مسیر پیاده‌روی	
۴									تداوم مسیر پیاده‌روی	
۴									پهنای مؤثر پیاده‌روی	
۴									زیرساخت‌های معلولین	
۴									تأمین مبلمان شهری	حوزه مبلمان
۵									پوشش گیاهی	
۲									ایستگاه اتوبوس	
۳									روشنایی خیابان	
۳									صندلی و نیمکت (نشیمنگاه)	
۳									سایر امکانات پیاده‌رو	
۶									فضاهای فروش خیابانی	حوزه لبه
۵									حاشیه سبز کنار جاده	
۴									عرض جداره (نما)	حوزه جداره
۲									تابلو و نشانه‌ها	
۴									منظر خیابان	
۶									فعالیت‌های خیابانی	
۴									لاین دوچرخه	حوزه سواره- رو
۲									تسهیلات زهکشی آب‌های سطحی	
۲									لاین پارکینگ	



نمودار ۱. رابطه ویژگی‌های فیزیکی عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو با نیازهای آسایش زنان و تأثیر آن بر شاخص‌های کیفیت فضا

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی هست. در بخش دیدگاه نظری و مروری بر مطالعات پیشین از روش توصیفی و برای دستیابی به روابط بین متغیرها و شاخص‌ها، از روش تحلیلی استفاده شده است. چارچوب نظری این تحقیق، ابتدا مروری بر ادبیات موضوع تحقیق می‌باشد که باهدف بررسی و شناخت بیشتر موضوع به تعریف پیاده‌رو، شناخت و دسته‌بندی مؤلفه‌های کیفیت فضای پیاده‌رو، شناخت مؤلفه‌های آسایش فیزیولوژیکی، آسایش فیزیکی و آسایش روانی زنان پرداخته و بر اساس استانداردهای جهانی ارتباط بین مؤلفه‌های آسایش زنان با شاخص‌های کیفیت فضا و

عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو مشخص گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مشاهده میدانی، پرسشنامه (طیف لیکرت) و مصاحبه می‌باشد که نگارنده پس از استخراج شاخص‌های مؤثر بر آسایش زنان عابر پیاده، از طریق مشاهده میدانی پیاده‌رو خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار بر اساس وضع موجود و وضع مطلوب برای هریک از عوامل معیارهایی در نظر گرفته است. حجم نمونه ۲۰۰ نفر برای هر نمونه و توزیع پرسشنامه‌ها به صورت اتفاقی بین زنان حاضر در محل بوده است. سنجش داده‌ها با استفاده از روش رایج آماری (درصد) و ارزیابی روایی توسط کارشناسان و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS برابر ۰/۷۸۶ در نظر گرفته شده است. (نمودار شماره ۲) فرآیند پژوهش را نمایش می‌دهد.



نمودار ۲. فرآیند پژوهش

۳-۱- تعیین حجم نمونه

با توجه به اینکه خیابان مصدق و نوبهار به‌عنوان نمونه مطالعه انتخاب شده است و از آنجاکه مردم کرمانشاه برای خرید و تفریح در بازه‌های مختلف به این خیابان‌ها مراجعه می‌کنند، لذا جامعه آماری پژوهش کلیه شهروندان کرمانشاهی هستند که جمعیتی حدود یک میلیون نفری را شامل می‌شود. به‌منظور برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که در آن $p=q=0.5$ و پیشینه خطا 0.05 در نظر گرفته شده است که حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد که به‌تقریب ۴۰۰ نفر (که در هر خیابان ۲۰۰ نفر از زنان) در نظر گرفته شده است و پرسشنامه‌ها به‌طور تصادفی در میان زنان شهروند کرمانشاه در هر دو خیابان نمونه توزیع گردیده است.

۳-۲- سنجش روایی و پایایی پرسشنامه

برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه بر اساس روش منطقی تعیین روایی مبتنی بر محتوا که در آن کمیت و کیفیت سؤالات از ۱۵ کارشناس موردبررسی و تأیید قرار گرفت و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به‌کارگیری آلفای کرونباخ پایا گشته است. این ضریب بر اساس پرسش‌های بررسی‌کننده برای ۴۰۰ پرسشنامه برابر 0.786 محاسبه گردید که به دلیل بالاتر بودن آن از مقدار 0.7 نشان‌دهنده پایایی ابزار مورد استفاده برای (پرسشنامه) است.

۴- محدوده پژوهش

کرمانشاه نهمین شهر پرجمعیت و یکی از کلان‌شهرهای ایران و مرکز استان کرمانشاه در ایران می‌باشد که دارای جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر و مساحتی در حدود ده هزار هکتار است. کرمانشاه از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران به شمار می‌رود و پیدایش آن به سده چهارم میلادی بازمی‌گردد. این شهر مهم‌ترین کانون مهاجران روستایی استان و نواحی پیرامونی خود است.

خیابان مصدق (آیت‌الله کاشانی) از خیابان‌های مهم کرمانشاه است که از میدان انقلاب آغاز شده و تا میدان مصدق امتداد می‌یابد. این خیابان به طول ۴۹۰ متر در جهت شمال شرقی-جنوب غربی کشیده شده است. این خیابان از دهه ۱۳۴۰ به‌عنوان عرصه عمومی در شهر کرمانشاه مطرح شد. وجود پاساژهای زیاد، کافه‌ها، رستوران‌ها و کتاب‌فروشی این خیابان را به مکانی برای گذراندن اوقات و پرسه‌زنی جوانان تبدیل کرده است. بلوار نوبهار نیز خیابانی است که در دهه ۱۳۴۰ هم‌زمان با ساخت محلات شهری پیرامونی خود شکل گرفت. این بلوار به تدریج به مکانی با کارکردهای مختلف تجاری، فرهنگی و تفریحی تبدیل شد و هم‌اکنون یکی از حوزه‌های عمومی و مراکز تجمع مردم در شهر کرمانشاه به شمار می‌رود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴۴). طول خیابان نوبهار حدود یک کیلومتر، عرض آن ۳۰

حرارتی قرار دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ۸۲) (تصویر شماره ۲ و ۳).

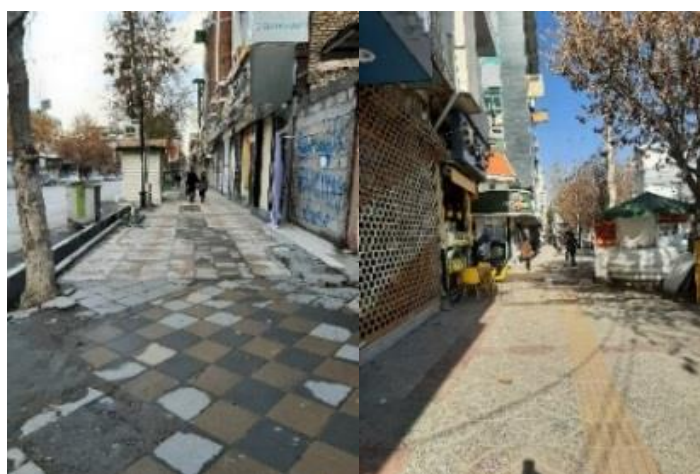
متر و جهت گیری آن شمالی-جنوبی است و تنها معبری است که در هر دو فصل تابستان و زمستان در محدوده آسایش



(ب)

(الف)

تصویر ۲. نقشه هوایی کرمانشاه و الف: خیابان مصدق ب: خیابان نوبهار



(ب)

(الف)

تصویر ۳. پیاده‌روهای الف: خیابان مصدق ب: خیابان نوبهار

معیارهایی برای هریک از عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو بر اساس وضع موجود و وضع مطلوب، استخراج شده است که هریک مؤلفه‌های آسایش زنان و کیفیت فضایی را در پیاده‌روهای نمونه، موردسنجش قرار می‌دهند (جدول شماره ۱۰).

۵- معیارهای سنجش آسایش زنان در پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار

با توجه به ارتباط بین مؤلفه‌های آسایش زنان با مؤلفه‌های کیفیت فضای پیاده‌رو و عناصر تشکیل‌دهنده آن، نگارنده با مشاهده میدانی پیاده‌رو خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار

جدول ۱۰. معیارهای استخراج‌شده برای عناصر پیاده‌رو بر اساس مؤلفه‌های آسایش مربوطه

معیارهای کیفیت فضای پیاده‌رو و مؤلفه‌های آسایش مربوطه	معیارهای موردبررسی بر اساس معیارهای آسایش و کیفیت فضایی پیاده‌رو	معیارهای آسایش مربوط به عناصر پیاده‌رو	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو
۱. دسترسی و تحرک (راحتی، پیوستگی، ایمنی و سهولت) ۲. نفوذپذیری (راحتی، پیوستگی، سهولت، دلپذیری)	بررسی راحتی وضع موجود عرض پیاده‌رو (X_1): (مصدق ۳,۵ متر) (پیاده‌رو نوبهار ۴ متر و پیاده‌رو داخل بلوار نوبهار ۲,۶۰ متر)	راحتی	عرض مسیر پیاده‌رو
	طول مسیر از نظر ایجاد احساس خستگی در مسیر پیاده‌روی (X_2)	راحتی	طول مسیر پیاده‌رو
	بررسی کف‌سازی، آسفالت و... (X_3)	راحتی، ایمنی	سطح مسیر پیاده‌روی
	بررسی تداوم بر اساس موانع موجود در پیاده‌رو (کانکس ساختمان‌سازی، شیب، پستی‌وبلندی، اثاثیه شهرداری و وسایل نقلیه) (X_4)	سهولت، ایمنی، پیوستگی، راحتی	تداوم مسیر پیاده‌روی
	بررسی پهنای مفید پیاده‌روی در صورت اشغال فضا توسط دست‌فروش‌ها، مبلمان کافه‌ها، کانکس ساختمان‌سازی، دکه‌ها (X_5)	سهولت، ایمنی، پیوستگی، راحتی	پهنای مؤثر پیاده‌روی
	بررسی میزان توجه به زیرساخت معلولین (X_6)	دلپذیری، ایمنی، پیوستگی، راحتی	زیرساخت‌های معلولین
۱. غنای بصری (جذابیت، دلپذیری و راحتی) ۲. تنوع بصری (جذابیت، دلپذیری، سهولت) ۳. خوانایی (جذابیت، خوانایی، سهولت)	بررسی عرض مبلمان شهری (راحتی، ایمنی) (X_7)، میزان ایجاد تنوع بصری (جذابیت و دلپذیری) (X_8)، میزان پراکندگی (راحتی) (X_9)، میزان موجب عدم برخورد زنان موقع پیاده‌روی (تداوم و راحتی) (X_{10})، میزان کمک در پیدا کردن مسیر (خوانایی) (X_{11})	جذابیت، دلپذیری، ایمنی، پیوستگی، راحتی، خوانایی	تأمین مبلمان شهری
	میزان پراکندگی (راحتی، حفاظت) (X_{12})، تفکیک فضای پیاده‌رو (خوانایی) (X_{13})، استفاده از گونه‌های زیبا و سازگار با محیط (جذابیت، دلپذیری، حفاظت) (X_{14})	جذابیت، خوانایی، دلپذیری، حفاظت، راحتی	پوشش گیاهی
	بررسی میزان راحتی استفاده از اتوبوس یا پیاده‌رو در طی کردن مسیر خیابان (سهولت) (X_{15})، تجمع افراد در ایستگاه و میزان مانع شدن در حرکت عابرین (پیوستگی) (X_{16})	سهولت، پیوستگی	ایستگاه اتوبوس
	بررسی نوع و سطح روشنایی (راحتی، دلپذیری) (X_{17})، میزان حس ایمنی به‌ویژه در عصرها (ایمنی) (X_{18})، میزان ایجاد سرزندگی (دلپذیری) (X_{19})	دلپذیری، ایمنی، راحتی	روشنایی خیابان
	بررسی پراکندگی در مسیر (راحتی) (X_{20})، ایجاد تنوع در مسیر (جذابیت و دلپذیری) (X_{21})	جذابیت، دلپذیری، راحتی	صندلی و نیمکت (نشیمنگاه)
	بررسی میزان پراکندگی و تنوع آبخوری، سایبان مغازه‌ها، چراغ راهنمایی و... (X_{22})	جذابیت، دلپذیری، راحتی	سایر امکانات پیاده‌رو
	بررسی میزان مانع تداوم مسیر پیاده‌روی (پیوستگی و راحتی) (X_{23})، بررسی ایجاد حس امنیت (ایمنی) (X_{24})، بررسی تنوع و کمک در پیدا کردن مسیر (جذابیت، دلپذیری و خوانایی) (X_{25})	جذابیت، خوانایی، دلپذیری، ایمنی، پیوستگی، راحتی	فضاهای فروش خیابانی

معیارهای کیفیت فضای پیاده‌رو و مؤلفه‌های آسایش مربوطه	معیارهای موردبررسی بر اساس معیارهای آسایش و کیفیت فضایی پیاده‌رو	معیارهای آسایش مربوط به عناصر پیاده‌رو	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
۱. دسترسی و تحرک، ۲. تنوع بصری، ۳. تناسب بصری	بررسی عرض حاشیه سبز (ایمنی و راحتی) (X_{26})، تفکیک فضایی پیاده‌رو (خوانایی) (X_{27})، تنوع بصری (جذابیت و دلپذیری) (X_{28})	جذابیت، خوانایی، دلپذیری، ایمنی، راحتی	حاشیه سبز کنار جاده	۴. حاشیه سبز
۱. غنای بصری ۲. تنوع بصری ۳. خوانایی ۴. انعطاف‌پذیری (حفاظت، ایمنی، راحتی) ۵. تناسب بصری (جذابیت، خوانایی)	میزان تنوع بصری (دلپذیری) (X_{29})، میزان جلوامدگی و تورفتگی (ایمنی) (X_{30})، اندازه و تناسب بصری (راحتی و حفاظت) (X_{31})	دلپذیری، حفاظت، ایمنی، راحتی	عرض جداره (نما)	۵. عرض جداره
	میزان تنوع بصری (جذابیت) (X_{32})، کمک به پیدا کردن مسیر (خوانایی) (X_{33})	جذابیت، خوانایی	تابلو و نشانه‌ها	
	میزان دید از پیاده‌رو به خیابان (ایمنی) (X_{34})، میزان تنوع بصری (جذابیت و دلپذیری) (X_{35})، میزان کمک در تشخیص مسیر (خوانایی) (X_{36})	ایمنی، جذابیت، دلپذیری، خوانایی	منظر خیابان	
	میزان ایجاد مانع و برخورد عابرین به یکدیگر (پیوستگی و راحتی) (X_{37})، میزان ایجاد گیج‌شدگی عابرین در مسیر (عدم خوانایی) (X_{38})، تنوع بصری (جذابیت و دلپذیری) (X_{39})، ایجاد حس امنیت (ایمنی) (X_{40})	جذابیت، خوانایی، دلپذیری، ایمنی، پیوستگی، راحتی	فعالیت‌های خیابانی (دست‌فروش فعالیت شهرداری و...)	
۱. دسترسی و تحرک ۲. تناسب بصری ۳. نفوذپذیری	(وضع موجود ندارد) بررسی ایجاد لاین دوچرخه در حفظ ایمنی (راحتی و ایمنی) (X_{41})، کمک به لذت بردن از مسیر (دلپذیری) (X_{42})	راحتی، ایمنی، دلپذیری	لاین دوچرخه	۶. لاین دوچرخه
	بررسی زهکشی آب (جوی آب) و جمع‌شدگی آب در مسیر پیاده‌رو (راحتی و ایمنی) (X_{43})	ایمنی، راحتی	تسهیلات زهکشی آب‌های سطحی	
	میزان اشغال فضای پیاده‌رو (راحتی) (X_{44})، میزان تهدید ایمنی عابرین (ایمنی) (X_{45})	ایمنی، راحتی	لاین پارکینگ	

۶- بحث و یافته‌های تحقیق

و تجزیه و تحلیل اطلاعات، راهکارها و راهبردهای کارآمد عرضه شود.

پرسشنامه مربوطه ضمن بررسی مشخصات پاسخ‌دهندگان، در سه بخش طراحی شده است. بخش تشریحی که به توصیف پیاده‌روها، شناخت میزان راحتی زنان در پیاده‌روها، دلایل راحتی یا عدم راحتی، شناخت نقاط دشوار، دلپذیر و شلوغ در مسیر پیاده‌رو و خوانایی مسیر از دیدگاه زنان پاسخ‌دهنده می‌پردازد. بخش بعدی در قالب سؤالات تستی که به سنجش ویژگی‌های فیزیکی عناصر تشکیل‌دهنده موجود در پیاده‌روهای خیابان نوبهار و مصدق

انجام هرگونه تغییر و تحول در ساختارهای شهری، به‌ویژه در ساختارهای کالبدی-فضایی و بهبود کیفیت، زیباسازی و معاصر سازی فضاهای شهری (ازجمله پیاده‌روها)، بدون مشارکت پویا و فعال شهروندان، نتیجه و ثمر مطلوبی نخواهد داشت. لذا با توجه به هدف پژوهش و با نگرش به بهبود راحتی زنان در پیاده‌روها، تلاش شد با طرح یک پرسش‌نامه ساختاریافته، دیدگاه و نقطه نظرات زنان را، با عنایت به تفاوت‌های سنی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و نظایر آن، در خصوص پیاده‌روهای خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه در وضع کنونی و آتی جویا شده و از طریق پردازش

با توجه به نیازهای آسایش زنان و کیفیت فضای پیاده‌رو می‌پردازد (جدول شماره ۱۰). بخش سوم پرسشنامه سنجش راهکارهای بهبود کیفیت و آسایش زنان در پیاده‌روها بر اساس مؤلفه‌های آسایش فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی می‌باشد.

از نظر سنی ۴۹ درصد پاسخ‌دهندگان زن در مقطع سنی ۲۰-۳۰ سال بودند و پس از آن ۲۸ درصد پاسخ‌دهندگان در مقطع سنی ۳۰-۴۰ سال هستند. ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان مجرد و ۳۳ درصد متأهل می‌باشند. از نظر اشتغال ۵۹ درصد

پاسخ‌دهندگان شاغلان در بخش آزاد و پس از آن ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان محصل/دانشجو هستند. از نظر تحصیلی ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان در مقطع لیسانس و پس از آن ۲۳ درصد پاسخ‌دهندگان در مقطع فوق‌لیسانس بودند. از نظر میزان مراجعه پاسخ‌دهندگان به خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار، ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان به‌صورت روزانه و پس از آن ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان به‌صورت هفتگی مراجعه می‌کنند. پاسخ‌دهندگان بیشترین زمان مراجعه به خیابان‌های مصدق و نوبهار را در عصر بیان کرده‌اند. (جدول شماره ۱۱) به بیان مشخصات پاسخ‌دهندگان می‌پردازد.

جدول ۱۱. آمار توصیفی افراد پاسخگو به پرسش‌نامه

مشخصات	تعداد پاسخ‌گویان	درصد
جنسیت	زن	۱۰۰٪
تأهل	مجرد	۶۷٪
	متأهل	۳۳٪
سن	زیر ۲۰ سال	-
	۲۰-۳۰ سال	۴۹٪
	۳۰-۴۰ سال	۳۳٪
	۴۰-۵۰ سال	۱۲٪
	بالای ۵۰ سال	۷٪
وضعیت اشتغال	شاغل (دولتی)	۱٪
	شاغل (آزاد)	۵۹٪
	خانه‌دار	۶٪
	محصل-دانشجو	۳۴٪
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	-
	دیپلم	۲۲٪
	لیسانس	۵۵٪
	فوق لیسانس	۲۳٪
	دکتری	۰
میزان مراجعه	روزانه	۶۳٪
	هفتگی	۳۴٪
	ماهانه	۳٪
زمان مراجعه	صبح	۱۴٪
	ظهر	۷٪
	عصر	۷۹٪

۶-۱- تحلیل نتایج پرسشنامه

در بخش تشریحی پرسشنامه، پرسش دهندگان در پاسخ به توصیف پیاده‌رو خیابان مصدق و نوبهار در سه کلمه، برای

استفاده شده است. درواقع با توجه به تکرار کلمات تنوع، جذابیت توسط زنان پاسخ‌دهنده، می‌توان بیان نمود که آسایش روانی در هر دو پیاده‌رو مصدق و نوبهار برای زنان قابل لمس است، در حالی که تکرار کلمه شلوغ، نشان از عدم تأمین آسایش محیطی (به‌ویژه فیزیولوژیکی) زنان در هر دو پیاده‌رو دارد.



(پ)



(ب)



(الف)

تصویر ۴. نمونه مشکلات پیاده خیابان مصدق الف: کف‌سازی نامناسب ب: عرض کم پیاده‌رو پ: دست‌فروشا

این نقاط و زهکشی نامناسب آب (تجمع آب در وسط پیاده‌روها) مطرح شده است (تصویر شماره ۴). در پیاده‌روهای خیابان نوبهار پاسخ‌دهندگان ابتدای چهارراه نوبهار، جلوی فست‌فود و کافه‌ها و میانه مسیر پیاده‌رو را به ترتیب دشوارترین نقاط پیاده‌روی بیان کرده و ازجمله دلایل عدم رضایت آن‌ها، وجود دست‌فروش و تجمع افراد، وجود پستی‌وبلندی در مسیر، سد معبرها و گذاشتن مبلمان فست‌فودها در پیاده‌رو و عرض کم مسیر در این نقاط عنوان شده است (تصویر شماره ۳ و ۵).



(پ)



(ب)



(الف)

تصویر ۵. پیاده‌رو خیابان نوبهار الف: اشغال فضا توسط دست‌فروش ب: زهکشی نامناسب آب پ: فضای سبز وسط بلوار

به ابتدای خیابان مصدق (جلوی ساعت‌فروشی‌ها) به دلیل عدم وجود کاربری‌های پرمخاطب و خلوت بودن مسیر

اکثریت پاسخ‌دهندگان هیچ نقطه‌ای از مسیر پیاده‌رو در خیابان مصدق برای پیاده‌روی راحت و دلپذیر ندانسته و تنها

خیابان مصدق به ترتیب کلمات شلوغ، متنوع و نامطلوب پرتکرارترین کلمات بوده و همچنین از کلمات دست‌فروش زیاد، خاطره‌انگیز (نوستالژی)، آشفته، سنگفرش فرسوده و جذاب نیز استفاده شده است و برای خیابان نوبهار نیز کلمات شلوغ، جذاب، متنوع به ترتیب پرتکرارترین کلمات بوده و همچنین از کلمات سرزنده و محل تجمع دست‌فروش نیز

انتخاب شده است. در خیابان نوبهار اکثریت پاسخ‌دهندگان فضای سبز وسط بلوار [\(تصویر شماره ۵پ\)](#) را به دلیل پوشش گیاهی و درختان و خلوت بودن، به عنوان نقطه دلپذیر و راحت برای پیاده‌روی انتخاب کرده‌اند. شلوغ‌ترین نقطه در پیاده‌رو خیابان مصدق، درب پاساژ سروش به دلیل وجود دست‌فروش‌ها و در پیاده‌رو نوبهار، ابتدای چهارراه، به دلیل تجمع جوانان و دست‌فروش‌ها انتخاب شده است که این نقاط عدم راحتی پاسخ‌دهندگان در پیاده‌روی را به دنبال دارد؛ بنابراین در هر دو پیاده‌رو خیابان مصدق و نوبهار، آسایش زنان برای تردد در این فضاها تأمین نشده و وجود دستفروش‌ها (حوزه جداره) عامل مشترک عدم آسایش زنان در هر دو پیاده‌رو بیان شده است.

در بخش اول سؤالات تستی که معیارهایی [\(جدول شماره ۱۰\)](#) برای هریک از عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو بر اساس مؤلفه‌های آسایش و وضع موجود پیاده‌روها مطرح شده است. از ارزیابی پاسخ‌های به دست آمده می‌توان چنین استنباط کرد که: در حوزه عبور، هر دو پیاده‌رو خیابان‌ها مصدق و نوبهار وضعیت یکسان و نامطلوبی برای تأمین آسایش محیطی زنان دارند و مؤلفه‌های سطح مسیر پیاده‌رو، تداوم مسیر پیاده‌روی و زیرساخت‌های معلولین ضعیف‌ترین عوامل هستند؛ اما کیفیت فضایی حوزه عبور (دسترسی و تحرک، نفوذپذیری) خیابان نوبهار در مقایسه با خیابان مصدق، وضعیت مناسب‌تری دارد [\(جدول شماره ۱۲\)](#).

در حوزه مبلمان، پیاده‌رو خیابان نوبهار در مقایسه با خیابان مصدق دارای وضعیت مطلوبی است و در هر دو پیاده‌رو مؤلفه‌های روشنایی خیابان و فروش‌های خیابانی از مهم‌ترین عوامل عدم آسایش محیطی (فیزیکی و

فیزیولوژیکی) و روانی زنان بیان شده است. کیفیت فضایی حوزه مبلمان (غنای بصری، تنوع بصری و خوانایی) در هر دو پیاده‌رو خیابان مصدق و نوبهار وضعیت یکسان و قابل قبولی است [\(جدول شماره ۱۳\)](#).

در حوزه لبه، هر دو پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار وضعیت یکسان و مطلوبی برای تأمین آسایش محیطی و روانی زنان دارند. درختان در هر دو خیابان عاملی برای لذت بردن از مسیر و جذابیت آن (به ویژه در نوبهار) محسوب می‌شوند اما عدم خوانایی آن دریاان مصدق عامل نارضایتی است. کیفیت فضایی حوزه لبه (دسترسی و تحرک، تنوع بصری و تناسبات بصری) در خیابان نوبهار در مقایسه با خیابان مصدق، دارای وضعیت مطلوبی است [\(جدول شماره ۱۴\)](#).

در حوزه جداره، هر دو پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار وضعیت یکسانی دارند که آسایش روانی زنان تأمین شده و به آسایش محیطی زنان توجه نشده است و در هر دو پیاده‌رو مؤلفه فعالیت خیابانی مهم‌ترین عامل عدم آسایش محیطی است. کیفیت فضایی حوزه جداره (غنای بصری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، تنوع بصری و تناسبات بصری) در خیابان نوبهار در مقایسه با خیابان مصدق، دارای وضعیت مطلوبی است [\(جدول شماره ۱۴\)](#).

در حوزه سواره‌رو، هر دو پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار وضعیت مشابه و عدم تأمین آسایش محیطی و روانی را دارند و مؤلفه زهکشی آب‌های سطحی مهم‌ترین عامل عدم آسایش محیطی زنان در خیابان مصدق است. کیفیت فضایی حوزه سواره‌رو (دسترسی و تحرک، تناسبات بصری و نفوذپذیری) هر دو پیاده‌رو مشابه و ضعیف است [\(جدول شماره ۱۵\)](#).

جدول ۱۲. نتایج سؤالات تستی میزان مؤلفه‌های آسایش در عناصر حوزه عبور

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم				
۱. دسترسی و تحرک (مصدق: خیلی کم) (نوبهار: متوسط)	-	۰	۱۲٪	۲۴	۲۶٪	۵۲	۴۶٪	۹۲	۱۶٪	۳۲	مصدق	راحتی (X ₁)	عرض مسیر پیاده‌رو	حوزه عبور
	۶٪	۱۲	۲۰٪	۴۰	۴۲٪	۸۴	۸٪	۱۶	۲۴٪	۴۸	نوبهار			
	۱۴٪	۲۸	۲٪	۴	۵۲٪	۱۰۴	۱۶٪	۳۲	۱۶٪	۳۲	مصدق	راحتی (X ₂)	طول مسیر پیاده‌رو	
	۶٪	۱۲	۳۶٪	۷۲	۳۲٪	۶۴	۸٪	۱۶	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
	۶٪	۱۲	-	۰	۱۰٪	۲۰	۴۰٪	۸۰	۴۴٪	۸۸	مصدق	راحتی و ایمنی (X ₃)	سطح مسیر پیاده‌رو	
	-	۰	۳۲٪	۶۴	۳۸٪	۷۶	-	۰	۳۰٪	۶۰	نوبهار			
	-	۰	۱۰٪	۲۰	۳۴٪	۶۸	۱۰٪	۲۰	۴۶٪	۹۲	مصدق	سهولت، ایمنی، پیوستگی و راحتی (X ₄)	تداوم مسیر پیاده‌روی	
	۴٪	۸	۱۶٪	۳۲	۴۲٪	۸۴	۲۰٪	۴۰	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
	۸٪	۱۶	۴٪	۸	۳۶٪	۷۲	۴۰٪	۸۰	۱۲٪	۲۴	مصدق	سهولت، ایمنی، پیوستگی و راحتی (X ₅)	پهنای مؤثر پیاده‌روی	
	۴٪	۸	۲۲٪	۴۴	۶٪	۱۲	۳۸٪	۷۶	۳۰٪	۶۰	نوبهار			
	۲٪	۴	-	۰	-	۰	۳۰٪	۶۰	۶۸٪	۱۳۶	مصدق	دلپذیری، ایمنی، پیوستگی و راحتی (X ₆)	زیرساخت معلولین	
	-	۰	-	۰	-	۰	۳۴٪	۶۸	۶۶٪	۱۳۲	نوبهار			

جدول ۱۳. نتایج سؤالات تستی میزان مؤلفه‌های آسایش در عناصر حوزه مبلمان

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم	بسیار کم	کم				
۱. غنای بصری (مصدق: کم: نوبهار: متوسط)	-	۰	۴٪	۸	۲۶٪	۵۲	۵۴٪	۱۰۸	۱۶٪	۳۲	مصدق	راحتی و ایمنی (X7)	تأمین مبلمان شهری	حوزه مبلمان
	۶٪	۱۲	۸٪	۱۶	۵۸٪	۱۱۶	۱۲٪	۲۴	۱۶٪	۳۲	نوبهار			
	۱۸٪	۳۶	۱۲٪	۲۴	۱۴٪	۲۸	۳۶٪	۷۲	۲۰٪	۴۰	مصدق	جذابیت و دلپذیری (X8)		
	۴٪	۸	۳۰٪	۶۰	۴٪	۸	۴۰٪	۸۰	۲۲٪	۴۴	نوبهار			

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	بسیار زیاد				
۲. تنوع بصری (مصدق: متوسط نوبهار: متوسط)	-	۰	۲٪	۴	۴۸٪	۹۶	۴۶٪	۹۲	۴٪	۸	مصدق	راحتی (X ₉)		
	-	۰	۲۸٪	۵۶	۵۴٪	۱۰۸	۱۸٪	۳۶	-	۰	نوبهار	تداوم و راحتی (X ₁₀)		
	-	۰	۲۰٪	۴	۳۸٪	۷۶	۵۸٪	۱۱۶	۲۰٪	۴۰	مصدق	راحتی (X ₁₁)		
	-	۰	۴٪	۸	۵۸٪	۱۱۶	۲۰٪	۴۰	۱۸٪	۳۶	مصدق	خوانایی (X ₁₂)		
	-	۰	۴۸٪	۹۶	۱۶٪	۳۲	۱۸٪	۳۶	۱۸٪	۳۶	نوبهار	راحتی و حفاظت (X ₁₃)		
	-	۰	۲٪	۴	۳۶٪	۷۲	۴۴٪	۸۸	۱۸٪	۳۶	مصدق	خوانایی (X ₁₄)		
۳. خوانایی (مصدق: متوسط نوبهار: زیاد)	۴٪	۸	۱۰٪	۲۰	۵۴٪	۱۰۸	۸٪	۱۶	۲۴٪	۴۸	نوبهار	خوانایی (X ₁₅)	پوشش گیاهی	
	-	۰	۲۰٪	۴۰	۲۴٪	۴۸	۵۲٪	۱۰۴	۴٪	۸	مصدق	جاذبیت، دلب‌پذیری، حفاظت (X ₁₆)		
	۱۸٪	۳۶	۲۶٪	۵۲	۲۰٪	۴۰	۱۲٪	۲۴	۲۴٪	۴۸	نوبهار	سہولت (X ₁₇)		
	-	۰	۳۲٪	۶۴	۵۰٪	۱۰۰	-	۰	۱۸٪	۳۶	مصدق	پیوستگی (X ₁₈)		
	۳۰٪	۶۰	۳۸٪	۷۶	۶٪	۱۲	۱۴٪	۲۸	۱۲٪	۲۴	نوبهار	راحتی و دلب‌پذیری (X ₁₉)		
	۲٪	۴	-	۰	۴۲٪	۸۴	۲۰٪	۴۰	۳۶٪	۷۲	مصدق	ایمنی (X ₂₀)		
	۱۲٪	۲۴	-	۰	۲۸٪	۵۶	۲۴٪	۴۸	۳۶٪	۷۲	نوبهار	ایمنی (X ₂₁)	ایستگاه اتوبوس	
	-	۰	۱۲٪	۲۴	۴۲٪	۸۴	۳۲٪	۶۴	۱۴٪	۲۸	مصدق	دلب‌پذیری (X ₂₂)		
	۶٪	۱۲	۱۸٪	۳۶	۴٪	۸	۲۶٪	۵۲	۴۶٪	۹۲	نوبهار	راحتی و دلب‌پذیری (X ₂₃)		
	-	۰	۸٪	۱۶	۲۸٪	۵۶	۴۶٪	۹۲	۱۸٪	۳۶	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₄)		
	۱۲٪	۲۴	۴٪	۸	۳۶٪	۷۲	۳۶٪	۷۲	۱۲٪	۲۴	نوبهار	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₅)		
	۱۰٪	۲۰	۱۴٪	۲۸	۲۲٪	۴۴	۳۰٪	۶۰	۲۴٪	۴۸	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₆)		
	۱۲٪	۲۴	۲۲٪	۴۴	۲۰٪	۴۰	۲۸٪	۵۶	۱۸٪	۳۶	نوبهار	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₇)	روشنایی خیابان	
	۲۸٪	۵۶	۲٪	۴	۴٪	۸	۶۲٪	۱۲۴	۴٪	۸	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₈)		
	۱۲٪	۲۴	۲۸٪	۵۶	۳۸٪	۷۶	۴٪	۸	۱۸٪	۳۶	نوبهار	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₂₉)		
	۱۶٪	۳۲	۴٪	۸	۴۰٪	۸۰	۳۶٪	۷۲	۴٪	۸	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₃₀)		
	۱۶٪	۳۲	۶٪	۱۲	۴۲٪	۸۴	۳۰٪	۶۰	۶٪	۱۲	نوبهار	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₃₁)	صندلی و نیمکت	
	۱۶٪	۳۲	۲۸٪	۵۶	۴٪	۸	۳۲٪	۶۴	۲۰٪	۴۰	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₃₂)		
	۲۰٪	۴۰	۲۲٪	۴۴	۳۴٪	۶۸	۱۸٪	۳۶	۶٪	۱۲	نوبهار	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₃₃)		
	۲۸٪	۵۶	۲۲٪	۴۴	۳۲٪	۶۴	۸٪	۱۶	۱۰٪	۲۰	مصدق	جاذبیت و دلب‌پذیری (X ₃₄)		

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو
	خیلی زیاد	زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	خیلی کم						
	۱۸٪	۳۶	۲۸٪	۵۶	۳۴٪	۶۷	۸٪	۱۶	۱۲٪	۲۴	نوبهار	راحتی (X ₂₂)	فضاهای فروش خانگی
	۱۶٪	۳۲	۳۶٪	۷۲	۱۸٪	۳۶	۱۶٪	۳۲	۱۴٪	۲۸	مصدق	پیوستگی و راحتی (X ₂₃)	
	۱۴٪	۲۸	۶٪	۱۲	۵۴٪	۱۰۸	۸٪	۱۶	۱۸٪	۳۶	نوبهار	ایمنی (X ₂₄)	
	۰	۰	۱۸٪	۳۶	۵۴٪	۱۰۸	۲۴٪	۴۸	۴٪	۸	مصدق	جاذبیت، دلپذیری و خوانایی (X ₂₅)	
	۴٪	۸	۳۰٪	۶۰	۶۲٪	۱۲۴	۴٪	۸	-	۰	نوبهار		
	۱۴٪	۲۸	۲۸٪	۵۶	۴۰٪	۸۰	۱۰٪	۲۰	۸٪	۱۶	مصدق		
	-	۰	۶۴٪	۱۲۸	۱۸٪	۳۶	۱۴٪	۲۸	۴٪	۸	نوبهار		

جدول ۱۴. نتایج سؤالات تستی میزان مؤلفه‌های آسایش در عناصر حوزه لبه و جداره

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	خیلی زیاد	زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	خیلی کم	کم						
۱. دسترسی و تحرک (مصدق: متوسط) نوبهار: متوسط ۲. تنوع بصری (مصدق: زیاد) نوبهار: متوسط ۳. تناسبات بصری (مصدق: کم) نوبهار: زیاد	۱۴٪	۲۸	۲۰٪	۴۰	۵۴٪	۱۰۸	۴٪	۸	۸٪	۱۶	مصدق	ایمنی و راحتی (X ₂₆)	حوزه لبه حاشیه سبز کنار جاده	
	۱۳٪	۲۴	۴٪	۸	۴۰٪	۸۰	۲۰٪	۴۰	۲۴٪	۴۸	نوبهار			
	-	۰	۲۰٪	۴۰	۲۴٪	۴۸	۵۳٪	۱۰۴	۴٪	۸	مصدق	خوانایی (X ₂₇)		
	۱۸٪	۳۶	۲۶٪	۵۲	۲۰٪	۴۰	۱۳٪	۲۴	۲۴٪	۴۸	نوبهار			
	۱۰٪	۲۰	۵۰٪	۱۰۰	۳۰٪	۶۰	۴٪	۸	۶٪	۱۲	مصدق	جاذبیت و دلپذیری (X ₂₈)		
	۱۸٪	۳۶	۲۲٪	۴۴	۲۸٪	۵۶	۸٪	۱۶	۲۴٪	۴۸	نوبهار			
۱. غنای بصری (مصدق: متوسط) نوبهار: زیاد ۲. تنوع بصری (مصدق: متوسط) نوبهار: زیاد ۳. خوانایی	۱۴٪	۲۸	۲۲٪	۴۴	۳۳٪	۶۴	۲۸٪	۵۶	۴٪	۸	مصدق	دلپذیری (X ₂₉)	حوزه جداره عرض جداره (نما)	
	۱۸٪	۳۶	۴۲٪	۸۴	۱۸٪	۳۶	۴٪	۸	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
	-	۰	۳۰٪	۶۰	۸٪	۱۶	۳۴٪	۶۸	۲۸٪	۵۶	مصدق	ایمنی (X ₃₀)		
	۲۲٪	۴۴	۳۰٪	۶۰	۲۴٪	۴۸	۶٪	۱۲	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
	-	۰	۱۸٪	۳۶	۴٪	۸	۶۰٪	۱۲۰	۱۸٪	۳۶	مصدق	راحتی و حفاظت (X ₃₁)		
	۶٪	۱۲	۱۲٪	۲۴	۵۰٪	۱۰۰	۲۰٪	۴۰	۱۳٪	۲۴	نوبهار			

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	بسیار متوسط	متوسط	بسیار کم	کم	بسیار کم	خیلی کم			تابلو و نشانه‌ها	منظر خیابان
۴. انعطاف-پذیری (مصدق: متوسط نوبهار: متوسط)	-	۰	۱۸٪	۳۶	۲۰٪	۴۰	۴۰٪	۸۰	۲۲٪	۴۴	مصدق	جذابیت (X ₃₂)		
	۱۲٪	۲۴	۱۴٪	۲۸	۳۲٪	۶۴	۲۰٪	۴۰	۲۲٪	۴۴	نوبهار	خوانایی (X ₃₃)		
	-	۰	۱۰٪	۲۰	۳۴٪	۶۸	۳۶٪	۷۲	۲۰٪	۴۰	مصدق	ایمنی (X ₃₄)		
	۳۰٪	۶۰	۱۸٪	۳۶	۸٪	۱۶	۳۲٪	۶۴	۱۲٪	۲۴	نوبهار	جذابیت و دلپذیری (X ₃₅)		
	-	۰	-	۰	۴۰٪	۸۰	۳۲٪	۶۴	۲۸٪	۵۶	مصدق	خوانایی (X ₃₆)		
	-	۰	۳۴٪	۶۸	۴۴٪	۸۸	۴٪	۸	۱۸٪	۳۶	نوبهار	پیوستگی و راحتی (X ₃₇)		
	۱۴٪	۲۸	-	۰	۴۲٪	۸۴	۲۴٪	۴۸	۲۰٪	۴۰	مصدق	عدم خوانایی (X ₃₈)		
	۱۶٪	۳۲	۳۰٪	۶۰	۱۸٪	۳۶	۱۸٪	۳۶	۱۸٪	۳۶	نوبهار	جذابیت و دلپذیری (X ₃₉)		
	-	۰	۱۸٪	۳۶	۵۰٪	۱۰۰	۴٪	۸	۲۸٪	۵۶	مصدق	ایمنی (X ₄₀)		
	-	۰	۵۲٪	۱۰۴	۲۴٪	۴۸	۶٪	۱۲	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
۵. تناسبات بصری (مصدق: متوسط نوبهار: زیاد)	۴۰٪	۸۰	۴۲٪	۸۴	-	۰	۱۰٪	۲۰	۸٪	۱۶	مصدق	راحتی و ایمنی (X ₄₁)		
	۱۸٪	۳۶	۲۴٪	۴۸	۱۸٪	۳۶	۲۲٪	۴۴	۱۸٪	۳۶	نوبهار	دلی‌پذیری (X ₄₂)		
	۲۴٪	۴۸	۳۰٪	۶۰	۳۶٪	۷۲	۴٪	۸	۶٪	۱۲	مصدق	ایمنی و راحتی (X ₄₃)		
	۶٪	۱۲	-	۰	۴۶٪	۹۲	۱۰٪	۲۰	۳۸٪	۷۶	نوبهار			
	-	۰	-	۰	۴۰٪	۸۰	۳۲٪	۶۴	۲۸٪	۵۶	مصدق			
	-	۰	۳۴٪	۶۸	۴۴٪	۸۸	۴٪	۸	۱۸٪	۳۶	نوبهار			
	-	۰	۱۲٪	۲۴	۴۸٪	۹۶	۲۴٪	۴۸	۱۶٪	۳۲	مصدق			
	۴٪	۸	۱۶٪	۳۲	۴۲٪	۸۴	۲۰٪	۴۰	۱۸٪	۳۶	نوبهار			

جدول ۱۵. نتایج سؤالات تستی میزان مؤلفه‌های آسایش در عناصر حوزه سواره‌رو

کیفیت فضایی پیاده‌رو	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		محدوده	مؤلفه آسایش	حوزه‌بندی خیابان و عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو	
	بسیار زیاد	زیاد	بسیار زیاد	زیاد	بسیار متوسط	متوسط	بسیار کم	کم	بسیار کم	خیلی کم			تابلو و نشانه‌ها	منظر خیابان
۱. دسترسی و تحرک (مصدق: کم نوبهار: کم)	۲۴٪	۴۸	۴۶٪	۹۲	-	۰	۴٪	۸	۲۶٪	۵۲	مصدق	راحتی و ایمنی (X ₄₁)		
	۳۴٪	۶۸	۱۸٪	۳۶	۲۲٪	۴۴	۱۲٪	۲۴	۱۴٪	۲۸	نوبهار	دلی‌پذیری (X ₄₂)		
	۴۶٪	۹۲	۴۲٪	۸۴	۸٪	۱۶	-	۰	۴٪	۸	مصدق	ایمنی و راحتی (X ₄₃)		
	۲۲٪	۴۴	۳۶٪	۷۲	۱۶٪	۳۲	۱۸٪	۳۶	۸٪	۱۶	نوبهار			
	-	۰	۴۸٪	۹۶	۲۲٪	۴۴	۳۰٪	۶۰	-	۰	مصدق			
	۱۸٪	۳۶	۴۲٪	۸۴	۱۴٪	۲۸	۱۴٪	۲۸	۱۲٪	۲۴	نوبهار			

۳. نفوذپذیری (مصدق: کم نوبهار: کم)	۳۸٪	۷۶	۱۰٪	۲۰	۲۰٪	۴۰	۳۲٪	۶۴	-	۰	مصدق	راحتی (X44)	لایین بارکینگ	
	۴۴٪	۸۸	۲۰٪	۴۰	۲۴٪	۴۸	۱۲٪	۲۴	-	۰	نوبهار			
	۳۸٪	۷۶	۳۴٪	۶۸	۱۰٪	۲۰	۶٪	۱۲	۱۴٪	۲۸	مصدق	ایمنی (X45)		
	۲۶٪	۵۲	۴۴٪	۸۸	-	۰	۳۰٪	۶۰	-	۰	نوبهار			

همچنین سه راهکار طراحی مجدد پیاده‌رو، سامان‌دهی تبلیغات شهری و بیلبردها و استفاده از موسیقی در مسیر به ترتیب کم‌ترین درصد را در میان پاسخ‌دهندگان خیابان مصدق و نوبهار داشته است و می‌توان این گونه بیان نمود که تأمین آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی نسبت به آسایش روانی برای زنان اولویت دارد (جدول شماره ۱۶).

در بخش دوم سؤالات تستی، مؤلفه‌هایی با توجه به آسایش فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی زنان و حوزه‌بندی خیابان در جهت بهبود وضعیت پیاده‌روها مطرح شده است که در خیابان مصدق به ترتیب سه راهکار بهبود وضعیت روشنایی پیاده‌رو، کف‌سازی معابر، پوشش گیاهی بیشترین درصد و در خیابان نوبهار سه راهکار تأمین مبلمان شهری مناسب، بهبود وضعیت روشنایی پیاده‌رو و بهبود کف‌سازی معابر بیشترین درصد را در میان پاسخ‌دهندگان داشته است.

جدول ۱۶. نتایج بخش دوم سؤالات تستی راهکارهایی برای بهبود پیاده‌روها.

راهکارها	محدوده	تعداد	درصد
طراحی مجدد پیاده‌روها (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی)	مصدق	۶۰	۳۰٪
	نوبهار	۴۸	۲۴٪
بهسازی کف معابر، آسفالت و... (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی)	مصدق	۱۸۰	۹۰٪
	نوبهار	۱۱۲	۵۶٪
توجه به زیرساخت معلولین (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی)	مصدق	۶۶	۳۳٪
	نوبهار	۹۶	۴۸٪
استفاده از مبلمان شهری مناسب (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی و روانی)	مصدق	۱۴۰	۷۰٪
	نوبهار	۱۶۰	۸۰٪
بهبود وضعیت روشنایی پیاده‌رو (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی و روانی)	مصدق	۱۹۲	۹۶٪
	نوبهار	۱۴۸	۷۴٪
استفاده از موسیقی مناسب در مسیر (آسایش روانی)	مصدق	۱۰۸	۵۴٪
	نوبهار	۶۴	۳۲٪
توجه به رنگ‌آمیزی در فضای پیاده‌رو (آسایش روانی و فیزیولوژیکی)	مصدق	۱۵۲	۷۶٪
	نوبهار	۱۰۰	۵۰٪
استفاده از پوشش گیاهی مناسب و سازگار مناسب (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی و روانی)	مصدق	۱۶۰	۸۰٪
	نوبهار	۹۲	۴۶٪
سامان‌دهی تبلیغات شهری، تابلوها و بیلبردها (آسایش روانی)	مصدق	۶۰	۳۰٪
	نوبهار	۸۸	۴۴٪
ایجاد موانع برای جلوگیری از ورود وسایل نقلیه به پیاده‌رو (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی)	مصدق	۱۲۸	۶۴٪
	نوبهار	۱۰۴	۵۲٪
ایجاد لاین دوچرخه (آسایش فیزیکی و فیزیولوژیکی و روانی)	مصدق	۱۲۸	۶۴٪
	نوبهار	۹۶	۴۸٪

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

زنان برای حضور در فضاهای عمومی شهری به‌ویژه خیابان‌های تجاری همواره با محدودیت‌هایی روبرو هستند و عدم توجه به نیازهای آنان، سبب سلب آسایش زنان برای حضور در این فضاها شده است. همان‌طور که در کلیات پژوهش مطرح گردید، این مطالعه به‌منظور ارزیابی آسایش زنان در پیاده‌رو خیابان‌های تجاری مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه انجام گردید.

نتایج حاصل از پژوهش نشان از وجود رابطه معناداری بین عناصر تشکیل‌دهنده پیاده‌رو، نیازهای آسایش زنان و مؤلفه‌های کیفیت فضایی دارد. بر اساس نتایج پرسشنامه، هر دو پیاده‌رو خیابان‌های مصدق و نوبهار در حوزه‌های عبور، مبلمان، لبه، جداره و سواره‌رو برای تأمین آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی) و روانی زنان وضعیت یکسان دارند و تفاوت آن‌ها در کیفیت فضایی است.

اکثریت زنان پاسخ‌دهنده از تأمین نشدن آسایش فیزیولوژیکی و فیزیکی خود ناراضی هستند و تأمین آسایش روانی را تا حدی قابل قبول بیان کرده‌اند. حوزه عبور و حوزه سواره‌رو بیشترین درصد نارضایتی پاسخ‌دهندگان را شامل شده و پس از آن حوزه مبلمان، حوزه جداره و حوزه لبه بیان شده است. در حوزه عبور، سنگفرش‌های فرسوده (به‌ویژه در خیابان مصدق)، پهنای مؤثر کم پیاده‌رو در صورت وجود دست‌فروش‌ها و برخورد عابرین به یکدیگر و عدم توجه به زیرساخت‌های معلولین بیشترین درصد نارضایتی هستند. در حوزه سواره‌رو نیز عدم زهکشی درست آب‌های سطحی که

سبب جمع‌شدن آب در کف پیاده‌روها (به‌ویژه در زمستان) از اصلی‌ترین عامل نارضایتی زنان مطرح شده است. آسایش روانی زنان در حوزه لبه در مقایسه با سایر حوزه‌ها وضعیت مناسبی دارد.

خیابان نوبهار در مقایسه با خیابان مصدق، کیفیت فضایی مطلوبی دارد که این مطلوبیت در حوزه لبه و حوزه جداره مشهود است و پایین‌ترین کیفیت فضایی در حوزه عبور خیابان مصدق بیان شده است.

بنابراین می‌توان اذعان نمود که برای زنان آسایش محیطی (فیزیکی و فیزیولوژیکی) به آسایش روانی اولویت دارد و همین باعث شده که زنان در هر دو پیاده‌رو خیابان مصدق و نوبهار، به دلیل عدم تأمین آسایش محیطی، به آسایش روانی کم‌تر توجه کرده و این‌گونه می‌پندارند که وضعیت مناسبی دارد، در حالی که این‌گونه نیست و آسایش محیطی و روانی زنان نیازمند توجه و بازنگری در طراحی است تا زنان نیز بتوانند همانند سایر گروه‌های جامعه از فضاهای عمومی به‌ویژه خیابان‌های تجاری استفاده کنند.

این پژوهش کم‌وکاستی‌های پیاده‌روهای خیابان مصدق و نوبهار شهر کرمانشاه را با توجه به میزان تأمین آسایش محیطی و روانی زنان مقایسه و ارزیابی نمود و پس از شناخت مشکلات و راهکارهای به‌دست‌آمده از نظرسنجی، در [\(جدول شماره ۱۷\)](#) راهکارها و توصیه‌هایی را برای توجه و تأمین آسایش محیطی و روانی زنان ارائه می‌نماید.

جدول ۱۷. راهکارهای بهبود آسایش زنان در پیاده‌روهای خیابان مصدق و نوبهار

حوزه	راهکارهای بهبود پیاده‌روهای خیابان مصدق و نوبهار	آسایش زنان	کیفیت فضایی
حوزه عبور	تعویض و بهسازی کف پیاده‌رو (سنگفرش) به‌ویژه در محل کاربری‌های مهم پیاده‌رو مصدق که کاملاً نامناسب هستند (پایدار، محکم و ضد لغزش باشد و نباید سطح نامنظمی برای تردد داشته باشد)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	دسترسی و تحرک نفوذپذیری
	استفاده از رنگ‌آمیزی مناسب در سطح کف و مشخص کردن مسیر حرکت نابینایان با تغییر مصالح کف (به لحاظ تفکیک) در طول مسیر پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	پلکانی اجرانشدن نمای ساختمان‌های پیاده‌روهای مصدق و نوبهار که از این به بعد در حوزه جداره ساخته می‌شوند در جهت کاهش احتمال سقوط مصالح	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	
	حذف اختلاف سطح‌های غیرضروری و تعبیه رمپ استاندارد معلولین در محل قطع پیاده‌رو در ابتدای ورودی کوچه‌ها به پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	
حوزه مبلمان	توجه ویژه به نورپردازی مناسب و جانمایی بهینه منابع روشنایی به‌ویژه در کنار ایستگاه‌های اتوبوس در پیاده‌رو مصدق (ساعات پررفت‌وآمد عصر و شب)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	غنا بصری تنوع بصری خوانایی
	تعریف فضای سبز میانی خیابان نوبهار به کمک نورپردازی و زیبا نمودن مسیر پیاده‌روی به این واسطه	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	افزایش ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی در پیاده‌رو نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	
	تعریف فضاهای خرد مقیاس به کمک مبلمان و درختان در پیاده‌رو مصدق برای رفع یکنواختی در مسیر پیاده‌روی	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	استفاده از رنگ‌آمیزی مناسب مبلمان (رنگ موجود مبلمان در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار به دلیل تیره بودن در عصر و شب قابل تشخیص نیست از رنگ‌های قابل دید استفاده شود)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	مکان‌یابی انواع مبلمان‌ها و فضاهای تجمعی در نقاط با دسترسی آسان و بر مبنای عوامل جمعی، تابش آفتاب و سایه (فاصله زیاد مبلمان در پیاده‌روهای مصدق و عدم وجود نیمکت در پیاده‌رو نوبهار)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی)	
	تنوع و طراحی منقطع فضاهای نشستن برای استفاده فردی و گروه‌های کوچک به‌ویژه در پیاده‌رو مصدق	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	به‌روزرسانی فضاها، مبلمان (تأسیسات آب آشامیدنی، سطل زباله علائم و نظایر آن) به‌صورت دوره‌ای باهدف جذابیت، تازگی و عدم تکراری شدن	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	هماهنگ شدن تابلوها، نشانه‌ها در جهت خوانایی و لذت بینایی (در وضع موجود پیاده‌روهای مصدق و نوبهار تابلوها و نشانه‌ها در خوانایی فضا نقشی ندارند)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	کاشت گل و محوطه‌سازی در جهت تفکیک فضا و تقویت بویایی به‌ویژه در پیاده‌رو مصدق که طول مسیر یکنواخت است.	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
حوزه به	کنترل و نظم‌بخشی به پارک حاشیه‌ای در خیابان نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	دسترسی و تحرک، تنوع بصری، تناسبات بصری

حوزه	راهکارهای بهبود پیاده‌روهای خیابان مصدق و نوبهار	آسایش زنان	کیفیت فضایی
	رسیدگی و کاشت منظم درختان حاشیه پیاده‌رو خیابان مصدق به لحاظ تفکیک فضای پیاده از سواره و نیز ایجاد سایه مطلوب	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
حوزه جداره	ارتفاع گرفتن جداره‌ها تا پنج طبقه در پیاده‌روهای خیابان مصدق و نوبهار جهت افتادن سایه مطلوب در تابستان بر خیابان	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی)	
	ارتفاع گرفتن ساختمان‌ها در جداره‌ها تا پنج طبقه در جهت ایجاد خط آسمان هماهنگ در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی) و روانی	
	ارتفاع گرفتن جداره‌ها تا ۵ طبقه و تخصیص کاربری مسکونی (حضور ۲۴ ساعته) به طبقه فوقانی در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
	استفاده از شکل‌های بومی کرمانشاه و متناسب در نماهای خیابان مصدق و نوبهار	آسایش روانی	
	رعایت نسبت‌های ۲ به ۷ در تقسیم‌بندی درونی نماهای پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش روانی	
	تعبیه عقب رفتگی در جداره‌ها برای نشستن، ایستادن، نظاره کردن و تجمع افراد و تعبیه جاهای نشستن ثانویه مثل سکوها و لبه‌ها به‌ویژه در پیاده‌رو نوبهار که گاهاً دوستان برای جنبه تفریحی و دورهم جمع شدن به نوبهار می‌آیند.	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	غنا بصری تنوع بصری
	ایجاد چشم‌انداز یکپارچه در حوزه نما پیاده‌رو برای حفظ تداوم و دسترسی به منظره خیابان به‌ویژه در پیاده‌رو مصدق که اغتشاش در نماها (مدرن و سنتی) و ارتفاع ساختمان‌ها وجود دارد.	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	خوانایی
	نصب تابلوی دست‌فروشی ممنوع در نقاط شلوغ به‌ویژه در محل کاربری‌های مهم پیاده‌رو مصدق و مدیریت زمانی و مکانی فعالیت دست‌فروشان باهدف پرهیز از سد معبر و حفظ تردد روان زنان عابر پیاده در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	انعطاف‌پذیری تناسبات بصری
	تشویق به تنوع معماری با حفظ الگوهای سنتی در پیاده‌رو مصدق تنوع و پراکندگی کاربری در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار (در هر دو پیاده‌رو کاربری‌های مهم در یک سمت تجمع داشته و سمت دیگر تنوع کاربری کم‌تری دارد)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	
حوزه سواره‌رو	بن‌بست شدن معابر و حذف امکان ورود ماشین از کوچه به خیابان به‌ویژه در خیابان مصدق	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	
	استفاده از موانع جهت جلوگیری از ورود موتور و دوچرخه‌سواران به فضاهای پیاده‌رو (به‌ویژه در پیاده‌رو نوبهار که به دلیل مسکونی بودن کاربری‌های اطراف دوچرخه‌سواران از لاین پیاده‌رو استفاده می‌کنند)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	دسترسی و تحرک
	بررسی و تخصیص فضا برای عبور عابرین پیاده، دوچرخه‌سواران و حمل‌ونقل در پیاده‌روهای مصدق و نوبهار	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و روانی)	تناسبات بصری
	پارکینگ خودروها به زیر یا بالای طبقات ساختمان‌های جدید منتقل شود تا حداقل تأثیر بصری را در محیط داشته باشد (به‌ویژه در پیاده‌رو نوبهار که به دلیل ساخت-وسازهای جدید این امکان فراهم است)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	نفوذپذیری
	جمع‌آوری آب‌های سطحی و استفاده از آن برای آبیاری گیاهان در سطح شهر در طول مسیر پیاده‌رو مصدق (به‌ویژه در محل پاساژ سروش)	آسایش محیطی (فیزیولوژیکی و فیزیکی)	

۸. منابع

فصلنامه علمی پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۱۱ (۴۱)،

۱۳۰-۱۱۳.

[DOR: 20.1001.1.22285229.1399.11.41.8.7](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1399.11.41.8.7)

• پاکزاد، جهان‌شاه، و سوری، الهام. (۱۳۸۶). مقالاتی در

باب طراحی شهری. تهران: نشر شهیدی.

• پورناصری، شهناز. طاهر طلوع دل، محمدصادق. و

سمیعی کاشی، سیده ثمینه. (۱۳۹۹). مدل تأثیر عوامل

فیزیکی بر آسایش فیزیکی انسان. فصلنامه نقش جهان -

مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و

شهرسازی. ۱۰ (۲)، ۹۵-۱۰۸.

<http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-39399-fa.html>

• تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). شهرسازی شهروندگرا -

ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های

شهری (ترجمه محمد احمدی‌نژاد). اصفهان: نشر

خاک.

• جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای

بزرگ آمریکایی (ترجمه آرزو افلاطونی و علیرضا

پارسی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• حاجی احمدی همدانی، آذین. ماجدی، حمید. و

جهان‌شاه لو، لعل. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیرگذار

برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری مطالعه

موردی: محله پونک (۲۰ متری گلستان) شهر تهران.

فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری. ۴۷ (۱۴)،

۴۷-۶۰.

<https://urbstudies.uok.ac.ir/article-13007.html>

• حبیبی، میترا. و علی‌پورشجاعی، فرشته. (۱۳۹۴).

بررسی تطبیقی قضا‌های عمومی و ویژه زنان با فضاهای

عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای زنان

نمونه موردی: پارک آب‌و‌آتش و بوستان بهشت

مادران تهران. نشریه هنرهای زیبا-معماری و

شهرسازی. ۱ (۲)، ۱۷-۳۳.

• آیین‌نامه طراحی معابر شهری. (۱۳۹۹). بخش دهم

مسیرهای پیاده. تهران: معاونت حمل‌ونقل و وزارت راه و

شهرسازی.

• اسدی محل چالی، مسعود. و بشارت، شراره. (۱۳۹۴).

ارتقا سرزندگی پیاده‌راه‌های شهری به کمک رویکرد

مکان‌سازی نمونه پژوهش خیابان صف (پیاده‌راه

تجاری-فرهنگی سپهسالار) تهران. اولین همایش

بین‌المللی و سومین همایش ملی افق‌های نوین در

توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران،

گردشگری و محیط‌زیست شهری و روستایی، همدان.

<https://civilica.com/doc/448955>

• انجمن شهرسازی آمریکا. (۱۳۸۷). مکان‌ها و مکان-

سازی، استانداردهای برنامه ریزی و طراحی شهری

(ترجمه گیتی اعتماد، مصطفی بهزادفر و ساسان

صالحی میلانی). تهران: نشر جامعه مهندسان مشاور

ایران.

• بنتلی، ای. ین. اکلک، آلن. مورین، پال. مک گلین،

سو. و اسمیت، گراهام. (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخ‌ده:

کتاب راهنمای طراحان (ترجمه مصطفی بهزادفر).

تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

• بهزادفر، مصطفی، و جلیلی صدرآباد، سمانه، و برجی،

فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی عوامل تبیین‌کننده

میزان پیاده‌مداری محلی (مورد پژوهش: محله جنت -

آباد شمالی و محله نارمک (هفت‌حوض)). معماری و

شهرسازی پایدار. ۱۰ (۱)، ۹۱-۱۰۶.

[DOI:10.22061/jsaud.2021.7116.1748](https://doi.org/10.22061/jsaud.2021.7116.1748)

• پایاب، احسان. خطیبی، محمدرضا. سلطان‌زاده،

حسین. و معینی‌فر، مریم. (۱۳۹۹). رتبه‌بندی کیفی و

تحلیل فضاهای پیاده شهری با رویکردی عدالت

فضایی مورد مطالعه: پنج مسیر پرتردد شهر همدان.

DOI: 10.22059/jfaup.2015.56368

• راپاپورت، ایماس. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی (ترجمه فرح حبیب). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

• سازمان برنامه‌ریزی منطقه‌ای سن‌دیه‌گو. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی و طراحی برای پیاده‌ها: رهنمودهای طراحی شهری پیاده‌مدار (ترجمه رضا بصیری مؤدبی). تهران: طحان.

• سجاذاده، حسن و حقی، محمدرضا. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی کیفیت محیطی پیاده‌راه‌های تجاری و بازارهای سنتی، نمونه موردی: پیاده‌راه پانزده خرداد و بازار قدیم تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر. ۱۰ (۲۱)، ۴۹-۵۹.

<https://www.armanshahrjournal.com/article-58558.html>

• سیف‌اللهی فخر، سپیده، و لاریمیان، تایماز، و معززی مهر طهران، امیرمحمد. (۱۳۹۲). تعیین شاخص‌های مؤثر در خلق مکان‌های امن پیاده‌مدار جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: خیابان بهار آزادی محله خاک سفید تهران). معماری و شهرسازی ایران. ۴ (۵)، ۸۵-۹۵.

<https://doi.org/10.30475/isau.2014.61965>

• صادقی، نرگس و سبحانی ارکانی، سهیل. (۱۳۹۲). امکان‌سنجی احداث پیاده‌راه به‌عنوان یک کاتالیزور در جهت ارتقای کیفیت فضای شهری (مطالعه موردی: محور بوعلی همدان). مطالعات محیطی هفت حصار. ۲ (۵)، ۱۳-۲۰.

<https://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-91-fa.html>

• عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیات فضای پیاده‌راه‌ها به‌منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: محورهای تربیت و

ولیعصر تبریز). فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری. ۱ (۴)، ۱۰۴-۹۵.

<https://urbstudies.uok.ac.ir/article-3668.html>

• عزتی، مهسا، و قلی‌پور، سیاوش، و مرادخانی، همایون. (۱۳۹۹). تولید اجتماعی فضای شهری، مورد مطالعه پارک نوبهار کرمانشاه. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۱۳ (۱۳)، ۱۶۲-۱۳۱.

<https://doi.org/10.22035/jicr.2020.2375.2842>

• غفاریان شعاعی، مهران، و نقصان محمدی، محمدرضا، و تاجدار، وحید. (۱۳۹۲). شناسایی نحوه و میزان تأثیر عناصر پیاده‌روهای شهری بر ابعاد مؤلفه‌های سلامت عابران. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری. ۷ (۷)، ۳۰-۱۵.

<https://urbstudies.uok.ac.ir/article-5945.html>

• کاظمی، عباس. (۱۴۰۱). پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی. تهران: فرهنگ جاوید.

• گلگار، کورش. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

• لینچ، کوین. (۱۳۹۵). سیمای شهر (ترجمه منوچهر مزینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

• محمدی، کلثوم، و ذوالفقاری، حسن، و کولیوند، طاهره. (۱۳۹۸). شبیه‌سازی شرایط میکروکلیمایی و آسایش حرارتی در معابر اصلی کلان‌شهر کرمانشاه. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای. ۹ (۳۰)، ۷۷-۹۳.

DOI:10.22111/GAIJ.2019.4446

• موسی‌پور، حمیدرضا، و گوهری، حمید، و خسروشاهی، مهسا. (۱۳۹۲). نقش فضاهای تجاری پیاده‌مدار در افزایش سطح سرمایه مکانی پایدار. کنفرانس بین‌المللی عمران و توسعه پایدار شهری، تبریز، مجتمع رفاهی پتروشیمی تبریز.

<https://civilica.com/doc/274090>

<https://trid.trb.org/view/483358>

- Mateo-Babiano, I. (2003). *Pedestrian Space Management as a Strategy in Achieving Sustainable Mobility*.

<https://www.oikos-international.org/fileadmin/oikos-international/summer-Academies-old-ones/edition-2003/Papers/papers-babiano.pdf>

- Mutiwati, C. & Mita Suryani, F. & Faisal, R. & Ahlan, M. (2020). Analysis of pedestrians' sidewalk service. *Transport problems*. 4 (15), 69-82.

DOI: 10.21307/tp-2020-049

- NZ Transport Agency. (2009). *Pedestrian Planning and Design Guid*. New Zealand: Land Transport New Zealand. Retrieved March 15, 2023.

<https://www.nzta.govt.nz/resources/pedestrian-planning-guide/>

- Shaftoe, H. (2008). *Convivial Urban Spaces: Creating Effective Public Spaces*. London: Earthscan from Routledge.

<https://doi.org/10.4324/9781849770873>

- Sapawi, R. & Said, I. (2012). Constructing Indices Representing Physical Attributes for Walking in Urban Neighborhood Area. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. (50), 179-191.

<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.08.026>

- Smith, D.E. (1987). *The everyday world as problematic: A Feminist sociology*. Boston: Northeastern University.

<https://doi.org/10.1177/089692059101800112>

- Smith, D.E. (1991). Writing women's experience into social science. *Feminism and Psychology*. 1 (1), 155-169.

<https://doi.org/10.1177/0959353591011019>

- Speiregen, P.D. (1965). *Urban DESIGN, the Architecture of Towns and Cities*. New York: McGraw-Hill.

<https://archive.org/details/urban-design-the-architecture-of-town-and-cities-by-sprenger-paul-d/page/n51/mode/1up>

- Ujjwal, J. & Bandyopadhyaya, R. (2022). Development of

- نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۰). راهبردهای طراحی و کنترل فضاهای پیاده‌روهای شهری. فصلنامه رشد آموزش جغرافیا. ۹۵(۴)، ۱۴-۱۹.

https://www.roshdmag.ir/Roshdmag_content/media/article/2909.pdf

- نیکنام، عبدالرضا. و شاطرزاده، علی. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیت پیاده‌راه‌ها با رویکرد تعاملات اجتماعی. چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران.

<https://civilica.com/doc/612412>.

- Alfonzo, M. (2005). To Walk or Not to Walk? The Hierarchy of Walking Needs. *Journal Environment and Behavior*. (37), 808-836.

<https://doi.org/10.1177/0013916504274016>

- Appelyard, D. (1983). Streets can Kill Cities: Third World Beware Guidelines for Design in Third World Cities. *HABITAT INTL*. 7 (3/4), 111-112.

[https://doi.org/10.1016/0197-3975\(83\)90039-5](https://doi.org/10.1016/0197-3975(83)90039-5)

- Budi Dermawan, W. & Bagaskara, H. & Isradi, M. & Mufhidin, A. (2021). Analysis of sidewalk or pedestrian path satisfaction (Case study of Casablanca Street, Kasablanka city mall area). *IJTI International Journal of Transportation and Infrastructure*. 5(1), 53-63.

<https://doi.org/10.29138/ijti.v5i01.1501>

- Cullen, G. (1961). *The Concise Townscape*. London: Architectural Press.

<https://doi.org/10.4324/9780080502816>

- Christopher, K. (2011). *Better streets, better cities: A guide to street design in urban India*. ITDP-EPC.

[Http// www.itdo.org](http://www.itdo.org)

- Gardner, K. & Johnson, T. & Buchan, K. & Pharaoh, T. (1996). Developing a Pedestrian Strategy for London. *Transport Policy and Its Implementation, Proceedings of Seminar B Held AT the 24th European Transport Forum, Brunel University, England*. Retrieved from

comprehensive service quality assessment framework for sidewalks considering desired and actual conditions. *Transportation Letters*. 1(2), 1-15.

<https://doi.org/10.1080/1942867.2022.2047439>

- Zegeer, C.V. & Seiderman, C. & Lagerwey, P. & Cynecki, M. & Ronkin, M. & Schneider, R. (2002). *Pedestrian Facilities Users Guide: Providing Safety and Mobility*. U.S: Pedestrian and Bicycle Information Center. Retrieved from

<https://rosap.nhtl.bts.gov/view/dot/35637>

نحوه ارجاع به مقاله:

طاهری سرمد، فائزه. (۱۴۰۲). قیاس تطبیقی کیفیت‌های فضایی پیاده‌روهای خیابان تجاری با تأکید بر آسایش زنان (مورد پژوهی: خیابان مصدق و نوبهار کرمانشاه). توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۷۱-۱۰۱.



DOI: 10.22034/USD.2023.705967



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.5.8

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_705967.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Received: 05/04/2023

Accepted: 06/06/2023

A Comparative Comparison of the Spatial Quality of Commercial Street Sidewalks with an Emphasis on Women's Comfort (Case Study: Mossadegh Street and Nobahar Street, Kermanshah)

Faezeh Taheri Sarmad^{1*}

Abstract: Women are a significant part of the audience of commercial streets, that their needs to be present in these space have been given less attention than other groups, and so we may have heard many times from women that the experience of being present and passing through these passages is not easy for this gender group, because it creates a sense of discomfort and insecurity in them. The sidewalks of Mossadegh and Nobahar commercial streets in Kermanshah are no exception to this rule, and what can be seen from the analysis and analysis of the functional situation and the experience of the presence of women, especially during the busy hours, in these two streets, shows the lack of attention to comfort standards both environmental and psychological comfort in the design of these spaces. Based on this, the purpose of the current research is practical and it seeks to investigate and analyze the state of comfort (environmental and psychological of women) based on the facilities available on the said sidewalks, as well as the analysis and evaluation of the quality of the environment based on the indicators of the quality of the environment, and it seeks to answer the question that What is the comfort situation of women on the sidewalks of Kermanshah's commercial street and what should be done to make it happen? In terms of its applied nature and with a descriptive-analytical approach, this research first deals with the knowledge of sidewalk elements, space quality indicators and women's comfort components using documentary studies and library resources, then based on the concepts extracted from the theoretical part and the relationship between the comfort needs of women and the indicators of the quality of sidewalk space, the evaluation criteria for women's comfort are compiled based on international standards. The tools used in this research are field observation, questionnaire (Likert scale) and interview. The sample size was based on the Cochran formula and 200 people for each sample, and the questionnaire was randomly distributed among the women present in the commercial streets. Data measurement has been done using common statistical test (percentage) and reliability evaluation using Cronbach's alpha in SPSS software. The results obtained from the systematic analysis of the data indicate that the condition of women's comfort on both the sidewalks of Mossadegh and Nobahar streets is evaluated as poor, so that the environmental (physiological and physical) comfort of women is unfavorable and the highest average is in the crossing area and the area rider is facing. In terms of mental comfort criteria, both streets in the edge area have a relatively favorable condition. Also, the results of the survey and evaluation of the spatial quality show that the sidewalk of Nobahar Street has a better quality than Mossadegh Street.

Keywords: Spatial quality, Commercial sidewalk, Women's comfort, Kermanshah

¹ *Assistant Professor, Department of Architecture, Eslam Abad-E-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-E-Gharb, Iran. Correcspounding Author, Email: Faezhtaheri85@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۱۲۳-۱۰۳

بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان^۱

معصومه کرمانشاهی^۲، سید علی هاشمیانفر^{۳*}، فریدون وحید^۴

چکیده: امروزه زندگی اجتماعی شهری از طرفی با آمیختگی فرهنگی، مذاهب و قومیت‌ها روبروست و از طرفی دیگر گسترش و افزایش روابط اجتماعی میان افراد، از این رو تحمل تفاوت‌ها و ناهمگونی‌ها مسئله قابل اهمیتی محسوب می‌شود. درواقع تحمل اجتماعی با مفهوم احترام و پذیرش تنوعات، راهکاری برای تنظیم تعاملات افراد و گروه‌های متفاوت به شمار می‌آید هر آنچه باعث بهبود روابط اجتماعی شود باعث کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی شده و پیرو آن جامعه را به سمت اهداف توسعه پایدار پیش می‌برد. این تحقیق با تکیه بر نظریات و گت دورکیم، موتزو آدورنو و هور کهایمر انجام شده است. پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ باهدف تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر تحمل اجتماعی شهروندان شهر اصفهان، تعداد ۴۶۱ نفر با استفاده از نرم‌افزار Gpower را از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب کرده و بعد از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل کرده است یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای دین‌داری (۰/۳۰۸) و هوش فرهنگی (۰/۳۸۳) با متغیر تحمل اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم و بین متغیرهای اقتدارطلبی (۰/۲۵۰-) و تفکر قالبی (۰/۱۵۱-) با متغیر تحمل اجتماعی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

واژگان کلیدی: زندگی شهری، تحمل اجتماعی، هوش فرهنگی، اقتدارطلبی، دین‌داری

^۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم معصومه کرمانشاهی با عنوان «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحمل اجتماعی در شهر اصفهان» می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^{۳*} دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول:

Email:seyedalhashemianfar@yahoo.com

^۴ استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

با پیدایش شهرها رفته رفته تغییرات بسیاری در زندگی انسان ایجاد شد. این تغییرات به گونه‌ای است که همگام با گسترش شهرنشینی علاوه بر تأثیر انسان بر شهر، شهر نیز گویی هویت مستقل داشته و بر انسان تأثیر می‌گذارد. به این صورت روش زندگی و تفکر انسان متحول شد که برای حفظ تداوم زندگی شهری لازم بوده است.

شهر مجموعه‌ای از فضاهاست که انسان‌ها خود آن را سازمان‌دهی می‌کنند راپوپورت^۱ (۱۹۶۹) معتقد است فضاها مجموعه‌هایی پویا از صحنه‌ها هستند. صحنه محدوده‌ای از فضا است که نظامی از فعالیت‌ها را درون خود جای می‌دهد به صورتی که رفتارها با محیط درون آن فضا روابط قابل انتظار به وجود می‌آورند. انسان‌ها بازندگی در فضا رابطه‌ای پیوسته و متقابل با آن برقرار می‌کنند از آن تغذیه می‌شوند از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند، در آن فضا حرکت می‌کنند و با این حرکت خود در آن فضا معنا می‌آفرینند، اجزای فضا را به نشانه‌های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و یا نشانه‌هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۳۷). فضای شهری به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا از مقوله فضا مستثنا نیست بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه‌ای پویا با یکدیگر دارند. درواقع فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۴۸). امروزه با افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی مسائل و مصائبی در این فضای شهری پدیدار شده است. به طوری که شاهد مشکلات اقتصادی همچون کاهش ارزش پول ملی و هزینه‌های بالای زندگی، مشکلات زیست محیطی مثل آلودگی هوا و آلودگی صوتی، مشکلات اجتماعی مانند خشونت و نزاع هستیم.

در پارادایم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری به ابعاد اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی توجه می‌شود تا همه‌ی جنبه‌های زندگی شهری را پوشش دهد توسعه پایدار اجتماعی به دنبال رفاه فیزیکی ذهنی و اجتماعی افراد و به تبع

آن بالا بردن سطح کیفیت زندگی است چراکه مفهوم پایداری اجتماعی عمدتاً با ابعاد کیفی همگام است. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبود بخشی سرمایه اجتماعی یعنی شکل‌دهی جوامعی همگن و یکپارچه با منافع متقابل دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی جامعه‌های دارای احساس ترحم صبوری قابلیت انعطاف و تابع عشق وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود (Goodland, 2002, 221). همان‌طوری که از تعریف

پایداری اجتماعی برمی‌آید صبوری، قابلیت انعطاف، تحمل مدارا از مؤلفه‌های مهم این مفهوم می‌باشد در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یکپارچه‌شده، تحمل می‌تواند صفت برجسته و مهمی برای نسل جدید باشد (Berggren, & Nilsson, 2014, 17). از طرفی برقراری و تقویت ابعاد توسعه از ضروریات هر کشوری محسوب می‌شود ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که راه طولانی برای این منظور دارد اصفهان از جمله کلان‌شهرهای مهم ایران است که دارای اقتصاد صنعتی است البته صرفاً با رشد اقتصادی اهداف توسعه پایدار تحقق نمی‌یابد همچنین این شهر به عنوان شهر خلاق جهانی از ظرفیت‌های بالایی در حوزه فرهنگ و هنر برخوردار است لازمه پایداری شهری پیشرفت متعادل و هماهنگ اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می‌باشد بنابراین اصفهان ویژگی‌های لازم برای شکوفایی این ظرفیت‌های بالقوه را دارد تا با برنامه‌ریزی صحیح بتواند به عنوان پیشرو و الگو در سطح کشور مطرح شود از این رو شهروندان در فرایند پایداری شهری باید انسان‌هایی آگاه باشند که قادر به انطباق‌پذیری و سازگاری در نا به سامانی‌ها و شرایط جدید داشته باشند افزایش تحمل اجتماعی می‌تواند یکی از راهکارهایی برای رویارویی با مشکلات زندگی شهری و رسیدن به اهداف توسعه پایدار شهری باشد.

تحمل یکی از ارزش‌های اساسی و از جمله مفاهیمی است که در بسیاری از ابعاد زندگی ما تنیده است در تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، مذهب و اخلاق هر جانشانی از این

¹ Rapoport

(Mguni, 2019, 2). زمانی که در جامعه‌ای اهداف و برنامه‌ها دچار آشفتگی شود قاعدتاً فراوانی خواسته‌ها راه‌های ناهمگونی برای رسیدن به مقصود برای آن فراهم می‌کند. در نتیجه کسی به دیگری مدارا روا نخواهد داشت قاعده‌ها را گروه‌های پیروز تعیین می‌کنند درحالی که باید شرایط لازم برای طرح نظر و ابراز وجود گروه‌های مختلف اجتماعی به‌عنوان یک ارزش پذیرفته شود. در نهایت زمانی که بردباری تحمل افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به دولتمردان و از طرف دیگر دولتمردان با عموم مردم جامعه افزایش یابد خواسته‌ها و اهداف چه در سطح فردی و چه در زمینه توسعه اجتماعی بیشتر به تحقق نزدیک می‌شود پژوهش حاضر می‌تواند برای این منظور راهگشا باشد.

۱-۱- ضرورت تحقیق

این تحقیق برای شهر اصفهان به‌عنوان شهری با قدمت بالای تاریخی با ظرفیت و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از حضور تعداد بالای مهاجران و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و همچنین پیروان مذاهب مختلف ضروری به نظر می‌رسد زیرا که عدم توجه به آن، اثرات جبران‌ناپذیری برای این منطقه به بار خواهد آورد همچنین اصفهان نقش مهمی در مورد جذب سرمایه‌های ملی و بین‌المللی و جذب گردشگر دارد که برای پیشبرد اهداف اقتصادی اجتماعی ضروری است تحمل و مدارا و مؤلفه‌های کلیدی در جذب این سرمایه‌هاست که تعیین عوامل مؤثر و ابعاد تحمل اجتماعی و تعیین میزان آن می‌تواند در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و فرهنگی به‌صورت کاربردی مورد استفاده مربیان مدیران و متولیان آن قرار گیرد تا در نهایت درصد کاهش آسیب‌های اجتماعی حرکت به‌سوی صمیمیت همبستگی اجتماعی و توسعه اقتصادی و فرهنگی بیانجامد.

۱-۲- اهداف تحقیق

تحقیق حاضر قصد دارد تا با تکیه بر دیدگاه نظری در مورد تحمل اجتماعی به تأثیرپذیری آن از عوامل اجتماعی پردازد و با آزمون تجربی آن در میدان مورد مطالعه یک

موضوع پیدا می‌شود پیدایش اختلاف در بینش و منش انسان‌ها امری ضروری در نظام هستی است که از طبیعت آفرینش انسان نشئت می‌گیرد به رسمیت شناختن این اختلافات اجتناب‌ناپذیر دلیل روشنی بر به‌کارگیری تحمل در زندگی اجتماعی است تحمل به معنی پذیرش تفاوت‌ها به‌عنوان یک امر طبیعی و واقعی دلالت دارد به‌طوری که تفاوت‌های هر شخصی که در جامعه زندگی می‌کند مورد قبول و احترام باشد به‌کارگیری تحمل به‌گونه‌ای است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش زندگی می‌کنند بدون هرگونه درگیری خشونت چه‌بسا بعضی افراد در موضع قدرت قرار دارند اما باوجود عقاید و شرایط مخالف از خود تحمل و مدارا نشان می‌دهند درواقع خودداری آگاهانه است. تحمل، تفاوت را ممکن و تفاوت، تحمل را ضروری می‌سازد (Nizah, 2015, 295).

معمولاً افراد خودشان را در آسیب یا مسئله‌ای که دارند تعریف می‌کنند و این‌گونه سایر توانمندی‌های خود را نادیده می‌گیرند و در حل مسائل مستأصل هستند و تحمل کمتری از خود نشان می‌دهند این در حالی است که برای یک زندگی اجتماعی بهتر به دانایی و همدلی و آمادگی برای دریافت آگاهی ضروری می‌باشد که علاوه بر کسب مهارت‌های فردی در زمینه تحمل و مدارا مهارت‌های اجتماعی نیز اهمیت فراوانی دارد زیرا اگر هر یک از افراد جامعه نگران از سرنوشت و جایگاه خود تنها به نجات خویش بی‌اندیشند و فارغ از هر چه بر جمع می‌گذرد، درصدد یافتن راهکارهایی برای به‌دربردن خود از مهلکه باشند و به بهای نادیده انگاشتن حق و حقوق دیگران بر اولویت و خواسته‌های فردی خود تأکید کنند در نتیجه ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش و کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. به بیان هرسلاند و امگونی (۲۰۱۹)^۱ روشن است شیوه‌های اجتماعی تعیین‌کننده کیفیت زندگی شهری دارای اهمیت است و می‌توان به تحمل اجتماعی نسبت داد چراکه تحمل اجتماعی سبب می‌شود سطوح تعیین‌شده برای زندگی در شهر تغییر کند و شهروندان با سطوح بالاتری از کیفیت زندگی شهری برخوردار شوند (Herslund &

¹Herslund & Mguni

فضای کلی از وضعیت تحمل و مدارا و میزان اثرگذاری عوامل اجتماعی مختلف در بین شهروندان شهر اصفهان را نشان دهد.

هدف کلی: تعیین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تحمل اجتماعی
اهداف جزئی:

۱. درک و شناخت تحمل اجتماعی به وسیله ابعاد آن
۲. تعیین ترجیح ابعاد تحمل اجتماعی در بین شهروندان اصفهان
۳. شناخت و تعیین عوامل مؤثر بر میزان تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
۴. ارائه پیشنهادهایی برای افزایش تحمل و مدارا

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- پیشینه

چندی از تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع ارائه می گردد.

۲-۱-۱- تحقیقات داخلی

بهمن پور (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی به بررسی اثر ابعاد فرهنگی و سایر عوامل بر میزان تحمل تفاوت های فکری، سیاسی، اجتماعی و مذهبی پرداخته است. در این تحقیق رابطه متغیرهای فرهنگی مختلفی از قبیل فردگرایی، جمع گرایی، اقتدارگرایی، جزم اندیشی، احساس عدالت، عام گرایی، تحرک اجتماعی، عزت نفس با برد باری اجتماعی بر اساس نمونه ۳۰۰ نفری از شهروندان تهرانی بررسی شده است، یافته های این تحقیق حاکی از آن است که اقتدارگرایی و جزم اندیشی با بردباری اجتماعی دارای رابطه منفی و عام گرایی، عزت نفس، احساس عدالت و فردگرایی و جمع گرایی با آن دارای رابطه مثبت هستند.

حسین زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مدارا گری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان» با روش کمی پیمایش به بررسی اثر متغیرهایی چون اقتدارطلبی، تفکر قالبی، پیش داوری، تعصب ورزی، روحیه انتقادی، عقلانیت،

گفت و گو و خشونت طلبی بر مدارا پرداخته است؛ و نتایج تحقیق نشان می دهد همه ی متغیرها با مدارا رابطه ی معنادار داشته و چارچوب نظری از نظر ارتباط تأیید ولی از نظر جهت رد شده است عقلانیت ضعیف ترین، تفکر قالبی، تعصب ورزی و خشونت طلبی ارتباط قوی تر و گفت و گو، اقتدارطلبی، پیش داوری و روحیه انتقادی رابطه ی متوسطی با مدارا داشتند؛ و در تحلیل عاملی تفکر قالبی و پیش داوری بر عاملی به نام مطلق اندیشی بار شدند که این عامل به تنهایی ۰/۷۲ در صد از میزان مدارا را پیش بینی کرده، بنابراین به عنوان قوی ترین بعد شناسایی شده است.

زالی زاده، علی پور و زالی زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان پیش بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک های هویت شناختی - اجتماعی در دانشجویان انجام دادند نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سبک اطلاعاتی پیش بینی کننده مثبت و مدارای عقیدتی، سیاسی و هویتی می باشد همچنین این سبک به صورت منفی و مدارای رفتاری را پیش بینی کرد سبک سردرگم پیش بینی کننده منفی مدارای سیاسی عقیدتی و هویتی بود، درحالی که هم مدارای رفتاری را به صورت مثبت پیش بینی می کرد بررسی این پژوهش ها بیانگر این است که به نقش خانواده در مدارا توجه نشده است همچنین کارهایی که در حوزه خانواده انجام شده است تأثیر این متغیر با مفاهیم مشابه مدارا نظیر اقتدارگرایی، سازگاری اجتماعی، جامعه پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، نگرش به دموکراسی، باورپذیری به دموکراسی پرداخته شده است.

اکبرنیا (۱۳۹۴)، در تحقیقی پیمایشی بر روی یک نمونه ۲۰۴ نفر در شهر تهران که ۱۳۹ نفر مسلمان و ۶۵ نفر مسیحی بودند به بررسی رابطه دین داری مدارای اجتماعی با فاصله اجتماعی پرداخته است نتایج رابطه سنجی میان متغیرهای تحقیق با متغیر وابسته حاکی از آن است که بین میزان دین داری و فاصله اجتماعی رابطه مستقیم و میان مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی نیز رابطه معکوس برقرار بوده است. طبق نتایج آزمون رگرسیون، میزان مدارای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان فاصله اجتماعی داشته است پس از آن متغیرهای میزان دین داری و نوع دین داری (میزان

دموکراتیک، نسبت به اقتدارگراها در کشورهای مستقل و استبدادی، مدارا و تحمل پذیری بیشتری دارند.

کوکارویچ و سیزووا^۲ (۲۰۱۵)، یک مدل تحمل ارتباطات میان فرهنگی به عنوان یک روش حل مسئله عرفانی، قومی و درگیری های طبیعی مدرنیته ساخته اند؛ و نتایج این پژوهش نشان می دهد که مدارای فرهنگی، فرصت هایی را برای رفاه و توسعه هر فرهنگی فراهم می کند می توان با توجه به این تحقیقات شاخص های رفتاری مدارا را بهتر شناخت و برای به عملیاتی در آوردن مدارا استفاده نمود.

کیم و ژنگ^۳ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان رابطه دین و مدارای سیاسی در کره جنوبی، سؤال اصلی که در کار خود دارند این است که چگونه دین داری فردی بر مدارای سیاسی تأثیر می گذارد؟ مطالعاتی که با این موضوع سروکار دارند بر دو جنبه از تأثیرات دین داری تأکید دارند. اولین جنبه، وابستگی مذهبی (مدل قومی - مذهبی) است که سعی در توضیح تفاوت های سطوح مدارا، بین فرقه ها را دارد. دومین جنبه، به دنبال بررسی تأثیرات متفاوت انواع دین داری (مثلاً دین داری متعهدانه و دین داری مشارکتی) بر مدارا است. بر این اساس فرضیات زیر را به آزمون گذاشته اند:

-بودیسم ها و کاتولیک ها در کره جنوبی بیشتر از پروتستان ها اهل مدارای سیاسی هستند.

-افرادی که باورهای قومی مذهبی دارند (اعتقادات ارتودوکس) کمتر از افراد با اعتقادات ضعیف، اهل مدارا هستند.

-افرادی که مشارکت فعالانه دینی دارند کمتر از غیرفعالان، اهل مدارا هستند.

-افراد دین دار سنتی کمتر از دین داران مدرن، اهل مدارا هستند.

نتایج نشان داده است که در بین فرقه های بودایی ها بیشتر از پروتستان ها و کاتولیک ها اهل مدارا بوده اند و در میان فرقه ها، آن هایی که دین داری سنتی داشتند نسبت به دین داران

کثرت گرایی) متغیرهای تأثیرگذار بر میزان فاصله اجتماعی بوده اند به طور کلی متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون توانسته اند، ۵۰٪ تغییرات متغیر فاصله اجتماعی بین اهل ادیان را تبیین کنند.

بهشتی، عزیزاده و کنعانی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تبیین جامعه شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج رابطه میان هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی به روش پیمایشی با نمونه ای ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر یاسوج به صورت تصادفی چندمرحله ای انتخاب شدند، بررسی کردند که رابطه معنادار هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی را نشان می دهد و میزان تأثیر هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی ۰/۳۴ و هوش فرهنگی ۱۲ درصد واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می کند.

پاک زمان و نیازی (۱۴۰۰)، پژوهشی در شهرستان کاشان با جامعه آماری ۱۸ سال به بالای شهروندان با حجم نمونه ۵۳۱ با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انجام شده است نتایج تحلیل همبستگی بین دین داری و مدارا گری یک رابطه منفی و معنی دار را بیان می کند اما با تحلیل رگرسیونی و اثر تعاملی متغیر اقتدارگرایی نتیجه نهایی این است که دین داری ذاتاً منجر به نامدارا گری نخواهد شد بلکه شیوه رفتاری افراد دین دار تأثیرگذار است و رابطه مثبت و معنادار می شود.

۲-۱-۲- تحقیقات خارجی

یافته های تحقیق دان^۱ (۲۰۱۴) با عنوان «اقتدارگرایی و عدم تحمل تحت رژیم های استبدادی و دموکراتیک» نشان می دهد که اقتدارگرایی بیان کننده ی عدم تحمل بیشتر در موقعیت هایی است که تنوع در آن ها بیشتر آشکار است. در این مطالعه، ۷۵۴۷۸ فرد از ۷۵ کشور مورد بررسی قرار گرفت تا تعیین شود که آیا اقتدارگراها در جوامع دموکراتیک واقعاً تحمل و مدارای بیشتری دارند. درحالی که اقتدارگرایی ارتباط زیاد و منفی با تحمل و مدارا در کشورهای دموکراتیک دارد، اقتدارگراها در کشورهای بسیار

³ Kim & Zhong

¹ Dunn

² Kokarevich & Sizova

مدرن از مدارای کمتری برخوردار بوده‌اند. همچنین باورهای قومی مذهبی فرقه‌ای ارتودوکس باعث مدارای کمتر پیروان آن می‌شود؛ و کسانی که مشارکت فعالانه‌ی دینی دارند، از لحاظ سیاسی کمتر اهل مدارا هستند.

ایهارا و یاماموتو^۱ (۲۰۱۶)، در تحقیق دیگری با عنوان «نقش مدارا در ارتباط با مردم متنوع»، در رابطه با نقش مدارا در ارتباطات مدنی، یک مدل معرفی شده است که توضیح می‌دهد افراد می‌توانند بردبار باشند و یک نتیجه‌ی ارزشمند به دست آورند اگر شرکای ارتباطی آن‌ها هم به اندازه‌ی کافی بردبار باشند تا رابطه‌شان را هموار بسازند. در نتیجه زمانی که افراد به اندازه‌ی کافی متفاوت هستند و فرصت‌های مکرری برای ارتباط دارند، موازنه‌های متعددی وجود دارد که در آن همه افراد می‌توانند مدارا جو یا غیر مدارا جو باشند. به این معنا که افراد کمتر مداراگر خواهند بود تا زمانی که مدارای شریک ارتباطی آن‌ها در سطح پایین باقی بماند؛ اما زمانی که شرکای ارتباطی آن‌ها از ابتدا به اندازه‌ی کافی مدارا جو باشند، آن‌ها می‌توانند به یک نتیجه قابل قبول در رابطه برسند. این مرحله می‌تواند به عنوان معنایی تفسیر شود که افراد برای «قابلیت فرهنگی» بکار می‌گیرند.

مطالعه جان مات و کیتینگ^۲ (۲۰۱۹)، روی جمعیت انگلستان، نشان می‌دهد که در سه دهه‌ی اخیر نگرش‌ها به گروه‌های اجتماعی که قبلاً در حاشیه قرار داشتند، تغییر کرده است. این تغییرات اغلب به افراد بزرگسال و نسل کم‌تحمل اختصاص دارد که با گروه جوانی که در نگرش خود به سایر فرهنگ‌ها، بسیار روشن فکر بوده، جایگزین شده است. تحمل اقلیت قومی و همجنسگرایی افزایش یافته و افراد جوان نسبت به والدین و پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود و نسل‌های قبلی، این گروه‌ها را بیشتر قبول دارند. این نوع تمایلات از دیدگاه خوش‌بینانه حمایت می‌کند. در این مطالعه به این نتیجه نیز رسیدند که تعصب و پیش‌داوری در نگرش جوانان از بین نرفته است. عدم تحمل به کلی از بین نرفته و اقلیت فراوانی از جوانان این نوع نگرش را به سوی افراد مهاجر تغییر داده‌اند.

دیدگاه خوش‌بینانه می‌تواند سطوح تحمل را افزایش دهد و درحالی‌که افراد بدبین دارای سطح تحمل ثابت یا کمتری هستند. انتظار می‌رود چنین فرآیندهایی بتواند با افزایش فشار هنجاری روی افراد جهت احترام به دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های سایر افراد، تحمل را نیز افزایش دهد. به علت تنوع قومی و نژادی در انگلستان، تحمل‌پذیری این افراد نیز افزایش یافته است. افراد تحصیل کرده نسبت به افراد بی‌سواد یا افرادی با تحصیلات کم، دیدگاه تحمل‌پذیر تری به افراد مهاجر و تازه‌وارد دارند.

تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده در تحقیق حاضر ضمن بررسی ابعاد تحمل اجتماعی، از آنجایی‌که جامعه از آحاد افراد تشکیل شده و جامعه‌پذیری صحیح افراد نقش بسزایی در سرنوشت سلامت اجتماعی دارد به متغیرهای سطح خرد، با مفاهیمی مثبت همچون هوش فرهنگی و منفی همچون اقتدارگرایی توجه شده است.

۲-۲- مبانی نظری پژوهش

تحمل اجتماعی، نوعی بردباری است که انسان در برابر عقاید، رفتار و گفتار ناخوشایند دیگری از خود نشان می‌دهد (ساداژاندرون^۳، ۱۳۸۲، ۱۷). ویلیام هر^۴ (۱۹۷۶) اصول زیر را برای سعه‌صدر پیشنهاد کرده است (فارسی، ۱۳۹۰).

۱. اصل حریت: با تکیه بر چنین اصلی ابراز عقاید و آگاهی از عقاید دیگران آزاد است. ۲. اصل عقلانیت: مبتنی بر شواهد استدلال مبتنی بر عقل و شواهد تشخیص بهترین و درست‌ترین نتایج را موجب می‌شود. ۳. اصل بی‌طرفی: رعایت بی‌طرفی در توجه به نظر دیگران پرهیز از تبلیغ و تلقین نظر خویش به دیگران اساس چنین اصلی را تشکیل می‌دهد. ۴. اصل شک و تردید: آگاهی از یک دیدگاه خاص موجب نمی‌شود آن به عنوان یک نظر کامل و بدون نقض تلقی شود بلکه زمینه‌ای برای بررسی گسترده‌تر از آن است. ۵. اصل استحکام: نظرات تا جایی دوام و استحکام برخوردارند که عقاید جدیدتر بر اساس عقلانیت و شواهد، کشف شوند. ۶.

^۳ Julie Sada-Jandorn

^۴ William Hare

^۱ Ihara & Yamamoto

^۲ Janmaat & Keating

گرفته باشد مدارای منفعل باید به مدارهای فعال تبدیل شود همچنین وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه پذیری مجدد به عنوان تشخیص ضوابط جنایی بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است. مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی، همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز دوباره گسترش خواهند یافت (Goldschmidt, 1973, 161).

کینگ^۴ (۱۹۷۶)، در اثر مشهور خود به نام مدارا، مدارا را برحسب موضوع به سه دسته تقسیم نموده است (الف) مدارای هویتی: یعنی مدارا ورزیدن در برخورد با ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف مثل ادیان، ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت می‌شود. (ب) مدارای سیاسی: که ناظر بر قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. (ج) مدارای رفتاری: که به سه نوع مدارای دیگر یعنی مدارا در الگوهای جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت مجرمان تقسیم می‌شود.

دورکیم^۵ (۱۹۱۲)، نیز به مقوله رابطه تحمل و مدارا و دین پرداخته است طبق نظریه دورکیم هنجارها و ارزش‌ها که راهنمای عمل افراد هستند سبب همبستگی اجتماعی می‌شود و افراد جامعه از رفتارهای نقض‌کننده وحدت جامعه خودداری کرده تا همسو با ارزش‌های جامعه باشند. دورکیم دو علت اصلی همبستگی اجتماعی را وجود سیستمی از ارزش‌ها و باورهای مشترک و همچنین روابط بین اعضای جامعه می‌داند. دورکیم معتقد است که دین هر دو این‌ها را فراهم می‌نماید. در وهله اول دین با ارائه یک سیستم ارزشی غیرقابل انکار باعث شکل‌گیری یک روح جمعی می‌گردد که در نتیجه افراد خود را ملزم به تبعیت از این سیستم ارزشی می‌داند ثانیاً دین سبب می‌گردد تا افرادی که دارای یک سیستم عقیدتی و ارزشی مشترکی هستند باهم روابط و تعاملات زیادی داشته باشند. دورکیم بیان می‌دارد از آنجایی که قوانین و هنجارهایی که تضمین‌کننده همبستگی

اصل پذیرش: مفهوم این اصل چنین بیان می‌شود که فرد در صورت مشاهده و درک دلایل مستند قوی‌تر باید به اصلاح عقاید خود تمایل داشته آن را تغییر دهد.

وگت^۱ (۱۹۹۷) مدارا را اساسی‌ترین ضرورت برای حفظ جامعه مدنی می‌داند (Phelps, 2004, 24). بنا بر نظریه وی مدارا دو جزء است نگرش منفی نسبت به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آن‌ها که باید به طور هم‌زمان ارائه شود در غیر این صورت مدارا وجود نخواهد داشت. وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند مدارای سیاسی مدارای اخلاقی و مدارای اجتماعی، تحمل اجتماعی که بیانگر پذیرش ویژگی‌های اجتماعی افراد است که از بدو تولد به همراه داشته و در آغاز زندگی اجتماعی کسب می‌کنند مانند رنگ پوست یا زبان وگت اشاره می‌کند این موضوع‌ها، موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند ممکن است که به وسیله‌ی تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند در نتیجه این امکان وجود دارد که مورد مدارا واقع شوند یا نشوند چهار مؤلفه‌ی مدارای اجتماعی عبارت‌اند از مداراهای دینی، قومیتی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی.

گلداسمیت^۲ (۱۹۷۳)، نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده و مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دودسته فعال و منفعل تقسیم کرده است و مدارای فعال نیز به نوبه خود به دودسته انتزاعی^۳ و عینی^۴ تقسیم می‌شود و مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه شفاهاً معتقد به مدارا نسبت به دیگران است عملاً نیز مدارای خود را نشان دهد تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد مانند شهروندانی که در خیابان تردد می‌کنند بدون اینکه به یکدیگر توجه کند به اعتقاد گلداسمیت اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت

⁴ Objective

⁵ King

⁶ Durkheim

¹ Voget

^۲ Goldschmidt

³ Abstract

اجتماعی هستند در برخی مناطق برگرفته از دین هستند و با توجه به این که در هر دینی، برخی رفتارها تابو محسوب شده و به عنوان امور نامناسب در نظر گرفته می شوند، طبیعی است که مؤمنان در هر دین نسبت به رفتارهایی که خارج از چارچوب ارزشی دین صورت می گیرد، واکنش نشان داده و با این گونه رفتارها مدارا نمایند در حقیقت بر اساس نظر دورکیم متون مقدس به دلیل وجود اصول و نشانه هایی که برای رفتارهای مؤمنان تجویز می کند، رفتار مؤمنان را جهت داده و آن ها را نسبت به رفتارهای خارج از چارچوب این متون حساس می کند (Corcoran et al., 2012, 542).

موتز^۱ (۲۰۰۲)، بیان کرده است که ارائه بین فرهنگی اندیشه های مختلف به مدارای بیشتری از افراد در کشورها منجر می شود چرا که با افزایش برخوردها ارتباطات افراد از فرهنگ های مختلف نگاه مثبت آن ها به فرهنگ های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می یابد و تحمل اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی که از گروه های دیگر مربوط می شود مانند داشتن رئیسی از گروه قومی دیگر رفتار افراد در این موقعیت میزان مدارا را نشان می دهد. که این امر مستلزم هوش فرهنگی به منزله قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ های رفتاری صحیح به این الگوهاست.

مارکوزه^۲ (۱۹۶۵)، در مفهوم تسامح سرکوبگر و تسامح تمیزگر را مطرح می کند. از نظر وی جایگاه تسامح و مدارا در جامعه تغییر یافته است. هدف تسامح مستلزم مدارا نکردن با سیاست ها، نگرش ها و عقاید حاکم و رایج و تسامح ورزیدن با سیاست ها و نگرش ها و عقایدی است که غیرقانونی یا سرکوب شده اند اما آنچه امروزه تحت عنوان تسامح و مدارا اعلان و اجرا می شود در بسیاری از مؤثرترین جلوه هایش در خدمت ستم پیشگی است (کانرتون، ۱۳۸۵، ۳۵۵).

برای خروج از این شرایط و رسیدن به آزادی نیاز به پیش شرط هایی است که مدارا و تسامح آزادی بخش از

مهم ترین آن ها هست. شاخص های اصلی مدارای آزادی بخش از نظر مارکوزه، وجود آزادی بیان و گفت و گو، عقلانیت بحث ها، نگاه انتقادی به جهان بیرون، کاهش خشونت و سرکوب نسبت به دگراندیشان، بی طرفی ارزشی و کاهش اقتدارطلبی است. مدارا باعث آزادی و حقوق مساوی مخالفان به تعریف و روشن ساختن شکل های متفاوت دگراندیشی می انجامد؛ اما تمرکز و تجمع قدرت در جامعه ای که فن آوری را همچون ابزاری برای سلطه به کار می گیرد هر جا که امکان ظهور دگراندیشی فعال موجود باشد، سد و مانعی ایجاد می شود. در شکل گیری عقاید، ارتباطات، در گفتار و تألیف پیداست که این نظر سلطه و اقتدارطلبی مانع اساسی بروز و ظهور دگراندیشانه^۳ است که در عرصه بحث و گفت و گو فرصت بیان و نشر داشته باشند (کانرتون، ۱۳۸۵، ۳۶۶). همچنین آدورنو و هور کهایمر^۴ (۱۹۵۰) به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند. منظور از کاراکتر قدرت گرا، کاراکتر فردی هست که تمایل شدید به سنت ها، گرایش شدید به حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی داشته و در برابر اقتدارهای سیاسی والا تر به مثابه ی رعیت و مطیع برخورد می کند (حسین زاده، ۱۳۸۹، ۲۷). ویژگی های اصلی کاراکتر قدرت گرا به این صورت است که شخصیت نا متساهل^۵ جهان را پر از تهدیدات خصمانه می بیند، عمیقاً ناامن و مضطرب است دیگران را به خاطر بدبختی های خود سرزنش می کند و با پدر و مادر خود رابطه ای مبهم دارد. در نتیجه احساس ضعف و ناامنی، جاه طلب می شود و مطیع بالادستان و سرکوب گر زیردستان است (بشیری، ۱۳۷۰، ۱۲۷). ۹ شاخص در مقیاس فاشیسم برای این شخصیت در نظر گرفتند.

- عرف پرستی: پیروی کامل از عرف و عادات، ارزش های طبقه ی متوسط

- اطاعت از اقتدار: وجهه نظر تسلیم طلبان و بدون اعتراض به قدرت اخلاقی بی نقص و کامل تصور شده گروه

^۴ Adorno & Horkheimer

^۵ Intolerance

^۱ Mutz

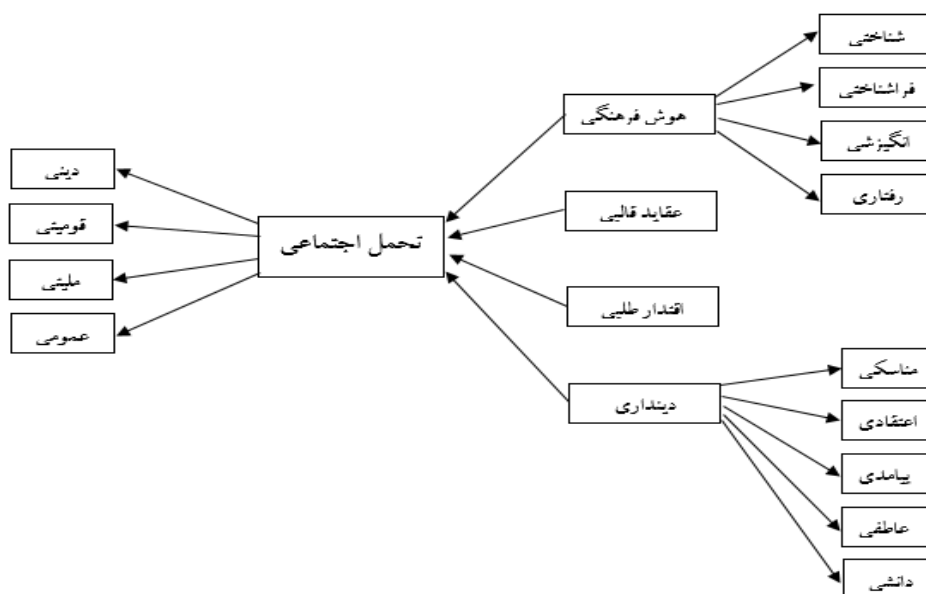
^۲ Marcuse

^۳ Dissidents

- جنس: نگرانی بیش‌ازحد درباره‌ی امور جنسی (بیکرا، ۱۳۷۷، ۱۳۴) درنهایت از این ۹ شاخص اقتدارطلبی و همچنین عقاید قالبی استخراج می‌شود. شخصیت‌های اقتدارگرا افرادی هستند که دارای مدارای پایین و پرخاشگر و عقاید قالبی و پیروی کورکورانه از دیگران بوده و هرکس ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها را نقض کند مورد خشونت قرار خواهد گرفت. بنا بر مطالب ارائه‌شده فرضیات و مدل تحقیق (شکل شماره ۱) مشتمل بر متغیرهای مستقل (دین‌داری، اقتدارگرایی، عقاید قالبی و هوش فرهنگی) و متغیر وابسته (تحمل اجتماعی) تدوین شده است

فرضیه‌های تحقیق:

۱. بین دین‌داری و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴. بین عقاید قالبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

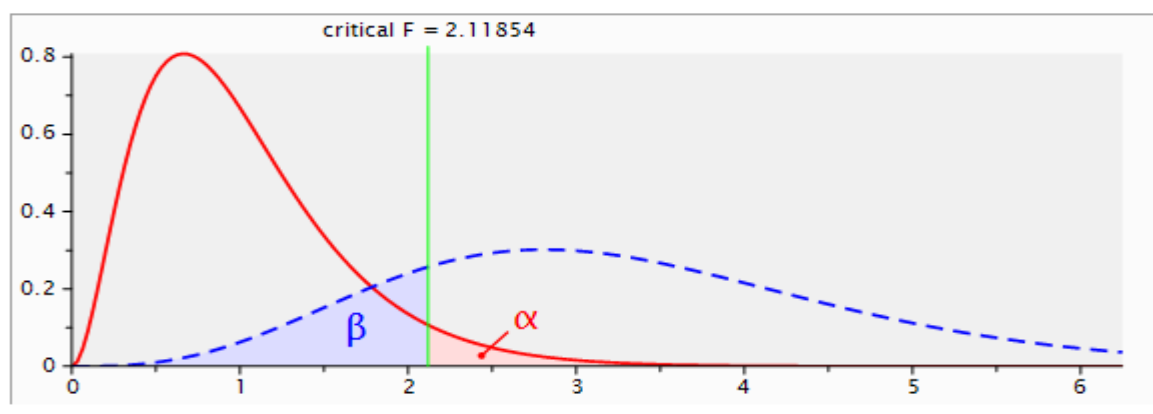
۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایش‌آست. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی

کاربردی^۱ از نظر وسعت پهنانگرا^۲ از نظر دامنه یک مطالعه خرد^۳ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۴ است.

جامعه آماری این پژوهش شهروندان ۲۰ سال به بالا ساکن شهر اصفهان می باشد (با این توضیح که جوان در این سن هویت فردی و اجتماعی اش شکل گرفته و نسبت به جامعه آگاه و مسئول عمل می کند) که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۸ انجام شده است ۱۴۵۴۱۸۶ نفر می باشد.

در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Gpower محاسبه شده است این نرم افزار یک ماشین حساب حرفه ای است که با آن می توان انواع توابع مدنظرمان را تعیین کنیم. نرم افزار Gpower یک نرم افزار کاربردی و ساده آماری است که برای محاسبه حجم نمونه در مباحث جامعه و نمونه بسیار مناسب است. همچنین حجم نمونه لازم برای انواع آزمون همبستگی، حجم نمونه رگرسیون و روش های دیگر آماری را محاسبه کرد؛ که با سطح اطمینان ۹۵٪ و توان ۸۰٪ و حجم اثر ۰/۰۳ حجم نمونه ۴۶۱ نفر به دست آمده است (جدول شماره ۱) (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱. تعیین حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Gpower

جدول ۱. خروجی نرم افزار Gpower

[1] -- Tuesday, November 03, 2020 -- 21:16:25		
F tests – Linear multiple regression: Fixed model, R ² deviation from zero		
Analysis:	A priori: Compute required sample size	
Input:	Effect size f ²	= 0.03
	α err prob	= 0.05
	Power (1 – β err prob)	= 0.80
	Number of predictors	= 6
Output:	Noncentrality parameter λ	= 13.8300000
	Critical F	= 2.1185437
	Numerator df	= 6
	Denominator df	= 454
	Total sample size	= 461
	Actual power	= 0.8005374

اقتصادی مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان با توجه سه شاخص تحصیلات، درآمد، شغل افراد به سه دسته پایین، متوسط و بالا تقسیم شده اند (دهقانی، ۱۳۹۸، ۱۲۹)؛ که منطقه ۶ از طبقه بالا، منطقه ۹، ۴، ۳ از طبقه متوسط و منطقه ۱۵ از طبقه پایین

در این پژوهش از روش، نمونه گیری طبقه ای استفاده شده است. ملاک تعیین بر اساس پایگاه اجتماعی – اقتصادی است که بر اساس آمارنامه شهر اصفهان، معاونت برنامه ریزی و توسعه انسانی (۱۳۹۸)، پایگاه اجتماعی –

⁴ Microleve

⁵ Cross Sectional

² Appli Extensive ed

³ Extensive

در این تحقیق از اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تشخیص اعتبار محتوا وسیله‌ی سنجش (پرسشنامه) در مراحل مختلف در اختیار استادان مربوطه قرار گرفت و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع اشکالات و اضافه نمودن موارد ناقص و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع اشکالات و اضافه نمودن موارد ناقص در پرسشنامه لحاظ، در نهایت پرسشنامه تأیید و نهایی شد. همچنین برای به دست آوردن اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد و برای هر کدام از متغیرهای تحقیق که دارای مؤلفه‌ها و ابعاد تعیین کننده بودند تحلیل عاملی تأییدی انجام گرفت. به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش‌آزمون می‌گردد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه و به کمک نرم افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. (جدول شماره ۴) میزان ضریب انسجام درونی (پایایی) متغیرهای پرسشنامه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول آمده این ضریب نشانگر بالا بودن میزان انسجام درونی گویه‌ها است. به این ترتیب پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

جدول ۴. ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
تحمل اجتماعی	۲۰	۰/۶۱۷
اقتدارگرایی	۵	۰/۶۸۱
تفکر قالبی	۵	۰/۷۲۶
هوش فرهنگی	۲۰	۰/۸۲۸
دین‌داری	۱۵	۰/۸۰۶

بعد از استخراج و کدبندی داده‌های جمع‌آوری شده در بخش توصیفی با استفاده از ابزارهایی نظیر جدول فراوانی و شاخص‌های گرایش مرکزی (مانند میانگین) و پراکندگی (مانند انحراف معیار)، به توصیف ویژگی‌های جامعه پرداخته خواهد شد. در بخش استنباطی داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS22 تحلیل و تفسیر شدند.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

به صورت تصادفی انتخاب شدند که با توجه به جمعیت بالای ۲۰ سال هریک از این مناطق (جدول شماره ۲) طبق آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۸) تعداد نمونه هر منطقه محاسبه شد (جدول شماره ۳) و براین اساس پرسشنامه‌ها تکمیل شدند و داده‌های تحقیق جمع‌آوری شدند.

جدول ۲. سالنامه آماری شهر اصفهان (۱۳۹۸)

منطقه	بالای ۲۰ سال	کل
۱	۵۸۰۷۴	۷۹۷۳۰
۲	۵۲۳۵۸	۷۱۸۸۲
۳	۸۰۵۶۶	۱۱۰۶۰۹
۴	۱۰۰۹۶۲	۱۳۸۶۱۰
۵	۱۰۴۸۱۱	۱۴۳۸۹۴
۶	۸۱۸۸۳	۱۱۲۴۱۶
۷	۱۳۲۵۹۵	۱۸۲۰۳۹
۸	۱۷۵۶۷۱	۲۴۱۱۷۷
۹	۵۵۵۸۸	۷۶۳۱۷
۱۰	۱۴۹۴۰۱	۲۰۵۱۱۱
۱۱	۴۲۷۲۰	۵۸۶۵۰
۱۲	۱۰۴۳۲۳	۱۴۳۲۲۵۱
۱۳	۱۰۳۲۸۷	۱۴۱۸۰۲
۱۴	۱۱۸۸۳۶	۱۶۳۱۴۹
۱۵	۹۳۱۱۱	۱۲۷۸۳۱
جمع	۱۴۵۴۱۸۶	۱۹۹۶۴۴۲

جدول ۳. جمعیت محاسبه شده در مناطق انتخاب شده

مناطق شهری	تعداد جمعیت	تعداد نمونه منطقه
منطقه ۶	۸۱۸۸۳	۹۲
منطقه ۳	۸۰۵۶۶	۹۰
منطقه ۴	۱۰۰۹۶۲	۱۱۳
منطقه ۹	۵۵۵۸۸	۶۲
منطقه ۱۵	۹۳۱۱۱	۱۰۴

از بین ابزارهای موجود در پیمایش، پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها انتخاب شد. برای اندازه‌گیری متغیرها از سؤال و برای اندازه‌گیری سازه‌ها از تکنیک طیف لیکرت استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه می‌گردد. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای مطابق (جدول شماره ۵) می‌باشد.

۴-۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۵. توزیع نسبی پاسخگویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	طبقات پاسخگویان	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۲۰۶	۴۴/۷
	زن	۲۵۵	۵۵/۳
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
گروه سنی	۲۰ تا ۲۵ سال	۷۴	۱۶/۱
	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	۱۴۰	۳۰/۴
	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	۱۷۰	۳۶/۹
	بین ۴۶-۵۵	۴۱	۸/۹
	بیشتر از ۵۵ سال	۳۶	۸/۷
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
تأهل	مجرد	۱۵۶	۳۳/۸
	متأهل	۲۹۹	۶۴/۹
	سایر	۶	۱/۳
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
مذهب	اسلام	۴۵۶	۹۸/۹
	سایر	۵	۱/۱
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
قومیت	فارس	۳۵۴	۷۶/۸
	لر	۴۷	۱۰/۲
	کرد	۷	۱/۵
	ترک	۲۱	۴/۶
	سایر	۳۲	۶/۹
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
تحصیلات	ابتدایی	۱۸	۳/۹
	راهنمایی	۳۲	۶/۹
	دیپلم	۸۵	۱۸/۴
	فوق دیپلم	۳۳	۷/۲
	کارشناسی	۱۶۸	۳۶/۴
	کارشناسی ارشد	۹۴	۲۰/۴
	دکتری	۳۱	۶/۷
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
اشتغال	شاغل	۲۶۴	۵۷/۳
	بیکار	۶۴	۱۳/۹
	دانشجو	۳۷	۸
	سایر (سهامدار، بازنشسته خانه دارو...)	۹۶	۲۰/۸

متغیرها	طبقات پاسخگویان	فراوانی	درصد فراوانی
درآمد	جمع	۴۶۱	۱۰۰
	کمتر از ۲ میلیون تومان	۵۵	۱۱/۹
	۲ میلیون تا ۳ میلیون تومان	۵۸	۱۲/۶
	بیشتر از ۳ میلیون تا ۵ میلیون تومان	۱۶۶	۳۶
	بالای ۵ میلیون تومان	۱۸۲	۳۹/۵
	جمع	۴۶۱	۱۰۰
هزینه	کمتر از ۲ میلیون	۸۵	۱۸/۴
	۲ میلیون تا ۳ میلیون تومان	۷۵	۱۶/۳
	بیشتر از ۳ میلیون تا ۵ میلیون تومان	۱۳۸	۲۹/۹
	بالای ۵ میلیون تومان	۱۶۳	۳۵/۴
	جمع	۴۶۱	۱۰۰

ضریب همبستگی کم تر از (۰/۰۵) است لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد و فرضیه اول تأیید می شود.

نتیجه میانگین تحمل اجتماعی نشان می دهد که ۰/۴ درصد دارای تحمل اجتماعی پایین، ۲۲/۶ درصد دارای تحمل اجتماعی متوسط رو به پایین، ۶۴/۴ درصد دارای تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا و ۱۲/۶ درصد دارای تحمل اجتماعی بالا هستند. بیشترین فراوانی مربوط به تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا می باشد (جدول شماره ۶).

جدول ۶. توزیع فراوانی متغیر تحمل اجتماعی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
تحمل اجتماعی پایین	۲	۰/۴
تحمل اجتماعی متوسط رو به پایین	۱۰۴	۲۲/۶
تحمل اجتماعی متوسط رو به بالا	۲۹۷	۶۴/۴
تحمل اجتماعی بالا	۵۸	۱۲/۶

۴-۲- یافته های تحلیلی

۴-۲-۱- آزمون فرضیات

جدول ۷. همبستگی بین متغیرهای دین داری و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			رابطه وجود رابطه نوع
	همبستگی (r)	P	تعداد	
دین داری	۰/۳۰۸	۰/۰۰۱	۴۶۱	تأیید مستقیم

۲. بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. با توجه به نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۸) می توان بیان کرد که بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی همبستگی مستقیم معنی دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر $r = 0/308$ با سطح معنی داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر مثبت بودن تأثیر هوش فرهنگی بر تحمل اجتماعی ست. به این

۱. بین دین داری و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. با توجه به نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۷) می توان بیان کرد که بین دین داری و تحمل اجتماعی همبستگی مستقیم معنی دار وجود دارد. به طوری که ضریب همبستگی برابر $r = 0/308$ با سطح معنی داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر مثبت بودن تأثیر دین داری بر تحمل اجتماعی است یعنی هرچه دین داری بیشتر شود تحمل اجتماعی بیشتر می شود. چون سطح معناداری در

صورت هرچه هوش فرهنگی بیشتر شود تحمل اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. همچنین سطح معناداری در ضریب همبستگی کم‌تر از (۰/۰۵) است لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد و فرضیه دوم تأیید می‌گردد.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			وجود رابطه	نوع رابطه
	همبستگی (r)	P	تعداد		
هوش فرهنگی	۰/۳۸۳	۰/۰۰۱	۴۶۱	تأیید	مستقیم

۳. بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از (جدول شماره ۹) می‌توان بیان کرد که بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی همبستگی معکوس معنی‌دار وجود دارد. به‌طوری‌که ضریب همبستگی برابر $r = -0/250$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر منفی بودن تأثیر اقتدارطلبی بر تحمل اجتماعی است. به‌این‌ترتیب هرچه اقتدارطلبی کم‌تر شود تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود و برعکس، هرچه اقتدارگرایی بیشتر شود تحمل اجتماعی کم‌تر می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) رابطه معناداری بین دو متغیر اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی وجود دارد و فرضیه سوم تأیید می‌شود.

جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			وجود رابطه	نوع رابطه
	همبستگی (r)	P	تعداد		
اقتدارطلبی	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۱	۴۶۱	تأیید	معکوس

۴. بین تفکر قالبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه‌ی این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از (جدول شماره ۱۰) می‌توان بیان کرد که بین تفکر قالبی و تحمل اجتماعی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد. به‌طوری‌که ضریب همبستگی برابر $r = -0/151$ با سطح معنی‌داری $P = 0/001$ محاسبه شده است. این ضریب بیانگر تأثیر منفی تفکر قالبی بر تحمل اجتماعی است. در اینجا نیز هرچه تفکر قالبی کم‌تر، تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود و برعکس، هرچه تفکر قالبی بیشتر شود به‌تبع آن تحمل اجتماعی کمتر می‌شود همچنین سطح معنی‌داری کمتر از (۰/۰۵) رابطه معناداری بین دو متغیر تفکر قالبی و تحمل اجتماعی وجود دارد و فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای تفکر قالبی و تحمل اجتماعی

متغیر وابسته متغیر مستقل	تحمل اجتماعی			وجود رابطه	نوع رابطه
	همبستگی (r)	P	تعداد		
تفکر قالبی	-۰/۱۵۱	۰/۰۰۱	۴۶۱	تأیید	معکوس

۴-۲-۲- تجزیه رگرسیونی

هدف از تحلیل رگرسیونی، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. رگرسیون تحمل اجتماعی، بر اساس متغیرهای مستقل به تفکیک آمده است.

بر اساس نتایج حاصله، می‌توان گفت که متغیر وابسته (تحمل اجتماعی) بیشتر متأثر از متغیر «متغیر هوش فرهنگی» است. به عبارتی در مورد تحمل اجتماعی، متغیر مذکور بالاترین تأثیر را داشته است. نتیجه کلی از این سنجش چند متغیره این است که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، ضمن اینکه تأیید شده، خطی نیز است؛ و ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد، ۰/۲۷ تغییرات بین مشاهدات، به‌وسیله مدل

رگرسیون خطی، شامل متغیرهای مستقل، تبیین شده است
(جدول شماره ۱۱).

درمجموع اطلاعات (جدول شماره ۱۱) ملاحظه می‌شود که به ترتیب، هوش فرهنگی با بتای ۰/۱۵۵ و دین‌داری با بتای ۰/۱۲۵ بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی تحمل اجتماعی شهروندان شهر اصفهان دارند.

جدول ۱۱. آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره تحمل اجتماعی

متغیر	بتا	کمیت t	سطح معنی‌داری	آنالیز واریانس		ضریب همبستگی چندگانه	۰/۲۶۸
				کمیت F	سطح معنی‌داری		
هوش فرهنگی	۰/۱۵۵	۳/۳۸	۰/۰۰۱	۹/۴۲	۰/۰۰۱	ضریب تبیین	۰/۲۶۸
						ضریب تبیین اصلاح‌شده	۰/۲۷۱
						اشتباه معیار برآورد	۸/۵۰
دین‌داری	۰/۱۲۵	۲/۵۲	۰/۰۱۲			کمیت دوربین واتسون	۱/۷
						آزمون کولموگروف اسمیرنوف	۱/۳
اقتدارگرایی	۰/۰۶۵	۱/۱۶	۰/۲۴۵			سطح معنی‌داری	۰/۰۶
تفکر قالبی	۰/۰۷۵	۱/۳۸	۰/۱۶۶				

۴-۳- ارزیابی میزان انطباق نتایج با چارچوب نظری و پیشینه

فرضیه اول به بررسی رابطه دین‌داری با تحمل اجتماعی می‌پردازد که نتیجه آن همبستگی مستقیم معنی‌دار را نشان می‌دهد یعنی هر چه میزان دین‌داری شهروندان بیشتر باشد میزان تحمل اجتماعی هم بیشتر می‌شود. در اینجا مطابق با نظریه دورکیم راجع به دین که در وهله اول با ارائه یک سیستم ارزشی غیرقابل‌انکار باعث شکل‌گیری یک روح جمعی می‌گردد که در نتیجه افراد خود را ملزم به تبعیت از این سیستم ارزشی می‌دانند ثانیاً دین سبب می‌گردد تا افرادی که دارای یک سیستم عقیدتی و ارزشی مشترکی هستند باهم روابط و تعاملات زیادی داشته باشند درواقع بر اساس نظر

دورکیم متون مقدس برای رفتارهای مؤمنان اصولی را تجویز می‌کند که به آن‌ها جهت داده و به رفتارهای خارج از چارچوب حساس می‌شوند و کم‌تر تحمل می‌کنند.

از آنجایی که اکثریت جامعه آماری این تحقیق مسلمان بودند همبستگی درونی و تبعیت از یک سیستم ارزشی و عقیدتی را دارند. پاک زمان و نیازی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بازبینی رابطه دین‌داری و نامداراگری در شهر کاشان به رابطه مثبت و معنادار دین‌داری با مداراگری با اثر تعاملی اقتدارگرایی رسیدند. همچنین تحقیق کیم و ژنگ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان رابطه دین و مدارای سیاسی در کره جنوبی که عنوان کردند دین‌داری بر مدارا جویی تأثیر مثبت دارد که با نتایج این تحقیق نیز همسو است.

فرضیه دوم به رابطه هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی می‌پردازد با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معنادار مثبتی بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی وجود دارد. موتز بیان کرده است ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف به تحمل و مدارای بیشتری از افراد در کشور منجر می‌شود چراکه با افزایش برخوردها ارتباطات افراد از فرهنگ‌های مختلف نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد که به گونه‌ای مستلزم هوش فرهنگی است. بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج رابطه مثبت معنادار هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی را نشان دادند که همسو با نتایج این تحقیق است. ایهارا و یاماموتو (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «نقش مدارا در ارتباط با مردم متنوع»، در رابطه با نقش مدارا در ارتباطات مدنی، یک مدل معرفی کرده‌اند که توضیح می‌دهد افراد می‌توانند بردبار باشند و یک نتیجه‌ی ارزشمند به دست آورند آن‌ها می‌توانند به یک نتیجه قابل قبول در رابطه برسند. این مرحله می‌تواند به عنوان معنایی تفسیر شود که افراد برای «قابلیت فرهنگ» بکار می‌گیرند که درواقع هوش فرهنگی لازمه آن است بدین ترتیب با نتایج این پژوهش هم‌جهت است. کوکارویچ و سیزووا (۲۰۱۵)، یک مدل تحمل ارتباطات میان فرهنگی به عنوان یک روش حل مسئله عرفانی، قومی و درگیری‌های طبیعی مدرنیته ساخته‌اند؛ و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدارای فرهنگی، فرصت‌هایی را برای رفاه و توسعه هر فرهنگی فراهم می‌کند می‌توان با توجه به این تحقیقات شاخص‌های رفتاری مدارا را بهتر شناخت و برای به عملیاتی درآوردن مدارا استفاده نمود. نتایج هر سه این پژوهش‌ها با تحقیق حاضر همسو است.

فرضیه سوم به بررسی رابطه اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی می‌پردازد. از نظر مارکوزه وجود آزادی بیان و گفت‌وگو، عقلانیت بحث‌ها، نگاه انتقادی به جهان بیرون، کاهش خشونت و سرکوب نسبت به دگر اندیشان، بی‌طرفی اندیشی و کاهش اقتدارطلبی است که از شاخص‌های اصلی تحمل و مدارای آزادی‌بخش است و اقتدارطلبی مانع اساسی

بروز و ظهور دگراندیشی است. نتیجه آزمون این فرضیه رابطه معنادار و معکوس را نشان می‌دهد؛ یعنی هر چه اقتدارطلبی کمتر شود تحمل اجتماعی بیشتر می‌شود. آدورنو و هورکهایمر نیز به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند ویژگی اصلی آن را شخصیتی نامتساهل که جهان را پر از تهدیدات خصمانه می‌بیند بیان کرده‌اند که عمیقاً ناامن و مضطرب است. به این ترتیب هر دو این نظرات تأیید می‌شود.

همچنین با پژوهش بهمن پور (۱۳۷۸)، با عنوان رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی به بررسی اثر ابعاد فرهنگی و میزان تحمل تفاوت‌های فکری سیاسی اجتماعی و مذهب پرداخته که در یافته‌های آن اقتدارگرایی با بردباری اجتماعی رابطه منفی دارند. زالی زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت شناختی اجتماعی در بین دانشجویان به نقش خانواده در مدارا و مفاهیم همچون اقتدارگرایی و سازگاری اجتماعی دموکراسی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق دان (۲۰۱۴) با عنوان اقتدارگرایی و عدم تحمل رژیم‌های استبدادی و دموکراتیک نشان می‌دهد که اقتدارگرایی بیان‌کننده عدم تحمل بیشتر در موقعیت‌هایی است که تنوع در آن‌ها بیشتر آشکاراست که نتایج این تحقیقات با تحقیق حاضر همسو است؛ اما در تحقیق حسین زاده (۱۳۸۹) با عنوان بررسی مدارا گری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان به بررسی متغیرهایی چون اقتدارطلبی پرداخته که رابطه معکوس با مدارا را تأیید نکرده، پس با نتیجه این تحقیق ناهم‌سو است.

فرضیه چهارم: بررسی رابطه تفکر قالبی با تحمل اجتماعی است که نتیجه آن رابطه معکوس معنی‌دار به دست آمده است به این معنا که هرچه تفکر قالبی کم‌تر تحمل اجتماعی بیشتر است. آدورنو و هورکهایمر در بررسی شخصیت قدرت‌گرا، منظور از چنین شخصیتی فردی هست که تمایل شدید به سنت‌ها و گرایش شدید به حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی داشته و تفکر قالبی یکی از شاخص‌های این شخصیت در نظر گرفتند که بر تحمل تساهل مؤثر است. همچنین وگت اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از نژاد در ارتباط هستند که ممکن است به وسیله تصورات قالبی

با تائید فرضیه دوم و رابطه هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی، مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی باید ضمن پذیرش هویت ترکیبی جامعه، برنامه‌هایی در جهت آشنایی افراد با فرهنگ‌های مختلف داشته باشند و باید از ایجاد شرایطی که اختلافات قومی بیشتر شود جلوگیری به عمل آورند و در جهت تقویت احساس تعلق ملی کوشش کنند. مثلاً آموزش سواد رسانه‌ای و آگاه‌سازی شهروندان برای استفاده درست از شبکه‌های مجازی به منظور جلوگیری از تعارضات حائز اهمیت است آموزش صحیح از طریق خانواده مدارس و کتب درسی از سنین پایین در زمینه حقوق شهروندی می‌تواند مؤثر باشد چراکه در جامعه‌ای که اعضای آن با اصول حفظ حرمت حقوق یکدیگر پذیرش متقابل نسبت به هم رشد کرده‌اند شهروندانی نقاد و انتقادپذیر می‌شوند که دارای آزادی اندیشه‌اند.

فرضیه سوم که بیان می‌دارد اقتدارطلبی با تحمل اجتماعی رابطه معنادار و معکوس دارد یعنی با کاهش اقتدارطلبی، تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد به این منظور بهتر است از خانواده که یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است شروع شود زیرا افراد بسیاری از خصوصیات خود را از خانواده گرفته و در آن فضا تمرین رفتاری می‌کنند. فضای تربیتی خانواده‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود که بر پایه زور و اجبار نباشد در غیر این صورت فرزندان در پاسخ از روش‌های پرخاشگری استفاده کرده و این در وجود آن‌ها نهادینه شده و به افرادی اقتدارطلب تبدیل می‌شوند پس سبک‌های تربیتی مداراجویانه ارجحیت قطعی بر سبک تربیتی اقتدارگرایانه دارد و با جامعه‌پذیری صحیح می‌توانند یاد بگیرند در راستای مسالمت با اعضای جامعه رفتار کنند.

فرضیه چهارم نیز تائید رابطه معنادار و معکوس تفکر قالبی با تحمل اجتماعی را نشان می‌دهد تفکر قالبی بر پایه پیش‌داوری‌ها و تصورات از پیش تعیین شده می‌باشد به منظور کاهش اثر این متغیر و درازای آن افزایش تحمل اجتماعی انجمن‌ها و تشکل‌ها محلی، صنفی... در ایجاد مشارکت و اعتماد افراد مؤثر است. افراد با تعاملات بیشتر با افراد متفاوت و فعالیت‌های گروهی با اهداف مشترک از پیش‌داوری و

مناسب یا نامناسب تصور شوند موضوع مدارا و یا عدم مدارا می‌داند و به تأثیر این تصورات قالبی بر تحمل و مدارا اشاره کرده است.

بنابراین نتیجه آزمون این فرضیه مؤید هر دو این نظریه‌هاست. به علاوه در تحقیق حسین زاده (۱۳۸۹) با پایین آمدن میزان تفکر قالبی مدارا افزایش نیافت پس با این تحقیق حاضر ناهم‌سو می‌باشد.

و در مطالعه مات و کیتینگ (۲۰۱۹) نگرش‌ها به گروه‌های اجتماعی که قبلاً در حاشیه قرار داشتند پرداختند که در بخشی از این تحقیق و به این نتیجه رسیدند که تعصب و پیش‌داوری در نگرش جوانان از بین نرفته و عدم تحمل به کلی از بین نرفته و اقلیت فراوانی از جوانان این نوع نگرش را به سوی افراد مهاجر تغییر داده‌اند؛ و افراد بدبین دارای سطح تحمل ثابت یا کمتری هستند که این نتایج می‌تواند با نتیجه این فرضیه همسو باشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با گسترش جمعیت شهرنشین با تنوع عقاید و فرهنگ‌های متفاوت در شهرها، شهروندان با مسائل پیچیده‌ای روبه‌رو هستند که برای حل آن‌ها به روش مسالمت‌آمیز مدارا و تحمل اجتماعی شاخص کلیدی محسوب می‌شود تا به سمت جامعه سالم‌تر حرکت شود با توجه به یافته‌های تحقیق، مطابق با فرضیه اول که رابطه مستقیم دین‌داری با تحمل اجتماعی تائید شد از آنجایی که جامعه ما به‌طور عمومی دینی محسوب می‌شود و حساسیت‌ها در این زمینه نیز زیاد شده است از این رو اهمیت پیشگامی مداراجویانه متولیان دینی و ارتباط و تعامل سازنده و امیدبخش با مردم می‌تواند تأثیر مثبتی برای بهبود وضعیت تحمل اجتماعی داشته باشد همچنین دیدگاه‌های کثرت‌گرایی دینی در مقابل انحصارگرایی در جهت تحمل و تساهل بیشتر است به این معنا که حق، مطلق نیست و نجات و آزادی منحصر به یک سنت دینی نیست و راه‌های زیادی برای رسیدن به رستگاری وجود دارد، قبول و پذیرش این دیدگاه در جهت افزایش سطح تحمل اجتماعی مؤثر است.

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۰). پیش‌درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۶ (۰)، ۱۱۹-۱۵۲.

https://jflps.ut.ac.ir/article_15654_8866bc896584dfc4f79887ccab151d77.pdf

- بهشتی، سید صمد. عزیززاده آرند، فاطمه و کنعانی، زهرا. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مداری اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸ (۹)، ۸۷-۱۰۶.

<http://doi.org/10.22108/srsp.2020.121070.1489>

- بهمن پور، ثریا. (۱۳۷۸). *رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

- بیکر، ترزال. (۱۳۷۷). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی* (ترجمه هوشنگ نایی). تهران: انتشارات روش.

- پاک زمان قمی، محمدامین و نیازی، محسن. (۱۴۰۰). بازبینی رابطه دین‌داری و نامداری‌گری مورد مطالعه: شهر کاشان. *علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۹ (۲)، ۱۸۸-۱۵۳.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2021.60072.1765>

- حسین زاده خانگانی، معصومه. (۱۳۸۹). *بررسی مدارا گری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران.

- دهقانی، حمید. (۱۳۹۸). *تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم*. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰ (۲)، ۱۳۶-۱۱۷.

<https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472>

تفکر قالبی نسبت به دست کشیده و مدارا و تحمل بیشتری به هم روا می‌دارند. به این صورت به مرور شاهد افزایش سطح تحمل اجتماعی در جامعه هستیم در انتها باید گفت برای رسیدن به توسعه پایداری شهری انتظار می‌رود برنامه ریزان و مدیران شهری با توجه به نقش مردم به‌عنوان شهروند و شیوه‌های مدیریتی مردم‌سالارانه، نه اقتدارگرایانه بتواند فضایی سالم و شایسته شهروندان ایجاد کنند به این منظور ایجاد ستاد توسعه پایدار با شرح وظایف مشخص در راستای همسو شدن تصمیمات مدیران شهری و اجرای هماهنگ آن منجر به نتایج موفقیت‌آمیز در این زمینه می‌شود. رواج آداب و فرهنگ شهرنشینی، مسئولیت‌پذیری و حس تعلق شهروندی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و خانوادگی سبب بردباری و سازگاری بیشتر و ارتقا فرهنگ شهروندی از معیارهای پایداری شهری می‌شود گسترش فضاهای عمومی و ترویج برنامه‌های فرهنگی اجتماعی در این فضاها، برپایی نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی سبب بهینه‌سازی تعاملات اجتماعی و به دنبال آن افزایش تحمل اجتماعی می‌شود. روابط اجتماعی در صورت وجود ارزش‌های مشترک دوام بیشتری دارد بسترسازی در زمینه افزایش اعتماد به‌ویژه از طریق راهکارهای اعتمادسازی همچون شفاف‌سازی در بهبود روابط توأم با تحمل و مدارا در بین شهروندان نسبت به هم و نسبت به مسئولین می‌شود همچنین توسعه مهارت‌های اجتماعی، اخلاق گفت‌وگو بامعنی اصرار نکردن به‌درستی یک نظر و انتقادپذیری، پذیرش افراد را نسبت به هم بیشتر می‌کند. سرانجام با افزایش تحمل اجتماعی آرامش و نشاط اجتماعی و به دنبال آن کیفیت زندگی بهبود خواهد یافت که در راستای اهداف توسعه پایدار شهری می‌باشد.

۶- منابع

- اکبر نیا، الهه سادات. (۱۳۹۴). *رابطه دین‌داری، مدارای اجتماعی بافاصله اجتماعی در بین مسلمانان و مسیحیان شهر تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

- Dunn, K. (2014). Authoritarianism and Intolerance Under Autocratic and Democratic Regimes. *Journal of Social and Political Psychology*, 2(1), 220-241.
<https://jspp.psychopen.eu/index.php/jspp/article/view/4787/4787.html>
- Goldschmidt, V. (1973). Social Tolerance and Frustration: An Analysis of attitudes toward criminals in a changing arctic town. *International Journal of Sociology*. 3 (3/4), 147-163.
<https://www.jstor.org/stable/20629664>
- Goodland, R. (2002). Sustainability human, social, economic and environmental. *Social Science*.(6), 220-225.
<https://www2.econ.iastate.edu/classes/tsc220/hallam/TypesOfSustainability.pdf>
- Hare, W. (1976). "The Open Minded Teacher. *Teaching Politics*. 5(1),25-32.
https://www.members.tripod.com/william_hare/
- Herslund, L. & Mguni, P. (2019). Examining urban Water Management practices-Challenges and possibilities for transitions to sustainable urban water management in Sub-Saharan cities. *Sustainable Cities and Society*. (48),101573.
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101573>
- Ihara, R. & Yamamoto, Sh. (2016). Role of tolerance in communication with diverse people. *Western Regional Science Association*.56(1), 191-202.
<https://doi.org/10.1007/s00168-015-0730-9>
- Janmaat, J. G. & Keating, A. (2019). Are today's youth more tolerant? Trends in tolerance among young people in Britain. *Ethnicities*, 9(19), 44-65.
<https://doi.org/10.1177/1468796817723682>
- Kim, J. & Zhong, Y. (2010). Religion and Political Tolerance in South Korea. *East Asia*.(27), 187-203.
<https://doi.org/10.1007/s12140-010-9112-1>
- King, P. (1976). *Tolerance*, London, George Allen and Unwin.
- زالی زاده، محسن. علی پور، احمد و زالی زاده، مسعود. (۱۳۹۳). پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس شبکه‌های هویت شناختی، اجتماعی در دانشجویان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۵۷-۷۲.
<https://www.magiran.com/volume/97746>
- سادا ژاندرون، ژولی. (۱۳۸۲). *تساهل در تاریخ اندیشه غرب* (ترجمه عباس باقری). تهران: نشر نی.
- فارسی، ویدا. (۱۳۹۰). *بررسی میزان برخورداری کتاب‌های تعلیمات دینی دوره راهنمایی از مؤلفه‌های مدارا* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، ایران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی
- کانرتون، پل. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی انتقادی* (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: انتشارات اختران.
- مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی* (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه انسانی. (۱۳۹۸). *آمارنامه شهر اصفهان*. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- Berggren, N. & Nilsson, T. (2014). Globalization and the Transmission of Social Values: The Case of Tolerance. *Research Institute of Industrial Economics*. 43 (2), 371-389. 1-38.
<https://doi.org/10.1016/j.jce.2015.02.005>
- Corcoran, K. E. & Pettinicchio, D. & Robbins, B. (2012). Religion And the Acceptability of white-collar crime: Across-National Analysis, *Journal for the scientific study of Religion*. 51 (3),542-567.
<https://www.jstor.org/stable/41681810>

- Kokarevich, M. N. & Sizova, N. Z. (2015). Model of Tolerance of Intercultural Communication. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. (166), 621- 625.

<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.584>

- Mutz, D. (2002). Cross-cutting social networks: testing democratic theory in practice. *American political science review*, 96(1), 26-111.

<https://www.jstor.org/stable/3117813>

- Nizah, M. A. M. (2015). On Malaysia's ethnic tolerance: A study of two cities. *Research Journal of Applied Sciences*, 10(8), 294-297.

<https://doi.org/10.36478/rjas.2015.294.297>

- Phelps, E. (2004). *White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, New York University.
- Voget, W. P. (1997). *Tolerance and education: Learning to live with diversity and difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.

نحوه ارجاع به مقاله:

کرمانشاهی، معصومه. هاشمی فر، سیدعلی. و وحید، فریدون. (۱۴۰۲). بررسی و تبیین پدیده تحمل اجتماعی در فضای اجتماعی شهر اصفهان. توسعه پایدار شهری، ۴(۱۰)، ۱۰۳-۱۲۳.



DOI: 10.22034/USD.2023.706327



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.10.6.9

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_706327.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



OPEN ACCESS

Received: 13/05/2023

Accepted: 17/06/2023

Describing the State of Social Tolerance in the Social Space of Isfahan

Masoome Kermanshahi¹, Seyed Ali Hashemianfar^{2*}, Fereydoun Vahida³

Abstract: Urban social life is a mixture of cultures, religions, and ethnicities. On the other hand, due to the ever-expanding social relationships, tolerating differences and nonconformities has become a critical matter. Social tolerance, in conjunction with concepts such as respect and acceptance of diversity, is a tool for regulating the interactions of people and different groups with each other. Anything that has the potential to improve social relations will lead to improved quality of life and social health, guiding society to realize the goals of sustainable development. Based on the theories of Durkheim, Adorno, and Horkheimer, the present study aimed to describe the various social factors affecting social tolerance among citizens of Isfahan, Iran. Subsequently, 461 individuals from the target population were selected by stratified sampling utilizing the G*Power software. The collected data from the questionnaires were then analyzed using SPSS 22. The results showed a direct and significant relationship between religiosity (0.308) and cultural intelligence (0.383) with social tolerance. On the other hand, variables of authorities (-0.250) and stereotype (-0.151) showed a significant, inverse relationship with social tolerance.

Keywords: Urban Life, Religiosity, Social Tolerance, Cultural Intelligence, Authoritarianism.

¹ PhD student, Department of Cultural Sociology, Faculty of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehghan, Iran.

^{2*} Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran; Corresponding Author, [Email:seyedalhashemianfar@yahoo.com](mailto:seyedalhashemianfar@yahoo.com)

³ Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan, Isfahan, Iran.

In The Name Of God

Instructions to Contributors

- The quarterly Journal of Urban Sustainable Development publishes scientific papers in research area of architecture, urban planning & design and multidisciplinary studies on urban sustainable development.
- Submitted articles should have neither been previously published nor be under consideration elsewhere.
- Articles should be written in Persian and in compliance with the principles and punctuation of the language.
- The editorial boards reserve the right to accept or reject any article after reviewed by reviewers.
- The sole responsibility for views and statements expressed in the article remains with the author(s).
- The journal has the right in publishing, accepting, rejecting or editing the content of articles. Received articles will not be returned.
- Papers must be the results of the author(s) research (Research Paper).
- Papers should contain title, authors information, abstract, keywords, introduction, methods, research body including a variety of topics, conclusion, endnotes and references.
- The first page should include the name of the author(s), affiliation, address, telephone, fax and e-mail of author(s). Also, if the article is extracted from a research project or dissertation, the title of research project or dissertation and colleagues' names should be mentioned in first page. The second page should have no name of affiliation of the author(s), and only contain title, abstract and keywords in Persian.
- The title should be short, clear, and relevant to the text.
- Three to five keywords related to the text and the title of the article should be written immediately after the Abstract.
- Papers should have Persian and English abstract. The abstract should include problem statement, purpose, research methods, research subjects, important findings and results. This section should alone represent the whole article, and especially the results. The Persian and English abstracts should be about 250-300 words.
- To type text of paper and subtitles, BZar font in size 12 should be used.
- In the absence of comprehensive Persian equivalent for foreign words, it should be written in Persian and the original English word brought as endnote in Times New Roman font, size 10.
- Number of pages of a paper should be about 15 to 20 (with inserting page numbers), with 1 cm line spacing, and the margin of pages should be of the top 3 cm, bottom 2 cm and 2.5 cm for each side.
- Referencing style is based on the American Psychological Association (APA) guidelines.
- Conclusion of writing must be logical and useful for highlighting discussions and presenting findings.
- In the Acknowledgments section, will give thanks to guidance and contributions of others in short.
- Footnotes (terms, equivalent words, description and etc.) should be numbered sequentially in the text and brought at the end of each page.
- List of references must be written in alphabetical order at the end of the article.
- If the paper has more than one author, the authors must define a person as representative as corresponding author to the journal office.

Attention:

- The file of Instructions to Contributors is available at usdjournal.daneshpajooohan.ac.ir; furthermore, authors can communicate via the journal email, journal@daneshpajooohan.ac.ir, for more information.



Journal of Urban Sustainable Development

Vol. 4, No. 10, Spring 2023

License Holder: Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute

Director-in-Charge: Dr. Amir Masoud Samani Majd

Editor-in-Chief: Dr. Fatemeh Mehdizadeh Saradj

Editorial Board (in alphabetical order)

Dr. Seyyed Mahdi Abtahi, Associate Professor, Isfahan University of Technology

Dr. Seyyed Saeid Eslamian, Professor, Isfahan University of Technology

Dr. Alireza Ghari Ghoran, Associate Professor, Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute

Dr. Fatemeh Mehdizadeh Saradj, Professor, Iran University of Science and Technology

Dr. Seyyed Kamal Mirtalaei, Professor, Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute

Dr. Ramtin Moeini, Associate Professor, Isfahan University

Dr. Mahin Nastaran, Associate Professor, Art University of Isfahan

Dr. Hamidreza Pourzamani, Professor, Isfahan University of Medical Sciences

Dr. Amir Masoud Samani Majd, Associate Professor, Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute

Reviewers (in alphabetical order)

Dr. Hamid Dehghani

Dr. Hosein Ghanouni

Dr. Mansour Haghightian

Dr. Arezoo Hosseini

Dr. Leila Jalal Abadi

Dr. Mojdeh Jamshidi

Dr. Safoora Mokhtarzadeh

Dr. Hajar Naseri

Dr. Mahdi Nilipour

Dr. Mohsen Raffieian

Dr. Reihane-alsadat Sajad

Dr. Sharifeh Sargolzaei

Dr. Hadi Tayebnia

Dr. Shiva Torabi

Manager: Eng. Maryam Taefnia

Executive Director: Dr. Narges Ghodsi

Layout: Mahboubeh Rastegarpanah

Graphic: Narges Dayani Dardashti

Publishing Coordinator: Mandana Moradi

Persian Editor: Dr. Sayede Razieh Anvari

English Editor: Eng. Maryam Taefnia

Address: Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute, Mofatteh Intersection, Keshavarz Boulevard, Esfahan, Iran.

Tel: (+98) 31 37779914- EXT:309

Fax: (+98) 31 37779915

Web: usdjournal.daneshpajoohan.ac.ir

Email: journal@daneshpajoohan.ac.ir

TABLE OF CONTENTS

Explanation of Good Governance Factors in Shiraz	1
Ehsan Heidarzadeh, Mojtaba Arasteh, Elnaz Rafiee	
Feasibility Study and Implementation of Pedestrian Walkway with an Emphasis on TND Approach (Case Study: Modares Street at Kermanshah)	17
Mahin Nastaran, Arezou Jamshidi Sheikhabadi, Mojtaba Lorzangeneh	
Planting Design and Wayfinding for University Campus: Space Syntax as a Landscape Design Assessment Tool	37
Masoomeh Charousaei, Mohsen Faizi, Mehdi Khakzand	
Evaluation and Analysis of Factors Affecting the Development of Coastal Tourism (Study Case: Manjil Coastal City)	53
Farzaneh Dehghani Gishi, Soude Noormohammadi, Milad Babayi Elyasi, Narjes Sadat Barakbaf	
A Comparative Comparison of the Spatial Quality of Commercial Street Sidewalks with an Emphasis on Women's Comfort (Case Study: Mossadegh Street and Nobahar Street, Kermanshah)	71
Faezeh Taheri sarmad	
Describing the state of social tolerance in the social space of Isfahan	103
Masumeh Kermanshahi, Seyed Ali Hashemianfar, Fereydoun Vahida	



Journal of Urban Sustainable Development

- ◆ **Explanation of Good Governance Factors in Shiraz** 1
Ehsan Heidarzadeh, Mojtaba Arasteh, Elnaz Rafiee

- ◆ **Feasibility Study and Implementation of Pedestrian Walkway with an Emphasis on TND Approach** (Case Study: Modares Street at Kermanshah) 17
Mahin Nastaran, Arezou Jamshidi Sheikhabadi, Mojtaba Lorzangeneh

- ◆ **Planting Design and Wayfinding for University Campus: Space Syntax as a Landscape Design Assessment Tool** 37
Masoomah Charousaei, Mohsen Faizi, Mehdi Khakzand

- ◆ **Evaluation and Analysis of Factors Affecting the Development of Coastal Tourism** (Study Case: Manjil Coastal City) 53
Farzaneh Dehghani Gishi, Soude Noormohammadi, Milad Babayi Elyasi, Narjes Sadat Barakbaf

- ◆ **A Comparative Comparison of the Spatial Quality of Commercial Street Sidewalks with an Emphasis on Women's Comfort** (Case Study: Mossadegh Street and Nobahar Street, Kermanshah) 71
Faezeh Taheri sarmad

- ◆ **Describing the state of social tolerance in the social space of Isfahan** 103
Masumeh Kermanshahi, Seyed Ali Hashemianfar, Fereydoun Vahida